عمدة الكلام

في أحاديث الأحكام

جلد اول

تاليف مصباح

عمدة الكلام

في أحاديث الأحكام

Presented by: https://jafrilibrary.org

عنوان کتاب: عمده الکلام فی أحادیث الأحکام

تألیف: مصباح

موضوع: بیان احکام بر مبنای روایات

جلد: اول

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: ۲۰ صفر ۱۴۴۲ قمری

Presented by: https://jafrilibrary.org

« فهرست مطالب »

مقدمهٔ اول

وجوب طلب علم و تفقه در دین

آیات:

« **فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ** » اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.[۱]

روایات:

۱). رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: « **طلب العلم فريضة على كل مسلم، ألا إن الله يحب بغاة العلم** » طلب علم بر هر مسلمانی واجب است ، همانا خدا دانشجویان را دوست دارد.[۲]

۲). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **أيها الناس اعلموا أن كمال الدين طلب العلم والعمل به، ألا وإن طلب العلم أوجب عليكم من طلب المال، إن المال مقسوم مضمون لكم، قد قسمه عادل بينكم، وضمنه وسيفي لكم، والعلم مخزون عند أهله، وقد امرتم بطلبه من أهله فاطلبوه** » مردم بدانید کمال دین طلب علم و عمل بدانست ، بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم تر است زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده عادلی (که خداست) آن را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده و بشما می رساند ولی علـم نزد أهلش نگهداشته شـده و شما

---

[۱] سوره نحل، آیه۴۳.

[۲] کافی، ج۱، ص۱۶، ح۱.

مأمورید که آن را از اهلش طلب کنید ، پس آن را بخواهید.[١]

٣). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **طلب العلم فريضة** » طلب علم واجب است.[٢]

۴). همچنین فرمودند: « **عليكم بالتفقه في دين الله ولا تكونوا أعرابا فإنه من لم يتفقه في دين الله لم ينظر الله إليه يوم القيامة ولم يزك له عملا** » بر شما باد که در دین خدا آگاهی پیدا کنید و دانشمند شوید و (مانند) صحراگردان نباشید زیرا آنکه در دین خدا دانشمند نشود خدا روز قیامت به او توجه نکند و عملش را پاکیزه نشمارد.[٣]

۵). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **لوددت أن أصحابي ضربت رؤوسهم بالسياط حتى يتفقهوا** » می خواهم با تازیانه بر سر اصحابم بزنند تا دین را خوب بفهمند.[٤]

۶). شخصی به امام صادق عليه السلام گفت: « **جعلت فداك رجل عرف هذا الامر، لزم بيته ولم يتعرف إلى أحد من إخوانه؟ قال: فقال: كيف يتفقه هذا في دينه؟** » قربانت گردم مردی است که امر امامت را شناخته و در خانه نشسته و با هیچ یک از برادران دینیش آشنائی ندارد. فرمودند: این مرد چگونه دینش را میفهمد؟.[٥]

٧). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **اذا أراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين** » چون خدا خیر بنده ای خواهد او را در دین دانشمند می کند.[٦]

٨). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **الكمال كل الكمال التفقه في الدين، والصبر على النائبة وتقدير المعيشة** » کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شـدن در دین و صبـر در بلا و اقتصاد

---

[١] کافی، ج١، ص١۶، ح۴.

[٢] کافی، ج١، ص١۶، ح٢.

[٣] کافی، ج١، ص١۶، ح٧.

[٤] کافی، ج١، ص١٧، ح٨.

[٥] کافی، ج١، ص١٧، ح٩.

[٦] کافی، ج١، ص١٧، ح٣.

در زندگی است.[١]

٩). بشیر دهان گوید: « **قال أبوعبدالله عليه السلام لا خير فيمن لا يتفقه من أصحابنا يا بشير ! إن الرجل منهم إذا لم يستغن بفقهه احتاج إليهم فإذا احتاج إليهم أدخلوه في باب ضلالتهم وهو لا يعلم** » حضرت صادق عليه السلام فرمودند: هر یک از اصحاب ما که فهم دین ندارد خیری ندارد، ای بشیر هر مردی از ایشان که از نظر فهم دین بی نیاز نباشد بدیگران نیاز پیدا میکند و چون به آنها نیازمند شد او را در گمراهی خویش وارد کنند و او نفهمد.[٢]

١٠). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا يسع الناس حتى يسألوا ويتفقهوا ويعرفوا إمامهم. ويسعهم أن يأخذوا بما يقول وإن كان تقية** » مردم در فراخی و گشادگی نیستند مگر اینکه بپرسند و بفهمند و امام خویش را بشناسند و بر آنها رواست که به آنچه امام گوید عمل کنند اگر چه از روی تقیه باشد.[٣]

١١). رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: « **اف لرجل لا يفرغ نفسه في كل جمعة لامر دينه فيتعاهده ويسأل عن دينه** » اف بر مردیکه خود را در هر روز جمعه (هفته ای یک روز) برای امر دینش آماده نکند تا با آن تجدید عهد کند و از دینش سؤال کند.[٤]

١٢). امیرالمومنین عليه السلام در سفارش های خود به محمد بن حنفیه رحمه الله فرمودند: « **یا بنی اقبل من الحكماء مواعظهم وتدبر أحكامهم، وكن آخذ الناس بما تأمر به وأكف الناس عما تنهى عنه، وامر بالمعروف تكن من أهله، فان استتمام الامور عندالله تبارك وتعالى الامر بالمعروف والنهى عن المنكر، وتفقه في الدين فإن الفقهاء ورثة الانبياء، ان الانبياء لم يورثوا دينارا ولا درهما ولكنهم ورثوا العلم، فمن أخذ منه أخذ بحظ وافر** »

---

[١] کافی، ج١،ص١٧، ح۴.

[٢] کافی، ج١،ص١٧، ح۶.

[٣] کافی، ج١، ص٢٢،ح۴.

[٤] کافی، ج١، ص٢٢، ح۵.

فرزند عزیزم ، پندهای حکیمان را بپذیر ، و در احکامشان تدبّر کن ، و بیش از سایر مردم اوامر خود را به کار بند ، و افزون از سایر مردم از ارتکاب آنچه نهی کرده ای خودداری کن و مردم را به کار پسندیده بفرمای تا خود از اهل آن باشی ، زیرا بکمال رسیدن امور نزد خداوند تبارک و تعالی با امر بمعروف و نهی از منکر است . حقایق و معارف دین را بیاموز ، و در این باره تفقّه کن ، زیرا فقیهان و دانشمندان وارثان پیمبرانند . پیمبران دینار و درهمی به ارث ننهاده‌اند ، بلکه میراث علم را بجای گذاشته‌اند ، از این رو کسی که از این میراث بهره ای ببرد ، حظّی وافر و بهره ای عظیم بدست آورده است.[1]

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۲۸۲، ح۵۸۳۴.

مقدمهٔ دوم

وجوب اتباع از قرآن و عمل به آن

آیات :

« **وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلاَّ لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ** » ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برای آنان توضیح دهی و آن برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.[1]

« **كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ* بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ** » (قرآن) کتابی است که آیات آن به روشنی بیان شده قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند* بشارتگر و هشداردهنده است و(لی) بیشتر آنان رویگردان شدند در نتیجه (چیزی را) نمی‌شنوند.[2]

« **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ** »کسانی که به این قرآن چون بدیشان رسیـــد کفر ورزید

---

[1] سوره نحل، آیه۶۴.

[2] سوره فصلت، آیه ۳و۴.

(به کیفر خود می‌رسند) و به راستی که آن کتابی ارجمند است* از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید و نازل شده است از حکیمی ستوده.[۱]

روایات:

۱۳). رسول خداﷺ فرمودند: « **أنا أول وافد على العزيز الجبار يوم القيامة وكتابه وأهل بيتي ثم امتي، ثم أسألهم ما فعلتم بكتاب الله وبأهل بيتي** » من نخستین کسی هستم که روز قیامت بر خدای عزیز جبار وارد شوم با کتابش و اهل بیتم ، سپس امتم (وارد شوند) پس از ایشان بپرسم چه کردید با کتاب خدا و اهل بیت من.[۲]

۱۴). همچنین آن حضرتﷺ فرمودند: « **أيها الناس إنكم في دار هدنة وأنتم على ظهر سفر والسير بكم سريع وقد رأيتم الليل والنهار والشمس والقمر يبليان كل جديد ويقربان كل بعيد ويأتيان بكل موعود فأعدوا الجهاز لبعد المجاز. فقام المقداد بن الاسود فقال: يا رسول الله وما دار الهدنة؟ قال: دار بلاغ و انقطاع فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن فإنه شافع مشفع وما حل مصدق ومن جعله أمامه قاده إلى الجنة ومن جعله خلفه ساقه إلى النار وهو الدليل يدل على خير سبيل وهو كتاب فيه تفصيل وبيان وتحصيل وهو الفصل ليس بالهزل وله ظهر وبطن فظاهره حكم وباطنه علم، ظاهره أنيق وباطنه عميق، له نجوم وعلى نجومه نجوم لاتحصى عجائبه ولا تبلى غرائبه فيه مصابيح الهدى ومنار الحكمة ودليل على المعرفة لمن عرف الصفة فليجل جال بصره وليبلغ الصفة نظره، ينج من عطب ويتخلص من نشب فإن التفكر حياة قلب البصير، كما يمشي المستنير في الظلمات بالنور، فعليكم بحسن التخلص وقلة التربص** »

ای مردم شما اکنون در دنیا و خانهء سازش و صلح هستید و شما در سر راه سفر هستید و بشتاب شما را خواهند برد ، و شما می نگرید که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه ای را کهنه

---

[۱] سوره فصلت، آیه۴۱ و۴۲.

[۲] کافی، ج۲، ص۳۳۲،ح۴.

كنند و هر دوری را نزديك سازند و هر وعده ای را بسر رسانند ، پس اسباب و وسائل زيادی فراهم كنيد برای اينكه گذرگاه درازی در پيش است .

پس مقداد بن اسود ﷺ برخاست و عرض كرد : ای رسول خدا خانه سازش يعنی چه ؟

فرمودند: خانه ای كه رساننده است (انسانی را بگور رساند ، يا در آن خانه كردار نيک ذخيره شود برای رسيدن بمنزلهای آخرت) و جداكننده (يعنی انسان را از علائق دنيا جدا كند) پس هر گاه آشوبها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن رو آوريد (و بدان چنگ زنيد) زيرا آن است شفيعی كه شفاعتش پذيرفته است (در باره‌ء كسی كه بدان عمل كند) و گزارش دهنده است از بديها كه گفته اش (در باره آن كس كه بدان عمل نكرده) تصديق شده است ، هر كه آن را پيشوای خود كرد ببهشتش رهبری كند وهر كه (از آن پيش افتد) وآن را پشت سر خود قرار دهد بدوزخش كشاند ، و قرآن راهنمائی است كه به بهترين راهها راهنمائی كند ، وكتابی است كه در آنست تفصيل و بيان و تحصيل (بدست آوردن حقائق) وآنست جداكننده (ميان حق وباطل) شوخی وسرسری نيست برای آن ظاهری است وباطنی ، پس ظاهرش حكم و دستور است وباطنش علم و دانش ، ظاهرش جلوه وزيبائی دارد و باطنی ژرف وعميق است ستارگانی دارد وستارگانش هم ستارگانی دارد شگفتی هايش بشماره در نيايد وعجائبش كهنه نگردد ، در آنست چراغهای هدايت ، وجايگاه نور حكمت و راهنمای معرفت است برای آن كس كه بشناسد صفات را پس بايد شخص تيز بين دقت نظر كند و دقت نظر را تا بدرک صفت آن ادامه دهد كه نجات بخشد آن كس را كه بهلاكت افتاده ، و رهائی بخشد آن را كه راه رهائی ندارد ، زيرا انديشيدن است كه زندگانی دل بينا است ، چنانچه آنكه جـويای روشنـــی اسـت در تاريكيها بوسيله‌ء نور راه را بيمايد ، بر شما باد كه نيكو برهيد وكم انتظار بريد.[١]

١٥) . اميرالمومنين عليه السلام در وصيتی به محمد بن حنفيه رحمه الله فرمــودنـــد: « **وعليك بقراء ة القرآن**

---

[١] كافی، ج٢،ص٣٣١،ح٢.

والعمل بما فيه ولزوم فرائضه وشرائعه وحلاله وحرامه وأمره ونهيه والتهجد به وتلاوته في ليلك و نهارك فانه عهد من الله تبارك وتعالى إلى خلقه فهو واجب على كل مسلم أن ينظر كل يوم في عهده ولو خمسين آية، واعلم أن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فاذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن: اقرأ وارق، فلا يكون في الجنة بعد النبيين والصديقين أرفع درجة منه » و بر تو باد به خواندن قرآن ، و عمل به محتوای آن ، و ملتزم بودن بفرائض و شرایعش، و حلالش و حرامش ، و امرش و نهیش ، و شب زنده داری با آن و تلاوتش در شب و روزت ، زیرا که آن پیمانی از جانب خدای تبارك و تعالی بسوی خلق او است ، و از این رو بر هر مسلمانی واجب است که هر روز در پیمان خود بنگرد ، اگر چه با خواندن پنجاه آیه باشد. و بدان که درجات بهشت بشماره آیات قرآنست ، پس چون روز قیامت فرا رسد ، بقاری قرآن میگویند: بخوان و صعود کن ، پس بعد از پیمبران و صدیقین بلند مقامتر از او در بهشت وجود نمی دارد.[۱]

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۳۹۹،ح۳۲۱۵.

مقدمهٔ سوم

وجوب اتباع از پیامبر و حجیت سنت آن حضرت

آیات :

« **قُلْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَالرَّسُولَ فإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ الْكَافِرِينَ** » بگو از خدا و پیامبر اطاعت کنید پس اگر روی گرداندید قطعا خداوند کافران را دوست ندارد.[1]

« **وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ** » و از خدا وپیامبرش اطاعت کنید اگر ایمان دارید.[2]

« **مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا** » آنچه پیامبر به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت باز ایستید.[3]

« **مَّنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللّهَ وَمَن تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا** » هرکس از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هرکه روی برتابد (حسابش با ماست) ما تو را بر آنان نگهبان نفرستادیم.[4]

---

[1] سوره آل عمران، آیه۳۲.

[2] سوره انفال، آیه ۱.

[3] سوره حشر، آیه۷.

[4] سوره نساء، آیه۸۰.

« **قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّهُ غَفُورٌ رَّحِيم** »
ای پیامبر بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشاید و خداوند آمرزنده مهربان است.[۱]

روایات :

۱۶). حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: « **أوحى الله تعالى إلى محمد ﷺ إني خلقتك و لم تك شيئا ونفخت فيك من روحي كرامة مني أكرمتك بها حين أوجبت لك الطاعة على خلقي جميعا، فمن أطاعك فقد أطاعني ومن عصاك فقد عصاني وأوجبت ذلك علي وفي نسله، ممن اختصصته منهم لنفسي** » خدای تعالی به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله وحی کرد که: ای محمد! من ترا آفریدم ، در حالی که هیچ نبودی و از روح خود در تو دمیدم ، برای شرافتی که از خود نسبت به تو قائل شدم ، زمانی که اطاعت ترا بر همه خلقم واجب ساختم ، پس هر که ترا فرمانبرد، مرا فرمان برده. و هر که نافرمانی تو کند، نافرمانی من کرده است. وآن اطاعت را نیز درباره علی و نسلش ، آنهائی را که بخود مخصوص نمودم (یازده فرزند معصوم او) واجب ساختم .[۲]

۱۷). حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: « **من خالف كتاب الله وسنة محمد ﷺ فقد كفر** » کسی که با قرآن و سنت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مخالفت کند کافر است.[۳]

۱۸). امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: « **إن أفضل الاعمال عند الله ما عمل بالسنة وإن قل** » شریف ترین اعمال نزد خدا عمل به سنت است اگر چه کم باشد.[٤]

۱۹). ابان بن تغلب گوید: از امام باقر علیه‌السلام مسأله‌ای پرسیده شد و حضرت پاسخ فرمود، مرد

---

[۱] سوره آل عمران ، آیه۳۱.

[۲] کافی، ج۱،ص۲۷۹،ح۴.

[۳] کافی، ج۱، ص۴۱، ح۶.

[٤] کافی، ج۱، ص۴۱، ح۷.

سائل گفت: فقها چنين نگويند.

حضرت فرمودند: « **يا ويحك وهل رأيت فقيها قط؟! إن الفقيه حق الفقيه الزاهد في الدنيا، الراغب في الآخرة، المتمسك بسنة النبي** ﷺ » واى بر تو! تو هرگز فقيهى ديده‌اى؟ فقيه حقيقى، زاهد در دنيا، مشتاق آخرت، چنگ زننده به سنت پيامبر ﷺ است.[١]

٢٠). رسول الله ﷺ فرمودند: « **لا قول إلا بعمل، ولا قول ولا عمل إلا بنية، ولا قول ولا عمل ولا نية إلا بإصابة السنة** » هيچ گفتارى جز با كردار ارزش ندارد و هيچ گفتار و كردارى جز با نيت ارزش ندارد هيچ گفتار و كردار و نيتى جز با موافقت سنت ارزش ندارد.[٢]

٢١). امام رضا عليه السلام فرمودند: « **لا قول إلا بعمل ولا عمل إلا بنية ولا نية إلا باصابة السنة** » هيچ گفتارى جز با كردار ارزش ندارد، و هيچ كردارى جز با نيت ارزش ندارد و هيچ نيتى جز با موافقت با سنت ارزش ندارد.[٣]

٢٢). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **ما من أحد إلا وله شرة وفترة، فمن كانت فترته إلى سنة فقد اهتدى ومن كانت فترته إلى بدعة فقد غوى** » هر كسى را جوشش و آرامشيست، آنكه آرامشش به سوى سنت باشد هدايت شده و آنكه آرامشش بسوى بدعت باشد گمراه گشته است.[٤]

---

[١] كافى، ج١، ص٤١، ح٨.

[٢] كافى، ج١، ص٤١، ح٩.

[٣] تهذيب الاحكام، ج٤، ص٢٤٩، ح١٠٣.

[٤] كافى، ج١، ص٤١، ح١٠.

مقدمۀ چهارم

وجوب اتباع از ائمه اطهار علیهم السلام

آیات :

« **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ** » اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و والیان امر از خودتان را.[۱]

« **إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون** » ولی شما خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده و نماز می گذارند و در حال رکوع صدقه میدهند.[۲]

روایات :

۲۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **ذروة الامر وسنامه ومفتاحه وباب الاشياء ورضا الرحمن تبارك وتعالى الطاعة للامام بعد معرفته** » بلندی و کوهان و کلید و در همه چیز و خرسندی خدای رحمان تبارک و تعالی اطاعت امام بعد از معرفت و شناخت اوست.[۳]

---

[۱] سوره نساء، آیه۵۹.

[۲] سوره مائده، آیه۵۵.

[۳] کافی، ج۱، ص۱۰۸،ح۱.

۲۴). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **نحن قوم فرض الله طاعتنا وأنتم تأتمون بمن لا يعذر الناس بجهالته** » ما خانواده گروهی هستیم که خدا اطاعت ما را واجب کرده و شما پیروی میکنید از کسی که مردم بنادانی او معذور نیستند.[۱]

۲۵). امام باقر علیه‌السلام در باره قول خدای عز و جل « **وَآتَيْنَاهُم مُّلْكًا عَظِيمًا** » و به آنها ملک بزرگی بخشیدیم[۲] فرمودند: مقصود اطاعت آنهاست که بر مردم واجب است .[۳]

۲۶). امام صادق علیه‌السلام فرموده اند: « **أشرك بين الاوصياء و الرسل في الطاعة** » وجوب اطاعت میان اوصیاء و پیغمبران مشترک است (و بر امت است که از هر دو طایفه اطاعت کنند).[٤]

۲۷). همچنین فرمودند: ما گروهی باشیم که خدای عز و جل اطاعت ما را واجب کرده، انفال (غنیمت در جنگ) از ماست و برگزیده از مال (اشیاء نفیس جنگی) به ما اختصاص دارد ما راسخون در علم هستیم و حسدبرده شدگان که خدا فرماید: « **أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ** » بلکه مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده حسد می‌ورزند.[٥][٦]

۲۸). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **نحن الذين فرض الله طاعتنا، لا يسع الناس إلا معرفتنا ولا يعذر الناس بجهالتنا، من عرفنا كان مؤمنا، ومن أنكرنا كان كافرا، ومن لم يعرفنا ولم ينكرنا كان ضالا حتى يرجع إلى الهدى الذي افترض الله عليه من طاعتنا الواجبة فإن يمت على ضلالته يفعل الله به ما يشاء** » مائیم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته ، مردم راهی جز

---

[۱] کافی، ج۱، ص۱۰۸،ح۳.

[۲] سوره نساء، آیه۵۴.

[۳] کافی، ج۱، ص۱۰۹،ح۴.

[٤] کافی، ج۱، ص۱۰۹، ح۵.

[٥] سوره نساء، آیه۵۴.

[٦] کافی، ج۱، ص۱۰۹، ح۶.

معرفت ما ندارند و بر نشناختن ما معذور نباشند. هر که ما را شناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و کسی که نشناسد و انکار هم نکند گمراهست تا زمانی که بسوی هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت حتمی ماست برگردد و اگر به همان حال گمراهی بمیرد خدا، هر چه خواهد با او کند.[۱]

۲۹). حسین بن ابی العلاء به امام صادقعليه السلام عرض کرد: « **الاوصياء طاعتهم مفترضة؟** » اوصیاء پیامبر اطاعتشان واجب است؟

حضرت فرمودند: بلی ایشانند که خدای عز و جل در باره آنها فرموده: « **إطيعوا الله و أطيعوا الرسول واولي الامر منكم** » اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و صاحبان امر خودتان را. [۲] و ایشانند که خدا در باره آنان فرموده: « **إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون** » ولی شما خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده و نماز میگذارند و در حال رکوع صدقه میدهند.[۳][۴]

۳۰). امام صادقعليه السلام فرمودند: « **حديثي حديث أبي، وحديث أبي حديث جدي، وحديث جدي حديث الحسين، وحديث الحسين حديث الحسن، وحديث الحس حديث أمير المؤمنين** عليه السلام **وحديث أمير المؤمنين حديث رسول الله وحديث رسول الله قول الله عزوجل** » حدیث من حدیث پدرم است و حدیث پدرم حدیث جدم و حدیث جدم حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن و حدیث حسن حدیث امیر المؤمنین و حدیث امیر المؤمنین حدیث رسول خدا و حدیث رسول خدا گفتار خدای عز و جل.[۵]

---

[۱] کافی، ج۱،ص۱۰۹،ح۱۱.

[۲] سوره نساء، آیه۵۹.

[۳] سوره مائده، آیه۵۵.

[۴] کافی، ج۱، ص۱۱۱،ح۱۶.

[۵] کافی، ج۱، ص۳۱، ح۱۴.

۳۱). رسول الله ﷺ به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **یا علی انت وصیي أوصيت اليك بأمر ربی، وانت خليفتی استخلفتك بأمر ربی، يا علی انت الذی تبين لامتی ما يختلفون فيه بعدی، وتقوم فيهم مقامی قولك قولی، وامرك امری، وطاعتك، طاعتی، وطاعتی طاعة الله، ومعصيتك معصيتی ومعصيتی معصية الله عزوجل** » یا علیّ، تو وصیّ منی ، من تو را بفرمان پروردگارم به وصایت خود برگزیدم ، و تو خلیفهء منی که تو را به فرمان خدا خلیفه ساختم . یا علیّ ، تو کسی هستی که موارد اختلاف امّت مرا پس از من مبین و روشن میسازی ، و بحلّ آن همت می گماری ، و در جمع ایشان قائم مقام منی، قول تو قول من ، و فرمان تو فرمان من ، و طاعت تو طاعت من ، و طاعت من طاعت خدا ، و نافرمانی تو نافرمانی من ، و نافرمانی من نافرمانی خدا عزّ و جلّ است.[1]

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۴،ص۱۳۶، ح۵۴۰۵.

مقدمهٔ پنجم

وجوب رجوع به قرآن و سنت و اینکه همه حلال و حرام و احتیاجات مردم در قرآن یا سنت موجود است

آیات :

« **وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ** » و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی است و هدایت و رحمت و مژده ای برای مسلمانان است.[1]

« **مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ** » (قرآن) سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.[2]

روایات:

۳۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى أنزل في القرآن تبيان كل شئ حتى والله ما ترك الله شيئا يحتاج إليه العباد، حتى لا يستطيع عبد يقول: لـو كان هـذا انزل في**

---

[1] سوره نحل، آیه۸۹.

[2] سوره یوسف، آیه۱۱۱.

القرآن؟ إلا وقد أنزله الله فيه » خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که به خدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده و تا آنجا که هیچ بنده ای نتواند بگوید ای کاش این در قرآن آمده بود جز آنکه خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است.[۱]

۳۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **ان الله تبارك وتعالى لم يدع شيئا يحتاج إليه الامة إلا أنزله في كتابه وبينه لرسوله صلى الله عليه وآله وجعل لكل شئ حدا وجعل عليه دليلا يدل عليه، وجعل على من تعدى ذلك الحد حدا** » خدای تبارک و تعالی چیزی از احتیاجات امت را وانگذاشت جز آنکه آن را در قرآنش فرو فرستاد و برای رسولش بیان فرمود و برای هر چیز اندازه و مرزی قرار داد و برای رهنمائی آن رهبری گماشت و برای کسی که از آن مرز تجاوز کند کیفری قرار داد.[۲]

۳۴). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **ما من شئ إلا وفيه كتاب أو سنة** » چیزی نیست جز آنکه در باره اش آیه قرآن یا حدیثی هست.[۳]

۳۵). همچنین فرمودند: « **ما من أمر يختلف فيه اثنان إلا وله أصل في كتاب الله عزوجل ولكن لا تبلغه عقول الرجال** » هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر داشته باشند جز آنکه برای آن در کتاب خدا ریشه و بنیادی است ولی عقل های مردم به آن نمی رسد.[٤]

۳۶). امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **كل شئ في كتاب الله وسنة نبيه** » همه چیز در کتاب خدا و سنت پیغمبرش می باشد.[٥]

---

[۱] کافی، ج۱، ص۳۵،ح۱.

[۲] کافی، ج۱، ص۳۵،ح۲.

[۳] کافی، ج۱، ص۳۵،ح۴.

[٤] کافی، ج۱، ص۳۵،ح۶.

[٥] کافی، ج۱،ص۳۶،ح۱۰.

مقدمهٔ ششم

عدم حجیت قیاس، رأی، اجتهاد، وحرمت فتوای دادنـد و عمل بـه آن در احکام و مذمت تقلید

آیات :

« وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَى مَا أَنزَلَ اللّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُواْ حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلاَ يَهْتَدُونَ » و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید می‌گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند؟[1]

« أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لاَّ يَهِدِّي إِلاَّ أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ » آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه (خود) هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید.[2]

« وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْـوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِـنَ الْكِتَابِ وَمَا هُـوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ اللّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ اللّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ » و

---

[1] سوره مائده، آیه۱۰۴.

[2] سوره یونس، آیه۳۵.

از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به (خواندن) کتاب می پیچانند تا آن را از کتاب پندارید با اینکه آن از کتاب نیست و می‌گویند آن از جانب خداست در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان می‌دانند.[۱]

« **وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللّهُ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ** » و آنان که طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری نکنند، هم اینانند که کافرانند.[۲]

« **قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلاَلًا قُلْ آللّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللّهِ تَفْتَرُونَ** » بگو به من خبر دهید آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده (چرا) بخشی از آن را حرام و (بخشی را)حلال گردانیده‌اید بگو آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید.[۳]

« **وَلاَ تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلاَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُواْ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ لاَ يُفْلِحُونَ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** » برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد مگویید این حلال است و آن حرام تا بر خدا دروغ بندید زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند* ایشان راست (اندک بهره‌ای در دنیا ولی در آخرت) برایشان عذابی پر درد است.[٤]

« **وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ** » و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند رو سیاه می‌بینی آیا جای سرکشان در جهنم نیست.[٥]

---

[۱] سوره آل عمران، آیه۷۸.

[۲] سوره مائده، آیه ۴۴.

[۳] سوره یونس، آیه۵۹.

[٤] سوره نحل، آیه۱۱۶و۱۱۷.

[٥] سوره زمر ،آیه۶۰.

« **اتَّخَذُواْ أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُواْ إِلاَّ لِيَعْبُدُواْ إِلَهًا وَاحِدًا لاَّ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ** » اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند با آنکه مامور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست منزه است او از آنچه با وی شریک می گردانند.[1]

« **فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ** » پس اگر تو را اجابت نکردند بدان که فقط هوس های خود را پیروی می‌کنند و کیست گمراه‌تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند بی تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی کند.[2]

روایات :

۳۷). ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه: « **اتَّخَذُواْ أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ** » اینان علما و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت گرفتند.[3] پرسیدم؟ حضرت فرمودند: « **أما والله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم، ولو دعوهم ما اجابوهم، ولكن أحلوا لهم حراما، وحرموا عليهم حلالا فعبدوهم من حيث لا يشعرون** » به خدا سوگند که علما و راهبان مردم را به عبادت خویش نخواندند و اگر هم می خواندند آنها نمی پذیرفتند ولی حرام خدا را برای آنها حلال و حلالش را حرام کردند ، بنا بر این آنها ندانسته و نفهمیده عبادت ایشان کردند.[4]

۳۸). همچنین امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شـــریفه: « **اتَّخَذُواْ أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابَ**

---

[1] سوره توبه، آیه۳۱.

[2] سوره قصص، آیه۵۰.

[3] سوره توبه، آیه۳۱.

[4] کافی، ج۱، ص۳۱،ح۱.

مِّن دُونِ اللّهِ » اینان علما و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت گرفتند. فرمودند: « **والله ما صاموا لهم ولا صلوا لهم ولكن أحلوا لهم حراما وحرموا عليهم حلالا فاتبعوهم** » بخدا برای آنها روزه نگرفتند و نماز نگزاردند بلکه برایشان حرام را حلال و حلال را حرام ساختند و ایشان هم پذیرفتند.[۱]

۳۹). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **ان أصحاب المقائيس طلبوا العلم بالمقائيس فلم تزدهم المقائيس من الحق إلا بعدا وإن دين الله لا يصاب بالمقائيس** » قیاس کنندگان علم را از راه قیاس جستند و قیاس جز دوری از حق بر آنها نیفزود ، همانا دین خدا با قیاس درست نمی شود.[۲]

۴۰). امام کاظم عليه السلام فرمودند: « **من نظر برأيه هلك، ومن ترك أهل بيت نبيه ضل، ومن ترك كتاب الله وقول نبيه كفر** » کسی که به رأی و نظر خویش توجه کند هلاک شود و هر که خانواده پیغمبرش را رها کند گمراه گردد و کسی که قرآن و گفتار پیغمبرش را رها کنـد کافر گردد.[۳]

۴۱). ابوبصیر گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام: ترد علينا أشياء ليس نعرفها في كتاب الله ولا سنة فننظر فيها؟ فقال: لا، أما إنك إن أصبت لم تؤجر، وإن أخطأت كذبت على الله عز وجل** » به امام صادق عليه السلام عرض کردم مطالبی برای ما پیش می آید که حکمش را از قرآن نمی فهمیم و حدیثی هم نداریم که در آن نظر کنیم (می توانیم به رأی یا قیاس عمل کنیم ؟) فرمودند: نه، زیرا اگر درست رفتی پاداش نداری و اگر خطا کنی بر خدا دروغ بسته ای.[٤]

۴۲). عثمان بن عیسی گوید از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام راجع به قیاس پرسیدم.

---

[۱] کافی، ج۱، ص۳۱،ح۳.

[۲] کافی، ج۱، ص۳۳، ح۷.

[۳] کافی، ج۱، ص۳۳، ح۱۰.

[٤] کافی، ج۱،ص۳۳،ح۱۱.

فرمودند: « **مالكم والقياس إن الله لا يسأل كيف أحل وكيف حرم** » شما را با قیاس چکار ؟ از خدا پرسش نشود چگونه حلال و چگونه حرام کرده است.[1]

۴۳). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: « **من نصب نفسه للقياس لم يزل دهره في التباس، ومن دان الله بالرأي لم يزل دهره في ارتماس** » هر که خود را بر کرسی قیاس نشاند همیشه عمرش در اشتباه است و کسی که به رأی خود خداپرستی کند همیشهء عمر در باطل فرو رفته است.[2]

۴۴). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **من أفتى الناس برأيه فقد دان الله بما لا يعلم، ومن دان الله بما لا يعلم فقد ضاد الله حيث احل وحرم فيما لا يعلم** » کسی که به رأی خویش به مردم فتوی دهد ندانسته خداپرستی کرده است و آنکه ندانسته خداپرستی کند مخالفت خدا نموده چون که آنچه را ندانسته حلال و حرام کرده است.[3]

۴۵). ابوحنیفه بر امام صادق عليه السلام وارد شد. حضرت فرمودند: « **يا أبا حنيفة ! بلغني أنك تقيس؟ قال: نعم قال: لا تقس فإن أول من قاس إبليس حين قال: خلقتني من نار وخلقته من طين، فقاس ما بين النار والطين، ولو قاس نورية آدم بنورية النار عرف فضل ما بين النورين، وصفاء أحدهما على الآخر** » ای ابو حنفیه به من خبر رسیده که تو قیاس می کنی؟ گفت آری. فرمودند: قیاس مکن زیرا نخستین کسی که قیاس کرد شیطان بود، آنگاه که گفت: مرا از آتش آفریدی و آدم را از خاک ، او بین آتش و خاک قیاس کرد و اگر نورانیت آدم را با نورانیت آتش قیاس می کرد امتیاز میان دو نور و پاکیزگی یکی را بر دیگری می فهمید.[4]

۴۶). قتیبه گوید مردی از امام صادق عليه السلام مسأله ای پرسید و حضرت جوابش داد سپس گفت: به رأی شما اگر چنین و چنان باشد جوابش چیست ؟

---

[1] کافی، ج۱،ص۳۴،ح۱۶.

[2] کافی، ج۱،ص۳۴،ح۱۷.

[3] کافی، ج۱،ص۳۴،ح۱۷.

[4] کافی، ج۱، ص۳۴،ح۲۰.

فرمودند: « **مه ما أجبتك فيه من شئ فهو عن رسول الله ﷺ لسنا من أرأيت في شئ** » خاموش باش ، هر جوابی که من بتو میدهم از قول رسول خدا ﷺ است ، ما از خود رأی و نظری نداریم.[1]

۴۷). ابو العباس گوید: « **سألت أبا عبدالله ؑ عن أدنى مايكون به الانسان مشركا، قال: فقال: من ابتدع رأيا فأحب عليه أو أبغض عليه** » از حضرت صادق ؑ پرسیدم: از کمترین چیزی که انسان بدان مشرک شود ؟ فرمودند : هر که رأیی را بدعت گذارد چه بواسطه آن محبوب گردد، و چه بدان واسطه مبغوض شود.[2]

۴۸). امیر المؤمنین ؑ فرمودند: «**لانسبن الاسلام نسبة لاينسبه أحد قبلي ولا ينسبه أحد بعدي إلا بمثل ذلك: إن الاسلام هو التسليم والتسليم هو اليقين واليقين هو التصديق والتصديق هو الاقرار، والاقرار هو العمل، والعمل هو الاداء، إن المؤمن لم يأخذ دينه عن رأيه ولكن أتاه من ربه فأخذه، إن المؤمن يرى يقينه في عمله والكافر يرى إنكاره في عمله، فوالذي نفسي بيده ما عرفوا أمرهم، فاعتبروا إنكار الكافرين والمنافقين بأعمالهم الخبيثه** » نسبتی برای اسلام بیان کنم که کسی جز من نکرده باشد و پس از من هم کسی جز بمانند من بیان نکند: همانا اسلام همان تسلیم است و تسلیم همان یقین و یقین همان تصدیق و تصدیق همان اقرار و اقرار همان عمل و عمل همان اداء. همانا مؤمن دینش را از رأیش نگرفته ، بلکه از جانب پروردگارش آمده و از او گرفته است، همانا مؤمن یقینش در عملش دیده میشود و کافر هم انکارش در عملش دیده می شود، قسم به آن که جانم در دست اوست که آنها امر دین خود را نشناختند ، پس شما انکار کافران و منافقان را از کردارهای پلیدشان تشخیص دهید.[3]

۴۹). امام صادق ؑ فرمودند: « **أنهاك عن خصلتين فيهما هلاك الرجال: أنهاك أن**

---

[1] کافی، ج۱، ص۳۵،ح۲۱.

[2] کافی، ج۲،ص۲۲۲،ح۲.

[3] کافی، ج۲،ص۳۲،ح۱.

تدين الله بالباطل، وتفتي الناس بما لا تعلم » تو را باز می دارم از دو صفت که هلاک مردان در آن است ، باز می دارمت از اینکه با روش باطلی دینداری کنی و ندانسته به مردم فتوی دهی.[۱]

۵۰). حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: «**إياك وخصلتين ففيهما هلك من هلك: إياك أن تفتي الناس برأيك أو تدين بما لا تعلم** » از دو صفت بپرهیز که هر کس هلاک شد از آن جهت بود: بپرهیز از اینکه طبق رأی و نظر خویش به مردم فتوی دهی یا به آنچه نمی دانی عقیده دینی پیدا کنی.[۲]

۵۱). حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: « **من أفتى الناس بغير علم ولا هدى لعنته ملائكة الرحمة، وملائكة العذاب، ولحقه وزر من عمل بفتياه** » هر که ندانسته و هدایت نشده به مردم فتوی دهد فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت کنند و گناه آنکه به فتوایش عمل کند دامن گیرش شود.[۳]

۵۲). امام صادق علیه‌السلام ضمن وصیت خود به شیعیان فرمودند: « **أيتها العصابة المرحومة المفلحة إن الله أتم لكم ما آتاكم من الخير واعلموا أنه ليس من علم الله ولا من أمره أن يأخذ أحد من خلق الله في دينه بهوى ولا رأي ولا مقائيس قد أنزل الله القرآن وجعل فيه تبيان كل شئ وجعل للقرآن ولتعلم القرآن أهلا لا يسع أهل علم القرآن الذين آتاهم الله علمه أن يأخذوا فيه بهوى لا رأي ولا مقائيس أغناهم الله عن ذلك بما آتاهم من علمه وخصهم به ووضعه عندهم كرامة من الله أكرمهم ها وهم أهل الذكر الذين أمر الله هذه الامة بسؤالهم** »

ای گروه مورد رحمت و رستگاری براستی که خدا کامل کرده برای شما آن خیری را که به شما عطا فرموده، و بدانید که از علم خدا و دستورش این نیست که کسی از خلق او در دین خود

---

[۱] کافی، ج۱،ص۲۳،ح۱.

[۲] کافی، ج۱، ص۲۳،ح۲.

[۳] کافی، ج۱، ص۲۴،ح۳.

هوای نفس و رأی و قیاس را میزان بگیرد چون که خداوند قرآن را نازل فرمود و بیان هر چیز را در آن قرار داد و برای آموختنش کسانی را مقرر فرمود و آنان که علم قرآن را بدانها داده نمی توانند از روی میل و سلیقه و قیاس و نظر خود در احکام آن رفتار کنند و خداوند آنان را بوسیلهء دانشی که به آنها داده و بدان مخصوصشان داشته و در نزد آنها سپرده است (از رأی و سلیقه و قیاس) بی نیازشان ساخته و این از روی احترامی بوده که خداوند آنها را بدان گرامی داشته ، و ایشانند اهل ذکر که خدا این امت را ببرسش از آنان مأمور ساخته است.

سپس فرمودند: « **وقد عهد إليهم رسول الله ﷺ قبل موته فقالوا: نحن بعد ما قبض الله عزوجل رسوله يسعنا أن نأخذ بما اجتمع عليه راى الناس بعد ما قبض الله عزوجل رسوله و بعدعهده الذي عهده إلينا وأمرنا به مخالفا لله ولرسوله فما أحد أجرأ على الله ولا أبين ضلالة ممن أخذ بذلك وزعم أن ذلك يسعه والله إن لله علي خلقه أن يطيعوه ويتبعوا أمره في حياة محمد ﷺ وبعد موته هل يستطيع أولئك أعداء الله أن يزعموا أن أحدا ممن أسلم مع محمد ﷺ أخذ بقوله و رأيه ومقائيسه؟ فإن قال: نعم، فقد كذب على الله وضل ضلالا بعيدا وإن قال: لا، لم يكن لاحد أن يأخذ برأيه وهواه ومقائيسه فقد آقر بالحجة على نفسه وهو ممكن يزعم أن الله يطاع ويتبع أمره بعد قبض رسول الله ﷺ** ».

در صورتی که رسول خدا ﷺ پیش از مرگش به آنها اشاره کرده بود ولی آنها گفتند: پس از رفتن رسول خدا ما می توانیم بر طبق آنچه آراء مردم بدان قرار گرفت رفتار کنیم با اینکه خدای عز و جل رسول خدا را از ما گرفت و به آن سفارشی که آن حضرت به ما فرمود و آن دستوری که به ما داده اگر چه این کار مخالف با دستور خدا و رسول او باشد ، براستی که چه شخصی بر خدا دلیرتر و گمراهیش آشکارتر از آن کسی است که این رویه را پیشه کرده و به خیال خود پندارد که می تواند چنین کاری بکند. به خدا سوگند که خدا را بر مخلوق خود حقی است که فرمان او را ببرند و از دستورش پیروی کنند چه در زمان حیات محمد ﷺ و چه پس از مرگش ، این دشمنان خدا آیا می توانند چنین پندارند که أحدی از کسانی که با محمد ﷺ اسلام آوردند

به گفتار خود و رأی و قیاس عمل کرده ؟ اگر در پاسخ بگویند : آری که حتما بر خداوند دروغ بسته و بجایگاه دوری گمراه گشته‌اند و اگر بگویند: نه ، پس کسی را نرسیده که به رأی و دلخواه و قیاس های خویش رفتار کند ، و در این صورت اینان بر علیه خود اقرار کرده و ملزم گشته‌اند و در زمره‌ء کسانی در آیند که معتقدند بایستی پس از مرگ رسول خدا ﷺ نیز از فرمان خدا پیروی و اطاعت کرد.

آنگاه فرمودند: « **كما لم يكن لاحد من الناس مع محمد ﷺ أن يأخذ بهواه ولا رأيه ولا مقائيسه خلافا لامر محمد ﷺ فكذلك لم يكن لاحد من الناس بعد محمد ﷺ أن يأخذ بهواه ولا رأيه ولا مقائيسه. ثم قال: واتبعوا آثار رسول الله و سنته فخذوا بها ولا تتبعوا أهواء كم وآراء كم فتضلوا فإن أضل الناس عند الله من اتبع هواه ورأيه بغير هدى من الله** »

هم چنان که هیچ یک از مردم را نرسیده که با بودن محمد ﷺ به دلخواه و رأی و قیاس های خود بر خلاف گفته‌ء محمد ﷺ رفتار کند پس از مرگ آن حضرت نیز کسی را نرسیده که بر طبق دلخواه و رأی و قیاسات خود عمل بنماید. سپس فرمودند: از آثار رسول خدا ﷺ و سنت او پیروی کنید و از هوای نفس و آراء خود پیروی نکنید که گمراه شوید، زیرا گمراه ترین مردم در پیشگاه خدا آن کسی است که از هوای نفس و رأی خود بدون راهنمائی خدا پیروی کند.[۱]

۵۳). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **إياك أن تنصب رجلا دون الحجة، فتصدقه في كل ما قال** » پرهیز از اینکه مردی را بدون دلیل به پیشوائی برگزینی و هر چه گوید تصدیقش کنی.[۲]

۵۴). امام جواد عليه السلام فرمودند: « **من أصغى إلى ناطق فقد عبده فإن كان الناطق يؤدي عن الله عزوجل فقد عبدالله وإن كان الناطق يؤدي عن الشيطان فقد عبد الشيطان** » کسی که به سخن شخصی گوش دهد او را عبادت کرده، پس از گوینده از خدا بگوید او خدا را پرستیده

---

[۱] کافی، ج۸،ص۵،ح۱.

[۲] کافی، ج۲،ص۱۷۳،ح۵.

است و اگر گوینده از زبان ابلیس بگوید، پس او ابلیس را پرسیده است.[1]

[1] کافی ،ج۶، ص۲۷۲،ح۲۴.

مقدمهٔ هفتم

وجوب احتياط در دين و توقف نزد شبهات

آيات :

« **وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ** » و در باره هر چيزى اختلاف پيدا كرديد داوريش به خدا (ارجاع مى‌گردد) چنين خدايى پروردگار من است بر او توكل كردم و به سوى او بازمى‌گردم.[1]

« **فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ** » پس هر گاه در امرى اختلاف نظر يافتيد آن را به خدا و پيامبر (او) ارجاع دهيد اگر ايمان داريد.[2]

« **وَإِذَا جَاءهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُواْ بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُوْلِي الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ** » و چون خبرى از ايمنى يا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پيامبر و اولياى امر خود ارجاع كنند قطعا از ميان آنان كسانى‌اند كه (مى توانند درست و نادرست) آن را دريابند.[3]

---

[1] سوره شورى، آيه١٠.

[2] سوره نساء، آيه٥٩.

[3] سوره نساء، آيه٨٣.

روایات:

۵۵). رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: « **الامور ثلاثة: امر تبين لك رشده فاتبعه، وامر تبين لك غيه فاجتنبه، وأمر اختلف فيه فرده إلى الله عزوجل** » کارها بر سه گونه است : کاری که رشد و صلاحش برای تو آشکار شده است، پس از آن پیروی کن، و کاری که گمراهیش برای تو آشکار شده است، پس از آن اجتناب کن، و کاری که در باره آن اختلاف کرده‌اند، پس آن را به خداوند عزّ و جلّ باز گذار (و احتیاط کن).[1]

۵۶). عبدالرحمان بن حجاج گوید: از امام کاظم عليه السلام سوال کردم: دو نفر مُحرم شکار کرده اند، آیا کفاره به عهده هر دو نفر آنها است یا هر یک جدا گانه کفاره بپردازند؟ فرمودند: بر هر دو کفاره است و هر دو این ها مرتکب گناه شده اند. عرض کردم: بعضی از اصحاب ما از این مسئله از من سوال می کردند و من حکم آن را نمی دانستم. فرمودند: « **إذا أصبتم مثل هذا فلم تدروا فعليكم بالاحتياط حتى تسألوا عنه فتعلموا** » هرگاه مثل این مسئله پیش آمد و حکم آن را نمی دانستید، بر شما باد به احتیاط، تا آن را سوال کنید و بدانید.[2]

۵۷). عبدالله وضاح گوید: «**كتبت إلى العبد الصالح** عليه السلام **يتوارى القرص ويقبل الليل ثم يزيد الليل ارتفاعا وتستتر عنا الشمس وترتفع فوق الجبل حمرة ويؤذن عندنا المؤذن فاصلي حينئذ وافطر إن كنت صائما؟ أو انتظر حتى تذهب الحمرة التي فوق الجبل؟ فكتب إلي أرى لك أن تنتظر حتى تذهب الحمرة وتأخذ بالحايطة لدينك** » محضر امام کاظم عليه السلام نوشتم: خورشید پشت کوه پنهان می شود و شب بالا می آید و آفتاب از ما پوشیده می شود، سرخی از سر کوه بالا می آید، موذنی که نزد ماست اذان می گوید، آیا در این هنگام نماز بخوانم و اگر روزه باشم، افطار کنم، یا منتظر بمانم تا سرخی از بین برود؟ پس حضرت نوشتند: به نظـر

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۴،ص۲۹۳،ح۵۸۵۸.

[2] کافی، ج۴،ص۲۲۶،ح۱. تهذیب الاحکام، ج۵، ص۵۱۷، ح۲۷۷.

من منتظر بمان تا سرخی برطرف شود، در مورد دینت احتیاط کن.[1]

۵۸). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **الوقوف عند الشبهة خير من الاقتحام في الهلكة، وتركك حديثا لم تروه خير من روايتك حديثا لم تحصه** » توقف در نزد شبهه بهتر است از به هلاکت افتادن و واگذاردنت حدیثی را که روایت آن برایت ثابت نشده بهتر است از روایت کردنت حدیثی را که بر آن احاطه نداری.[2]

۵۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا يسعكم فيما ينزل بكم مما لا تعلمون إلا الكف عنه والتثبت والرد إلى أئمة الهدى حتى يحملوكم فيه على القصد ويجلوا عنكم فيه العمى، و يعرفوكم فيه الحق، قال الله تعالى: "فاسئلوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون** » در اموری که با آن مواجه می شوید و حکمش را نمی دانید وظیفه ای جز باز ایستادن و درنگ کردن و ارجاع دادن آن را به ائمه هدی علیهم السلام ندارید، تا ایشان شما را بر اعتدال (راه راست) وادارند و گمراهی را از شما بردارند و حق را بشما بفهمانند خدای تعالی فرموده: « **فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ** » اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.[3][4]

۶۰). هشام می گوید : « **قلت لابي عبدالله علیه السلام: ما حق الله على خلقه؟ فقال: أن يقولوا ما يعلمون، ويكفوا عما لا يعلمون، فإذا فعلوا ذلك فقد أدوا إلى الله حقه** » به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق خدا بر مردمان چیست ! فرمودند: اینکه آنچه دانند بگویند و از آنچه ندانند باز ایستند، چون چنین کنند حق خدا را به او پرداخته‌اند.[5]

۶۱). زرارة گوید: « **سألت أبا جعفر علیه السلام ما حق الله على العباد؟ قال: أن يقولوا ما يعلمون**

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۲۷۶،ح۶۸ . الاستبصار ،ص۱۵۱،ح۱۳.
[2] کافی، ج۱،ص۲۸،ح۹.
[3] سوره نحل، آیه۴۳.
[4] کافی، ج۱،ص۲۹،ح۱۰.
[5] کافی، ج۱،ص۲۹،ح۱۲.

و يقفوا عند ما لا يعلمون » از امام باقر عليه السلام پرسيدم: حق خدا بر بندگان چيست ؟ فرمودند: آنچه مى دانند بگويند و از آنچه نمى دانند باز ايستند.[١]

---

[١] كافى، ج١، ص٢۴،ح٧.

« احکام طهارت »

پاک بودن و پاک نمودن آب

آیات :

« **وَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً** » و ما از آسمان آبی پاک و پاک کننده فرو فرستادیم.[۱]

« **وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ** » و از آسمان آبی بر شما فرو می فرستد تا بدان شما را پاکی و پاکیزگی بخشد.[۲]

روایات :

۶۲). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **کل ماء طاهر إلا ما علمت أنه قذر** » هر آبی پاک است مگر اینکه خود بدانی که ناپاک است (یعنی علم و یقین حاصل کنی).[۳]

۶۳). عبدالله بـن سنان گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم از آب دریا که آیا پاک کنندهٔ است؟ فرمودند: بله.[٤]

---

[۱] سوره فرقان، آیه۴۸.

[۲] سوره انفال، آیه ۱۱.

[۳] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۴ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۲۸.

[٤] کافی، ج۳، ص۵، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۲۸.

۶۴). حضرت صادق عليه السلام در حدیثی فرمودند: « **ان الله تعالى جعل التراب طهورا كما جعل الماء طهورا** » خداوند تعالی خاک را پاک کننده ساخته همانگونه که آب را پاک کننده قرار داده است.[۱]

۶۵). ابی بکر حضرمی می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن ماء البحر أطهور؟ قال: نعم** » از امام صادق پرسیدم: آیا آب دریا پاک کننده است؟ فرمودند: بله.[۲]

۶۶). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام در مورد آب دریا پرسیدم که آیا می توان با آن وضو گرفت؟

فرمودند: (بله) اشکالی ندارد.[۳]

۶۷). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: « **الماء كله طاهر حتى يعلم أنه قذر** » همهٔ آب ها پاک اند، مگر آنکه ناپاکی آنها دانسته شود.[٤]

۶۸). همچنین حضرتش فرمودند: « **كان بنو إسرائيل إذا أصاب أحدهم قطرة بول قرضوا لحومهم بالمقاريضوقد وسع الله عزوجل عليكم بأوسع ما بين السماء و الارض وجعل لكم الماء طهورا فانظروا كيف تكونون** » بنی اسرائیل را چنین رسم بوده که چون به یکی از آنان قطره‌ای بول می رسید گوشت های خود را با قیچی می بریدند، در صورتی که خداوند عزّ و جلّ کار را بر شما امّت به توسّط احکامی که وسعت آن باندازهٔ فاصلهٔ زمین تا آسمان است، آسان ساخته، آب را برایتان پاک کننده قرار داده است. حال بنگرید که چگونه‌اید؟.[٥]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۶۰

[۲] کافی، ج۳، ص۵.

[۳] قرب الاسناد،ص۸۴.

[٤] کافی، ج۳، ص۵.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹.

اقسام آبها

۱ــ آب کر

آب کُرّ اندازه مشخص از آبی است که با ملاقات نجاست، نجس نمی گردد. مگر آنکه بو یا رنگ یا طعم آن به وسیله نجاست تغییر کند.

۶۹). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **إذا كان الماء قدر كر لم ينجسه شئ** » هرگاه آب به اندازه کر باشد، چیزی آن را نجس نمی کند.[1]

۷۰). محمد بن مسلم گفت: « **سألت ابا عبدالله عليه السلام عن الماء الذي تبول فيه الدواب وتلغ فيه الكلاب ويغتسل فيه الجنب؟ قال: إذا كان الماء قدر كر لم ينجسه شئ** » از امام صادق عليه السلام در مورد آبی که چهارپایان در آن ادرار کنند، سگ ها از آن بخورند و فرد جنب در آن غسل کند پرسیدم؟ حضرت فرمودند: هرگاه آب به اندازه کر باشد، چیزی آن را نجس نمی کند.[2]

۷۱). ابوبصیر گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الكر من الماء كم يكون قدره؟ قال: إذا كان الماء ثلاثة أشبار ونصف في مثله ثلاثة أشبار ونصف في عمقه في الارض فذلك الكر من الماء** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم که آب کر چه مقدار است؟ فرمودند: هرگاه محیط آبی که مساحت آن سه وجب و نیم، و عمقش نیز سه وجب و نیم باشد، آن آب کر است.[3]

۷۲). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **كلما غلب الماء على ريح الجيفة فتوضأ من الماء واشرب فاذا تغير الماء أو تغير الطعم فلا توضأ منه ولا تشرب** » هر زمانی که قلبه کرد آب بر بوی جیفه

[1] کافی، ج۳،ص۵ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۲. الاستبصار ،ص۷.

[2] کافی، ج۳،ص۵ . من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۷. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۲ / الاستبصار ،ص۷.

[3] کافی، ج۳، ص۶. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۴. الاستبصار، ص۹.

(مردار) از آن آب وضو بگیر و بخور و زمانی که آب تغییر پیدا کرد (بو و رنگ آن) یا تغییر پیدا کرده طعم آن از آن وضو نگیر و نیاشام.[۱]

۷۳). عبد اللّه بن سنان گوید: من در خدمت امام صادق علیه السلام بودم. مردی، از حضرتش در مورد گودالی که در آن مرداری افتاده، پرسید؟

فرمودند: هرگاه آب بر بوی آن چیره باشد و در آن بویی نباشد، از آن وضو بگیر.[۲]

۲ــ آب قلیل

آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و مقدار آن از کر کمتر باشد. مانند آبی که در کوزه یا ظرف یا آفتابه ای باشد، آب قلیل با ملاقات نجاست، نجس می گردد. و اخباری بر آن دلالت می کند.

۷۴). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی است که خون دماغ شده و مقداری از آن خون به صورت لخته های کوچک در آمده و به ظرفش می رسد، آیا او می تواند در آن ظرف وضو بگیرد؟

فرمودند: « **إن لم يكن شئ يستبين في الماء فلا بأس وإن كان شيئا بينا فلا يتوضأ منه** » اگر چیزی در آب محسوس و آشکار نباشد، اشکالی ندارد، ولی اگر چیزی واضع بود، نباید از آن وضو بگیرد.[۳]

بیان: یعنی اگر به برخورد نمودن خون با آب شک داشت، وضو اشکالی ندارند، ولی اگر یقین دارد نباید وضو بگیرد.

۷۵). همچنین گوید: « **وسألته عن رجل رعف وهو يتوضأ فيقطر قطرة في إنائه هل يصلح**

---

[۱] کافی، ج۳،ص۶،ح۳ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۲۹،ح۸.

[۲] کافی، ج۳،ص۶،ح۴.

[۳] کافی، ج۳، ص۴۶،ح۱۶.

الوضوء منه؟ قال: لا » از امام کاظم عليه السلام پرسیدم از مردی که در حال وضو خون دماغ می شود، و قطره ای در ظرفش می چکد، آیا می تواند از آن وضو بگیرد؟ فرمودند: نه.[1]

۷۶). از امام صادق عليه السلام پرسیده شد: آبی (قلیلی) که ماکیان (مرغ خانگی) از آن نوشیده حکمش چیست ؟

فرمودند: « **إن كان في منقارها قذر لم يتوضأ منه ولم تشرب، وإن لم يعلم في منقارها قذر توضأ منه واشرب** » اگر میدانی که در منقار او نجاستی بوده، از آن وضو مساز ، و میاشام و چنانچه معلوم نباشد که در منقارش از نجاست چیزی بوده میتوانی وضو گرفته و بیاشامی .[2]

۷۷). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **كل شئ من الطير توضأ ممايشرب منه إلا أن ترى في منقاره دما فإن رأيت في منقاره دما فلا توضأ منه ولا تشرب** » از پس خورده هر پرنده ای می توان وضو گرفت، مگر آنکه بر منقارش خون دیده شود، پس اگر بر روی منقارش خونی دیدی، از پس خورده آن وضو مگیر و میاشام.[3]

٣ـ آب جاری

آب جاری آبی است که بر اثر باران بر روی زمین جاری شود، همچنین به آب چشمه و قنات نیز اطلاق می شود. مقدار آن گرچه از کُرّ کمتر باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر پیدا نکند نجس نمی گردد.

۷۸). از امام صادق عليه السلام پرسیده شده از شخصی که در آب جاری بول می کند؟

فرمودند: « **لا بأس به إذا كان الماء جاريا** » اشکالی ندارد مادامی که آب جاری باشد.[4]

---

[1] کافی، ج۳، ص۴۶،ح۱۶.

[2] من لايحضره الفقيه ،ج۱، ص۱۹،ح۱۸.

[3] کافی، ج۳، ص۹، ح۵ . تهذيب الاحكام، ۲۴۲،ح۴۳ . الاستبصار، ص۱۷،ح۱.

[4] تهذيب الاحكام، ج۱، ص۴۶،ح۵۹ . الاستبصار ،ص۱۰،ح۱.

۷۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا بأس أن يبول الرجل في الماء الجاري** » اشکالی ندارد اینکه مردی در آب جاری بول کند.[۱]

۸۰). همچنین فرمودند: «**لا بأس بالبول في الماء الجاري** » اشکالی ندارد بول نمودن در آب جاری.[۲]

۴ـ آب باران

آب باران با برخود نجاسات نجس نمی شود، مگر آنکه رنگ و بو یا مزه آن تغییر کند. و اگر بر فرش و لباسی نجس یا همانند این ها ببارد، پاک می شود.

آیات :

« **وَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً** » و ما از آسمان آبی پاک و پاک کننده فرو فرستادیم.[۳]

« **وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ** » و از آسمان آبی بر شما فرو می فرستد تا بدان شما را پاکی و پاکیزگی بخشد .[٤]

روایات :

۸۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: «**كل شئ يراه ماء المطر فقد طهر** » هر چیزی که آب باران به آن بخود پاک می شود.[٥]

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۶، ح۶۰. الاستبصار، ص۱۱،ح۲.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۶۴، ح۶۱ . الاستبصار ،ص۱۱، ح۳.

[۳] سوره فرقان، آیه۴۸.

[٤] سوره انفال، آیه ۱۱.

[٥] کافی، ج۳، ص۱۱،ح۳.

۸۲). امام صادق عليه السلام در مورد دو ناودانی که از یکی از آنان بول و از دیگری باران جاری است، و این دو با هم مخلوط شده به لباس فردی می خورد، فرمودند: « **لم يضره ذلك** » ضرری بر او نمی رساند.[1]

۸۳). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لو أن ميزابين سالا، أحدهما ميزاب بول والآخر ميزاب ماء فاختلطا ثم أصابك ما كان به بأس** » اگر دو ناودان باشد و از آنها ادار و آب جاری شود، و باهم آمیخته شده و به لباس تو برسد، اشکالی ندارد.[2]

۸۴). هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام سؤال کرد : از بامی که بر روی آن بول می کنند و باران باریده و از زیر سقف قطره قطره می چکد و آنگاه به جامهء انسان اصابت می کند ، حکم آن چیست ؟ فرمودند : « **لا بأس به، ما أصابه من الماء أكثر منه** » اشکالی ندارد ، آب باران بر آن غلبه دارد.[3]

۸۵). و پرسیده شد : اگر بر زمینی که بول و نجاست و خون در آن است باران بارید و گل شد و از آن گل بجامه انسان برسد حکم آن چیست ؟

حضرت فرمودند : « **طين المطر لا ينجس** »گل باران نجس نمی کند.[4]

۸۶). عليّ بن جعفر از برادرش امام کاظم عليه السلام سؤال کرد: هر گاه بر بام خانه ای بول و یا غسل جنابت می نمایند و باران بر آن می بارد و آب از آن بام جاریست میتوان از آن آب برای نماز وضو ساخت ؟

فرمودند: « **إذا جرى فلا بأس به** » اگر آب جاریست ، اشکال ندارد.[5]

---

[1] کافی، ج۳، ص۱۱،ح۱. تهذیب الاحکام ،ج۱، ص۴۳۶،ح۱۴.

[2] کافی، ج۳، ص۱۱،ح۲.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۵،ح۴.

[4] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۶، ح۵.

[5] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۶،ح۶ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۳۶، ح۱۶.

۸۷). ایضا از آن حضرت علیه السلام سؤال کرد : از جایی که مشروبات الکلی ریخته شده در حالی که باران می بارد مردی بگذرد و از آن زمین به لباسش قطره ای اصابت کند آیا می تواند با آن لباس نماز بخواند (یا لباسش نجس شده و نمی تواند) ؟

حضرت فرمودند : « **لا يغسل ثوبه ولا رجله ويصلي فيه ولا بأس به** » نه لباسش را لازم است تطهیر کند و نه پایش را و همانطور نماز بجا آورد و باکی نیست .[1]

۵ـ آب چاه

آب چاه چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی که بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

آیات :

« **وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ** » و از آسمان آبی به اندازه (معین) فرود آوردیم و آن را در زمین جای دادیم.[2]

روایات :

۸۹). امام رضا علیه السلام فرمودند: « **ماء البئر واسع لا يفسده شئ إلا أن يتغير (به)** » آب چاه بسیار است و چیزی آن را فاسد نمی کند، مگر آنکه آب به وسیله نجاست تغییر یابد.[3]

۹۰). از امام صادق علیه السلام سؤال شد : اگر از چاهی آب کشیده و با آن وضو ساختند و یا جامه شستند و یا خمیر درست کردند، بعد معلوم شد در آن چاه حیوان مرده ای بوده حکم آن

---

[1] من لایحضره الفقیه ،ج۱، ص۱۷،ح۱۷. تهذیب الاحکام، ج۱،ص۴۴۳،ح۴۰.

[2] سوره مومنون، آیه۱۸.

[3] کافی، ج۳،ص۷،ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۴۸،ح۶۷۶ . الاستبصار، ص۲۱، ح۸ .

چیست ؟

حضـرت فرمودند:« **لا بأس ولا يغسل الثوب ولا تعاد منه الصلاة** » اشکالی ندارد ، نه لازم است لباس دوباره شسته شود و نه نمازی که با آن لباس خوانده شده اعاده گردد.[۱]

احکام تخلّی

آیات :

« **إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** » خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد.[۲]

« **فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ** » در آن مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می‌دارد.[۳]

روایات :

۹۱). امام صادق عليه السلام در ذیل آیه شریفه: « **إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** » فرمودند: «**كان الناس يستنجون بالكرسف والاحجار ثم أحدث الوضوء وهو خلق كريم فأمر به رسول الله صلى الله عليه وآله وصنعه وأنزل الله في كتابه " إن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين** » مردم با کهنه و سنگ ها خود را پاک می نمودند، سپس شستن با آب مرسوم شد که این عمل، کردار بزرگوانه است، رسول خدا صلى الله عليه وآله به آن امر فرمود و به آن عمل کرد و خداوند عزوجل در کتابش نازل نمود: خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد.[٤]

---

[۱] کافی، ج۳، ص۸،ح۱۲ . من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۰. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۴۸، ح۶۷۷. الاستبصار ص۲۱.

[۲] سوره بقره، آیه۲۲۲.

[۳] سوره توبه ، آیه۱۰۸.

[٤] کافی، ج۳، ص۱۵،ح۱۳.

۹۲). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:« **إذا اغتسل احدكم في فضاء من الارض فليحاذر على عورته** » هر گاه یکی از شما در مکان بی در و دیوار غسل می کند باید عورت خویش را از چشم دیگران حفظ نماید.

همچنین آن حضرت نهی فرمودند از اینکه مسلمانی به عورت مسلمانی دیگر نظر افکند، و فرمودند: « **من تامل عورة اخيه المسلم لعنه سبعون الف ملك، ونهى المرأة ان تنظر إلى عورة المرأ** » هر کس به عورت برادر مسلمانش چشم دوزد او را هفتاد هزار فرشته لعن کنند ، و نهی فرمود از اینکه زنی به عورت زن دیگر بنگرد.

همچنین فرمودند: « **من نظر إلى عورة إخيه المسلم أو عورة غير اهله متعمدا ادخله الله تعالى مع المنافقين الذين كانوا يبحثون عن عورات الناس ولم يخرج من الدنيا حتى يفضحه الله، الا ان يتوب** » هر کس به عورت برادر مسلمانش نظر افکند یا به عورت غیر همسرش از روی عمد بنگرد ، خداوند وی را داخل در زمرهء منافقین کند آنان که جستجو می کنند از عیوب مردم، و از دنیا بیرون نرود تا اینکه خداوند او را رسوا و مفتضح سازد مگر اینکه توبه کند.[1]

۹۳). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «**إذا دخلتم الغائط فتجنبوا القبلة** » هر گاه به قضاء حاجت در محلّش در آئید از نشستن رو به قبله یا پشت به قبله اجتناب کنید.[2]

۹۴). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از رو به قبله داشتن در هنگام بول و غایط.[3]

۹۵). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: « **إذا دخلت المخرج فلا تستقبل القبلة ولا تستدبرها ولكن شرقوا أو غربوا** » زمانی که داخل شدی به مخرج پس رو به قبله و پشت به قبله نکن، و به طرف مشرق و مغرب باش.[4]

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۵، ح۴۹۶۸.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۵، ح۴۹۶۸.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۹۵،ح۸۵۲.

[4] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶، ح۶۴ . الاستبصار، ص۲۹،ح۱.

۹۶). از امام مجتبی علیه السلام پرسیده شد: حدود (و آداب) بیت الخلاء رفتن، و قضای حاجت چیست ؟

آن حضرت فرمودند: « **لا تستقبل القبلة ولا تستدبر ها ولا تستقبل الريح ولا تستدربها** » رو به قبله مکن و پشت به آن نیز منشین ، رو بباد منشین و پشت بباد نیز مکن.[1]

مکان های که تخلّی در آن کراهت دارد

۹۷). رسول خدا علیه السلام فرمودند: « **من فقه الرجل أن يرتاد موضعا لبوله** » از فهم انسان است که برای ادرار خود، مکانی معین و مناسبی انتخاب کند.[2]

۹۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **قال رجل لعلي بن الحسين** علیهما السلام **أين يتوضأ الغرباء. قال: يتقى شطوط الانهار والطرق النافذة وتحت الاشجار المثمرة ومواضع اللعن. فقيل له: وأين مواضع اللعن؟ قال: أبواب الدور** » شخصی به امام سجّاد علیه السلام عرض کرد: غریبان (که خود خانه ندارند) کجا تجدید طهارت کنند؟ آن حضرت فرمودند: از کناره و گذرگاه نهرها و راه های آمد و شد و زیر درختان میوه دار یا میوه دهنده و محلّهای لعنت خودداری کنند.عرض کردند : منظور از محلّهای لعنت کجاست ؟ فرمود : در خانه یا مغازه های مردم.[3]

۹۹). رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: « **ثلاث خصال ملعون من فعلهن: المتغوط في ظل النزال والمانع الماء المنتاب وساد الطريق المسلوك** » سه ویژگی است که هرکه آنان را انجام دهد ملعون است: دفع مدفوع در محل فرود مسافران، مانع شدن از آب نوبتی و بستن راه رفت وآمد مردم.[4]

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۷،ح۴۷ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶، ح۶۵ . الاستبصار، ص۲۹، ح۲.

[2] کافی، ج۳، ص۱۳، ح۱.

[3] کافی، ج۳، ص۱۳، ح۲ . من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۷، ح۴۴ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۱، ح۷۸.

[4] کافی ،ج۳، ص۱۳، ح۶. من لایحضره الفقیه ، ج۱، ص۲۷،ح۴۵ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۲، ح۸۰.

۱۰۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نهی فرمودند از اینکه کسی زیر درخت میوه یا در میان راه عبور مردم بول کند.[۱]

وجوب استنجاء و بر طرف نمودن نجاست و سایر احکام آن

۱۰۱). ابن مغیره گوید: خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم: آیا طهارت و استنجاء حد و اندازه معینی دارد؟

فرمودند: « **لا، ینقی ماثمة** » نه، فقط آنچه که در آنجاست باید پاک شود.

گفتم: آنچه که آنجاست پاک می شود ولی بوی آن می ماند؟

فرمودند: «**الریح لا ینظر إلیه** » به بو اعتنایی نمی شود.[۲]

۱۰۲). حضرت رضا علیه السلام فرمودند: در استنجاء از غائط آنچه بر شکاف دبر ظاهر است شسته می شود و سر انگشت به درون آن نمی کنند.[۳]

۱۰۳). از امام صادق علیه السلام پرسیده شد از مردی که می خواهد طهارت بگیرد و استنجاء کند از کجا باید شروع کند، از مقعد یا آلت. فرمودند: مقعد سپس آلت.[٤]

۱۰۴). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا انقطعت درة البول فصب الماء** » هرگاه قطره های ادرار قطع شد، آب بریز.[٥]

۱۰۵). از امام صادق علیه السلام سؤال شد : هر گاه شخص بخواهد استنجا کند چگونه بنشیند؟

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۵، ح۴۹۶۸.

[۲] کافی، ج۳، ص۱۴،ح۹ . تهذیب الاحکام ،ج۱، ص۳۰، ح۷۵.

[۳] کافی، ج۳،ص۱۴،ح۳ . من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۳۱،ح۶۰. تهذیب الاحکام ،ج۱، ص۴۸. الاستبصار ، ص۳۲.

[٤] کافی ،ج۳، ص۱۳، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۰، ح۷۶.

[٥] کافی، ج۳، ص۱۴،ح۸ . تهذیب الاحکام، ج۱،ص۳۷۹، ح۱۰۶۵.

آن حضرت فرمود: همچنان که برای غایط می نشیند.[1]

۱۰۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله به یکی از زنان خود فرمود : زنان با ایمان را دستور ده که با آب استنجاء کنند و در این کار زیاد اصرار ورزند زیرا آب پاک کننده اطراف محلّ است و از بین برندهء بواسیر.[2]

۱۰۷). زراره گوید: روزی وضو گرفتم، ولی آلت خود را نشستم (فراموش کردم) و همان گونه نماز خواندم. پس از امام صادق عليه السلام در این باره پرسیدم.

فرمودند: « **اغسل ذكرك وأعد صلاتك**» آلت خود را بشوی و نمازت را اعاده کن.[3]

۱۰۸). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: « **يا معشر الانصار ان الله قد احسن عليكم الثناء فماذا تصنعون؟ قالوا نستنجي بالماء** » ای جماعت انصار خداوند شما را مدح فرموده مگر شما چه می کنید؟ گفتند: ما محل بول و غایط را با آب می شوییم.[4]

۱۰۹). امام باقر عليه السلام فرمودند: نماز نیست مگر با طهارت، و کفایت می کند در استنجاء غائط سه سنگ (یا کلوخ) سنت پیامبر صلى الله عليه وآله بر این جاری شده است، اما در بول چاره ای نیست جز شستن آن.[5]

۱۱۰). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:« **اذا استنجى أحدكم فليوتر بها وترا إذا لم يكن الماء** » زمانی که یکی از شما محل غائط را به سنگ پاک بکند، عدد سنگ طاق باشد، و این وقتی است که آب نباشد.[6]

---

[1] کافی، ج۳، ص۱۴، ح۱۱. من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۸،ح۵۴.

[2] کافی، ج۳، ص۱۵، ح۱۲. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۳۱،ح۶۲ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۴۷. الاستبصار، ص۳۲،ح۲.

[3] کافی، ج۳،ص۱۵،ح۱۴ . تهذیب الاحکام، ج۱،ص۵۰،ح۱۳۵. الاستبصار ،ص۳۲، ح۷.

[4] تهذیب الاحکام ، ج۱؛ ص۳۷۶، ح۱۰۵۲.

[5] ۲ تهذیب الاحکام، ج۱، ص۵۲، ح۱۴۴ . الاستبصار ، ص۳۴، ح۱۵.

[6] تهذیب الاحکام، ج۱،ص۴۷،ح۱۲۶ . الاستبصار، ص۳۲،ح۳.

بیان: این حدیث دلالت بر افضیلت و استحباب آب دارد.

۱۱۱). از امام صادق علیه‌السلام سوال شد از استنجاء با استخوان، سرکین و چوب.

حضرت فرمودند: « **لا يصلح بشئ من ذلك** » با این ها صلاح (درست) نیست.[۱]

۱۱۲). و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نهی فرمودند از استنجا با سرگین و استخوان.[۲]

۱۱۳). ابن ابی یعفور گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه‌السلام عن رجل بال ثم توضأ وقام إلى الصلاة فوجد بللا؟ قال: لا يتوضأ إنما ذلك من الحبائل** » از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: مردی بول می کند، سپس وضو می گیرد و به نماز می پردازد، سپس رطوبتی در خود می یابد. فرمودند: اعاده وضو لازم نیست زیرا این رطوبت از رگ های آلت است.[۳]

۱۱۴). صفوان گوید: خدمت امام رضا علیه‌السلام حاضر بودم که مردی از حضرتش پرسید: در نشیمنگاه من زخمی است. طهارت می سازم وضو می گیرم پس از آن، در بدن خود رطوبت و نمی زرد رنگ می یابم. آیا وضو را اعاده کنم؟

حضرت فرمودند: آیا خود را خوب پاک نموده ای؟ گفت: بلی.

فرمودند: « **لا ولكن رشه بالماء ولا تعد الوضوء** » اعاده وضو لازم نیست، ولی آن جا را با آب بشوی.[٤]

۱۱۵).حسین بن ابی علاء گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه‌السلام عن البول يصيب الجسد؟ قال: صب عليه الماء مرتين** » از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم از ادراری که بدن را نجس می کند؟ فرمودند: دو مرتبه بر آن آب بریز.[٥]

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۷۶، ح۱۰۵۳.

[۲] من لایحضر الفقیه، ج۴، ص۵،ح۴۹۶۸.

[۳] کافی، ج۳، ص۱۵،ح۲ . من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۰، ح۱۴۷.

[٤] کافی، ج۳، ص۱۵، ح۳ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۴۹،ح۱۳۱.

[٥] کافی، ج۳،ص۱۶،ح۷ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۸۵،ح۲۹۰.

مستحبات و مکروهات تخلّی

۱۰۶). از امام کاظم علیه السلام از چگونگی رفع حاجت پرسیدند.

حضرت فرمودند: رو به قبله و پشت به آن و روی به باد و پشت آن ننشینید.

و در حدیث دیگر آمده است: رو به آفتاب و ماه ننشینید.[1]

۱۱۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که به مستراح وارد شدی بگو: « **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الرِّجْسِ النِّجْسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**» پس چون بیرون آمدی بگو: « **بِسْمِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَافَانِي مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ وَ أَمَاطَ عَنِّی الْأَذَی** » و چون وضو گرفتی بگو: « **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** ».[2]

۱۱۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **نهی رسول الله صلی الله علیه و آله أن يستنجي الرجل بيمينه** » رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرموده از اینکه انسان با دست راست خود طهارت بگیرد.[3]

۱۱۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الاستنجاء باليمين من الجفاء** » طهارت و استنجاء با دست راست از جفا کاری است.[4]

۱۲۰). امیر المؤمنین علیه السلام می فرمودند: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه فرشته ای بر او گمارده شده که گردن او را بجانب زیر بگرداند تا به حدث خود نظر کند، سپس آن فرشته به او گوید: ای فرزند آدم این روزی تو بوده است، پس بنگر از کجا و چگونه آن را فراهم ساخته بودی و بکجا انجامیده است (به چه صورتی در آمده است) در آن حال بنده را سزاوار است که بگوید:

---

[1] کافی، ج۳، ص۱۳،ح۳.

[2] کافی، ج۳، ص۱۳،ح۱ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۳،ح۶۳.

[3] کافی، ج۳؛ ص۱۴، ح۵ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۳۰، ح۷۳.

[4] کافی، ج۳، ص۱۴، ح۷ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۰، ح۷۴.

« **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَ جَنِّبْنِي الْحَرَامَ** » یعنی خداوندا روزی حلال نصیبم گردان و از حرام بدور و بر کنارم دار .[۱]

۱۲۱) . امام صادق عليه‌السلام فرمـودند: « **البول قائما من غير علة من الجفاء، والاستنجاء باليمين من الجفاء** » در حالت ایستاده بدون علَّت بول کردن از جفا کاری است و نیز با دست راست پاک کردن و شستن مخرج از جفا کاری است.[۲]

۱۲۲). و روایت شده است که: هر گاه دست چپ علیل و دارای مرضی باشد (استنجاء با دست راست) اشکالی ندارد.[۳]

۱۲۳). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **طول الجلوس على الخلاء يورث الباسور** » طول دادن نشستن بر سر بیت الخلا موجب بیماری بواسیر است.[٤]

۱۲۴). و روایت شده است که: « **أن من تكلم على الخلاء لم تقض حاجته** » هر کس بر سر خلا حرف بزند حاجتش بر آورده نمی شود.[٥]

۱۲۵). امام رضا عليه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نهی فرمودند از این که شخص در حال غائط نمودن جواب کسی را بدهد و با او سخن گوید مگر بعد از فراغ از آن.[٦]

۱۲۶). حسین بن خالد صیرفی گوید:به حضرت رضا عليه‌السلام عرض کردم که مردی در حالت استنجا انگشتری در انگشت او است که نقش آن «لا اله الاّ اللّه» است؟

فرمودند: من این کار را بر او مکروه میدانم.

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۶، ح۳۸.

[۲] من لایحضره الفقیه ، ج۱، ص۲۸، ح۵۱.

[۳] من لایحضره الفقیه ، ج۱، ص۲۸؛ ح۵۲.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۹، ح۵۹.

[٥] من لایحضره الفقیه ، ج۱، ص۳۱، ح۶۱.

[٦] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۷،ح۶۹.

عرض کردم: فدایت شوم آیا رسول خدا ﷺ و هریک از پدران تو چنین نمی‌کردند و حال آن که انگشتر در انگشت مبارک آنها بود؟

فرمودند: بلی! و لیکن ایشان انگشتر در دست راست می‌کردند.[۱]

نجاسات

نجاسات ده چیز است: (اول) بول، (دوم) غائط، (سوم) منی، (چهارم) مردار، (پنجم) خون، (ششم) سگ، (هفتم) خوک، (هشتم) کافر، (نهم) شراب، (دهم) فقّاع.

۱ـ ۲ـ بول و غائط

بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی نجس است. اما بول و فضلهٔ همه پرندگان پاک است، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت.

۱۲۷). یکی از دو امام (یعنی امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمودند: « **لاتغسل ثوبك من بول يؤكل لحمه** » لازم نیست لباست را از بول حیوانی که گوشت آن خورده می شود بشویی.[۲]

۱۲۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **اغسل ثوبك من أبوال ما لا يؤكل لحمه** » لباس خود را از ادارار هر حیوانی که گوشت آن خورده نمی شود، بشوی و پاک کن.[۳]

۱۲۹). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شیر، ادرار و گوشت، شتر، گوسفند و گاو پرسیدم.

حضرت فرمودند: « **لا توضأ منه، وان اصابك منه شئ أو ثوبا لك فلا تغسله الا ان تتنظف** »

---

[۱] عیون الاخبار الرضا، ج۲، ص۵۴.

[۲] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶۲، ح۷۱۰.

[۳] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۳ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص ۲۸۰ ، ح۷۷۰.

جز در صورتی که بخواهی خود را پاگیزه نمایی، اگر چیزی از آنان به تو و لباست اصابت کرد، لازم نیست اعضا یا لباست را بشویی.

همچنین گوید: از ادرار قاطر و الاغ پرسیدم؟

فرمودند: « **اغسله فان لم تعلم مکانه فاغسل الثوب کله فان شککت فانضحه** » آن را بشویی و اگر جای آن را نمی دانی تمام لباس را بشویی، و اگر شک نمودی بر روی آن آب بپاش.[۱]

۱۳۰). مالک جهنی گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد آنچه از بینی چهار پا خارج می شود و به من می خورد پرسیدم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[۲]

۱۳۱). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **ان أصاب الثوب شئ من بول السنور فلا تصلح الصلاة فیه حتی تغسله** » اگر لباس به ادرار گربه آلوده شد، تا آن را نشسته ای نباید در آن نماز بخوانی.[۳]

۱۳۲). همچنین فرمودند: «**کل شئ یطیر فلا بأس ببوله وخرئه** » هر پرنده ای که پرواز می کند اشکالی بر ادرار و فضلهٔ آن نیست.[٤]

۳ــ منی

۱۳۳). ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم لباسی که به منی آلوده است آن را چگونه باید شست؟

فرمودند: « **إن عرفت مکانه فاغسله وإن خفي علیك مکانه فاغسله کله** » اگر جای آن را

---

[۱] کافی، ج۳،ص۳۸،ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱،ص۲۸۰،ح۷۷۱ . الاستبصار ،ص۱۰۲، ح۱.

[۲] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۷ . تهذیب الاحکام ،ج۱، ص۴۴۵، ح۱۳۳۸.

[۳] کافی ؛ ج۳، ص۳۸، ح۸ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۴۵، ح۱۳۲۹.

[٤] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۸.

می دانی همان جا را بشوی، و در صورتی که جای آن بر تو پنهان است، تمام آن را بشوی.[١]

١٣۴). سماعه گوید: از امام علیه السلام در باره لباسی که به منی آلوده است پرسیدم که باید آن را چگونه شست؟

فرودند: « **اغسل الثوب كله اذا خفي عليك مكانه قليلا كان أو كثيرا** » اگر جای آن بر تو پنهان است باید تمامی آن لباس را بشویی، خواه منی کم باشد و خواه زیاد.[٢]

۴ـ مُردار

مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، و ماهی چون خون جهنده ندارد اگر چه در آب بمیرد پاک است.

١٣۵). ابراهیم بن میمون گوید: امام صادق علیه السلام در مـــورد کســـی که لباسش بر روی میت افتاده فرمودند: « **إن كان غسل فلا تغسل ما أصاب ثوبك منه وإن كان لم يغسل فاغسل ما أصاب ثوبك منه، يعني إذا برد الميت** » اگر میت غسل داده شده لازم نیست قسمتی از لباسش که با او برخورد نموده بشوید. ولی اگر غسل داده نشده باید آن را بشوید. یعنی در صورتی که بدن میت سرد شده باشد.[٣]

١٣۶). از امام صادق علیه السلام پرسیده شده از کسی که لباسش بر روی میت می افتد؟ فرمودند: لباسش را بشوید.[٤]

١٣٧). امام باقر علیه السلام فرمودند: فاسد نمی کند (مردار حیون) آب را مگر حیوانی که خون جهنه

---

[١] کافی ،ج٣،ص٣۶،ح١ . تهذیب الاحکام، ج١، ص٢۶٧، ح٧٢۵.

[٢] کافی، ج٣، ص٣۶،ح٣ . تهذیب الاحکام، ج١، ص٢۶٨، ح٧٢٧.

[٣] کافی، ج٣، ص۴٠، ح۵ . تهذیب الاحکام، ج١، ص٢٩٢،ح٨١١.

[٤] کافی، ج٣، ص ٩٢، ح۴ . تهذیب الاحکام، ج١، ص٢٩٢، ح٨١٢ / الاستبصار ، ص١١٠،ح١.

داشته باشد.[١]

١٣٨). قاسم بن صیقل گوید: خدمت امام رضا علیه السلام نامه نوشتم که: شغل من درست کردن غلاف شمشیر است از پوست خر های مرده پس به لباس من می رسد از رطوبت آنها آیا نماز در آنها می شود یا نه؟

حضرت در جواب نوشتند: « **اتخذ ثوبا لصلاتك** » از برای نماز لباس دیگر قرار بده.[٢]

٥ــ خون

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، بنابر این خون حیوانی که خون جهنده ندارد مانند پشه، مگس و ماهی و امثال آنها پاک است.

١٣٩). علی بن جعفر گوید: « **وسألته عن رجل رعف و هو يتوضأ فيقطر قطرة في إنائه هل يصلح الوضوء منه؟ قال: لا** » از امام کاظم علیه السلام پرسیدم از مردی که در حال وضو خون دماغ می شود، و قطره ای در ظرفش می چکد، آیا می تواند از آن وضو بگیرد؟ فرمودند: نه.[٣]

١٤٠). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **كل شئ من الطير توضأ ممايشرب منه إلا أن ترى في منقاره دما فإن رأيت في منقاره دما فلا توضأ منه ولا تشرب** » از پس خورده هر پرنده ای می توان وضو گرفت، مگر آنکه بر منقارش خون دیده شود، پس اگر بر روی منقارش خونی دیدی، از آن پس خورده آن وضو مگیر و میاشام.[٤]

١٤١). حلبی گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن دم البراغيث يكون في الثوب هل يمنعه ذلك من الصلاة فيه؟ قال: لا** » از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر خون کیک در لباس باشد، آیا

---

[١] تهذیب الاحکام، ج١، ص٢٤٥، ح٦٦٩.

[٢] کافی، ج٣، ص٢٣١، ح١٦.

[٣] کافی، ج٣، ص٤٦، ح١٦.

[٤] کافی، ج٣، ص٩، ح٥ . تهذیب الاحکام، ج١، ص ٢٤٢، ح٤٣ . الاستبصار ،ص١٧،ح١.

این خون مانع از خواندن نماز در آن لباس می شود؟ فرمودند: نه.[١]

١٤٢). عبدالله ابی یعفور گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به خون کیک پرسیدم.؟

فرمودند: اشکالی در آن نیست.[٢]

١٤٣). محمد بن ریان گوید: از امام (رضا یا امام هادی علیهما السلام) پرسیده شد: آیا خون پشه حکم همان خون کیک را دارد؟ و آیا جایز است که خون پشه را با خون کیک قیاس کرد و با لباس آلوده به آن نماز بجا آورد، و چیزهای مانند این را قیاس نمود و به آن عمل کرد؟

حضرت در جواب نوشتند: «**تجوز الصلاة والطهر منه افضل** » نماز در آن جایز است، ولی بهتر (و مستحب این) است که همان هم پاک شود.[٣]

١٤٤). امام صادق علیه السلام فرمودند: «**إن عليا** علیه السلام **كان لا يرى بأسا بدم ما لم يذك يكون في الثوب فيصلي فيه الرجل يعني دم السمك** » همانا امیرالمومنین علیه السلام ایرادی نمی دید که خون حیوانی (همانند ماهی) که قابل تذکیه (با سر بریدن) نیست، در لباس باشد و انسان با آن نماز به جا آورد.[٤]

۶ـ سگ

١٤٥). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا مس ثوبك الكلب فإن كان يابسا فانضحه وإن كان رطبا فاغسله** » اگر سگی که خشک است با لباست بر خورد نمود، بر روی لباس آب بپاش، ولی اگر خیس بود، آن را بشوی.[٥]

---

[١] کافی، ج٣، ص٣٩، ح٨ . تهذیب الاحکام ، ج١، ص٢٧٥، ح٧٥٣.

[٢] تهذیب الاحکام، ج١، ص٢٧١،ح٧٤٠.

[٣] کافی، ج٣، ص٣٩، ح٩ . تهذیب الاحکام ، ج١، ص٢٧٥؛ ح٧٥٤.

[٤] کافی، ج٣، ص٣٩، ح٤ . تهذیب الاحکام ،ج١، ص٢٧٥، ح٧٥٥.

[٥] کافی، ج٣، ص٤٠، ح١. تهذیب الاحکام، ج١، ص٢٧٦، ح٧٥٧.

۱۴۶). محمد بن مسلم گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن الكلب يصيب شيئا من جسد الرجل قال: يغسل المكان الذي أصابه** » از امام صادق عليه السلام از برخورد سگ با قسمتی از بدن سوال نمودم؟ فرمودند: آن قسمتی را که بر خورد نموده باید شست.[۱]

۱۴۷). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام از طرفی که سگ در آن آب خورده است پرسیدم؟ فرمودند: ظرف را بشوی.[۲]

۷ــ خوک

۱۴۸). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم موسی بن جعفر عليهما السلام پرسیدم از مردی که لباسش با خوک بر خورد کرده است و آن را نشسته و در حال نماز بخاطرش می آید که آن را نشسته است، چگونه باید عمل کند؟

فرمودند: در صورتی که نماز خود را آغاز نموده بایستی ادامه دهد، ولی اگر نماز خود را آغاز نکرده، بایستی بر روی همان قسمتی از لباسش که برخورد نموده آب بپاشد، مگر در صورتی که اثری از آن نجاست باشد، که در این صورت باید آن را بشوید.[۳]

۱۴۹). همچنین گوید: پرسیدم چگونه عمل می شود در طرفی که خوک از آن آب خورده است؟ فرمودند: هفت بار شسته می شود.[٤]

۱۵۰). خیران خادم (از اصحاب امام هادی عليه السلام) گوید: « **كتبت إلى الرجل** عليه السلام **أسأله عن الثوب يصيبه الخمر ولحم الخنزير أيصلى فيه أم لا؟ فان أصحابنا قد اختلفوا فيه، فقال بعضهم: صل فيه فإن الله إنما حرم شربها وقال بعضهم: لا تصــل فيه. فكتــب** عليه السلام **لا تصل فيه**

---

[۱] کافی، ج۳، ص۴۰، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۷۶، ح۷۵۸.

[۲] تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۳۸، ح۶۴۴.

[۳] کافی، ج۳، ص۴۰، ح۶ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۷۶، ح۷۶۰.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۷۶، ح۷۶۰.

فإنه رجس » به امام ﷣ طی نامه ای نوشتم و از آن حضرت سوال کردم: آیا در لباسی که شراب یا گوشت خوک با آن برخورد می کند، می توان نماز خواند؟ زیرا یاران ما در این مساله اختلاف نظر دارند. بعضی می گویند می توان در این لباس نماز خواند، زیرا خداوند نوشیدن آن را حرام کرده است، و بعضی دیگر می گویند: در آن نماز مگزار. امام ﷣ نوشت: در آن لباس نماز مگذار، زیرا آن لباس نجس است.[1]

۸ــ کافر

از جمله نجاسات کافر است، یعنی کسی که منکر خدا یا رسالت پیامبر ﷺ یا معاد باشد، و یا شکاک در خدا و رسول خدا ﷺ باشد، یا کسی که برای خدا شریک قرار می دهد یا در وحدانیت خدا شک دارد، و همچنین اند خوارج یعنی کسانی که بر امام معصوم خروج کنند و غُلات آنانی که قائل به خدایی یکی از ائمه ﷫ باشند، و نواصب یعنی کسانی که دشمن یکی از معصومین بوده و همچنین کسی که از روی علم منکر یکی از ضروریات دین مانند نماز و روزه و امثال اینها شود. ظاهرا که یهود و نصاری شامل همین حکم اند، و آنچه که از روایات بر طهارت آنها وارد شده از باب تقیه باشد، چرا که مخالفان قائل به طهارت آنها هستند. والله اعلم.

روايات :

۱۵۱). در روایتی از امام صادق ﷣ آمده است که: « **أنه كره سؤر ولد الزنا وسؤر اليهودي والنصراني والمشرك وكل ما خالف الاسلام وكان أشد ذلک عنده سؤر الناصب** » حضرت کراهت داشتند از پس‌خوردهٔ ولد الزنا، یهودی، مسیحی، مشرک و هر کسی که مخالف اسلام است و پس‌خوردهٔ ناصبی را از همهٔ آنها بدتر می‌دانستند.[2]

---

[1] کافی، ج۳، ص۲۳۰، ح۵.

[2] کافی، ج۳، ص۱۱،ح۵.

بیان: مرحوم علامه در مرآة العقول می گوید: « **المراد بالکراهة هنا الحرمة** » مراد از کراهت در این حدیث حرمت است.[۱] و مرحوم مجلسی اول در لوامع سخنی دارد که مختصر آن این است که می فرماید: و شیخ صدوق به این حدیث عمل نموده و کراهت را به معنای حرمت گرفته است، چون جمع کثیری از علمای ما نقل اجماع کرده اند به نجاست جمیع کفار، و ناصبی نیز کافر است، چرا که منکر امر ضروری است از ضروریات اسلام و آن مودت اهلبیت علیهم‌السلام است که همه مسلمانان به نص قرآن و روایات متواتره آن را واجب می دانند. و اختلافی در همه این موارد نیست مگر ولد الزنا و آنچه من از تتبع در کلام اهلبیت علیهم‌السلام یافته ام مراد از ولد الزنا دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام است و چون صریح نمی توانستند حکم به نجاست آنها کنند به این عبارت بیان می فرمودند و در روایات خیلی زیاد نیز آمده است که دشمن امیرالمومنین (وسایر معصومین علیهم‌السلام) جز شخص حرام زاده نیست.[۲]

۱۵۲). از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد: ظرفی که یهودی، یا نصرانی و مجوسی در آن غذا بخورد پاک است؟

حضرت فرمودند: در ظرف آنها غذا مخورید، از پختنی آنان نخورید و از ظرفی که مشروب می خورند آب ننوشید.[۳]

۱۵۳). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه‌السلام در باره غذا خوردن با مجوسی در یک ظرف و استفاده از بستر او و مصاحفه با او پرسیدم که آیا می توانم؟

فرمودند: نه.[٤]

---

[۱] مرآة العقول،ج۱۳،ص۴۰.

[۲] لوامع صاحبقرانی،ج۱،ص۲۲۴.

[۳] کافی، ج۶، ص۱۶۳، ح۵ . تهذیب الاحکام، ج۹، ص۱۰۲، ح۳۷۱.

[٤] کافی، ج۶، ص۱۶۴، ح۷.

۱۵۴).خالد قلانسی گوید : به حضرت صادق ﷺ عرض کردم : من با کافر ذمی (یعنی آنان که در ذمهء اسلامند مانند یهود ونصاری) برخورد می کنم و او با من دست میدهد ؟

فرمودند: دستت را به خاک بمال یا به دیوار بکش.

عرض کردم: اگر ناصبی (یعنی دشمن اهل بیت ﷺ) باشد چطور ؟

فرمودند: دستت را بشوی .[۱]

۱۵۵). حضرت باقر ﷺ در بارهء مردی که با مردی گبر دست داده است فرمودند : دستش را بشوید و نیاز نیست وضوء بسازد.[۲]

۱۵۶). سعید اعرج گوید: « **سألت أبا عبدالله ﷺ عن سؤر اليهودي والنصراني فقال: لا** »

از امام صادق ﷺ در باره استفاده از پس خورده یهودی و نصاری پرسیدم که آیا جایز است؟ فرمودند: نه.[۳]

بیان: مرحوم علامه مجلسی در شرح حدیث مذکور می گوید: ظاهر حدیث دلالت دارد بر نجاست پس خورده یهود و نصاری. و اصحاب اتفاق دارند بر نجاست جمیع اصناف کفار بجز یهود و نصاری چه کفر آنها اصلی باشد یا ارتدادی، و اما یهود و نصاری اکثریت حکم به نجاست آنها کرده اند.[٤]

۱۵۷). علی بن جعفر از امام کاظم ﷺ درباره خـواب نمودن در فراش یهودی و نصرانی (مسیحی) پرسید؟

فرمودند: عیب ندارد، و(لی) در لباس آنها نماز مگذارید و مسلمان با مجسوسی در یک ظرف غذا نخورد و او را در بالای فرش خود ننشاند و او را مس نکند و با او مصاحفه ننماید.

---

[۱] کافی، ج۲، ص۳۶۰، ح۱۱.

[۲] کافی، ج۲، ص۲۶۰، ح۱۲.

[۳] کافی، ج۳،ص۵۸، ح۵ . من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۲۲۶،ح۴۲۲۰. تهذیب الاحکام، ج۲۳۶. الاستبصار ، ص۱۳.

[٤] مرآة العقول،ج۱۳،ص۴۰.

همچنین پرسید از کسی که از بازار لباس می خرد و نمی داند که لباس کدام شخص بوده است، آیا نماز در آن جایز است یا نه؟

فرمودند: اگر از مسلمان خریده نماز در آن جایز ولی اگر از نصرانی خریده است در آن نماز نگذارد تا آنکه آن را بشوید.[۱]

۹ــ شراب

از جمله نجاسات شراب و نبیذ مسکر است.

۱۵۸). از امام صادق علیه السلام پرسیده شد از شخصی که لباس خود را به کسی عاریه می دهد و می داند که او ماهی جری (که پولک ندارد) می خورد و شراب می نوشد، سپس لباس را به او بر می گرداند، آیا می توان پیش از شستن در آن لباس نماز بخواند؟

فرمودند: « **لا يصلي فيه حتى يغسله** » در آن لباس نماز نخواند تا آنکه آن را بشوید.[۲]

۱۵۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **اذا أصاب ثوبك خمر أو نبيذ مسكر فاغسله ان عرفت موضعه وإن لم تعرف موضعه فاغسله كله فان صليت فيه فاعد صلاتك** » هرگاه شراب یا نبیذ مسکر به لباس تو برسد، اگر جای آن را می دانی همان جا را بشوی، و در صورتی که جای آن را نمی دانی، تمام آن را بشوی، و اگر در آن نماز خوانده ای، نمازت را اعاده کن.[۳]

۱۰ــ فقّاع

فقاع که از جو گرفته می شود و به آن آب جو می گویند نجس است.

---

[۱] تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۷۹، ح۷۶۶.

[۲] کافی، ج۳، ص۲۳۰،ح۵ . تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۸۸، ح۴۹۴ . الاستبصار ،ص۲۲۳، ح۲.

[۳] کافی، ج۳، ص۲۳۰، ح۴ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۹۵، ح۸۱۸ . الاستبصار ، ص۱۰۹،ح۲.

۱۶۰). یونس بن عبدالرحمن گفت: « **أخبرني هشام بن الحكم انه سأل أبا عبدالله** عليه السلام **عن الفقاع فقال: لا تشربه فانه خمر مجهول فاذا أصاب ثوبك فاغسله** » هشام بن حکم به من خبر داده است که او از امام صادق عليه السلام در باره فقاع (آب جو) پرسیده است. حضرتش فرمودند: آن را میاشام، زیرا آن شرابی است که مردم از شراب بودنش نا آگاه هستند، و هرگاه لباست آلوده به آن شد، آن را بشوی.[1]

بیان: اما نجاست عرق شتر نجاست خوار یا عرق جنب از حرام ثابت نیست، و آنچه در مورد تطهیر آن دو وارد شده است، را حمل بر استحباب نموده اند نه وجوب.

مطهّرات

۱ــ آب

از جمله پاک کننده نجاست آب است، چنانچه قبلا بیان شد، اما سایر احکام آن.

۱۶۱). حسین بن ابی علاء گوید: از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم: اگر بدن انسان به ادراری آلوده شود چه حکمی دارد؟

فرمودند: دو مرتبه بر آن آب بریز که آن نیز البته آب است.

از حضرتش درباره لباسی که به ادرار آلوده شود پرسیدم؟

فرمودند: دو مرتبه آن را بشوی.

همچنین پرسیدم: در مورد کودکی که بر روی لباس ادرار می کند؟

فرمودند: مقدار کمی آب روی آن بریزید سپس آن را فشار دهید تا آبش خارج گردد.[2]

---

[1] کافی، ج۳، ص۲۳۱،ح۱۵ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۲۹، ح۸۲۸.

[2] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۱ / تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۶۴،ح۷۱۴.

۱۶۲). محمد بن مسلم گوید: « **سألت أبا عبدالله** ؑ **عن الثوب يصيبه البول قال: اغسله في المركن مرتين، فان غسلته في ماء جار فمرة واحدة** » از امام صادق ؑ پرسیدم از لباسی که به ادرار آلوده می شود؟ فرمودند: آن را در لگن (که آب قیل است) دو مرتبه بشوی و اگر در آب جاری بشویی یک مرتبه کفایت می کند.[۱]

۱۶۳). ابی اسحاق نحوی از امام صادق ؑ در مـورد لباسی که به ادرار آلوده می شود پرسید؟ فرمودند: دو مرتبه بر آن آب بریز.[۲]

۱۶۴). حلبی گوید: « **سألت أبا عبدالله** ؑ **عن بول الصبي، قال: تصب عليه الماء، وإن كان قد أكل فاغسله غسلا، والغلام والجارية في ذلك شرع سواء** » از امام صادق ؑ در مورد ادرار کودک پرسیدم؟ فرمودند: باید بر روی آن آب بریزی، در صورتی که آن کودک غذا خور باشد، بایستی آن را بشویی، و پسر و دختر در این مورد با هم یکسان هستند.[۳]

۱۶۵). از حضرت صادق ؑ سؤال شد: در مورد زنی که دارای طفلی است و بر او بول می کند و آن زن بیش از یک دست لباس ندارد حکمش چیست ؟

آن حضرت فرمودند : هر روز یک بار پیراهن خود را بشوید.[٤]

۱۶۶). یکی از دو امام ؑ فرمودند: لازم نیست لباس خود را از ادرار حیوانی که گوشت آن خورده می شود بشویی.[٥]

۱۶۷). امام صادق ؑ فرمودند: لباس خود را از ادارار هر حیوانی که گوشت آن خورده نمی

[۱] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶۵، ح۷۱۷.

[۲] تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۶۵، ح۷۱۶.

[۳] کافی، ج۳، ص۳۷، ح۵ / تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶۵، ح۷۱۵.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۳، ح۱۶۱ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۶۶، ح۷۱۹.

[٥] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۱.

شود، بشوی و پاک کن.[1]

۱۶۸). حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: اگر سگی که خشک است با لباست برخورد کرد؛ روی آن آب بپاس، ولی اگر خیس بود آن را بشوی.[2]

۱۶۹). علی بن جعفر از امام کاظم علیه‌السلام پرسید: موشی که در آب افتاده، آنگاه بر روی لباس آدمی راه می رود، آیا می توان در آن لباس نماز خواند؟

فرمودند:رد پاهایش را که می بینی بشوی، و آنچه را که نمی بینی بر روی آن آب بپاش.[3]

۱۷۰). و گذشت در حدیث ابی یعفور که پرسید از حضرت صادق علیه‌السلام در مورد لباسی که به منی آلوده است که آن را چگونه باید شست؟

فرمودند: « **إن عرفت مكانه فاغسله وإن خفي عليك مكانه فاغسله كله** » اگر جای آن را می دانی همان جا را بشوی، و در صورتی که جای آن بر تو پنهان است، تمام آن را بشوی.[4]

۱۷۱). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: در صورتی که مردی محتلم شده و در لباس او چیزی از منی برسد، بایستی آن جا را که آلوده شده است، بشوید. و در صورتی که گمان کند چیزی به آن رسیده است، ولی یقین نمی کند که نجس شده و جای آن را نیز نمی داند، بایستی بر روی آن آب بپاشد، و در صورتی که یقین نماید که چیزی به آن رسیده است، ولی جای آن را نمی داند، بایستی که همه لباس را بشوید، چرا که این کار بهتر است.[5]

۱۷۲). امام صادق علیه‌السلام در مورد ظرفی که در آن شراب نوشیده شده است فرمودند: سه بار

---

[1] کافی، ج۳، ص۳۸، ح۳ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۸۰ ،ح۷۷۰.

[2] کافی، ج۳، ص۴۰، ح۱.

[3] کافی، ج۳، ص۴۰، ح۳.

[4] کافی، ح۳، ص۳۶، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶۷، ح۷۲۵.

[5] کافی، ج۳، ص۳۶، ح۴ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۶۸، ح۷۲۸.

آن را بشوی.[1]

۱۷۳). امام کاظم علیه السلام در مورد در طرفی که خوک از آن آب خورده است؟

فرمودند: هفت بار شسته می شود.[2]

۱۷۴). امام صادق علیه السلام در مورد سگ فرمودند: نجس است و استعمال نمی شود نمی خورده آب آن و آن آب را بریز و ظرف را اول با خاک و بعد (دوبار) با آب بشوی.[3]

۱۷۵). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام از طرفی که سگ در آن آب خورده است؟

فرمودند: ظرف را بشوی.[4]

۲ـ زمین

از جمله مطهرات زمین است.

۱۷۶). امام صادق علیه السلام در مورد مورد کسی که در جای ناپاک پا می گذارد، سپس بر جای پاک پا می نهد فرمودند: در صورتی که آن مکان پانزده زراع یا مانند آن باشد، فاصله گیرد، اشکالی ندارد.[5]

۱۷۷). همچنین فرمودند: زمین پاک زمین نجس را پاک می کند.[6]

۱۷۸). معلی بن خنیس گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد خوکی که از آب بیرون می آید و در راه عبور می نماید و از او آب می ریزد پرسیدم که آیا می توان با پای برهنه از آنجا عبور کنم؟

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۹، ص۱۳۴، ح۵۰۰.

[2] تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۷۶، ح۷۶۰.

[3] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۳۸، ح۶۴۶.

[4] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۳۸، ح۶۴۴.

[5] کافی، ج۳، ص۲۷، ح۱.

[6] کافی، ج۳؛ ص۲۷؛ ح۲.

حضرت فرمودند: آیا بعد از آنجا محل خشکی وجود ندارد؟

گفتم: چرا.

فرمودند: « **فلا بأس، إن الارض تطهر بعضها بعضا** » اشکالی ندارد، زیرا زمین پاک نجاست زمین نجس را پاک می کند.[١]

٣ـ آفتاب

از جمله مطهرات آفتاب است.

١٧٦). « **سأل زرارة أبا جعفر** عليه السلام **عن البول يكون على السطح أو في المكان الذي يصلى فيه، فقال: إذا جففته الشمس فصل عليه فهو طاهر** » زراره از امام باقر عليه السلام پرسيد در مورد بامی که بر آن بول کرده باشند ، یا مکانی که در آن نماز مي خوانند؟ حضرت فرمودند: هر گاه آفتاب آن را خشك کرده باشد بر آن موضع نماز کن که آنجا پاك است و نجس نیست.[٢]

١٧٧). حضرت باقر عليه السلام فرمودند: « **ما أشرقت عليه الشمس فقد طهر** » هر آنچه آفتاب بر آن بتابد، پاک می شود.[٣]

١٧٨). أبي بكر حضرمي گويد: امام باقر عليه السلام به من فرمودند: « **يا أبا بكر كلما أشرقت عليه الشمس فهو طاهر** » ای ابابکر جمیع آنچه آفتاب بر آن می تابد، آن پاک است.[٤]

---

[١] کافی، ج٣، ص٢٨، ح٥.

[٢] من لايحضره الفقيه، ج١، ص١٧٢،ح٧٣٢.

[٣] تهذيب الاحكام، ج١، ص. ٢٨٩،ح٨٠۴.

[٤] تهذيب الاحكام، ج٢، ص۴٠٧، ح١٥٧٢.

پاک بودن مذی و ودی، و حکم عرق جنب که به بدن و لباس می خورد

۱۷۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر در حال نماز بودی و چیزی از مذی و ودی از آلت تو خارج شد، حتی اگر به دو پاشنده پایت رسید، لازم نیست آن را بشویی و نباید نمازت را قطع کنی و به خاطر آن وضوی خود را نشکن، زیرا آن به سان آب بینی و خلط سینه است.[۱]

۱۸۰). عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مذی پرسید؟

فرمودند: همانند آب بینی و خلط سینه است.[۲]

۱۸۱). ابواسامه می گوید: « **سألت عبدالله علیه السلام عن الجنب یعرق في ثوبه أو یغتسل فیعانق امرأته ویضاجعها وهي حائض أو جنب فیصیب جسده من عرقها قال: هذا کله لیس بشئ** » از امام صادق علیه السلام پرسیدم: از جنبی که در لباسش عرق می کند، یا پس از غسل همسر خویش را در حالی که جنب یا حیض است در آغوش می گیرد و با او می خوابد و از عرق آن زن به بدن او می رسد (چه حکمی دارد)؟ فرمودند: در هیچ یک از این موارد اشکالی نیست.[۳]

۱۸۲). علی بن ابی حمزه گوید: « **سئل أبوعبدالله علیه السلام و أنا حاضر عن رجل اجنب في ثوبه فیعرق فیه قال: لا أری فیه به بأسا** » من در خدمت امام صادق علیه السلام حضور داشتم که در باره مردی که در لباس خود جنب گردیده،سپس در آن عرق کرده است پرسیدند. حضرت فرمودند: در آن ایرادی نمی بینم.[٤]

---

[۱] کافی، ج۳، ص۲۸،ح۱.

[۲] کافی، ج۳، ص۲۸،ح۲.

[۳] کافی، ج۳، ص۳۵،ح۱/ تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۲۷۴،ح۷۸۶.

[٤] کافی ، ج۳، ص۳۶، ح ۳ / تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۴۷، ح۷۸۷.

وضـــو

آيات :

« **إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُواْ بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَينِ** » چون به (عزم) نماز برخيزيد صورت و دستهايتان را تا آرنج بشوييد و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پيشين (هر دو پا) مسح کنيد.[1]

روايات :

١٨٣). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **الوضوء فريضة** » وضو فريضه و واجب است.[2]

١٨٤). همچنين فرمودند: نماز نيست مگر با طهارت (وضو).[3]

١٨٥). رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: « **افتتاح الصلاة الوضوء وتحريمها التكبير وتحليلها التسليم** » افتتاح نماز وضو ، و تحريم آن تكبير است (كه آن را تكبيرة الاحرام گويند ، يعنى تا تكبيرة الاحرام نگفته باشند هر عملى ميتوان كرد) و تحليل آن سلام گفتن است (كه پس از آن اعمالى كه قبلا جايز نبوده مجاز مى شود).[4]

١٨۶). همانند اين از اميرالمومنين عليه‌السلام نيز روايت شده است.[5]

١٨٧). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: آيا وضو رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را براى شما بازگو نمايم؟ پس حضرتش با دست راست خود كفى آب برداشت و صورت خود را شست، آن گاه با دست چپ كفى آب برداشت و دست راست خود را شست، سپس با دست راست خود كفى آب برداشت و

---

[1] سوره مائده ، آيه۶.

[2] من لايحضره الفقيه، ج١، ص۴٩، ح١۴٠.

[3] تهذيب الاحكام، ج١، ص۵٢، ح١۴۴. الاستبصار ،ص٣۴، ح١۵.

[4] كافى، ج٣، ص۴۴، ح٢.

[5] من لايحضره الفقيه، ج١، ص٣٢، ح۶٨.

دست چپ خود را شست، آنگاه با مانده آب سر و دو پای خود مسح کرد.[۱]

۱۸۸). یونس بن عمار گوید: « **سألت أبا عبدالله ؏ عن الوضوء للصلاة فقال: مرة مرة**» از امام صادق علیه السلام در باره وضو نماز پرسیدم؟ فرمودند: یک مرتبه، یک مرتبه.[۲]

۱۸۹).حضرت باقر ؏ فرمودند: وضو یک مرتبه، یک مرتبه است.[۳]

۱۹۰). عبدالکریم گوید: « **سألت أبا عبدالله ؏ عن الوضوء فقال: ما كان وضوء علي إلا مرة مرة** » از امام صادق ؏ درباره وضو پرسیدم؟ فرمودند: وضو امیرالمومنین ؏ جز یک بار یک بار نبود.[٤]

۱۹۱). حضرت صادق ؏ فرمودند: « **والله ما كان وضوء رسول الله ﷺ إلا مرة مرة** » به خدا سوگند که وضو رسول خدا ﷺ جز یک بار یک بار نبود.[٥]

بیان: پس شستن اعضای وضو یک بار یک بار است، اما آنچه روایت شده که وضو دو بار است، برای کسی است که یک بار او را قانع نمی کند، چنانچه مرحوم کلینی فرموده.[٦] یا ممکن که مستحب باشد، چنانچه شیخ به آن اشاره نموده است.[۷] و این حد و اندازه وضو است: « **وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ**» و هر کس از حدود خدا (پای) فراتر نهد قطعا به خودش ستم کرده است.[۸]

۱۹۲). زراره و بکیر گویند: از امام باقر ؏ در مورد وضوی رسول خدا ﷺ پرسیدیم؟

---

[۱] کافی، ج۳، ص۱۸، ح۲.
[۲] کافی، ج۳، ص۲۰، ح۶. تهذیب الاحکام ،ج۱، ص۸۳، ح۲۰۶ . الاستبصار، ص۴۲، ح۳.
[۳] کافی، ج۳، ص۲۰، ح۷. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۸۳، ح۲۰۵ . الاستبصار، ص۴۳، ح۲.
[٤] کافی، ج۳، ص۲۰، ح۹ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۸۳، ح۲۰۷.
[٥] من لایحضره الفقیه ، ج۱، ص۳۵، ح۷۶.
[٦] کافی، ج۳، ص۲۰.
[۷] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۸۲ . الاستبصار ص۴۲.
[۸] سوره طلاق، آیه۱.

امام عليه‌السلام تشت یا جام آبی درخواست کرد، سپس دست راست خود را در آن فرو برد و کفی آب برداشت، بر صورت مبارک خود ریخته و با آن صورتش را شست، پس از آن دست چپ خود را در آن فرو برد و کفی آب برداشت و بر بازوی دست راست خود ریخت و با آن بازویش را از آرنج تا کف دست شست و شو داد و دستش را به سمت آرنج برگردانید. سپس دست را خود را در آب فرو برد و کفی آب برداشت، و از آرنج به دست چپ ریخت و مانند دست راست انجام داد. آنگاه با رطوبت دست برسر و دوپای مبارکش مسح کرد. و برای این کار، از آب دیگر استفاده نکرد.[1]

۱۹۳). زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود: آیا از وضوی رسول خدا عليه‌السلام برای شما سخن نگویم؟ گفتیم بفرمایید.

امام عليه‌السلام ظرف بزرگی که در آن مقداری آب بود، خواست و آن را پیش روی خود نهاد، سپس آستین دو دست مبارک خود را بالا زد و دست راست خود را در آب فرو برد و فرمود: این چنین باید کرد، هنگامی که دست پاک باشد.

سپس کف خود را پر از آب کرد و آن دست را بر پیشانی مبارکش نهاد و فرمود: بسم الله و آب را بر طرف محاسن خود جاری کرد، سپس دست خود را یک بار بر صورت و ظاهر پیشانی کشید و پس از آن، دست چپ خود را در آب فرو برد و کف خود را پر از آب کرد، سپس آن را بر روی آرنج دست راست نهاد و کف دست خود را بر روی بازو کشید تا اینکه آب بر اطرف سر انگشتان جاری شد، سپس کف دست راست را از آب پر کرد و آن را بر آرنج دست چپ نهاد و کف دست را بر روی بازو کشید تا اینکه آب بر سر انگشتان جاری شد و پس از آن با رطوبت باقی مانده دست راست و چپ، جلوی سر و روی پاها را مسح نمود.

زراره گوید: همچنین امام باقر عليه‌السلام فرمود: همانا خدا فرد است و عدد فرد را دوست می دارد،

---

[1] کافی، ج۳، ص۱۹،ح۵. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۵۹، ح۱۵۸. الاستبصار ، ص۳۵،ح۱.

بنابر این برای وضو سه مشت کافی است، یک مشت برای صورت و دو مشت برای دو بازو و با رطوبت دست راست جلوی سر را و با مانده آن روی پای راستت، و با رطوبت دست چپ روی پای چپ را مسح می نماید.

زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود: مردی از امیرالمومنین عليه‌السلام از وضوی رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم پرسید. حضرت به همین شکل وضوی رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را بازگو نمود.[1]

۱۹۳). محمد بن مسلم از یکی از دو امام عليهما‌السلام پرسید: مردی که وضو می گیرد، آیا لازم است به داخل ریش خود آب برساند؟ فرمودند: نه.[2]

۱۹۴). اسماعیل بن مهران گوید: « **كتبت إلى الرضا عليه‌السلام أسأله عن حد الوجه فكتب إلي: من أول الشعر إلى آخر الوجه وكذلك الجبينين** » طی نامه ای به حضرت رضا عليه‌السلام نوشتم و از حدود (شستن) چهره (در وضو) پرسیدم؟ حضرت در جواب نوشت: از آغاز رویش مو سر تا آخر صورت و همچنین دو طرف پیشانی (و صورت) است.[3]

۱۹۵). زاره گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: مرا از شستن صورت که سزاوار است شسته شود همان که خدای عزوجل دستور فرموده است، آگاه فرما؟

حضرت فرمودند: صورتی که خدای تعالی به شستن آن دستور داده و شایسته نیست کسی بر آن بیفرزاید و یا از آن کم کند ــ که اگر بر آن افزوده پاداشی نبرده است و اگر از آن کم کند، گناه کرده است ــ مقداری است که انگشت میانه و شست آن را فرو گیرد، از رستنگاه مو سر تا چانه، و آن دایره ای است که دو انگشت از صورت در بر می گیرند، همین جز صورت است و جز آن، از صورت شمرده نمی شود.

---

[1] کافی، ج۳، ص۱۹. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۸۲، ح۱۰۸۳.

[2] کافی، ج۳، ص۲۱،ح۲.

[3] کافی، ج۳، ص۲۱،ح۴ . تهذیب الاحکام ، ج۱، ص۵۸، ح۱۵۵.

گفتم: گیجگاه (شقیقه) جز صورت نیست؟

فرمودند: نه.[۱]

۱۹۶). زراره گوید: « **سألت أبا جعفر** عليه السلام **أن أناسا يقولون: إن بطن الاذنين من الوجه وظهرهما من الراس؟ فقال: ليس عليهما غسل ولا مسح** » از امام باقر عليه السلام پرسيدم: برخی می گویند: داخل گوش جزو صورت و پشت آن جزو سر است. حضرت فرمودند: شستن و مسح آن ها (در وضو) لازم نیست.[۲]

۱۹۷). معمر بن عمر گوید: امام باقر عليه السلام فرمودند: مسح سر و همچنین پا به اندازه سه انگشت کفایت می کند.[۳]

۱۹۸). محمد مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **الاذنان ليسا من الوجه ولا من الرأس، قال: وذكر المسح فقال: امسح على مقدم رأسك وامسح على القدمين وابدأ بالشق الايمن** » دوگوش جزو صورت و سر نیستند. روایی گوید: سخن از مسح به میان آمد. فرمودند: جلوی جز خود و دو پا را مسح کن، و از (پای) راست شروع کن.[٤]

۱۹۹). زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا آگاهم نمی کنی که از کجا این را دانستی و فرمودی که: مسح کردن بر بخشی از سر است و بخشی از دو پا؟

حضرت خندیدند و فرمودند: ای زراره! رسول الله صلى الله عليه وآله آن را فرمود و در قرآن این چنین از سوی خدا نازل شده است، چرا که می فرماید: « **فاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ** » یعنی روی خود را بشویید، پس دانستیم که کل صورت باید شسته شود و فرمود: « **وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ** » یعنی دست هایتان را تا آرنج شست وشو دهید، و بدین گونه دو دست را عطف به صورت کرده است؛ پس

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۹ . من لایحضره الفقیه،ج۱ص۳۸،ح۸۸.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۱،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۱ص۵۸،ح۵ .الاستبصار،ص۳۸،ح۱.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۱،ح۱ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۶۳،ح۱۶ . الاستبصار، ص۳۶،ح۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۱،ح۲.

در می یابیم که باید شسته شوند تا آرنج ها و آن گاه بین دو کلام، فصل و جدایی افکنده و فرموده: « **وَامْسَحُواْ بِرُؤُوسِكُمْ** » یعنی قمستی از سر خود را مسح نمایید. پس هنگامی که فرمود: « **بِرُؤُوسِكُم** » به سر خود، دانستیم که مسح بر بخشی از سر انجام می شود و این به دلیل وجود « **با** » در آن است و آن گاه خداوند، دو پا را به سر عطف کرد و فرمود: « **وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعبَينِ** » یعنی و مسح کنید دو پای خود را تا قوزک پا. فهمیدم که مسح باید روی قسمی از دو پا انجام شود، سپس رسول خدا آن را برای مردم تفسیر نمود، ولی مردم، آن را بکار نبستند.[1]

۲۰۰). از امام صادق عليه السلام در باره گفتار خدای عزوجل: « **وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ** » یعنی دست هایتان را تا آرنج شست وشو دهید. پرسیده شد که آیا این گونه است و راوی از روی دست خود تا آرنج را دست کشید.

حضرت فرمودند: آیه بدین صورت نازل نشده است بلکه چنین است: « **وَأَيْدِيَكُمْ من الْمَرَافِقِ** » یعنی دست هایتان را از آرنج شست وشو دهید. سپس حضرت دست خود را از آرنج تا انگشتان مبارک کشید.[2]

بیان: پس وضو شستن صورت از جایی که موی سر می روید تا آخر چانه است، و پنهای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شصت قرار می گیرد. و بعد شستن دست راست از آرنج تا سر انگشت ها، و بعد شستن دست چپ همانند دست راست، آنگاه با رطوبت دست راست جلوی سر را و با مانده آن روی پای راست، و با رطوبت دست چپ روی پای چپ مسح می شود، و در مسح سر و پا به اندازه سه انگشت کفایت می کند، و مسح پاها از سر انگشتان تا قوزک پا می باشد. گرچه بر عکس آنهم جایز است، چنانچه که در کافی از امام کاظم و در تهذیب از امام صادق عليهما السلام روایت شده است.

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۲،ح۴.

[2] کافی،ج۳،ص۲۱ ،ح۵ / تهذیب الاحکام، ج۱،ص۶۰،ح۸.

اما آنچه که وارد شده از مسح نمودن با کف دست، از باب استحباب است نه وجوب.

سایر احکام وضو

۲۰۱). محمد بن مسلم گوید: امام باقر ؈ فرمودنـد: یکی از شما می تواند با یک مشت روغن تمامی بدن خود را آغشته کند و حال آنکه آب فراتر از آن است.[1]

۲۰۲). حضرت صادق ؈ فرمودند: پدرم همواره می فرمود: « **إن للوضوء حدا من تعداه لم يوجر** » برای وضو حدی معینی است، هر کس از آن بگذرد، پاداشی ندارد.[2]

۲۰۳). زراره گوید: امام باقر ؈ در باره وضو فرمودند: « **إذا مس جلدك الماء فحسبك**» هرگاه آب به پوست تو رسید، برای تو کافی است.[3]

۲۰۴). امام صادق ؈ فرمودند: خداوند را فرشته ای است، که اسراف در وضو را می نویسد، آن سان که زیاده روی از حدود را می نویسد.[4]

۲۰۵). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر ؈ در مورد کسی که دست و پای او بریده شده است پرسیدم. حضرت فرمودند: (در وضو) مانده آن را بشوید.[5]

۲۰۶). رفاعه گوید: از امام صادق ؈ در باره کسی که دست او بریده شده است، پرسیدم؟ فرمودند: از آن جایی که بریده شده است، بشوید.[6]

۲۰۷). حسین گوید: به امام صادق ؈ گفتم: مردی در حالی که عمامه بر سر دارد، وضو

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۶،ح۱.

[2] کافی،ج۳،ص۱۶،ح۳.

[3] کافی،ج۳،ص۱۷،ح۷ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۴۴،ح۷۲ . الاستبصار،ص۷۱؛ح۱۰.

[4] کافی،ج۳،ص۱۷،ح۹.

[5] کافی،ج۳،ص۲۱،ح۷ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۸۲،ح۱۵ .

[6] کافی،ج۳،ص۲۱،ح۸.

می گیرد و به جهت سرما، برداشتن عمامه بر او دشوار است، حکمش چیست؟

فرمودند: با انگشت خود از زیر عمامه مسح نماید.[۱]

۲۰۸). زراره گوید: امام صادق یا امام باقر علیهما السلام فرمودند: اگر وضو گرفتی و به جای مسح، دو پای خود را شست شو دادی، و پنداشتی که این همان عمل واجب است، این وضو شمرده نمی شود. سپس فرمودند: با مسح روی دو پا آغاز کن (تا ضوی تو کامل گردد) [۲]

۲۰۹). محمد بن مروان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمـــودند: چه بسا مــردی شصت و هفتاد سال زندگی می کند و خداوند یک نماز را هم از او نمی پذیرد.گفتم: چگونه؟ فرمودند: زیرا عضوی را که خداوند به مسح آن امر فرموده است، می شوید.[۳]

۲۱۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر یقین کردی که وضوی خود را باطل نموده ای، وضو بگیر، و هرگز تا یقین بر باطل بودن وضوی خویش نکرده ای، وضو مگیر.[٤]

۲۱۱). زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر در حال وضو گرفتن بودی و نمی دانستی که آیا بازوی خود را شسته ای یا نه، آن را بشوی، و هم چنین تا زمانی که در حال وضو گرفتن هستی و در باره هر یک از اعضای وضو که تو در شستن یا مسح آنها شک کرده ای، این حکم جاری است.

ولی اگر وضو پایان یافت و در حالت دیگری چون نماز و جز آن بودی، سپس در شستن برخی از آن اعضا شک کردی، چیزی بر عهده تو نیست که دوباره انجام دهی.

و اگر در مورد مسح سر شک نمودی، چنانچه در محاسن خود رطوبتی یافتی، آن را بر روی

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۲،ح۳ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۹۳،ح۸۸ . الاستبصار، ص۳۷،ح۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۳،ح۸ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۶۸،ح۳۵.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۳،ح۹ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۶۸،ح۳۳.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۰۶،ح۱۱۷.

سر خود و پای خود مسح کن، ولی اگر رطوبتی نیافتی وضوی خود را با شک باطل مکن و نماز خود را بجای آور.

و اما اگر یقین کردی که وضوی خویش را با پایان نرسانده ای، به آن عضوی که از روی یقین ترک نموده ای باز گرد، تا وضو را به پایان برسانی.

زراره گوید: به حضرتش گفتم: اگر کسی شک کند که قسمتی از بازو یا قسمتی از بدن خویش را در غسل جنابت نشسته است، چه حکمی دارد؟

فرمودند: اگر شک کند و در حال نماز باشد، و رطوبتی از آب غسل در بدنش هست، با آن، همان قسمت را هم مسح کند، ولی اگر شک کند و حال آنکه در نماز به حالت دیگری داخل شده است، بایستی نماز خود را بجای آورد و چیزی بر عهده او نیست، ولی اگر بر نشستن عضو، یقین کند، باید آن قسمت را بشوید.

و اگر به هنگام مراجعه، آن قسمت را دید که مرطوب است، همان قسمت را مسح کند و نماز را دو مرتبه با یقین، به جا آورد، ولی اگر در این مورد شک کرد، در شک و تردید چیزی بر عهده او نیست و بایستی نماز خود را بجا آورد.[1]

۲۱۲). حلبی گوید: حضرت صادق عليه السلام فرمودند: اگر در حال نماز متوجه شدی که چیزی که بر تو واجب بوده، ترک کرده ای، نماز را رها کن و آنچه را که از وضوی خود فراموش کرده ای، انجام بده و نمازت را دو مرتبه به جای آور، و در صورتی که مسح سرت را فراموش کرده ای، کافی است که با رطوبت محاسن خویش جلوی سر را مسح نمایی.[2]

۲۱۳). همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه در وضو شستن دست راست خود را فراموش کرده، دست چپش را شست و شو داده و سر و دو پایش را مسح کرد، آنگاه متوجه اشتباه خود

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۴،ح۲.

[2] کافی،ج۳،ص۲۴،ح۳ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۰۵، ح۱۱۲.

شده، باید (از اول) اینها را انجام دهد، ولی اگر شستن دست چپ را فراموش کرده است، باید دست چپ را شست و شو دهد، و اعاده سایر اعمال لازم نیست.

و فرمودند: « **اتبع وضوءك بعضه بعضا** » اعمال وضوی خود را پشت سرهم انجام بده.[1]

۲۱۴). امام باقر علیه السلام فرمودند: افعال وضو را به ترتیب به جای آور، آن سان که خداوند متعال فرموده است. از صورت آغاز کن سپس دو دست را، سپس سر و دو پا را مسح کن. و هرگز عضوی را جلوتر از عضو دیگر انجام مده تا آنچه را که بدان مامور شده ای، مخالفت نکنی. و اگر دستان را پیش از صورت شستی دوباره صورت را بشوی، سپس دستان را بشوی، و اگر پاها را پیش از سر مسح کردی، دوباره سرا را مسح کن، سپس پاها را تکرار کن. به آن چه خدا آغاز کرده است آغاز کن.[2]

۲۱۵). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر برخی از افعال وضو را انجام دادی، سپس کاری برای تو پیش آمد و مدتی طول کشید، تا آب وضویت خشک شد، از نو وضو بگیر، زیرا وضو جدا پذیر نیست.[3]

۲۱۶). معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی در حال وضو آب تمام می شود، کنیزم را صدا می زنم و او با تاخیر آب را می آورد و آب وضویم خشک می گردد، حکمش چیست؟ فرمودند: دو مرتبه وضو بگیر.[4]

۲۱۷). حکم بن حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: از مردی که به هنگام وضو شستن دستان و سر خود را فراموش می نماید که باید چه کند؟ فرمودند: دو مرتبه وضو بسازد، چرا که

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۵،ح۴ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۰۳،ح۱۰۸. الاستبصار،ص۴۴،ح۶.

[2] کافی،ج۳،ص۲۵،ح۵ . من لایحضره الفقه، ج۱،ص۳۹،ح۸۹ . الاستبصار،س۴۳،ح۱.

[3] کافی،ج۳،ص۲۵،ح۷ . استبصار، ص۴۳،ح۱.

[4] کافی،ج۳،ص۲۵،ح۸ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۹۱،ح۸۰ . الاستبصار،س۴۳،ح۲.

افعال وضو باید به ترتیب باشد.[۱]

مستحبات وضو

۲۱۸). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **ركعتان بالسواك أفضل من سبعين ركعة بغير سواك** » دو رکعت نماز با مسواک زدن، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک زدن است.[۲]

۲۱۹). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: « **لولا أن أشق على امتي لامرتهم بالسواك مع كل صلاة** » اگر بر امتم سخت نبود، به راستی که مردم را به مسواک زدن برای هر نماز دستور میدادم.[۳]

۲۲۰). همچنین فرمودند: « **ما زال جبرئيل** عليه السلام **يوصيني بالسواك حتى خشيت أن احفى أو ادرد** » همواره جبرئیل مرا به مسواک زدن سفارش می کرد، به گونه ای که بیم داشتم که در اثر مسواک زیاد، دندان هایم از بین برود.[٤]

۲۲۱). معلی بن خنیس گوید: از امام صادق عليه السلام در باره مسواک زدن پس از وضو پرسیدم؟ فرمودند: مسواک زدن، پیش از وضو است.

گفتم: اگر کسی فراموش کرد و پس از وضو به یادش آمد چه کند؟

فرمودند: باید مسواک بزند و بعد از آن، سه مرتبه آب در دهانش بگرداند.[٥]

۲۲۲). همچنین امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی که شب (برای نماز) بر می خیزی، مسواک کن، زیرا فرشته ای نزد تو می آید و دهان خود را بر دهان تو می گذارد و هیچ حرف و

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۵،ح۹.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۷،ح۱.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۷،ح۱. من لایحضرالفقیه،ج۱،ص۴۵،ح۱۲۳.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۷،ح۳ . من لایحضرالفقیه،ج۱،ص۴۲ / ۱۰۸.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۸،ح۶.

سخنی نمی گویی، مگر آنکه او را به سوی آسمان بالا می برد، پس باید دهانت خوشبو باشد.[۱]

۲۲۳). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: « **إن أفواهكم طرق القرآن فطهروها بالسواك** » همانا دهانهای شما راههای قرآن است،(و با آن قرآن می خوانید) پس آنها را با مسواک زدن پاکیزه کنید.[۲]

۲۲۴). رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در وصیت خود به امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: « **يا علي عليك بالسواك عند وضوء كل صلاة** » ای علی ترا به مسواک زدن برای هر نمازی سفارش می کنم.[۳]

۲۲۵). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: « **السواك شطر الوضوء** » مسواک زدن بخشی از وضو است.[٤]

۲۲۶). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: کسی که هنگام وضو نام خدا را ببرد، تمام بدنش پاک می شود و این کار کفاره گناهان بین دو وضو خواهد بود. و کسی که نام خدا را نبرد، فقط آن مقدار از بدنش که آب به آن می رسد پاک می شود.[٥]

۲۲۷). همچنین فرمودند: « **من ذكر اسم الله تعالى على وضوئه فكأنما اغتسل** » کسی که هنگام وضو نام خدا بر زبان جاری کند، گویا غسل کرده (و تمام بدن را شسته) است.[٦]

۲۲۸). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: روزی امیرالمومنین عليه‌السلام با (محمد) ابن حنیفه نشسته بود. از او خواست تا ظرف آبی جهت وضو برایش بیاورد. محمد نیز چنین کرد. پس از آماده شدن آب ، آن حضرت عليه‌السلام با دست راست آب را بر روی دست چپ ریخت . سپس فرمود: « **بِسْمِ**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۸،ح۷ .

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۴۳،ح۱۱۲.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۴۳،ح۱۱۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۴۳،ح۱۱۴.

[٥] تهذیب الاحکام، ج۱،ص۳۸۱،ح۶ . من لایحضره الفقه،ج۱،ص۴۱،ح۱۰۲. الاستبصار،ص۴۱،ح۲.

[٦] تهذیب الاحکام، ج۱،ص۳۸۰؛ح۳ . من لایحضره الفقه،ج۱،ص۴۱،ح۱۰۱. الاستبصار،ص۴۰،ح۱

اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً» پس از آن به مستراح رفت، و گفت: « **اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَ أَعِفَّهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ حَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ** » سپس مضمضه نمود و گفت: « **اللَّهُمَّ لَقِّنِّی حُجَّتِی یَوْمَ أَلْقَاکَ وَ أَطْلِقْ لِسَانِی بِذِکْرِکَ** » سپس استنشاق نمود، آنگاه گفت : « **اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَیَّ رِیحَ الْجَنَّهِ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَشَمُّ رِیحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طِیبَهَا** ». سپس صورتش را شسته و گفت : « **اللَّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهِی یَوْمَ تَبْیَضُّ فِیهِ الْوُجُوهُ** ». سپس دست راستش را شسته و گفت : « **اللَّهُمَّ أَعْطِنِی کِتَابِی بِیَمِینِی وَ الْخُلْدَ فِی الْجِنَانِ بِیَسَارِی وَ حَاسِبْنِی حِساباً یَسِیراً** » آنگاه دست چپش را شسته و گفت : « **اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِی کِتَابِی بِشِمَالِی وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَهً إِلَی عُنُقِی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّیرَانِ** » آنگاه سر خود را مسح کرده وگفت : « **اللَّهُمَّ غَشِّنِی بِرَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ**» آنگاه پاهایش را مسح کرده و گفت : « **اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِی عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْیِی فِیمَا یُرْضِیکَ عَنِّی** ».

آنگاه رو به محمد حنیفه کرده و فرمود: ای محمدا! کسی که مانند من وضو گرفته و این سخنان را بگوید، خدای عزوجل از هر قطره ای فرشته ای می آفریند که خداوند را تا روز قیامت تقدیس و تسبیح و تکبیر می گوید و خدای متعال ثواب آن را برای او می نویسد.[1]

۲۲۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که وضو می گیرد و با حوله خشك كند، يك حسنه برای او نوشته می شود و کسی که وضو بگیرد و صبر کند تا دست و رویش خود خشك شوند، سی حسنه برای او نوشته می شود.[2]

۲۳۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **افتحوا عیونکم عند الوضوء لعلها لا تری نار جهنم** »

[1] کافی،ج۳،ص۴۵،ح۶ . تهذیب الاحکام، ج۱،ص۵۴، ح۱۵۲. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۳۶،ح۸۴.

[2] کافی،ج۳،ص۴۴ ، ح۴ . من لایحضره الفقه،ج۱،ص۴۲،ح۱۰۵.

هنگام وضو چشمهایتان را باز کنید، چه بسا که آتش جهنم را نبینید.[۱]

۲۳۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام هنگامی که وضو می گرفت، نمی گذاشت کسی آب بدست او بریزد. به آن حضرت عرض شد: ای امیرمومنان علیه السلام چرا نمی گذارید که بر دست تو آب بریزند؟ آن حضرت فرمود: دوست ندارم کسی را در نمازم شریک بگیرم.[۲]

۲۳۲). و امیرالمومنین علیه السلام هنگام وضو می فرمودند: « **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَ أَكْبَرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَ قَاهِرٌ لِمَنْ فِي السَّمَاءِ وَ قَاهِرٌ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْ‏ءٍ حَيٍّ وَ أَحْيَا قَلْبِي بِالْإِيمَانِ اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ وَ طَهِّرْنِي وَ اقْضِ لِي بِالْحُسْنَى وَ أَرِنِي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ وَ افْتَحْ لِي بِالْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ** »[۳]

مبطلات وضو

پنج چیزی وضو را باطل می کند: (اول) بول (دوم) غایط (سوم) منی (چهارم) بادی که از مخرج غایط خارج می شود (پنجم) خواب، و آن وقتی محقق می شود که گوش نشود.

۲۳۳). زراره گوید: به امام باقر و امام صادق علیهما السلام گفتم: چه چیزی وضو را باطل می کند؟ هر دو امام فرمودند: « **ما يخرج من طرفيك الاسفلين من الدبر والذكر، غائط أو بول أو مني أو ريح والنوم حتى يذهب العقل وكل النوم يكره إلا أن تكون تسمع الصوت** » آن چیزی که از دو طرف پایین تو ــ یعنی دبر و آلت ــ خارج می گردد، که عبارتند از: مدفوع، ادرار، منی، باد، و هم چنین خوابی که عقل را ببرد، و هر خوابی ناپسند (و موجب بطلان وضو) است، مگر خوابی که صدا را بشنوی.[۴]

---

[۱] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۴۲،ح۱۰۴.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۱،ص۳۷۷،ح۱۰۵۷. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۳۷،ح۸۵.

[۳] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۳۸،ح۸۷.

[۴] کافی،ج۳،ص۲۶،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۴۹،ح۱۳۷. تهذیب الاحکام،ج۱ص۸،ح۱۲.

۲۳۴). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: آدمی را دو گوش است و دو چشم، درحالتی که دو چشم می خوابند، ولی دو گوش در خواب نیستند (و می شنوند) وضو باطل نمی شود، بلکه هنگامی وضو باطل می گردد که دو چشم و دو گوش، هر دو در خواب فرو روند.[۱]

۲۳۵). ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم در مورد خون دماغ، حجامت و هر خونی که جاری می گردد؟ حضرت فرمودند: در این چیز ها تکرار وضو نیست، بلکه اگر چیزی از عورتین که خدا آنها را به تو ارزانی کرده است خارج شود، وضو لازم می گردد.[۲]

۲۳۶). ابوسامه گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: آیا استفراغ وضو را باطل می کند؟ فرمودند: نه.[۳]

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند، و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند جبیره نامیده می شود.

۲۳۷). عبدالاعلی مولی آل سام گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه‌السلام عثرت فانقطع ظفري فجعلت على إصبعي مرارة فكيف أصنع بالوضوء؟ قال: يعرف هـذا وأشباهه مـن كتاب الله عزوجل (ما جعل عليكم في الدين من حرج)**[٤] **امسح عليه** » به امام صادق عليه‌السلام گفتم: پایم لغزید و در نتیجه ناخنم کنده شد. بروی انگشتم، دارو گذاشتم، حال برای وضو چه کنم؟ فرمودند: حکم این مورد و مشابه آن را از کتاب خدای عزوجل می توان دریافت که می فرماید: بر شما در دین هیچ تنگنایی قرار داده نشده است. حال برای وضو روی آن (چیزی که بر زخم

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۷،ح۱۶.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۷،ح۲۷. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۶،ح۳۳. الاستبصار،ص۴۹،ح۱.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۶،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۲،ح۲۵ .

[٤] سوره حج؛ آیه۷۷.

بسته ای) مسح کن.[1]

۲۳۸). حلبی گوید: از امام علیه السلام در مورد کسی که در بازویش و یا یکی از اعضای وضویش زخم چرکینی دارد و آن را با پارچه ای بسته و به هنگام وضو بر روی آن مسح می کند، پرسیدند؟ حضرت فرمودند: اگر آب بر او ضرر دارد، بایستی بر روی پارچه مسح نماید، و اگر آب به او ضرر ندارد، بایستی پارچه را باز کند، سپس آنجا را بشوید.

روای گوید: از حضرتش درباره جراحتی پرسیدم که در هنگام شستن آن، چگونه باید عمل کرد؟ فرمودند: باید اطراف آن را بشوی (و روی زخم را مسح کنی).[2]

۲۳۹). عبدالله بن سنان گوید: « **سألته عن الجرح کیف یصنع به صاحبه؟ قال: یغسل ما حوله** » از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که اعضای وضویش زخمی است پرسیدم؟ فرمودند: باید اطراف آن را بشوید، (و روی زخم را مسح نماید).[3]

غسل های واجب

غسل های واجب شش غسل اند: (اول) غسل جنابت، (دوم) غسل حیض، (سوم) غسل استحاضه، (چهارم) غسل نفاس، (پنجم) غسل مس میت، (ششم) غسل میت.

غسل جنابت

آیات :

« **وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُواْ** » و اگر جنب بودید، غسل کنید.[4]

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۴،ح۴ . تهذیب الاحکام،ج۱ص۳۸۶،ح۱۰۹۷. الاستبصار،ص۴۶،ح۳.

[2] کافی،ج۳،ص۲۴،ح۳.

[3] کافی،ج۳،ص۲۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۸۶،ح۱۰۹۶.

[4] سوره مائده، آیه ۶.

روايات :

۲۴۰). امام کاظم عليه السلام فرمودند: « **غسل الجنابة فريضة** » غسل جنابت فريضه است.[۱]

۲۴۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **من ترك شعرة من الجنابة متعمدا فهو في النار** » هر كه در غسل جنابت يک تار مو را به عمد نشويد، در دوزخ خواهد بود.[۲]

عوامل جنابت

به دو چيز انسان جنب می شود: (اول) جماع، (دوم) خارج شدن منی.

۲۴۲). محمد بن مسلم گويد: از يكی از دو امام (امام باقر يا امام صادق عليهما السلام) پرسيدم: كی بر مرد و زن غسل واجب می شود؟ فرمودند: غسل (جنابت) مهريه و سنگ سار نمودن هنگامی واجب می شود كه دخول صورت گرفته باشد.[۳]

۲۴۳). محمد بن اسماعيل گويد: « **سألت الرضا** عليه السلام **عن الرجل يجامع المرأة قريبا من الفرج فلا ينزلان متى يجب الغسل؟ فقال: إذا التقى الختانان فقد وجب الغسل، فقلت: التقاء الختانين هو غيبوبة الحشفة؟ قال: نعم** » از امام رضا عليه السلام پرسيدم: مردی كه با زن در نزديكی فرج جماع می كند، و هيچ كدام به انزال (منی) نمی رسند، كی غسل بر اين دو واجب می شود؟ فرمودند: هنگامی كه دو ختنگاه به يک ديگر برسند، غسل واجب می شود. گفتم: آيا تماس دو ختنه گاه، همان پنهان شدن سر آلت است؟ فرمودند: آری.[٤]

۲۴۴). علی بن يقطين گويد: مردی با كنيز با كره ای نزديكی می كند، نه دخول صورت می گيرد نه انزال، آيا برای آن كنيز غسل واجب می شود؟ و اگر زن باكره نباشد و با او نزديكی نمايد،

---

[۱] من لايحضره الفقيه، ج۱،ص۷۳،ح۲۷۳. تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۱۴،ح۲۸۵.

[۲] تهذيب الاحكام، ج۱،ص۱۴۲،ح۳۷۳.

[۳] كافی،ج۳،ص۳۲،ح۱. تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۲۴،ح۳۱۰. الاستبصار،ص۶۳،ح۱.

[٤] كافی،ج۳،ص۳۲،ح۲. تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۲۴،ح۳۱۱. الاستبصار،ص۶۳،ح۲.

ولی دخول نکند، آیا برای آن زن غسل واجب می شود؟ فرمودند: هرگاه ختنه گاه مرد بر ختنه گاه زن قرار گیرد، غسل بر زن واجب می گردد، خواه زن باکره باشد یا نباشد.[۱]

۲۴۵). از امام صادق علیه السلام پرسیده شد از مردی که با زنی نزدیکی کند ولی انزال منی صورت نگیرد، آیا غسل جنابت بر او واجب می شود؟ حضرت فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام فرموده هرگاه با ختنه گاه تماس حاصل پیدا کرد، غسل واجب می شود.[۲]

۲۴۶). اسماعیل بن سعد اشعری می گوید: « **سألت الرضا علیه السلام عن الرجل یلمس فرج جاریته حتی تنزل الماء من غیر أن یباشر، یعبث بها بیده حتی تنزل؟ قال: إذا انزلت من شهوة فعلیها الغسل** » از امام رضا علیه السلام پرسیدم: مردی است که فرج کنیز خود را لمس می کند تا اینکه بدون نزدیکی و به واسطه اینکه با دستش با او بازی می کند، کنیز انزال می نماید؟ فرمودند: در صورتی که از روی شهوت انزال نماید، غسل بر او لازم است.[۳]

۲۴۷). محمد بن إسماعیل بن بزیع می گوید: « **سألت الرضا علیه السلام عن الرجل یجامع المرأة فیما دون الفرج وتنزل المرأة علیها غسل؟ قال: نعم** » از امام رضا علیه السلام پرسیدم: مردی است که با زن خود به طریق غیر فرج نزدیکی می کند و آن زن انزال می نماید، آیا غسلی بر عهده زن می باشد؟ فرمودند: آری.[۴]

۲۴۸). حسین بن ابی اعلاء گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی است که خواب می بیند و به شهوت می افتند، او در خواب می بیند که محتلم شده است، ولی هنگامی که بیدار می شود چیزی بر روی لباس خود نمی بیند، چه حکمی دارد؟ فرمودند: غسل بر او واجب نیست.

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۲،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۲۴،ح۳۱۲. الاستبصار،ص۶۳،ح۳.
[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۶۰،ح۱۹۴.
[۳] کافی،ج۳،ص۳۲،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۲۹،ح۳۲۷.
[۴] کافی،ج۳،ص۳۲،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۲۹،ح۳۲۸.

اميرالمومنين ﷺ می فرمود: غسل فقط در آب بزرگتر (منی) است، پس هرگاه کسی خوابی دید ولی آن آب را ندید، غسل بر عهده او نمی باشد.[۱]

۲۴۹). ابن ابی یعفور می گوید: « **قلت لابي عبدالله ﷺ الرجل يرى في المنام ويجد الشهوة فيستيقظ وينظر فلا يجد شيئا، ثم يمكث بعد فيخرج؟ قال: إن كان مريضا فليغتسل وإن لم يكن مريضا فلا شئ عليه، قال: فقلت له: فما فرق بينهما؟ فقال: لان الرجل إذا كان صحيحا جاء بدفقة وقوة وإذا كان مريضا لم يجئ إلا بعد** » به امام صادق ﷺ گفتم: مردی خواب می بیند و احساس شهوت می نماید، پس بیدار شده نگاه می کند و چیزی را نمی یابد، سپس مدتی درنگ می کند و چیزی خارج می شود. حکم اش چیست؟ فرمودند: اگر بیمار باشد، بایستی غسل کند و در صورتی که بیمار نیست، چیزی بر عهده او نیست. گفتم: فرق میان این دو چیست؟ فرمودند: هنگامی که مرد سالم است، منی با نیرو و جهش بیرون می آید و هنگامی که بیمار است، پس از گذشت زمان می آید.[۲]

۲۵۰). حلبی گوید: از امام صادق ﷺ درباره زنی که در خواب می بیند آن چه را مردان می بینند، پرسیدم؟ فرمودند: « **إذا انزلت فعليها الغسل وإن لم تنزل فليس عليها الغسل** » در صورتی که انزال کرده باشد، غسل بر او لازم است، و در صورتی که انزال نکرده باشد، غسل بر او واجب نیست.[۳]

چیزهای که بر جنب حرام است

آیات :

« **وَلاَ جُنُبًا إِلاَّ عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىَ تَغْتَسِلُواْ** » و در حال جنابت (وارد مساجد نشوید) مگر

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۳،ح۱.
[۲] کافی،ج۳،ص۳۳،ح۴ . تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۲۹،ح۱۱۲۴. الاستبصار،ص۶۴،ح۸.
[۳] کافی،ج۳،ص۳۳،ح۵ .

اینکه راهگذر باشید تا غسل کنید.[۱]

روایات :

۲۵۱). امام صادق عليه السلام فرمـودند: « **للجنب أن يمشي في المساجد كلها ولا يجلس فيها إلا المسجد الحرام ومسجد الرسول** صلى الله عليه وآله وسلم » جنب مـی تواند در همه مساجـد را برود، بدون اینکه بنشیند و توقف کند، مگر مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم .[۲]

۲۵۲). جمیل می گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن الجنب يجلس في المساجد؟ قال: لا ولكن يمر فيها كلها إلا المسجد الحرام ومسجد الرسول** صلى الله عليه وآله » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا جنب می تواند در مسجدها بنشیند؟ فرمودند: نه، ولی می تواند از آنها بگذرد، مگر مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلى الله عليه وآله .[۳]

۲۵۳). رسول خدا صلى الله عليه وآله نهی فرمودند از اینکه شخصی در حال جنابت در مسجد بنشند.[٤]

۲۵۴). عبد الله بن سنان گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن الجنب والحائض يتناولان من المسجد المتاع يكون فيه؟ قال: نعم ولكن لا يضعان في المسجد شيئا** » از امام صادق عليه السلام در باره جنب و حائض پرسیدم که آیا می توانند چیزی از مسجد بر دارند؟ فرمودند: آری، ولی نباید چیزی را در مسجد بگذارند.[٥]

۲۵۵). امام صادق عليه السلام فرمودند: مسّ ننماید جنب درهم و دریناری را که بر آن اسم خدا نوشته شده باشد.[٦]

---

[۱] سوره نساء، آیه۴۳.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۴،ح۳.

[۳] کافی،ج۳،ص۳۵،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۳۱،ح۳۳۸.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۹،ح۴۹۶۸.

[٥] کافی،ج۳،ص۳۵،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۳۱،ح۳۳۹.

[٦] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۳۲،ح۳۴۰. الاستبصار،ص۶۵،ح۱.

۲۵۶). محمد مسلم گوید: به امام باقر علیه‌السلام گفتم: آیا حائض و جنب می توانند چیزی از قرآن بخوانند؟ فرمودند: « **نعم ما شاء ا إلا السجدة ويذكران الله تعالى على كل حال** » آری هرچه بخواهند جز آیاتی که سجده (واجب) دارد، و میتوانند خداوند را در هر حال یاد کنند.[۱]

چیزهایی که بر جنب مکروه است

۲۵۷). زراره گوید: حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند: « **الجنب اذا أراد أن يأكل ويشرب غسل يده وتمضمض وغسل وجهه وأكل وشرب** » هرگاه جنب می خواهد بخورد و بیاشامد باید دست خود را بشوید، آب در دهان خویش بگرداند، وصورت خویش را بشوید، آنگاه بخورد و بیاشامد.[۲]

۲۵۸). حضرت صادق علیه‌السلام در حدیثی فرمودند: « **لا يذوق شيئا حتى يغسل يديه ويتمضمض فإنه يخاف منه الوضح** » (جنب) نباید پیش از شستن دستها و مضمضه چیزی بخورد، زیرا بیم آن می رود که مبتلا به بیماری پیسی شود.[۳]

۲۵۹). حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: « **إذا كان الرجل جنبا لم يأكل ولم يشرب حتى يتوضأ** » هنگامی که شخص جنب است چیزی نخورد و نیاشامد تا اینکه وضو بسازد.[٤]

بیان: پس بر جنب خورد و آشامیدن مکروه است، مگر اینکه دست ها و صورت خود را بشوید، و مضمضه کند، یا اینکه وضو بگیرد، که در این صورت کراهت آن برداشته خواهد شد.

---

[۱] تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۳۵،ح۳۵۲. الاستبصار،ص۶۵،ح۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۴،ح۱. تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۳۶،ح۳۵۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۳۵،ح۱۲. تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۳۷،ح۳۵۷.

[٤] من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۵۹،ح۱۸۱.

۲۶۰). و روایت شده است که: « **أن الاكل على الجنابة يورث الفقر** » غذا خورد در حال جناب فقر و تنگدستی می آورد.[۱]

۲۶۱). حزیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا جنب می تواند، روغن به بدن مالیده سپس غسل کند؟ فرمودند: نه.[۲]

۲۶۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: مرد خضاب نکند، در حالی که جنب است، و جنب نشود درحالی که خضاب کرده است.[۳]

۲۶۳). از امام کاظم علیه السلام پرسیده شد آیا کسی که جنب است خضاب کند، یا جنب شود در حالی که خضاب کرده است؟ حضرت فرمودند: من این را برای او دوست نمی دارم.[٤]

۲۶۴). عبد الله بن علی حلبی گوید: « **سئل أبوعبدالله عليه السلام عن الرجل أينبغي له أن ينام وهو جنب؟ فقال: يكره ذلك حتى يتوضأ** » از امام صادق علیه السلام سوال شده که آیا شایسته است در حالی که مرد جنب است بخوابد؟ فرمودند: خوب نیست مگر اینکه وضو بگیرد.[٥]

۲۶۵). سماعه گوید: از امام علیه السلام درباره مردی که جنب شده، و می خواهد بخوابد پرسیدم؟ فرمودند: اگر بخواهد می تواند وضو بگیرد، و غسل در نزد من بهتر است، و اگر بدون وضو و غسل بخوابد ـ ان شاء الله تعالی ـ چیزی بر عهده او نیست.[٦]

۲۶۶). رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کراهــت دارد مــردی که محتلم شــده پیش از غسل با

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۹،ح۱۷۸.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۵،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۳۶،ح۳۵۵.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۹۱،ح۵۱۸. الاستبصار،ص۶۷،ح۲.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۹۱،ح۵۱۹. الاستبصار،ص۶۸،ح۷.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۹،ح۱۷۹.

[٦] کافی،ج۳،ص۳۵،ح۱۰.

همسرش نزدیکی کند.[۱]

۲۶۷). امام کاظم ؈ فرمودند: قرآن را در غیر حالت پاکی و در حالت جنابت لمس نکن، همچنین به نخل آن (که در وسط صفحات می باشد) دست نزد و آن را هم آویزن (بر خود) نکن، همانا خداوند متعال می فرماید: « **لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ** » غیر از پاکان نباید بر آن دست بزنند.[۲]

کیفت و چگونگی غسل نمودن

هر غسل واجب و مستحبی را می توان به دو قسم انجام داد، ترتیبی و ارتماسی.

غسل ترتیبی

۲۶۸). محمد بن مسلم گوید: از یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق ؉) در مورد چگونگی غسل جنابت پرسیدم. فرمودند:« **تبدأ بكفيك فتغسلهما ثم تغسل فرجك ثم تصب الماء على رأسك ثلاثا ثم تصب الماء على سائر جسدك مرتين فما جرى عليه الماء فقد طهر**» ابتدا دو دست خویش را می شویی، سپس آلت خود را می شوی، آنگاه سه بار روی سر خویش، پس از آن دوبار به بدن خویش آب می ریزی، پس هرچه آب بر آن جاری شود (از بدن) ، پاک می گردد.[۳]

۲۶۹). ربعی می گوید: امام صادق ؈ فرمودند: « **يفيض الجنب على رأسه الماء ثلاثا، لا يجزئه أقل من ذلك** » شخص جنب باید سه مرتبه بر روی سر خویش آب بریزد، و کمتر از

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۴،ح۴۴۱۲.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۲۷،ح۳۴۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۳۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۳۹،ح۳۶۵. الاستبصار،ص۷۱،ح۲.

این مقدار، برای او کفایت نمی کند.[۱]

۲۷۰). زراره گوید: به امام علیه السلام گفتم: جنب چگونه غسل می نماید؟ فرمودند: « **إن لم يكن أصاب كفه شئ غمسها في الماء ثم بدأ بفرجه فأنقاه بثلاث غرف ثم صب على رأسه ثلاث أكف ثم صب على منكبه الايمن مرتين وعلى منكبه الايسر مرتين فما جرى عليه الماء فقد أجزأه** » اگر دستش نجس نباشد، آن را در آب فرو می برد، آنگاه از عورت خویش آغاز نموده، و آن را به سه کف آب تمیز می کند، سپس سه کف آب بر روی سر خویش و پس از آن دوبار بر روی شانه راست خود و دوبار بر روی شانه چپ خود آب می ریزد، پس هرجا (از بدن) که آب بر آن جاری شود، (غسل داده شده است) و برای او کافی است.[۲]

۲۷۱). علی بن جعفر می گوید: از برادر خویش امام کاظم علیه السلام در باره زنی که در دست او النگو و دست بند است و نمی داند که آیا در زیر آن آب نفوذ می کند یا نه پرسیدم، که هنگام وضو یا غسل چگونه باید عمل کند؟

فرمودند: باید آن را بگونه ای تکان دهد که آب به زیر آن نفوذ کند، یا اینکه آنها را در آورد.

همچنین در مورد انگشتر تنگی که نمی داند آیا هنگام وضو آب زیر آن نفوذ می کند، پرسیدم که چگونه باید عمل کند؟

فرمودند: اگر می داند که آب زیر آن نفوذ نمی کند، بایستی هنگامی که وضــو می گیرد، آن را بیرون آورد.[۳]

غسل ارتماسی

۲۷۲). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا ارتمس الجنب في الماء ارتماسة واحدة**

---

[۱] کافی، ج۳، ص۳۰، ح۲.

[۲] کافی، ج۳، ص۳۰، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۱ص۱۴۰، ح۳۶۸.

[۳] کافی، ج۳، ص۳۱، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۱ص۸۸، ح۲۲۲.

أجزأه ذلك من غسله » هرگاه جنب یک بار در آب فرو رود، برای غسل او کافی است.[1]

۲۷۳). سکونی گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: مردی جنب می شود و یک باره در آب فرو می رود و بیرون می آید، آیا آن از غسل کفایت می کند؟ فرمودند: بلی.[2]

۲۷۴). همچنین امام صادق ﷺ فرمودند: « **ولو أن رجلا ارتمس في الماء ارتماسة واحدة أجزأه ذلك وان لم يدلك جسده** » و اگر شخص جنب یکبار در آب فرو رود، او را (از غسل)کفایت می کند، هرچند به بدن خود دست نکشد.[3]

حیض

۲۷۵). امام صادق ﷺ ضمن حدیثی فرمودند: « **وغسل الحيض واجب** » و غسل حیض واجب است.[4]

۲۷۶). همچنین فررمودند: « **غسل الجنابة والحيض واحد** » (در وجوب) غسل جنابت و حیض یکی است.[5]

۲۷۷). امام صادق ﷺ فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى حد للنساء في كل شهر مرة** » همانا خداوند تبارک و تعالی برای زنان در هر ماهی حد و حیضی قرار داده است.[6]

۲۷۸). احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: « **سألت أبا الحسن ﷺ عن أدنى ما يكون من الحيض، فقال: ثلاثة وأكثره عشرة** » از حضرت امام رضا ﷺ درباره کمترین روزهای حیض

---

[1] کافی،ج۳،ص۳۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۵۶،ص۴۲۳.

[2] کافی،ج۳،ص۱۷،ح۸.

[3] تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۵۶،ص۴۲۲.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱ص۵۷،ح۱۷۶.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۱ص۵۷،ح۱۷۳. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۶۹،ح۴۶۳.

[6] کافی،ج۳،ص۴۷،ح۱.

پرسیدم؟ فرمودند: کمترین روزهای حیض سه روز، و بیشترین آن ده روز است.[1]

۲۷۹). معاویه بن عمار می گوید: حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **أقل ما يكون الحيض ثلاثة أيام وأكثر ما يكون عشرة أيام** »کمترین روزهای حیض سه روز و بیشترین آن ده روز است.[2]

۲۸۰). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: مقدر پاکی ده روز است، زیرا چه بسا زن در اولین باری که حیض می بیند، خون او بسیار است و در نتیجه، حیض او ده روز می باشد، ولی هرچه سن او بالا رود، از این مقدار کاسته می شود، تا اینکه به سه روز می رسد، و چون به سه روز رسید، پس از آن، حیض از میان او می رود، و کمتر از سه روز نخواهد شد.

پس هرگاه زن در ایام حیض و عادت خود، خون ببیند، باید نماز را ترک نماید، اگر خون او سه روز ادامه یافت، حائض است، ولی اگر بعد از دو روز، خونش قطع گردید، بایستی غسل کند و نماز بخواند و از روزی که خون دیده تا ده روز منتظر بماند.

در صورتی که در این ده روز که از خون دیدن او شروع شده است، یک بار یا دو بار خون ببیند، تا اینکه سه روز تمام شود، آن خونی که در ابتدا و آنچه را که بعد از آن در ده روز دیده، خون حیض است.

ولی اگر از روزی که خون دیده است، ده روز بگذرد و خون نبیند، آن یکی دو روزی را که خون دیده، حیض نبوده است و تنها به واسطه عارض شدن بیماری می باشد که یا از زخم چرکینی است که در رحم زن وجود دارد و یا از از درون می باشد که در این صورت چون حائض نبوده بر او لازم است نماز های را که در آن دو روز ترک نموده قضا به جا آورد، و بر او واجب است که نمازهای را که در آن یک یا دو روز ترک نموده قضا نماید، ولی اگر سه روز تمام شود، آن

---

[1] کافی،ج۳،ص۴۷،ح۱.

[2] کافی،ج۳،ص۴۷،ح۲.

خون ازحیض بوده است، و این (یعنی سه روز) کمترین مقدار حیض است که در این صورت قضا بر او واجب نیست.

پس اگر زن حائض شود و حیض او پنج روز به طول انجامد، سپس خون قطع شود، باید غسل نموده و نماز بخواند. و اگر پس از آن و پیش از این که از روز پاک شدنش ده روز بگذرد، خون ببیند، و این خون ادامه پیدا کند، (و بیشتر از ده روز شود) از ابتدای خون اول و دوم که دیده، تا ده روز حیض شمرده می شود، و نماز را ترک خواهد کرد. و پس از آن هرچه بیشتر از ده روز شود، مستحاضه است و باید آنچه را که وظیفه مستحاضه است، انجام دهد.

همچنین حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: هر زردی یا قرمزی که زن در ایام حیض می بیند، از حیض است، و هرچه را که پس از ایام حیض می بیند، از حیض نیست.[1]

۲۸۱). حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند: زن حائض هنگامی که میخواهد غسل کند، بایستی پنبه ای، در درون رحم خود داخل نماید، در صورتی که پنبه از خون آغشته گردید، وقت غسل نیست، ولی اگر چیزی ندید، بایستی غسل نماید.[2]

۲۸۲). عبدالله بن سنان می گوید: « **سألته عن المرأة تحيض وهي جنب هل عليها غسل الجنابة؟ قال: غسل الجنابة والحيض واحد** » از امام صادق علیه‌السلام در مورد زنی که در حال جنابت حائض می شود، پرسیدم که آیا باید غسل جنابت بر او واجب است؟ فرمودند: غسل جنابت و حیض یکی است (یعنی بعد از پاک شدن هر دو را باهم انجام دهد).[3]

۲۸۳). سعید بن یسار می گوید: « **قلت لابي عبدالله علیه‌السلام المراة ترى الدم وهي جنب أتغتسل من الجنابة أم غسل الجنابة والحيض؟ فقال: قد أتاها ماهو أعظم من ذلك** » به امام

---

[1] کافی، ج۳، ص۴۷، ح۵.

[2] کافی، ج۳، ص۵۰، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱ص۱۶۸، ح۴۶۰.

[3] کافی، ج۳، ص۵۱، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱ص۴۱۸، ح۱۲۲۳.

صادق علیه‌السلام گفتم: زنی که در حال جنابت خون (حیض) می بیند، آیا باید برای جنابت غسل نماید، یا غسل جنابت و حیض را با هم انجام دهد؟ فرمودند: چیزی به سراغ او آمده است که از جنابت بزرگ تر است (لذا بعد از اتمام حیض هر دو را باهم بجا آورد).[1]

۲۸۴). زنی خدمت امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شد و از حضرتش پرسید: خونریزی زنی استمرار پیدا کرده و نمی داند که آیا خون حیض است، یا غیر آن؟ حضرت فرمودند: خون حیض گرم، تازه و سیاه است و هنگام خروج دارای شدت، سرعت و گرمی است و در این هنگام باید نماز را ترک کنند، ولی خون استحاضه زرد و سرد است.

روای گوید: زن خارج شد در حالی که می گفت: به خدا سوگند حتی اگر خودش هم زن می بود، بیش از نمی گفت.[2]

۲۸۵). اسحاق بن جریر گوید:زنی از خویشان ما در خواست کرده که او را نـزد امام صادق علیه‌السلام ببرم، برایش اجازه خواستم و حضرت اجازه داد: همراه کنزیش خدمت آن حضرت رسید و گفت: ای ابا عبدالله خداوند شما را نگهدارد در باره زنی که حیض می شود و ایام حیض او بیش از مقدار معمول می شود، چه می فرمایید؟

حضرت فرمودند: اگر حیض او کمتر از ده روز است، باید یک روز استظهار کند و پس از آن، او مستحاضه است.

زن گفت: اگر خونریزی همچنان یک ماه، دو ماه و سه ماه ادامه یابد، با نماز چه کند؟

فرمودند: ایام معمول حیض خود را باید نماز نخواند و در روز های بعد برای هر دو نماز، یک بار غسل کند.

---

[1] کافی،ج۳،ص۵۱،ح۳.

[2] کافی،ج۳،ص۵۵،ح۱.

عرض کرد: ایام حیضش مختلف می شود، گاهی حیض او یک روز، یا دو روز و سه روز پیش و گاهی نیز پس می افتد بنابر این، نمی داند که ایام معمول حیضش چه وقت است.

فرمودند: خون حیض نامعلوم نیست، بلکه آن خونی گرم است که با سوزش همراه است، ولی خون استحاضه فاسد و سرد است.

زن به کنیز خود رو کرد و گفت: می بینی؟ گویی یک زمانی زن بوده (که بدین شیوایی این احکام را بیان می فرماید).[1]

۲۸۶). خلف بن عماد کوفی می گوید: یکی از دوستان ما با دختری که تازه به حد بلوغ رسیده و هنوز حائض نشده بود، ازدواج کرد، وقتی شوهرش با او نزدیکی کرد، خونریزی کرد و تا ده روز قطع نشد، او را به زن های قابله و هرکسی را که گمان می کردند به مسائل زنان آگاه است، نشان دادند ولی هرکس چیزی می گفت. یکی می گفت: خون حیض است. دیگری می گفت: خون بکارت است.

در این باره از فقهای خود مانند ابوحفیفه و دیگران پرسیدند.

آنها گفتند: این چیزی است که مشکل شده، نماز هم فریضه واجب است، پس باید وضو بگیرد، نماز بخواند و نباید شوهرش با او نزدیکی کند، تا پاک شود، در نتیجه اگر خون حیض بود، نمازش بر او ضرری نمی رساند، و اگر خون بکارت بود، فریضه را بجا آورده است. زن جوان طبق این دستور عمل کرد.

من در همان سال به حج رفتم، وقتی به منا رسیدم، برای امام کاظم علیه‌السلام پیغام فرستادم و گفتم: فدایت گردم مساله ای برای ما پیش آمده که در حل آن ناتوان گشته ایم. اگر صلاح می دانید خدمت برسم و درباره آن از شما بپرسم.

---

[1] کافی، ج۳، ص۵۵، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۱ص۱۵۹، ح۴۳۱.

حضرت پیغام فرستاد: هرگاه رفت و آمد به پایان رسید و راه مناسب گشت، ان شاء الله به سوی ما بیایید.

خلف گوید: شب درنگ کردم تا هنگامی که رفت و آمد مردم در منا کم شد، به سوی خیمه بزرگ حضرتش رفتم، وقتی نزدیک شدم، فرد سیاهی را دیدم که بر سر راه نشسته بود، گفت: ای مرد کیستی؟

گفتم: مردی از حاجیانم.

گفت: نام تو چیست؟

گفتم: خلف بن عباد.

گفت: بدون اجازه وارد شو که حضرتش به من امر فرمود که اینجا بنشیم و هرگاه تو آمدی اجازه ات دهم.

من وارد شدم و سلام کردم، حضرت جواب داد، درحالی که به تنهای روی فرشی نشسته بود و کسی در خیمه نبود، همین که پیش رویش نشستم از حال من پرسید و من نیز از حال حضرتش جویا شدم و گفتم: مردی از دوستان شما با دختری که تازه به حد بلوغ رسیده و هنوز حیض نشده بود ازدواج کرده است و چون بکارت او را زایل کرد، خونریزی کرد و تا ده روز خون قطع نگردید و زن های قابله نظرهای مختلفی دادند، بعضی از آنها گفتند: خون حیض است. و بعضی گفتند: خون بکارت است، او چه باید بکند؟

حضرت فرمودند: باید تقوای خدا پیشه کند، اگر خون حیض بود باید نماز را ترک نماید، تا پاک شود، شوهرش او نزدیکی با او خوداری نماید و اگر خون بکارت بود، تقوای خدا پیشه کند، وضو بگیرد، نماز بخواند و اگر شوهرش دوست داشت، می تواند به او نزدیکی کند.

گفتم: چگونه بدانند که از کدام است تا آنچه سزاوار است، انجام دهند؟

حضرت در خیمه به راست و چپ نگاه کرد، از ترس این که کسی سخــن او را بشنود. آنگاه

روی به من کرد و فرمود: ای خلف این سر خداست، سر خداست آن را فاش مکنید و اصول دین خدا را به این مردم مخالفان نیاموزید، بلکه به همین اندازه که خداوند، گمراهی را به آنان خواسته شما هم به همان خشنود باشد.

گوید: سپس حضرتش با دست چپ خود مشت کرد و آن را به شکلی نود گونه در آورد آن گاه فرمود: پنبه ای را درون فرج می کند و مدت زیادی درنگ می کند، بعد آن را به آرامی خارج می کند، اگر خون در پنبه به صورت حلقه ای شکل بود، از بکارت است، و اگر همه پنبه آغشته به خون بود از حیض است.

خلف گوید: سرور و خوشحالی وجود مرا گرفت و به گریه افتادم. وقتی گریه ام تمام شد، حضرت فرمودند: چه چیز تو را به گریه واداشت؟

گفتم: قربانت گردم چه کسی این مساله را غیر از شما به این خوبی می دانست؟

حضرت دست خود را به آسمان بالا برده و فرمودند: به خدا سوگند من به تو خبر نمی دهم مگر از رسول خدا ﷺ از جبرئیل از خداوند متعال.[1]

کارهای که بر حائض مستحب است

۲۸۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **كن نساء النبي ﷺ لا يقضين الصلاة إذا حضن ولكن يتحشين حين يدخل وقت الصلاة ويتوضين، ثم يجلسن قريبا من المسجد فيذكرن الله عزوجل** » زن های پیامبر ﷺ هنگامی که حائض بودند نماز بجا نمی آوردند، لکن فرج خود را از پنبه پر کرده و وضو ساخته نزدیک مسجد (پیامبر) مینشستند و ذکر خدای عزوجل می کردند.[2]

---

[1] کافی، ج۳، ص۵۵، ح۱.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۱ص۶۸، ح۲۰۶.

۲۸۸). محمـد بن مسلم گویـد: « **سألت أبا عبدالله** ﷺ **عن الحائض تطهر يوم الجمعة وتذكر الله؟قال: أما الطهر فلا ولكنها تتوضأ في وقت الصلاة ثم تستقبل القبلة وتذكر الله** » از امام صادق ﷺ در باره حائض پرسیدم که آیا روز جمعه می تواند غسل کند و به ذکر خدا مشغول شود؟ فرمودند: غسل نه، ولی در وقت نماز وضو بگیرید، رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر خداوند شود.[1]

۲۸۹). معاویه بن عمار می گوید: امام صادق ﷺ فـرمـودند: « **تتوضأ المرأة الحائض أذا أرادت أن تأكل وإذا كان وقت الصلاة توضأت واستقبلت القبلة وهللت وكبرت وتلت القرآن وذكرت الله عزوجل** » اگر زن حائض خواست چیزی بخورد وضو بگیرد، و هرگاه وقت نماز فرا رسید، وضو بگیرد، رو به قبله شود، تهلیل و تکبیر گوید، قرآن بخواند و خدای را یاد کند.[2]

۲۹۰). همچنین آن حضرت فرمودند: « **ينبغي للحائض أن تتوضأ عند وقت كل صلاة ثم تستقبل القبلة وتذكر الله مقدار ما كانت تصلي** » سزاوار است که حائض به هنگام هر نمازی، وضو بگیرد، سپس رو به قبله نماید و به اندازه ای که در حال پاکی نماز می خواند، خدا را یاد کند.[3]

۲۹۱). زراره گوید: امام باقر ﷺ فرمودند: « **اذا كانت المرأة طامثا فلا تحل لها الصلاة وعليها أن تتوضأ وضوء الصلاة عند وقت كل صلاة ثم تقعد في موضع طاهر فتذكر الله عزوجل وتسبحه وتهلله وتحمده بمقدار صلاتها ثم تفرغ لحاجتها** » هرگاه زن حائض شود، جایز نیست که نماز بخواند، و بر اوست که در وقت نماز وضو بگیرد، در جایی پاکی بنشیدند و به اندازه وقت نمازش، خداوند عزیز و جلیل را یاد نمود، تهلیل و تسبیح گوید، سپس به کار خود

---

[1] کافی، ج۳، ص۵۹، ح۱.

[2] کافی، ج۳، ص۵۹، ح۲.

[3] کافی، ج۳، ص۵۹، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۱ص ۱۶۶، ح۴۵۵.

بپردازد.[1]

کارهایی که بر حائض حرام است

۲۹۲). امام صادق علیه‌السلام در ذیل حدیثی در مــورد استحاضه فرمـــودند: « **ولا بأس أن يأتيها بعلها إذا شاء إلا أيام حيضها فيعتزلها بعلها** » و اگر شوهرش بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، مگر در ایام حیضش که باید از او دوری کند.[2]

۲۹۳). رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: « **من جامع امرأته وهي حائض فخرج الولد مجذوما أو أبرص فلا يلومن إلا نفسه** » هرکس با زن خود نزدیکی کند و او حائض باشد، اگر از این دو فرزندی بوجود آید که به خوره و پیسی مبتلا باشد، هیچ کس را ملامت نکند جز خویشتن را.[3]

۲۹۴). حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا يبغضنا إلا من خبثت ولادته أو حملت به أمه في حيضها** » کسی ما اهل بیت علیهم‌السلام را دشمن نمی دارد، مــگر کسی که ولادتش ناپاک باشد، یا مادرش در ایام حیض باو باردار شده باشد.[4]

۲۹۵). عذافر صیرفی گوید: « **قال أبوعبدالله علیه‌السلام: ترى هؤلاء المشوهين خلقهم؟ قال: قلت: نعم، قال: هؤلاء الذين آباؤهم يأتون نساء هم في الطمث** » امام صادق علیه‌السلام فرمودند: آیا این مردمان زشت را می بینی؟ گفتم: آری. فرمودند: اینها کسانی هستند که پدرانشان در حال حیض با مادرشان نزدیکی کرده اند.[5]

۲۹۶). به چندین سند در کافی و تهذیب روایت شده است که از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد

---

[1] کافی، ج۳، ص۶۰، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۱ص۱۶۶، ح۴۵۶.

[2] کافی، ج۳، ص۵۴، ح۵.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۱ص۶۶، ح۲۰۱.

[4] من لایحضره الفقیه، ج۱ص۶۶، ح۲۰۳.

[5] کافی، ج۵، ص۵۳۹، ح۵. من لایحضره الفقیه، ج۱ص۶۶، ح۲۰۲.

که : در حیض شوهر تا چه حد می تواند از همسر خود کامیاب شود؟

فرمودند: همه اندام جز فرج.[۱]

۲۹۷). محمد بن مسلم گوید: به امام باقر علیه‌السلام گفتم: زنی آخرین روزهای عادتش را طی می کند و خونش قطع می شود، (آیا شوهر می تواند با او نزدیکی کند)؟ فرمودند: اگر شوهر دچار هیجان شود و به زن دستور دهد تا شرمگاه خود را بشوید، آنگاه اگر بخواهد می تواند پیش از غسل با او نزدیکی کند.[۲]

۲۹۸). علی بن یقطین می گوید: « **سألته عن الحائض ترى الطهر ويقع بها زوجها، قال: لا بأس والغسل أحب إلي** » از امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم: زن حائضی خونش قطع می شود و شوهرش (پیش از غسل) با او نزدیکی می کند (ایرادی دارد ؟). فرمودند: ایرادی ندارد، اما غسل کردن (پیش از آمیزش) برای من محبوب تر است.[۳]

۲۹۹). از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شده که آیا مردی که همسرش حیض است (جایز است) با او جماع کند؟ فرمودند: اینکار را انجام ندهد، زیرا خداوند از آن نهی فرموده است. گفته شد: اگر این کار را انجام داد، آیا کفاره ای دارد؟ فرمودند: استغفار کند ولی کفاره ای ندارد.[٤]

۳۰۰). زراره گوید: از یکی از دو امام علیهماالسلام پرسیده است از مردی که در حال حیض با همسری جماع می کند. فرمودند: بر او (کفاره ای) نیست، استغفار کند و دوباره این کار را انجام ندهد.[٥]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۵۳۸، ح۱ تا ۴. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۶۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۵۳۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۳،ح۴۷۵. الاستبصار،ص۷۸،ح۱.

[۳] کافی،ج۵،ص۵۳۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۵،ح۴۸۱. الاستبصار،ص۷۹،ح۶.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۲،ح۴۷۲. الاستبصار،ص۷۶،ح۶.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۲،ح۴۷۴. الاستبصار،ص۷۶،ح۸.

بیان: اما آنچه که از کفاره برای کسی که در حال حیض با همسر خود نزدیکی نموده در روایات ذکر شده، از باب استحباب است نه وجوب.

۳۰۱). عبد الله بن سنان می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الجنب والحائض يتناولان من المسجد المتاع يكون فيه؟ قال: نعم ولكن لا يضعان في المسجد شيئا** » از امام صادق عليه السلام در باره جنب و حائض پرسیدم که آیا می توانند چیزی از مسجد بر دارند؟ فرمودند: آری، ولی نباید چیزی را در مسجد بگذارند.[1]

۳۰۲). محمد مسلم گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: آیا حائض و جنب می توانند چیزی از قرآن بخوانند؟ فرمودند: « **نعم ما شاء ا إلا السجدة ويذكران الله تعالى على كل حال** » آری هرچه بخواهند جز آیاتی که سجده (واجب) دارد، و میتوانند خداوند را در هر حال یاد کنند.[2]

استحاضه

یکی از خون های که از زن خارج می شود، خون استحاضه است، و زن را در موقع دیدن خون مستحاضه گویند، اگر خونی حیض و نفاس نباشد، حکم استحاضه دارد و گذشت در احادیث که بیشتر خون استخاضه زرد رنگ و سرد است.

استحاضه بر سه قسم است: **قلیله** و **متوسطه** و **کثیره**.

در استحاضه **قلیه** آن است که اگر خون فقط روی پنبه ای که زن با خون بر می دارد را آلوده کند، و در آن فرو نرود. در این صورت زن برای هر نماز یک وضو میگرید.

استحاضه **متوسطه** آن است که خون در پنبه فرو رود، ولی به دستمال و مانند آن که معمولا برای جلوی گیری زنها می بندند نرسد، در این صورت زن برای هر نماز صبح یک غسل می کند،

---

[1] کافی،ج۳،ص۳۵،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۳۱،ح۳۳۹.

[2] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۳۵،ح۳۵۲. الاستبصار،ص۶۵،ح۱.

و برای سایر نماز ها مانند استحاضه **قلیله** وضو میگیرد.

استحاضه **کثیره** آن است که خود پنبه را فرا گرفته و به دستمال نیز برسد، که در این صورت برای هر دو نماز یعنی ظهر و عصر یک غسل و مغرب و عشا یک غسل و صبح یک غسل انجام می دهد.

۳۰۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: خون حیض گرم، تازه و سیاه است و هنگام خروج دارای شدت، سرعت و گرمی است و در این هنگام (یعنی حیض) باید نماز را ترک کنند، ولی خون استحاضه زد و سرد است.[1] همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: خون حیض خونی گرم است که با سوزش همراه است، ولی خون استحاضه فاسد و سرد است.[2]

۳۰۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن دم الاستحاضة والحيض ليس يخرجان من مكان واحد، إن دم الاستحاضة بارد ودم الحيض حار** » خون استحاضه و حیض از یک جا بیرون نمی آیند، زیرا خون استحاضه، سرد و خون حیض گرم است.[3]

۳۰۵). همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند:« **المستحاضة تنظر أيامها فلا تصل فيها ولا يقربها بعلها فإذا جازت أيامها ورأت الدم يثقب الكرسف اغتسلت للظهر والعصر، تؤخر هذه وتعجل هذه وللمغرب والعشاء غسلا تؤخر هذه وتعجل هذه وتغتسل للصبح وتحتشي وتستثفر ولا تحيي وتضم فخذيها في المسجد وسائر جسدها خارج ولا يأتيها بعلها في أيام قرئها وإن كان الدم لا يثقب الكرسف توضأت ودخلت المسجد وصلت كل صلاة بوضوء وهذه يأتيها بعلها إلا في أيام حيضها** » زن مستحاضه باید ایام (حیض) خویش را بنگرد، در آن حال نماز به جا نیاورد و نباید شوهرش با او نزدیکی کند. هنگامی که ایامش سپری شد و ملاحضه نمود که خون از پنبه می گذرد، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند، بطوری که نماز

---

[1] کافی،ج۳،ص۵۵،ح۱.

[2] کافی،ج۳،ص۵۵،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۵۹،ح۴۳۱.

[3] کافی،ج۳،ص۵۵،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۵۹،ح۴۳۰.

ظهر را با تاخیر اندازد و در نماز عصر تعجیل نماید، (یعنی نماز ظهر و عصر را با فاصله بجا نیاورد) و برای نماز مغرب و عشاء نیز یک غسل به جا آورد و نماز مغرب را تاخیر اندازد و در نماز عشا تعجیل نماید، و برای نماز صبح تعجیل نماید، و از پنبه استفاده کند، و لباس، یا پارچه بلندی میان ران هایش ببندد، و نماز تحیت مسجد نخواند، و در مسجد ران هایش را بهم بچسباند و بقیه بدنش از این حکم بیرون است، و در ایام حیضش نباید شوهرش با او نزدیکی کند، ولی اگر خون از پنبه عبور نکند، (و قلیله باشد) باید خود را شست شو داده، وضو گیرد و می تواند داخل مسجد شود و باید برای هر نماز یک وضو بجار آورد، و با چنین زنی به استثنای ایام حیضش شوهرش می تواند نزدیکی کند.[1]

۳۰۶). سماعه گوید: امام علیه السلام فرمـودند: « **المستحاضة إذا ثقب الدم الكرسف اغتسلت لكل صلوتين وللفجر غسلا و إن لم يجز الدم الكرسف فعليها الغسل كل يوم مرة والوضوء لكل صلاة** » در مستحاضه، اگر خون او از پنبه ای بگذرد، (یعنی کثیره باشد) برای هر دو نماز (ظهر و عصر، مغرب و عشا) و نماز صبح هر کدام، یک غسل کند، و اگر خون از پنبه نگذرد، (یعنی متوسطه باشد) در هر روز یک غسل و برای هر نماز، وضویی بر عهده اوست.[2]

۳۰۷). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: زن مستحاضه (اگر استحاضه او کثیره باشد) باید هنگام نماز ظهر غسل کند و نماز ظهر و عصر را به جا آورد، سپس هنگام مغرب غسل کند و نماز مغرب و عشا را به جا آورد، پس از آن هنگام صبح غسل کند، و نماز صبح را به جا آورد و اگر شوهرش بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، مگر در ایام حیضش که باید از او دوری کند.

روای گوید: همچنین فرمودند: « **لم تفعله امراة قط احتسابا إلا عوفيت من ذلك** » هـــر

---

[1] کافی،ج۳،ص۵۴،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۸،ح۴۸۴.

[2] کافی،ج۳،ص۵۴،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۹،ح۴۷۵.

زنی که عمل مستحاضه را برای رسیدن به اجر و ثواب خداوندی انجام دهـــد، از آن آفت بهبود خواهد یافت.[۱]

نفـاس

خونی که مادر بعد از ولادت بچه می بیند (از جهت ولادت) خــون نفاس است، و زن را در هنگام دیدن خون، نفساء می گویند. زن نفساء به مدت ایام حیضش نماز و روزه را ترک می کند، اگر پاک شد که غسل کرده و به اعمال خود عمل می نماید ، ولی اگر هنوز خون می دیدید، دو روز دیگر صبر می کند، ولی اگر باز هم خون دید، دیگر حکم نفاس ندارد، بلکه باید غسل کرده و به احکام استحاضه عمل کند، و مدت نفاس بیشتر از ده روز نمی تواند باشد.

۳۰۸). امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمودند: « **وغسل النفساء واجب** » و غسل نفساء واجب است.[۲]

۳۰۹). یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: « **تجلس النفساء أيام حيضها التي كانت تحيض ثم تستظهر وتغتسل وتصلي** » زن نفساء به اندازه دوران حیض خود، دوران قاعدگی قرار دهد، سپس استظهار کرده غسل نماید و نماز بخواند.[۳]

۳۱۰). زراره گوید: (امام باقر یا صادق علیهما السلام) فرمودند: « **النفساء تكف عن الصلاة أيام إقرائها التي كانت تمكث فيها ثم تغتسل وتعمل كما تعمل المستحاضه** » زن نفساء باید به اندازه ایام حیضش درنگ کرده و نماز را ترک کند، سپس غسل نموده (و اگر بعد از آن خونی دید) همانند مستحاضه عمل کند.[٤]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۵۴،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱ص۱۷۹،ح۴۸۷.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۶،ح۱۷۲. کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۰۸،ح۲۷۰. الاستبصار،ص۵۷.

[۳] کافی،ج۳،ص۵۹،ح۵.

[٤] کافی،ج۳،ص۵۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۸۲،ح۴۹۵. الاستبصار،ص۸۷،ح۱.

۳۱۱). زراره گوید: به امام علیه السلام گفتم: زن نفساء باید نماز بخواند؟ فرمودند: باید به اندازه دوران حیض خود دوران قاعدگی قرار دهد، اگر خونریزی قطع شد که خوب و اگر قطع نشد، باید غسل کند و به احکام استحاضه عمل نماید.[۱]

۳۱۲). همچنین زاراه گوید: « **تقعد النفساء أيامها التي كانت تقعد في الحيض وتستظهر بيومين** » زن نفساء باید باید به قدر ایام حیض، دوران قاعدگی قرار دهد، و دو روز استظهار کند.[۲]

غسل مسّ میت

۳۱۳). محمد بن مسلم از یکی از دو امام علیهما السلام روایت می کند و می گوید: به حضرتش گفتم: آیا برای کسی که چشم میت را می بندد، غسل لازم است؟

فرمودند: اگر جسد را در هنگام گرم بودنش مسّ کند، نه ولی اگر پس از سرد شدنش مس نماید، باید غسل کند.

گفتم: آیا کسی که میت را غسل می دهد، خود نیز باید غسل کند؟

فرمودند: آری.[۳]

۳۱۴). حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من غسل ميتا فليغتسل، قلت: فإن مسه ما دام حارا؟ قال: فلا غسل عليه وإذا برد ثم مسه فليغتسل، قلت: فمن أدخله القبر؟ قال: لا غسل عليه إنما يمس الثياب** » کسی که میتی را غسل می دهد، باید خود نیز غسل کند. گفتم: اگر تا زمانی که بدن او گرم بوده، او را مس کرده باشد چه؟ فرمودند: غسل بر او لازم نیست، ولی اگر بدن میت سرد شده و او را مس کرده، باید غسل کند. گفتم: شخصی که میت را وارد

---

[۱] کافی، ج۳، ص۵۸، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۱۸۲، ح۴۹۶.

[۲] کافی، ج۳، ص۵۹، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۱۸۴، ح۵۰۱. الاستبصار، ص۸۷، ح۳.

[۳] کافی، ج۳، ص۹۲، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۵۴، ح۱۳۶۴.

قبر می کند چه؟ فرمودند: غسل بر او لازم نیست، زیرا او پارچه را مس می نماید.[۱]

۳۱۵). عبد الله بن سنان می گوید: حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **يغسل الذي غسل الميت، وإن قبل إنسان الميت وهو حار فليس عليه غسل ولكن إذا مسه وقبله وقد برد فعليه الغسل ولا بأس أن يمسه بعد الغسل ويقبله** » کسی که میت را غسل می دهد، باید غسل کند و اگر کسی میت را در حال گرمی بدنش ببوسد، غسل بر او لازم نیست، ولی اگر بدن میت سرد شده باشد، و به او دست بزند و او را ببوسد، بر او غسل لازم است و پس از غسل میت، دست زدن و بوسیدن او اشکال ندارد.[۲]

۳۱۶). ابراهیم می گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که گوشه ای از لباسش به بدن میت می رسد فرمودند: اگر میت غسل داده باشد، نباید لباسی را که به آن خورده، بشویی، ولی اگر میت غسل داده نشده، باید لباسی را که به آن خورده بشویی.[۳]

۳۱۷). امام صادق عليه السلام ضمن حدیثی فرمودند: غسل مسّ میت واجب است.[٤]

۳۱۸). همچنین فرمودند: « **إذا قطع من الرجل قطعة فهو ميتة وإذا مسه الرجل فكل ما كان فيه عظم فقد وجب على من مسه الغسل وإن لم يكن فيه عظم فلا غسل عليه** » هرگاه قطعه ای از بدن مردی جدا شود، آن قطعه میته است، اگر مردی آن را مسّ نماید، هر عضوی که دارای استخوان است بر مس کننده، غسل واجب است، و اگر در آن استخوان نباشد، غسل بر او واجب نیست.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۹۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۱۳،ح۲۸۳. الاستبصار،ص۵۸،ح۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۹۲،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۱۳،ح۲۸۴. الاستبصار،ص۵۸،ح۲.

[۳] کافی،ج۳،ص۹۳،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۹۲،ح۸۱۱.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۶،ح۱۷۴.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۲۰،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۵۵،ح۱۳۶۹. الاستبصار،۵۸،ح۵.

احکام میّت

پاداش بیماری و فضیلت صبر در آن

۳۱۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله سر مبارکش را به سوی آسمان بلند کرد و تبسمی فرمود.

به ایشان گفتند: ای رسول خدا شما را دیدیم که سر به آسمان بلند کردی و تبسم نمودی (این برای چه بود)؟

فرمودند: آری به شگفت آمدم از آن دو فرشته ای که از آسمان به زمین آمدند و در طلب بنده مومن صالحی بودند ، که در مصلای خود نماز می خواند، تا اینکه عمل روز و شب او را بنویسند، ولی او را در مصلایش نیافتند.

آنها به سوی آسمان بازگشته، گفتند: پروردگارا فلان بنده مومن را در مصلایش طلب کردیم تا عمل روز و شب او را بنویسم، ولی او را نیافتیم، بلکه در بندهای تو بیمار یافتیم.

خدای متعال فرمود: براستی برای بنده من همانند اعمالی را که در حال تندرستی انجام می داد بنویسد، تا زمانی که در بند من است، زیرا بر من لازم است که پاداش آنچه را که در حال تندرستی انجام می داد، در آن هنگام نیز که من او را از انجام آنها باز داشته ام، برایش بنویسم.[1]

۳۲۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه ناتوانی پیری بر مسلمان چیره شود، خداوند به فرشته فرمان می دهد که آنچه را در دوران نشاط و جوانی و تندرستی انجام می داده است، برایش بنویسد. هم چنین هرگاه مسلمان بیمار شود، خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا کارهای خوبی را که در حال تندرستی انجام می داده برای او بنویسد، تا زمانی که خداوند او را بالا برده، قبض

---

[1] کافی،ج۳،ص۶۶،ح۱.

روح نماید. هم چنین است کافر، هرگاه بیمار شود، خداوند کارهای بدی را که در حال تندرستی انجام می داده است، بر وی می نویسد.[۱]

۳۲۱). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **سهر ليلة من مرض أفضل من عبادة سنة** » یک شب به سبب بیماری بیدار ماندن، از عبادت یک سال برتر است.[۲]

۳۲۲). امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **اذا مرض المؤمن أوحى الله عزوجل إلى صاحب الشمال لا تكتب على عبدي مادام في حبسي ووثاقي ذنبا ويوحي إلى صاحب اليمين أن اكتب لعبدي ما كنت تكتبه في صحته من الحسنات** » آنگاه که مومن بیمار شود، خدای متعال به فرشته سمت چپ وی وحی می کند: تا زمانی که بنده ام در زندان و بند من است، گناهی بر او ننویس. و به فرشته سمت راست وحی می کند: حسناتی که در حال تندرستی بر بنده ام می نوشتی، در این حال نیز بنویس.[۳]

۳۲۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال می فرماید: « **من مرض ثلاثا فلم يشك إلى أحد من عواده أبدلته لحما خيرا من لحمه ودما خيرا من دمه فإن عافيته عافيته ولا ذنب له وإن قبضته قبضته إلى رحمتي** » کسی که سه شبانه روز بیمار شود و به هیچ یک از عیادت کنندگانش از بیماری شکایت نکند، گوشت او را به بهترین گوشت، خون او را به بهترین خون تبدیل فرمایم، پس اگر او را شفا دادم، در حالی شفا می دهم که گناهی برایش نباشد و اگر او را بمیرانم به سوی رحمتم قبض روحش فرمایم.[٤]

۳۲۴). راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من مرض ليلة فقبلها بقبولها كتب الله عزوجل له عبادة ستين سنة، قلت: ما معنى قبولها؟ قال: لا يشكو ما أصابه فيها إلى أحد** »

---

[۱] کافی، ج۳، ص۶۶، ح۲.

[۲] کافی، ج۳، ص۶۶، ح۴.

[۳] کافی، ج۳، ص۶۷، ح۷.

[٤] کافی، ج۳، ص۶۷، ح۱.

کسی که یک شب بیمار شود، و آن را به شایستگی بپذیرد، خداوند عزوجل برای او عبادت شصت سال بنویسد. گفتم: معنای پذیرش آن چیست؟ فرمودند: از آنچه به او رسیده، به کسی شکایت نکند.[۱]

ثواب عیادت مریض و آداب آن

۳۲۵). امام صادق ﷺ فرمودند: « **تمام العيادة للمريض أن تضع يدك على ذراعه وتعجل القيام من عنده فإن عيادة النوكى أشد على المريض من وجعه** » کمال عیادت بیمار آن است که دست خود را بر بازوی او بگذاری و زود از پیش او برخیزی، چرا که عیادت احمق برای بیمار، از دردش سخت تر است.[۲]

۳۲۶). امیرالمومنین ﷺ فرمودند: « **إن من أعظم العواد أجرا عند الله عزوجل لمن إذا عاد أخاه خفف الجلوس إلا أن يكون المريض يحب ذلك ويريده ويسأله ذلك** » بیشترین پاداش نزد خداوند، از آن عیادت کننده ای است که هرگاه از برادر دینی خود عیادت می کند، کمتر بنشیند مگر آنکه بیمار دوست بدارد، که او بیشتر بنشیند.[۳]

۳۲۷). امام باقر ﷺ فرمودند: هرکه از مسلمان بیماری عیادت کند، اگر صبح باشد، تا شب و اگر شب باشد تا صبح، هفتاد هزار فرشته برای او درود مــی فرستند، و افــزون بر آن، منزلی در بهشت خواهد داشت.[٤]

۳۲۸). فضیل بن یسار می گوید: امام صادق ﷺ فرمودند: « **من عاد مريضا شيعه سبعون ألف ملك يستغفرون له حتى يرجع ألي منزله** » هرکه بیماری را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته

---

[۱] کافی،ج۳،ص۶۸،ح۴.

[۲] کافی،ج۳،ص۶۹،ح۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۶۹،ح۶.

[٤] کافی،ج۳،ص۷۰،ح۱.

او را بدرقه کنند و برای او طلب آمرزش می نمایند تا این که به خانه اش باز گردد.[۱]

۳۲۹). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر مومنی برای خوشنودی خدای متعال از مومن بیماری عیادت کند، خداوند فرشته عیادت کننده ای بر او بگمارد که وی را در قبرش عیادت کند و تا روز قیامت برای او استغفار نماید.[۲]

۳۳۰). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **کان فیما ناجی به موسی ربه أن قال: یارب ما بلغ من عیادة المریض من الاجر؟ فقال الله عزوجل: أوكل به ملكا يعوده في قبره إلى محشره** » هنگامی که موسی علیه السلام با پروردگارش مناجات می کرد، عرضه داشت: پروردگارا پاداش عیادت کننده بیمار چقدر است؟ خدای متعال فرمود: فرشته ای بر وی بگمارم که او را در قبرش تا روز حشر عیادت کند.[۳]

وصیت نمودن

۳۳۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ما من میت تحضره الوفاة الا رد الله عزوجل علیه من سمعه وبصره وعقله للوصية أخذ الوصية أو ترك وهی الراحة التی يقال لها راحة الموت فهی حق على كل مسلم** » هیچ کس به حال مرگ نمی افتد مگر آنکه خدای عزوجل چشم و گوش و خرد او را به او باز می گرداند تا وصیت کند، خواه از فرصت الهی استفاده کند و یا استفاده نکند، این همان نشاطی است که نام آن را نشاط پیش از مرگ نهاده اند. بر عهده هر مسلمانی حق است که پیش از مرگ وصیت کند.[٤]

۳۳۲). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **الوصية حق وقد أوصی رسول الله صلی الله علیه و آله فینبغی للمسلم**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۷۰،ح۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۷۰،ح۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۷۱،ح۹.

[٤] کافی،ج۷،ص۵،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۹،ص۲۰۲،ح۴۸.

أن يوصی » وصیت حق است، جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز وصیت کرد، شایسته آن است که مسلمان برای بعد از مرگش وصیت کند.[۱]

۳۳۳). ابو صباح کنانی گوید: « **سألت ابا عبدالله علیه السلام عن الوصية فقال: هي حق على كل مسلم** » از امام صادق علیه السلام درباره وصیت پرسیدم.

فرمودند: وصیت حقی بر عهده همه مسلمانان است.[۲]

۳۳۴). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **من لم يوص عند موته لذوي قرابته ممن لا يرثه فقد ختم عمله بمعصيه** » کسی که هنگام مرگ خود برای اقربا و نزدیکانی که از او ارث می نمی برند وصیت نکند، عمل او به معصیت ختم شده است.[۳]

احکام محتضر

۳۳۵). امام صادق علیه السلام درباره چگونگی قرار دادن مرده (و محتضر) فرمودند: « **تستقبل بوجهه القبلة وتجعل قدميه مما يلي القبلة** » صورت او را رو به قبله کنید و قدم های وی را به سمت قبله قرار دهید.[٤]

۳۳۶). معاویه بن عمار گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الميت، فقال: استقبل بباطن قدميه القبلة** » از امام صادق علیه السلام درباره مرده (و محتضر) پرسیدم. فرمودند: پاهای او را به جانب قبله بگردان.[٥]

---

[۱] کافی،ج۷،ص۶،ح۵.

[۲] کافی،ج۷،ص۶،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۹،ص۲۰۲،ح۴۷.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۹،ص۲۰۳،ح۵۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۷۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۲،ح۸۳۳.

[٥] کافی،ج۳،ص۷۴،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۲،ح۸۳۴. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۲،ح۳۹۸.

۳۳۷). سلیمان بن خالد می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه یکی از شما ها بمیرد، او را رو به قبله نمایید، جامه ای بر رویش بکشید و به هنگام غسل، جایگاه غسلش رو به قبله باشد، و کف پاها و صورتش روز به قبله قرار گیرد.[۱]

۳۳۸). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **دخل رسول الله صلی الله علیه و آله على رجل من لد عبدالمطلب وهو في السوق وقد وجه لغير القبلة فقال: وجهوه إلى القبلة فانكم إذا فعلتم ذلك أقبلت عليه الملائكة وأقبل الله عزوجل عليه بوجهه، فلم يزل كذلك حتى يقبض** » رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مردی از فرزندان عبدالمطلب وارد شد و او در حال جان کندن بود و رویش به جانب دیگر غیر از قبله بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به اطرافیان فرمود: روی او را بسوی قبله کنید، که اگر چنان کردید فرشتگان رو به او آورده و متوجه اش شوند و خداوند عزوجل با نظر رحمت به او روی می کند، پس به همان حال بماند تا قبض رو گردد.[۲]

۳۳۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **اذا حضرت الميت قبل ان يموت فلقنه شهادة ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله** » هنگامی که مرده در حال احتضار است شهادت (**ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له**) و (**ان محمدا عبده ورسوله**) را به او تلقین کنید.[۳]

۳۴۰). زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه مردی را به هنگام جان کندن دریافتی، کلمات فرج را به او تلقین کن: « **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ** ».

---

[۱] کافی،ج۳،ص۷۴،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۲،ح۸۳۵. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۹۱،۱۳۷.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۳،ح۳۴۸.

[۳] کافی،ج۳،ص۷۱،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۳،ح۸۳۶.

سپس فرمودند: اگر من مردی همچو عِکرمه را به هنگام مرگش در می یافتم به طور حتم به او سود می رساندم.

عرض کردم: چگونه به او نفع می رساندید؟

فرمودند: آنچه را به آن اعتقاد دارید (که همان اقرار به ائمه عليهم السلام است) به او تلقین می کردم.[۱]

۳۴۱). در روایتی امام صادق عليه السلام فرمودند: « **فلقنه کلمات الفرج والشهادتین وتسمي له الاقرار بالائمة عليهم السلام واحدا بعد واحد حتی ینقطع عنه الکلام** » (به مرده در حال احتضار) کلمات فرج و شهادتین و اقرار به ائمه عليهم السلام را یکی بعد از دیگری به او تلقین کن تا زمانی که از سخن گفتن باز ماند.[۲]

۳۴۲). ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: به خدا سوگند اگر بت پرستی به هنگام به هنگام جان کندن آنچه را که شما می گویید، بگوید (یعنی اقرار کند به ولایت ائمه)، هرگز آتش بدن او را نمی سوزاند.[۳]

۳۴۳). همچنین آن حضرت فرمودند: هیچ کس نیست که مرگش فرا رسد و در حال احتضار باشد مگر اینکه ابلیس یکی از افراد خود را بر او موکل کند تا به کافرشدنش دعوت کند و وی را در دینش به شک اندازد تا جان از تنش بیرون رود، پس هرگاه بر سر شخصی از کسان خود رفتید که مرگش فرا رسیده به او شهادتین تلقین کنید، که او بگوید: (**اشهد ان لا إله إلا الله و اشهد ان محمدا رسول الله**) تا هنگامی که از دنیا برود و شیطان بر او دست نیابد.[٤]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۷۱،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۴،ح۸۳۹.

[۲] کافی،ج۳،ص۷۲،ح۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۷۲،ح۸.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۳،ح۳۵۰.

۳۴۴). رسول الله ﷺ فرمودند: « **لقنوا موتاکم " لا إله إلا الله " فإن من کان آخر کلامه " لا إله إلا الله " دخل الجنة** » مردگانتان را پیش از مرگ (لا إله إلا الله) تلقین کنید، هر کس آخرین سخنش (لا إله إلا الله) باشد، داخل بهشت خواهد شد.[1]

۳۴۵). عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه مردن و جان کندن بر میت دشوار شود، بایستی به جایگاه نمازش برده شود.[2]

۳۴۶). علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: زن حائض می تواند بر بالین بیماری که نزدیک به مرگ است، حاضر شود؟ فرمودند: ایرادی ندارد که از او پرستاری کند، ولی هرگاه می ترسید که مرگش نزدیک شده است، باید چنین زنی از او دور شود و کنارش نباشد، زیرا فرشتگان از حضورش آزرده می شوند.[3]

احکام بعد از مرگ

۳۴۷). علی بن یقطین می گوید: « **سألت العبد الصالح علیه السلام عن المرأة تموت وولدها في بطنها قال: یشق بطنها ویخرج ولدها** » از امام کاظم علیه السلام پرسیدم در باره زنی که بمیرد و کودکی در شکم داشته باشد؟ فرمودند: باید شکم او شکافته شود و کودک را بیرون آورند.[4]

۳۴۸). علی بن حمزه می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی که می میرد، و کودکش در رحم او زنده باشد آیا باید شکم او را شکافته و فرزندش را بیرون آوردند؟

فرمودند: آری.

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۲،ح۳۴۵.

[2] کافی،ج۳،ص۷۳،ح۲.

[3] کافی،ج۳،ص۸۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۵۳،ح۱۳۶۱.

[4] کافی،ج۳،ص۸۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۶۶،ح۱۰۰۵.

و در روایتی دیگر آمده است که: باید فرزند را بیرون آورده، سپس شکم او را بدوزند.[1]

۳۴۹). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای گروه مردم مبادا ببینیم کسی که در شب مرده، و مردم منتظر مانده اند تا صبح شود، یا کسی که در روز مرده، و منتظر مانده اند تا شب شود، سپس او را دفن کنند. در دفن مردگان خود منتظر طلوع و غروب خورشید نباشید، و در دفن آنها شتاب کنید، خداوند شما را رحمت کند.

مردم گفتند: ای رسول الله خداوند شما را نیز رحمت کند.[2]

۳۵۰). همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: « **كرامة الميت تعجيله** » کرامت میت در این است که در دفن نمودن او عجله شود.[3]

۳۵۱). امام صادق علیه السلام فرموده اند: « **يكره ان يقص للميت ظفر أو يقص له شعر أو يحلق له عانة أو يغمز له مفصل** » کراهت دارد، ناخن یا موی میت چیده شود، یا موی زهار او را بتراشند و یا اینکه مفصلی از او، فشار داده شود.[4]

۳۵۲). همچنین فرمودند: مو یا ناخن میت را نچینید و اگر چیزی از آن جدا شد، آن را در کفش بگذارید.[5]

۳۵۳). امام کاظم علیه السلام در مورد کسی که هدف صاعقه قرار گرفته یا غرق شده است فرمودند: باید سه روز (جهت دفن آنان) صبر شود، (بعد که اطمینان حال شد که مرده اند دفن شوند .[6]

۳۵۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: شایسته است که اولیای میت از شما (شیعیان) برادران دینی

---

[1] کافی،ج۳،ص۸۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۶۶،ح۱۰۰۶ و ۱۰۰۷.

[2] کافی،ج۳،ص۸۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۵۲،ح۱۳۵۹. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۸،ح۳۸۶.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۸،ح۳۸۵.

[4] کافی،ج۳،ص۸۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۴۳،ح۹۴۱.

[5] کافی،ج۳،ص۸۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۴۳،ح۹۴۰.

[6] کافی،ج۳،ص۱۱۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۶۰،ح۹۹۲.

میت را از مرگ او آگاه سازند تا بر جنازه وی حاضر شوند، برایش نماز بخوانند وطلب آمرزش کنند که برای ایشان پاداش و برای میت استغفار نوشته شود و به سبب استغفار ایشان برای میت پاداشی بر آنان حاصل شود.[۱]

غسل میّت وکیفت آن

غسل میت همانند غسل جنابت است، با این فرق که واجب است میت را سه غسل بدهند، اول با آبی که با سدر مخلوط شده باشد، سپس با آبی که با کافور مخلوص شده باشد، و بعد از آن با آب خالص.

۳۵۵). امام صادق ضمن حدیثی فرمودند: « **وغسل المیت واجب** » و غسل دادن میت واجب است.[۲]

۳۵۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: چون خواستی میت را غسل دهی، میان خود و او لباسی از پیراهن، یا غیر آن قرار ده که عورت او را بپوشاند، سپس از دو کف دست و سر او شروع کن و سه مرتبه او را با سدر بشوی، و پس از آن بقیه بدنش را بشوی و از طرف راست او شروع کن، و هر گاه خواستی عورت او را بشویی، پارچه ای پاک بر دست خود بپیچان و آنگاه دست خود را از زیر لباس، که بر عورت میت است، داخل کن، و بدون آنکه عورتش را ببینی آن را بشوی.

چون از غسل با سدر فارغ شدی، یک مرتبه دیگر با آب کافور و اندکی حنوط او را بشوی، سپس او را با آب خالص غسل دیگری بده، و چون از سه غسل فارغ شدی، وی را در جامه ای قرار ده و او را خشک کن.[۳]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۹۵،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۷۰،ح۱۴۷۰.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۶ . کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۰۸،ح۲۷۰. ااالاستبصار،ص۵۷.

[۳] کافی،ج۳،ص۸۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۱۷،ح۸۷۴.

۳۵۷). ابن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام درباره چگونگی غسل میت پرسیدم.

فرمودند: او را با آب و سدر بشوی، و در پی آن با آب کافور و ذریره اگر موجود بود، و غسل سوم باید با آب خالص باشد.

گفتم: سه غسل برای تمام بدن او باشد؟

فرمودند: آری.[1]

۳۵۸). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: « **یغسل المیت ثلاث غسلات مرة بالسدر ومرة بالماء یطرح فیه الکافور ومرة اخری بالماء القراح ثم یکفن** » باید میت را سه بار غسل داد: یک بار با سدر، یک بار با آبی که در آن کافور باشد، و بار دیگر با آب خالص، سپس باید او را کفن کرد.[2]

۳۵۹). و در حدیثی دیگر آمده است که: هرگاه خواستی میت را غسل دهی، او را در جایگاه غسل، مقابل قبله قرار ده، و اگر پیراهن بر تن اوست، دست او را از پیراهن بیرون کن، پیراهنش را روی عورتش بکش و از طرف پا آن را تا زانو بالا بیاور، و اگر پیراهن در تنش نبود، پارچه ای بر عورتش بینداز، سپس سدر را در تشتی قرار ده و آب روی آن بریز و با دست خود آن را بر هم زن تا کف نماید، کف آن را جدا کن و بقیه را در تغاور آب بریز.

سپس دو دست او را تا نصف بازو، سه مرتبه بشوی، همان طور که انسان از جنابت دست خود را می شوید.

پس از آن عورتش را بشوی و آن را پاکیزه کن، سپس سر او را با آب سدر بشوی و بکوش که آب در بینی و گوش هایش نرود.

پس از آن، میت را به جانب چپ بخوابان و (طرف راست را) سه بار بر نصف سر، تا پاهایش

[1] کافی،ج۳،ص۸۱،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۱۷،ح۸۷۵.

[2] کافی،ج۳،ص۸۱،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۱۸،ح۸۷۶.

آب بریز و به آرامی بر بدن، کمر و شکم او دست بکش، سپس او را به جانب راست بخوابان، و (طرف چپ را) همان گونه کن که در جانب چپ انجام دادی، انجام بده آنگاه آب درون تغار را دور بریز و آن را با آب خالص بشوی، و دست های خود را تا آرنج نیز بشوی.

پس از آن در ظرفی آب بریز و مقداری کافور به آن بیفزای، و آن کاری را که مرتبه اول انجام دادی، انجام ده، از دو دست و عورت او شروع کن و به آرامی دست بر شکمش بکش، اگر چیزی بیرون آمد، آن را پاک کن، آنگاه سر او را بشوی، سپس او را به بر جانب چپ بخوابان و سمت راست، کمر و شکمش را بشوی، و بعد او را به جانب راست بخوابان و سمت چپ او را همانند قبل بشوی.

آنگاه دست های خود را تا آرنج بشوی، و ظرف را بشوی، و آب خالص در آن بریز و مانند مرتبه اول و دوم، او را با آب خالص بشوی. سپس او را با پارچه ای پاک خشک کن.[1]

۳۶۰). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام در باره میت پرسیدم که آیا میشود او را در فضای باز غسل داد؟فرمودند: اشکالی ندارد و اگر آن محیط با پرده ای پوشیده شده باشد، نزد من خوشایندتر است.[2]

۳۶۱). از امام علیه السلام پرسیده شد: کسی که در حال جنابت بمیرد، چگونه باید غسل داده شود؟ و چه مقدار آب برای او کافی است؟ فرمودند: باید یک غسل داده شود که این غسل، برای غسل جنابت، غسل میت کافی است، زیرا هر دو غسل واجب هستند، که در یک غسل واجب جمع شده اند.[3]

۳۶۲). عمار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی که در حال نفاس مـی میرد،

---

[1] کافی،ج۳،ص۸۲،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۱۸،ح۸۷۷.
[2] کافی،ج۳،ص۸۲،ح۶.
[3] کافی،ج۳،ص۸۸،ح۱.

چگونه باید او را غسل داد؟ فرمودند: مانند غسلی که برای طهارت و پاکی او (از جنابت و حیض) انجام می شد، و هم چنین است زنی که در حال حیض و جنابت بمیرد، به آنها نیز فقط یک غسل داده می شود.[۱]

۳۶۳). حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی می میرد و جز زن کسی نیست که او را غسل دهد.

فرمودند: اگر همسر یا زن دیگری دارد که با او پیوند خویشی دارد، باید او را غسل دهد و زنان دیگر بر او آب بریزند، و اگر زن بمیرد، شوهر می تواند دست خود را به زیر پیراهن او کند و او را غسل دهد.[۲]

۳۶۴). محمد بن مسلم گوید: « **سألته عليه السلام عن الرجل يغسل امرأته قال: نعم من وراء الثوب** » از امام عليه السلام پرسیدم: آیا مردم می تواند زن خود را غسل بدهد؟ فرمودند: آری از زیر لباس.[۳]

۳۶۵). ابن نمیر می گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام: حدثني عن الصبي إلى كم تغسلهالنساء؟ فقال: إلى ثلاث سنين** » خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: بفرمائید زنان پسر بچه را تا چند سالگی می توانند غسل بدهند؟ فرمودند: تا سن سه سالگی.[٤]

۳۶۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: اگر جنین سقط شده، چهار ماهه باشد، باید غسل داده شود.[٥]

---

[۱] کافی، ج۳، ص۸۹، ح۲.

[۲] کافی، ج۳، ص۹۰، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۶۳، ح۱۴۱۰.

[۳] کافی، ج۳، ص۹۰، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۶۳، ح۱۴۱۱.

[٤] کافی، ج۳، ص۹۲، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۶۳، ح۹۹۸.

[٥] کافی، ج۳، ص۱۱۷، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۴۹، ح۹۶۰.

۳۶۷). از امام باقر علیه‌السلام پرسیده شد از کودکی که سقط شده است که وظیفه چیست؟ فرمودند: کودک سقط شده (اگر کمتر از چهار ماه باشد) با همان خونش دفن می شود.[۱]

۳۶۸). اسحاق بن عمار گوید: از امام (صادق) علیه‌السلام در مورد غـریق پرسیدم که آیا باید غسل داده شود؟ فرمودند: آری.[۲]

۳۶۹). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «**کان أمیر المؤمنین علیه‌السلام یقول: الغریق یغسل** » امیرالمومنین علیه‌السلام همواره می فرمود: غریق را باید غسل داد.[۳]

۳۷۰). شهاب بن عبد ربه گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا جنب می تواند، میت را غسل دهد؟ و آیا کسی که میت را غسل داده می تواند با همسر خود نزدیکی کند، سپس غسل نماید؟ فرمودند: اشکالی ندارد، هرگاه جنب بود، دست خود را بشوید و وضو بسازد، سپس میت را غسل دهد، پس اگر میت را غسل داده، سپس وضو گرفت و با همسر خود نزدیکی کرد برای هر دو، یک غسل کافی است.[٤]

۳۷۱). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: « **کان فیما ناجی الله به موسی قال: یارب ما لمن غسل الموتی؟ فقال:أغسله من ذنوبه کما ولدته امه** » از جمله سخنان موسی علیه‌السلام در هنگام مناجات با خدا این بود که گفت: پروردگارا کسی که مرده ای را غسل دهد، چه پاداشی دارد؟ فرمود: او را از گناهانش پاک نمایم، بسان روزی که مادرش او را زاییده است.[٥]

احکام کفن میّت

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۱۸،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۴۹،ح۹۶۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۱۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۶۰،ح۹۹۰.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۱۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۵۰،ح۹۸۹.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۴۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۷۵،ح۱۴۵۰.

[٥] کافی،ج۳،ص۹۴،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۹۹،ح۳۸۷.

میت باید با سه قطعه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می گویند، کفن شود، این قدر واجب آن است. خرقه که با آن دو ران میت را می بندند، و عمامه برای مردان، و پارچه ای شبیه به روسری و پارچه ای دیگر که به روی پستان ها می بندند برای زنان، اینها مستحب اند.

۳۷۲). سماعه گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد کفن میت پرسیدم؟ فرمودند: سه پارچه است، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در سه پارچه کفن گردید، و امام باقر عليه‌السلام نیز در سه پارچه کفن شد.[1]

۳۷۳). زید شحام گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد کفن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پرسیدم؟ حضرت فرمودند: پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله در سه پارچه کفن شدند.[2]

۳۷۴). زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر عليه‌السلام گفتیم: « **العمامة للميت من الكفن؟ قال: لا إنما الكفن المفروض ثلاثة أثواب وثوب تام لا اقل منه يواري جسده كله فما زاد فهو سنة إلى أن يبلغ خمسة أثواب فما زاد فهو مبتدع، والعمامة سنة** »

آیا عمامه برای میت جز کفن است؟ فرمودند: نه کفن میت، فقط سه قطعه پارچه است، (که یکی از آنها) کامل و فرا گیر است و نه کمتر که تمام جسد میت را می پوشاند، هرچه بر این زیاد شود، تا پنج پارچه سنت، و مازاد بر آن بدعت است، و عمامه سنت است.[3]

۳۷۵). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **الميت يكفن في ثلاثة سوى العمامة والخرقة يشد بها وركيه لكيلا يبدو منه شئ والخرقة والعمامة لابد منهما وليستا من الكفن** » میت در سه پارچه کفن می شود، به غیر از عمامه و خرقه ای که به وسیله آن دو ران او بسته می شود تا چیزی بیرون نیاید، خرقه و عمامه باید باشند، ولی جز کفن نیستند.[4]

۳۷۶). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **يكفن الميت في خمسة أثواب قميص لايزر عليه وإزار**

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۸،ح۸۵۰.

[2] کافی،ج۳،ص۸۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۹،ح۸۵۳.

[3] کافی،ج۳،ص۸۳،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۹،ح۸۵۴.

[4] کافی،ج۳،ص۸۳،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۱۰،ح۸۵۶.

وخرقة يعصب بها وسطه وبرد يلف فيه وعمامة يعمم بها ويلقى فضلها على صدره » ميت در پنج پارچه كفن می شود، پيراهينی كه دكمه نداشته باشد، لنگ و خرقه ای كه با آن وسط بدنش بسته می شود، و بُرد (يا سرتاسری) كه در آن پيچيده می شود، و عمامه ای به دور سرش بسته شود و زيادی آن را به روی سينه اش بيندازند.[١]

٣٧٧). از امام صادق عليه‌السلام پرسيده شد كه زن بايد در چند پارچه كفن شود؟

فرمودند: « **تكفن في خمسة أثواب أحدها الخمار** » زن در پنج پارچه كفن می شود، كه يكی از آنها روسری است.[٢]

٣٧٨). از امام عليه‌السلام در مورد كفن زن پرسيده شد.فرمودند: تكفين زن بسان كفن نمودن مرد است، مگر اينكه با پارچه ای پستان های او را به سينه اش می چسبانند و محكم بر پشت او بسته شود.[٣]

مستحبات و مكروهات كفن

٣٧٩). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: چون خواستی كه مرده را كفن كنی اگر تنواستی چنان كن كه جزء كفنش جامه ای كه در آن نماز می خوانده و نظيف است قرار دهی، زيرا كه مستحب است كه ميت در جامه ای كه در آن بسيار نماز ميكرده كفن شود.[٤]

٣٨٠). و در روايت ديگری آمـده اسـت كه: « **يستحب أن يكون في كفنه ثوب كان يصلي**

---

[١] كافی،ج٣،ص٨۴،ح١١.

[٢] كافی،ج٣،ص٨۴،ح١. تهذيب الاحكام،ج١،ص٣۴۴،ح٩۴۶.

[٣] كافی،ج٣،ص٨۴،ح٢.

[٤] من لايحضره الفقيه،ج١،ص١٠٣،ح۴١٠. تهذيب الاحكام،ج١،ص٣٠٩،ح٨۵٢.

فيه نظيف فإن ذلك يستحب أن يكفن فيما كان يصلي فيه » مستحب است که در کفن میت از لباسی پاک که در آن نماز می خوانده استفاده شود، زیرا مستحب است میت در لباسی کفن شود که در آن نماز می خوانده است.[1]

۳۸۱). محمد بن اسماعیل بن بزیع می گوید: « **سألت أبا جعفر عليه السلام ان يأمر لي بقميص أعده لكفني فبعث به إلي فقلت كيف أصنع؟ فقال انزع ازراره** » از امام جواد ﷷ درخواست کردم که دستور دهند تا پیراهنی به من بدهند تا آن را برای کفن خود آماده کنم. پس امام آن را برای من فرستادند. گفتم: آن را چه کنم؟ فرمودند: دگمه های آن را در آور.[2]

۳۸۲). رســول خدا ﷺ فرمودند: « **ليس من لباسكم شئ احسن من البياض فالبسوه وكفنوا فيه موتاكم** » هیچ لباسی از لباس های شما بهتر از سفید نیست، پس آن را بپوشید، و به مردگان خود آن را کفن کنید.[3]

۳۸۳). همچنین آن حضرت ﷺ فرمودند: « **البسوا البياض فإنه أطيب وأطهر وكفنوا فيه موتاكم** » لباس سفید بپوشید، زیرا که تمیز و پاکیزه تر است، و مردگان خود را با پارچه و لباس سفید کفن کند.[4]

۳۸۴). امام صادق ﷷ فرمودند: « **الكتان كان لبني اسرائيل يكفنون به والقطن لامة محمد صلى الله عليه وآله** » کتان برای بنی اسرائیل بود که با آن مردگان خود را کفن می نمودند، و پارچه پنبه ای مخصوص امت محمد صلى الله عليه وآله است.[5]

---

[1] کافی، ج۳، ص۸۵، ح۴.

[2] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۲۲، ح۸۸۵.

[3] کافی، ج۳، ص۸۵، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۳۲۲، ح۸۸۵.

[4] کافی، ج۶، ص۴۴۵، ح۱.

[5] کافی، ج۳ص۸۶، ح۷. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۰۳، ح۴۱۱. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۵۹، ح۱۳۹۲. الاستبصار، ص۱۲۱

۳۸۵). همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: « **أجيدوا أكفان موتاكم فانها زينتهم** » کفن های مردگان خود را نیکو قرار دهید، زیرا که آن زینت آنها است.[۱]

۳۸۶). همچنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **لا يكفن الميت في السواد** » میت را با پارچه سیاه کفن نکنید.[۲]

۳۸۷). همچنین فرمودند: هرگاه کسی کفن خود را (قبل از مرگ) مهیا و آماده سازد، هر باری که بر آن نظر کند، پاداش خواهد برد.[۳]

۳۸۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکس کفن خود را در خانه داشته باشـــــد، از بی خبران نوشته نشود، و هرگاه که به آن بنگرد، پاداش گیرد.[٤]

۳۸۹). ابی کهمس می گوید: « **حضرت موت اسماعيل و أبوعبدالله عليه السلام جالس عنده فلما حضره الموت شد لحييه وغمضه وغطى عليه الملحفة ثم أمر بتهيئته فلما فرغ من أمره دعا بكفنه فكتب في حاشية الكفن، اسماعيل يشهد أن لا إله إلا الله** » من وقت مرگ اسماعیل حاضر بودم و امام صادق علیه السلام بر بالینش نشسته بود و چون مرگ او فرا رسید، چانه هایش را بست و ملحفه ای بر وی کشید و دستور داد او را تجیز کنند و چون از کار او فارغ شد، کفنی خواست و در حاشیه آن نوشت: اسماعیل شهادت می دهد که هیچ معبودی جز الله نیست.[٥]

احکام حنوط

بعد از غسل واجب است که میت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها

---

[۱] کافی،ج۳ص۸۵،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۰۳،ح۴۰۹.

[۲] کافی،ج۳ص۸۶،ح۱۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۶۰،ح۱۳۹۴.

[۳] کافی،ج۳ص۱۴۳،ح۹.

[٤] کافی،ج۳ص۱۴۴،ح۲۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۷۵،ح۱۴۵۲.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۰۶،ح۸۴۲.

و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور قرار دهند.

۳۹۰). عبد الرحمن بن ابی عبدالله می گوید: « **سألت أبا عبدالله** ﷺ **عن الحنوط للميت، قال: اجعله في مساجده** » از امام صادق ﷺ در باره حنوط میت پرسیدم. فرمودند: کافور را در مکان های سجده (یعنی پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پا میت) قرار بده.[1]

کیفیت نماز میت

نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر این چنین بگوید کافی است، بعد از نیت و گفتن تکبیر اول، بگوید: « **اشهد أن لا إله إلا الله و ان محمدا رسول الله** » و بعد از تکبیر دوم، بگوید: « **اللهم صل على محمد وآل محمد** » و بعد از تکبیر سوم بگـوید: « **اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات** » و بعد از تکبیر چهارم، اگر میت مرد است بگوید: « **اللهم اغفر لهذا الميت** » و اگر زن است بگوید: « **اللهم اغفر لهذه الميت** » و بعد تکبیر پنجم را بگوید.

۳۹۱). (امام صادق ﷺ فرمودند:) « **كان رسول الله** ﷺ **إذا صلى على ميت كبر فتشهد ثم كبر فصلى على النبي وآله ودعا، ثم كبر ودعا للمؤمنين والمؤمنات، ثم كبر الرابعة و دعا للميت، ثم كبر و انصرف، فلما نهاه الله عزوجل عن الصلاة على المنافقين فكبر وتشهد، ثم كبر فصلى على النبي وآله، ثم كبر ودعا للمؤمنين والمؤمنات ثم كبر الرابعة وانصرف فلم يدع للميت** » هرگاه رسول خدا ﷺ بر میت نماز می گزارد، تکبیر می گفت و شهادتین را می خواند و باز تکبیر (دوم را) می گفت و بعد بر پیامبر وآل او صلوات می فرستاد، سپس تکبیر (سوم را) می گفت و برای مومنین و مومنات دعا می کرد، و باز تکبیر چهارم را می گفت و بـــرای مرده دعا می کرد، و باز برای آخرین بار تکبیر می گفت و فارغ می شد.

---

[1] کافی، ج۳، ص۸۴، ح۱۵.

هنگامی که خداوند عزوجل آن حضرت را از نماز خواند بر منافقان نهی فرمود، رسول خدا از آن پس در نماز میت (منافقین) تکبیر می گفت و شهادتین می خواند، باز تکبیر (دوم را) می گفت و بر پیامبر وآل او صلوات می فرستاد، و باز تکبیر می گفت و برای مومنین و مومنات دعا می کرد، و بعد تکبیر چهارم را می گفت و فارغ می شد و برای میت دعا نمی کرد.[۱]

میگویم: و همانند این در کافی و تهذیب با اندک اختلافی در لفظ روایت شده است.[۲]

۳۹۲). حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: « **كان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله يكبر على قوم خمسا وعلى قوم آخرين أربعا فإذا كبر على رجل أربعا اتهم يعني بالنفاق** » رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله همواره برای بعضی پنج تکبیر و برای بعضی چهار تکبیر می گفت، پس هرگاه بر مردی چهار تکبیر می گفت، متهم به نفاق می شد.[۳]

۳۹۳). امام صادق علیه‌السلام فـرمودند: رســول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: « **إن الله تبارك و تعالى فرض الصلاة خمسا وجعل للميت من كل صلاة تكبيرة** » خداوند تبارک و تعالی پنج نماز را واجب نمود، و از هر نماز یک تکبیر را برای نماز میت قرار داد.[٤]

۳۹۴). ابوبصیر گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **التكبير على الميت خمس تكبيرات** » تکبیر های نماز میت، پنج تکبیر است.[٥]

۳۹۵). ابی ولاد می گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد تکبیرات نماز میت پرسیدم.

فرمودند: پنچ تکبیر است.[٦]

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۴۴، ح۴۶۶.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۰۳،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص ۲۰۸،ح۴۳۱.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۰۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص ۳۴۹،ح۹۸۲. الاستبصار، ص۲۷۰،ح۸.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۰۳،ح۴.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۳،ص ۳۴۸،ح۹۷۸. الاستبصار، ص۲۶۹،ح۳.

[٦] تهذیب الاحکام،ج۳،ص ۳۴۹،ح۹۸۰. الاستبصار، ص۲۶۹،ح۵.

احكام نماز میت

۳۹۶). امام باقر علیه السلام فرمودند: در نماز میت، قرائت و دعای معینی نیست و هر دعای خیری که به نظرت رسید می توانی آن را بخوانی، و میت بیشتر از هر کس شایسته است که مومن برایش دعا کند، و دعا را با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کند.[۱]

۳۹۷). یونس بن یعقوب می گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الجنازة أيصلى عليها على غير وضوء؟ فقال: نعم إنما هو تكبير وتحميد وتسبيح وتهليل كما تكبر وتسبح في بيتك على غير وضوء** » از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا می توان بدون وضو بر جنازه ای نماز خواند؟ فرمودند: آری نماز میت فقط، تکبیر، و تهمید و تسبیح و تهلیل گفتن است، همچنان که در خانه خود می توانی بدون وضو تکبیر و تسبیح بگویی.[۲]

۳۹۸). از امام رضا علیه السلام از نماز میت پرسیده شد. فرمودند: اگر مومن بود پنچ تکبر، و اگر منافق بود چهار تکبیر برای او گفته می شود، و نماز میت سلام ندارد.[۳]

۳۹۹). امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: « **ليس في الصلاة على الميت تسليم** » نماز میت سلام ندارد.[٤]

۴۰۰). از امام صادق علیه السلام پرسیدند: کی و تا چه سنی نماز میت بر جنازه طفل واجب میشود؟ فرمودند: « **إذا كان ابن ست سنين** » هنگامی که به سن شش سالگی برسد.[٥]

۴۰۱). از امام باقر علیه السلام (یا امام صادق علیه السلام) سوال شد: چه وقت و تا چه سنی نماز بر جنازه

---

[۱] کافی، ج۳، ص۱۰۵، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۳، ص ۲۱۳، ح۴۴۲. الاستبصار، ص۲۷۱.

[۲] کافی، ج۳، ص۱۰۱، ح۱. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۲۰، ح۴۹۶. تهذیب الاحکام، ج۳، ص ۲۲۳، ح۴۷۵.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۳، ص ۲۱۲، ح۴۳۹. الاستبصار، ص۲۷۱، ح۳.

[٤] کافی، ج۳، ص۱۰۵. تهذیب الاحکام، ج۳، ص ۲۲۱. الاستبصار، ص۲۷۱.

[٥] کافی، ج۳، ص۱۱۷. تهذیب الاحکام، ج۳، ص ۲۱۸، ح۴۵۶. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۱۸. الاستبصار، ص۲۷۲.

طفل میت واجب می شود؟ فرمودند: « **إذا عقل الصلاة وكان ابن ست سنين** » هنگامی که بفهمد نماز یعنی چه و تمیز داشته باشد، و به سن شش سالگی باشد.[1]

بیان: اما آنچه که روایت شده است، از نماز خواندن بر بچه ای که شش سال او تمام نشده از باب استحباب است نه وجوب.

۴۰۲). هشام بن سالم خدمت امام صادق عليه السلام عرض کرد: « **شارب الخمر والزاني والسارق يصلى عليهم إذا ماتوا؟ فقال: نعم** » شرابخوار و زناکار و دزد (که مسلمان هستند) در صورتی که بمیرند، آیا باید نماز میت بر آنان خوانده شود؟ فرمودند: بلی.[2]

۴۰۳). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **صل على من مات من أهل القبلة وحسابه على الله** » بر هر کسی از اهل قبله که در گذشت، نماز بخوان و حساب وی (که نیکو کار یا بد کار است) با خداست.[3]

۴۰۴). رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: « **صلوا على المرجوم من أمتي وعلى القاتل نفسه من أمتي ولا تدعوا أحدا من أمتي بلا صلاة** » بر هر کسی که از امت من است و سنگسار شده و همچنین بر کسی که خودکشی کرده و از امت من اســت نماز بخــوانید، و هیچ کس از امــت مرابدون نماز رها مسازید.[4]

۴۰۵). از امام کاظم عليه السلام پرسیده است از کسی که درندگان و پرندگان او را خـــورده اند، و تنها استخوان بدون گوشت او باقی مانده است، که چگونه باید نسبت به او عمل شود؟ فرمودند: غسل داده می شود، کفن می شود، نماز بر او خوانده می شود، و سپس دفن می شود.[5]

---

[1] من لايحضره الفقيه، ج۱، ص۱۱۸، ح۴۸۸.

[2] من لايحضره الفقيه، ج۱، ص۱۱۷، ح۴۸۱. تهذيب الاحكام، ج۳، ص ۳۶۲، ح۱۰۲۴. الاستبصار، ص۲۶۶، ح۱.

[3] تهذيب الاحكام، ج۳، ص ۳۶۲، ح۱۰۲۵. الاستبصار، ص۲۶۶، ح۲.

[4] من لايحضره الفقيه، ج۱، ص۱۱۷، ح۴۸۰. تهذيب الاحكام، ج۳، ص ۳۶۲، ح۱۰۲۶. الاستبصار، ص۲۶۶، ح۳.

[5] من لايحضره الفقيه، ج۱، ص۱۱۰، ح۴۴۱.

تشییع جنازه

۴۰۶). حضرت باقر علیه السلام فرمودند: « **من تبع جنازة مسلم أعطي يوم القيامة أربع شفاعات ولم يقل شيئا إلا قال الملك: ولك مثل ذلك** » هرکس از پی جنازه مسلمانی برود، در روز قیامت چهار شفاعت به او داده خواهد شد، و هر دعایی که به میت نماید، فرشته موکل می گوید: برای تو همانند آن باشد.[۱]

۴۰۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: اولین تحفه ای که به مومن در قبرش داده می شود، این است که به او خبر می دهند گناهان تشییع کنندگانش، بخشیده شد.[۲]

۴۰۹). همچنین آن حضرت فرمودند: « **إن المشي خلف الجنازة أفضل من المشي من بين يديها** » راه رفتن پشت جنازه بهتر از راه رفتن جلوی آن است.[۳]

۴۱۰). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: هرکس جنازه ای را با گرفتن چهار گوشه آن حمل کند، خداوند، چهل گناه کبیره او را می آمرزد.[٤]

۴۱۱). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: هـر کس گوشه تابوت را بگیرد، خداوند بیست و پنج گناه کبیره او را می آمرزد و اگر چهار گوشه آن را بگیرد، از گناهان بیرون می رود.[٥]

احکام دفن میت

۴۱۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **أن النبي صلی الله علیه و آله نهى أن يعمق القبر فوق ثلاثة أذرع** »

---

[۱] کافی،ج۳،ص۹۹،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۴۸۳ ،ح۱۴۸۳. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص ۱۱۲،ح۴۵۳.

[۲] کافی،ج۳،ص۹۸ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۴۸۳ ،ح۱۴۸۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص ۱۱۳،ح۴۵۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۹۶ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۳۰،ح۹۰۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۱۳،ح۴۶۱.

[٤] کافی،ج۳،ص۹۹ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۴۸۱،ح۱۴۷۹.

[٥] کافی،ج۳،ص۹۹ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۱۳،ح۴۵۹.

پیامبر ﷺ نهی فرمود از اینکه قبر را بیش از سه ذراع گود نمایند.[1]

۴۱۳). و همچنین آن حضرت فرمودند: میت را یک باره در قبر مگذار، اول دو یا سه ذراع پایین تر بگذار و به او مهلت بده تا آماده شود.[2]

۴۱۴). همچنین فرمودند: برای هیچ کسی شایسته نیست، که با نعلین، کفش، عمامه، ردا و کلاه وارد قبر شود.[3]

۴۱۵). علی بن یقطین می گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمودند: در حالی که عمامه، کلاه، کفش و عبا بر تن داری، وارد قبر مشو، بلکه بندهای لباست را بگشا زیرا که سنت رسول خدا ﷺ بر این است. و کسی که داخل قبر می شود باید از شیطان رانده شده بر خدا پناه ببرد و سوره حمد، معوذتین « قل هو الله احد » و آیه الکرسی بخواند، و اگر بتواند بایستی کفن از رخسار میت کنار کشد و آن را بر زمین بگذارد، و باید شهادتین را بگوید و آن چه را که (از اوصیای رسول خدا ﷺ) می داند به یادش آورد، تا آنکه به امام زمانش برسد.[4]

۴۱۶). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: برای میت بالشی از خاک ساخته شود (که سرش بر زمین نیفتند) و بر پشت او کلوخی قرار داده شود که بر پشت نیفتد، و تمامی گره ها و بندهای کفنش باز شود و رویش کنار زده شود و برایش این دعا را بخوانند: « **اللهم عبدك و ابن عبدك و ابن أمتك، نزل بك وأنت خير منزول به، اللهم افسح له في قبره، ولقنه حجته، وألحقه بنبيه، وقه شر منكر ونكير** » یعنی خداوندا بنده تو غلامزاده تو و کنیز زاده تو بدرگاهت آمده، و تو بهترین کسی هستی که بدرگاهش آیند، خدایا قبر او را گشاده گردان و حجتش را به او تلقین فرما و او را با پیامبرش محشور گردان و از عذاب منکر و نکیر در امانش دار.

---

[1] کافی،ج۳،ص۹۵ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۴۸۷،ح۱۴۶۶.
[2] کافی،ج۳،ص۱۰۸ح۱.
[3] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۳۳،ح۹۱۳.
[4] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۲.

پس دست راست خود را زیرا شانه راست او که بر زمین است قرار میدهی و دست چپ خود را بر دوش چپ او میگذاری و او را به شدت تکان می دهی و مگوئی: « **یا فلان بن فلان** (و بجای فلان و فلان اسم میت و پدرش را بگوید) **الله ربك ومحمد نبيك والاسلام دينك وعلي وليك وإمامك** (سپس یک یک امامان ﷺ را تا آخرینشان نام می بری) **أئمتك أئمة هدى أبرار** »

سپس یک بار دیگر تلقین را بر او تکرار میکنی و هنگامی که خشت یا آجر بر لحد میچینی بگو: « **اللهم ارحم غربته، وصل وحدته، وآنس وحشته، وآمن روعته، وأسكن إليه من رحمتك رحمة يستغني بها عن رحمة من سواك، واحشره مع من كان يتولاه** » یعنی خدایا بر غریبی او رحم کن، و تنهایی او را برحمتت متصل ساز و او را از تنهایی رهایی بخش، و وحشت او را به آنچه خود می دانی انس ده تا وحشتش زایل شود و او را از ترس عذاب خود ایمن گردان، و از رحمت خود رحمتی عظیم به او ساکن ساز که به سبب آن از رحمت غیر تو بی نیاز شود و او را با کسانی که اعتقاد به امامتشان و ولایتشان دارد محشور ساز.

و وقتی از قبر بیرون آمدی ــ در حالی که خاک را از دستهایت میتکانی ــ بگو: « **إنا لله وإنا إليه راجعون** » پس با پشت دستهایت سه بار خاک بر قبر او بریز و این دعا را بخوان: « **اللهم إيمانا بك وتصديقا بكتابك، هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله** » یعنی خداوندا جمله این کارها که انجام می دهیم بدان سبب است که بتو ایمان داریم و کتاب تو را باور داریم، این چیزی است که خداوند و رسول او ما را بدان وعده داده اند و خداوند و رسول او راست و درست گفته اند.

پس البته هر کس این کار را انجام دهد و این دعا را بخواند خداوند بعدد هر ذره از خاک حسنه ای برای او می نویسد.[1]

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۲۲،ح۵۰۰.

۴۱۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من دخل القبر فلا يخرج منه الا من قبل الرجلين** » کسی که وارد قبر می شود، بایستی از سمت پاهای میت خارج شود.[۱]

۴۱۸) و همچنین فرمودند: از هر سوی می توان وارد قبر شد، ولی باید به هنگام خروج از سمت پاهای میت خارج شود.[۲]

۴۱۹). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **ان لكل بيت بابا وان باب القبر من قبل الرجلين** » هر خانه ای را دری است، و در قبر از سمت پاهای میت است.[۳]

۴۲۰). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **يكره للرجل أن ينزل في قبر ولده** » بـرای انسان مکروه است که وارد، قبر فرزند خود شود.[٤]

۴۲۱). همچنین فرمودند: انسان می تواند وارد قبر پـدر خـویش شود، ولی نمی تواند وارد قبر فرزند خود شود.[٥]

۴۲۲). معاویه بن عمار می گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: براء بن معرور تمیمی انصاری در مدینه بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه، هنگام وفات براء فرا رسید، در آن زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان به طرف بیت المقدس نماز می گذاردند، براء بن معرور وصیت کرد که روی او را به طرف پیامبر (که در مکه بود) و به سمت قبله قرار دهند. پس سنت اسلام نیز بر همین وجه مقرر شد.[٦]

۴۲۳). امام صادق علیه السلام فـرمـودند: « **إذا مات المؤمن فحضر جنازته أربعون رجلا مـن**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۳۵،ح۹۱۷.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۵.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۳۵،ح۹۱۸.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۲.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۰۹ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۳۹،ح۹۲۹.

[٦] کافی،ج۳،ص۱۴۳،ح۱۶. من لایحضره الفقیه،ج۴، ص ۱۳۷،ح ۴۷۹. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۳۹،ح۹۲۹.

المؤمنين وقالوا: " اللهم إنا لا نعلم منه إلا خيرا وأنت أعلم به منا " قال الله تبارك وتعالى: قد أجزت شهاداتكم وغفرت له ما علمت مما لا تعلمون » هرگاه مومنی از دنیا برود و چهل نفر مومن بر جنازه او حضور یافته و بگویند: خدایا ما جز خیر و خوبی چیزی از او نمی دانیم، و تو نسبت به او از ما داناتری. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: مــن گواهی های شما را بــر خوبی او پذیرفتم و او را در مورد آنچه که خود می دانم و شما از آن بی خبرید آمرزیدم.[1]

۴۲۴). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: « **إذا مات الميت في البحر غسل وكفن وحنط ثم يوثق في رجليه حجر ويرمى به في الماء** » هرگاه مرده ای در کشتی از دنیا رفته باشد، (و به ساحل آوردن او ممکن نباشد) غسل داده می شود و حنوط و کفن شده، آنگاه سنگی بپای او می بندند و او را به دریا می اندازند.[2]

۴۲۵). امام صادق عليه‌السلام در مورد کسی که در دریا از دنیا رفته است فرمودند: « **يغسل ويكفن و يصلى عليه ويثقل ويرمى به في البحر** » او را غسل می دهند و کفن می نمایند، و برایش نماز می خوانند، و چیز سنگینی به او می بندند و به دریا می اندازند.[3]

۴۲۶). و در روایتی دیگر آمده است که: « **هذا كله إذا لم يقدر على الشط** » همه اینها برای زمانی است که به ساحل آوردن او ممکن نباشد.[4]

۴۲۷). حضــرت امام صادق عليه‌السلام فــرمــودند: « **إذا مات الرجل في السفينة ولم يقدر على الشط قال: يكفن ويحنط ويلف في ثوب ويلقى في الماء** » اگر کسی در کشتی بمیرد و به ساحل آوردن او ممکن نباشد، باید او را کفن کنند، و حنوط نمایند، و در پارچه ای پیچیده و به

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۴، ص ۱۱۶،ح۴۷۲.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۴، ص ۱۰۹،ح۴۳۸. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۶۱،ح۹۹۵.

[3] کافی،ج۳،ص۱۲۱ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۶۱،ح۹۹۳.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۴، ص ۱۰۹،ح۴۳۹.

آب اندازند.[1]

بعضی از غسل های مستحب

۱ـ غسل جمعه

۴۲۸). امام رضا عليه السلام در مورد غسل جمعه فرمودند: « **واجب على كل ذكر وأنثى من عبد أو حر** » غسل جمعه بر هر مرد و زن چه بنده باشد و چه آزاد واجب است.[2]

۴۲۹). سماعه می گوید: « **سالت ابا عبدالله** عليه السلام **عن غسل الجمعه فقال: واجب في السفر والحضر الا انه رخص للنساء في السفر لقلة الماء** » از امام صادق در مورد غسل جمعه پرسیدم؟ فرمودند: غسل جمعه هم در حال سفر و هم در وطن واجب است، جز اینکه در حال سفر به دلیل کمبود آب به زنان رخصت ترک آن داده شده است.[3]

۴۳۰). امام باقر عليه السلام در حدیثی در مورد اعمال جمعه فرمودند: « **والغسل فيها واجب** » و غسل در روز جمعه واجب است.[4]

بیان: وجوب در این احادیث به معنی تاکید در استحباب است.

۴۳۱). همچنین امام باقر عليه السلام فرمودند: « **لا تدع الغسل يوم الجمعة فإنه سنة** » غسل در روز جمعه را ترک نکن چرا که آن سنت است.[5]

۴۳۲). حسین به خالد می گوید: از امام کاظم پرسیدم: چگونه غسل جمعه واجب شد؟

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۲۱ح۳. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۳۶۱،ح۹۹۴.

[2] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۶،ح۲۹۱. الاستبصار،ص۶۰،ح۴.

[3] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۸۲،ح۱۲۱۹.

[5] کافی،ج۳،ص۲۳۷،ح۴.

فرمودند: خداوند تبارک و تعالی نماز واجب را به وسیله نماز نافله، روزه واجب را به وسیله روزه مستحب و وضوی واجب را به وسیله غسل (مستحب روز) جمعه کامل کرده است، آنچه که در آن (وضوی واجب) از سهو و کوتاهی یا فراموشی یا نقصان بوده است.[1]

۴۳۳). علی بن یقطین می گوید: « **سألت أبا الحسن** عليه السلام**: عن الغسل في الجمعة والاضحى والفطر قال: سنة وليس بفريضة** » از امام کاظم عليه السلام در مورد غسل جمعه و عید قربان و عید فطر سوال کردم؟ فرمودند: سنت است و فریضه نیست.[2]

۴۳۴). زراره از امام صادق عليه السلام در مورد غسل جمعه پرسید. فرمودند: « **سنة في السفر والحضر إلا أن يخاف المسافر على نفسه القر** » در سفر و وطن سنت است، مگر اینکه مسافر از سرما بر جان خود بترسد.[3]

۴۳۵). علی می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد غسل عید فطر و قربان پرسیدم؟ فرمودند: سنت است. گفتم: غسل جمعه چطور؟ فرمودند: آن نیز سنت است.[4]

۴۳۶). همچنین آن حضرت عليه السلام فرمودند: غسل روز جمعه پاک کننده و کفاره گناهان بنده از آن جمعه تا جمعه بعد است.[5]

۴۳۷). حسین فرزند امام کاظم عليه السلام از مادر خود و ام محمد خواهر خود دختر امام کاظم نقل می کند که گفتند: در بیابان همراه امام کاظم بودیم و می خواستیم به بغداد برویم، حضرتش در روز پنج شنبه به ما فرمود: همین امروز برای فردا که جمعه است غسل نمایید، چون فردا در جایی می رسیم که آب کم است.

---

[1] کافی،ج۳،ص۳۰،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۲۸۹،ح۱۱۱۱.

[2] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۷،ح۲۹۵. الاستبصار،ص۶۰،ح۱.

[3] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۷،ح۲۹۶. الاستبصار،ص۶۰،ح۲.

[4] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۷،ح۲۹۷. الاستبصار،ص۶۰،ح۳.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۷۵،ح۲۲۹.

ما در روز پنج شنبه، برای روز جمعه غسل کردیم.[۱]

۴۳۸). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لابد من غسل يوم الجمعة في السفر والحضر فمن نسي فليعد من الغد** » غسل روز جمعه در سفر و وطن لازم است، هرکسی فراموش نماید، فردا آن روز (یعنی شنبه) آن را به جا آورد.[۲]

۴۳۹). امام صادق در مورد شخصی که در اول روز جمعه غسل نکرده است فرمودند: در آخر آن روز غسل نماید و اگر نتوانست، در روز شنبه قضا کند.[۳]

۴۴۰). « **عن عبدالله بن بكير عن أبي عبدالله عليه السلام قال: سألته عن رجل فاته الغسل يوم الجمعة قال: يغتسل ما بينه وبين الليل فإن فاته اغتسل يوم السبت** » عبدالله بن بکیر می گوید: از امام صادق در مورد شخصی که غسل روز جمعه از او فوت شده و انجام نده است، پرسیدم. فرمودند: از آن موقع تا شب غسل کند، و اگر باز او فوت شده و از دستش رفت، روز شنبه غسل نماید.[٤]

۴۴۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکس غسل جمعه کند و این دعا را بخواند: « **أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله، اللهم صل على محمد وآل محمد، واجعلني من التوابين، اجعلني من المتطهرين** » همین دعا موجب پاکسازی او از آن جمعه تا جمعه دیگر است.[٥]

۲ــ غسل در شبهای ماه رمضان

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۰،ح۶. من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۷۴،ح۲۲۷. تهذيب الاحکام،ج۱،ص ۲۸۹،ح۱۱۱۰.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۰،ح۷.

[۳] تهذيب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۸،ح۳۰۰. الاستبصار،ص۶۰،ح۸.

[٤] تهذيب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۸،ح۳۰۱.

[٥] من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۷۵،ح۲۲۸. تهذيب الاحکام،ج۳،ص ۱۱،ح۳۱.

۴۴۲). از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چه غسلهای در شبهای ماه رمضان (مستحب) است؟ فرمودند: در شب نوزدهم، و بیست ویکم و بیست وسوم.[۱]

۴۴۳). محمد بن مسلم می گوید: (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمودند: غسل در شب های ماه رمضان، در شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم است.

امیرالمومنین علیه السلام در شب نوزدهم ضربت خورد و در شب بیست و یکم به شهادت رسید.

و فرمودند: غسل در آغاز شب است و تا پایان شب نیز همان کفایت می کند.[۲]

۴۴۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وغسل أول ليلة من شهر رمضان يستحب وغسل ليلة إحدى وعشرين وغسل ليلة ثلاث وعشرين سنة لا تتركها فإنه يرجى في احديهما ليلة القدر** » و غسل شب اول ماه رمضان مستحب است، و غسل بیست و یکم و غسل شب بیست و سوم سنت است، آن را ترک مکن زیرا که امید می رود یکی از آن دو شب شب قدر باشد.[۳]

۳ــ غسل در روز عید فطر و قربان

۴۴۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وغسل يوم الفطر وغسل يوم الاضحى سنة لا احب تركها** » و غسل روز عید فطر و روز عید قربان سنتی است که دوست ندارم آن را ترک کنم.[۴]

۴۴۶). علی بن یقطین می گوید: « **سألت أبا الحسن عليه السلام: عن الغسل في الجمعة والاضحى والفطر قال: سنة وليس بفريضة** » از امام کاظم علیه السلام در مورد غسل جمعه و عید قربان و عید فطر سوال کردم؟ فرمودند: سنت است و فریضه نیست.[۵]

---

[۱] کافی،ج۴،ص۱۵۳،ح۲.

[۲] کافی،ج۴،ص۱۵۳،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۰۲،ح۲۰۱۵.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[۴] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[۵] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۷،ح۲۹۵. الاستبصار،ص۶۰،ح۱.

۴۴۷). علی می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد غسل عید فطر و قربان پرسیدم؟ فرمودند: سنت است.[۱]

۴۴۸). و در روایتی دیگر آمده است که: « **أن غسل العيدين سنة** » غسل روز عید فطر و قربان سنت است.[۲]

۴ــ غسل روز عرفه

۴۴۹). همچنین آن حضرت فرمودند: « **وغسل يوم عرفة واجب** » و غسل نمودن در روز عرفه یعنی نهم ذی الحجه مستحب موکد است.[۳]

۴۵۰). امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمودند: (از جمله غسل های مستحـــب) غسل روز عرفه است.[٤]

۵ ــ غسل دخول کعبه

۴۵۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وغسل دخول البيت واجب** » و غسل هنگام داخل شدن به خانه کعبه واجب یعنی مستحب موکد است.[٥]

۶ ــ غسل دخول مکه و مدینه

۴۵۲). امام صادق علیه السلام ضمی حدیثی فرمودند: (از جمله غسل های مستحب) غسل هنگام

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۱۷،ح۲۹۷. الاستبصار،ص۶۰،ح۳.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۴۰،ح۱۴۶۲.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۶،ح۱۷۲.

[٥] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

دخول به مکه و مدینه است.[1]

۷ـ غسل دخول حرم خدا و حرم پیامبر

۴۵۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وغسل دخول الحرم واجب، ويستحب أن لا يدخله الرجل إلا بغسل**» و غسل داخل شدن به حرم خدا مستحب موکد است، و مستحب است که شخصی داخل نشود مگر با غسل.[2]

۴۵۴). امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمودند: (از جمله غسل های مستحب) غسل بهنگام داخل شدن به حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.[3]

۸ـ غسل زیارت

۴۵۵). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وغسل الزيارة واجب** » و غسل نمودن برای زیارت واجب یعنی مستحب موکد است.[4]

۹ـ غسل برای زیارت سید الشهداء

۴۵۶). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام فائت الفرات واغتسل** » هرگاه کنار قبر امام حسین علیه السلام آمدی، فرات برو و غسل کن.[5]

۱۰ـ غسل دادن مولود

---

[1] کافی، ج۳، ص۲۸، ح۱.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۷، ح۱۷۶.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۶، ح۱۷۲.

[4] کافی، ج۳، ص۲۹، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص ۱۰۸، ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۷، ح۱۷۶.

[5] کافی، ج۴، ص۵۷۲، ح۱.

۴۵۷). حضرت صادق عليه السلام در روایت سماعه فرمودند: « **وغسل المولود واجب** » غسل دادن مولود (نوزاد) مستحب موکد است.[۱]

۱۱ـ غسل استخاره

۴۵۸). امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمودند: « **وغسل الاستخارة مستحب** » و غسل نمودن برای استخاره مستحب است.[۲]

۱۲ـ غسل استسقاء

۴۵۹). حضرت امام صادق در حدیث سماعه فرمودند: « **وغسل الاستسقاء واجب** » و غسل نمودن استسقاء (طلب باران نمودن) مستحب موکد است.[۳]

۱۳ ـ غسل مباهله

۴۶۰). همچنین فرمودند: « **وغسل المباهلة واجب** » و غسل نمودن برای مباهله مستحب موکد است.[٤]

۱۴ ـ غسل توبه

۴۶۱). مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: من همسایگانی دارم که دارای کنیزکانی هستند، که آواز خوانی می کنند و عود می نوازند، گاهی پیش می آید که من داخل بیت الاخلاء میشوم

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۰۸،ح۲۷۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۷،ح۱۷۶.

و به خاطر گوش دادن به ساز و آواز آن کنیزکان مکث در بیت الخلاء را طولانی میکنم.

پس حضرت صادق عليه السلام به او فرمودند: دیگر چنین کاری نکن.

گفت: به خدا سوگند چنین نیست که من از روی قصد با پای خود بدان جا روم که برای آن آواز و سر وصدا رفته باشم بلکه آن صدا و آوازیست که با گوشم میشنوم.

امام فرمودند: ترا بخدا تکرار مکن مگر نشنیده ای خداوند عزوجل می فرماید: « **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولًا** » بدرستی که گوش و چشم و دل جملگی در پیشگاه خداوند مورد باز پرسی قرار میگیرند.[1]

پس آن مرد گفت: گویا مــن هــرگز این آیه از کتاب خداوند عـزوجل را از هیچ عرب و غیر عربی تا کنون نشنیده بودم، حال که شنیده ام ناچار آن کار را ترک کردم، من از خدای تعالی طلب بخشش و عفو و توبه میکنم.

پس امام صادق عليه السلام به او فرمودند: برخیز و غسل کن و هر آنچه از نماز بخاطرت رسید به جای آر، که بر تو امر و گناهی پس بزرگ مقیم بودی و چه بد وضعی داشتی اگر بدان حال مرده بودی. از خدای متعالی طلب آمرزش و بخشش کن و از او بخواه که توبه ات را از همه بدیها بپذیرد، همانا خداوند عزوجل چیزی را ناخوش نشمرده و نهی نکرده مگر عمل قبیح را و تو قبیح را برای طالبانش واگذار که هر چیزی سزاوار و در خور گروهی است که شایسته آنند.[2]

کفایت غسل از وضو

۴۶۲). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر عليه السلام فرمودند: « **الغسل يجزي عن الوضوء، وأي وضوء أطهر من الغسل** » غسل از وضو کفایت می کند و کدام وضو از غسل پاک کننده تــر

---

[1] سوره اسراء، آیه۳۶.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۵۸،ح۱۷۷. تهذیب الاحکام،ج۱،ص ۱۲۱،ح۳۰۴. کافی،۶،ص۴۳۲،ح۱۰.

است.[1]

۴۶۳). « **محمد بن عبدالرحمن الهمداني كتب إلى أبي الحسن الثالث عليه السلام يسأله عن الوضوء للصلاة في غسل الجمعة فكتب: لا وضوء للصلاة في غسل يوم الجمعة ولا غيره** » محمد بن عبدالرحمن همدانی به امام هادی عليه السلام نامه نوشت و از آن حضرت در مورد وضو گرفتن در غسل جمعه برای نماز پرسید. حضرت در جواب نوشتند: هیچ وضویی برای نماز در غسل جمعه و غیر آن (از غسل های واجب و مستحب) نیست.[2]

۴۶۴). عمار ساباطی گوید: « **سئل أبوعبدالله عليه السلام عن الرجل اذا اغتسل من جنابته أو يوم جمعة أو يوم عيد هل عليه الوضوء قبل ذلك أو بعده؟ فقال: لا ليس عليه قبل ولا بعد فقد أجزأه الغسل، والمرأة مثل ذلك اذا اغتسلت من حيض أو غير ذلك فليس عليها الوضوء لا قبل ولا بعد وقد أجزأها الغسل** » از امام صادق در مورد شخصی که از جنابت غسل می کند، یا در روز جمعه یا روز عید غسل می کند، سوال شد که آیا قبل از غسل و یا بعد از غسل وضو گرفتن بر عهده اوست؟ حضرت فرمودند: خیر نه قبل از غسل و نه بعد از غسل وضویی بر عهده او نیست و همان غسل او را از وضو کافی است. و همچنین زن وقتی از حیض یا غیر آن غسل می کند، نه قبل از آن و نه بعد از آن وضویی بر عهده او نیست و همان غسل او را کافی است.[3]

۴۶۵). از امام صادق در مورد شخصی که برای جمعه یا غیر آن غسل می کند سوال شد که آیا او را از وضو کفایت می کند؟ فرمودند: « **وأي وضوء أطهر من الغسل** » کدام وضو پاک کننده تر از غسل است؟.[4]

---

[1] تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۴۶،ح۳۹۰. الاستبصار،ص۷۳،ح۲.

[2] تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۴۸،ح۳۹۷. الاستبصار،ص۷۳،ح۶.

[3] تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۴۸،ح۳۹۸. الاستبصار،ص۷۳،ح۷.

[4] تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۴۸،ح۳۹۹. الاستبصار،ص۷۳،ح۸.

۴۶۶). و روایت شده است که: وضو گرفتن قبل از غسل و بعد از غسل بدعت است.[1]

بیان: ظاهرا مراد این باشد، کسی که وضوی قبل از غسل را واجب بداند، بدعت است، نه آنکه مستحب بشمارد، زیرا که روایاتی بر استحباب وضو، قبل از غسل وارد شده است.

۴۶۷). عبد الله بـن سلیمان گوید: « **سمعت أبا عبدالله** ؑ **يقول: الـوضـوء بعد الغسل بدعة** » از امام صادق ؑ شنیدم که می فرمودند: وضو گرفتن بعد از غسل بدعت است.[2]

۴۶۸). سلیمان بن خالد گوید:امام باقر ؑ فرمودند: « **الوضوء بعد الغسل بدعة** » وضو گرفتن بعد از غسل بدعت است.[3]

تیمّــم

آیات :

« **وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاء أَحَـدٌ مِّنكُم مِّــن الْغَآئِطِ أَوْ لاَمَسْتُمُ النِّسَاء فَلَـمْ تَجِدُواْ مَاء فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا** » و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید پس بر خاکی پاك تیمم کنید.[4]

روایات:

۴۶۹). یکی از دو امام ؑ فرمودند: « **إذا لم يجد المسافر الماء فليطلب مادام في الوقت فإذا خاف أن يفوته الوقت فليتيمم وليصل** » هنگامی که مسافر آب نمی یابد، باید تا زمانی که وقت نماز باقی مانده، جست و جو کند، و هنگامی که می ترسد وقت نماز از او فوت شود، تیمم

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۴۷،ح۳۹۴. الاستبصار،ص۷۳،ح۵.

[2] کافی،ج۳،ص۳۱،ح۱۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۴۷،ح۳۹۵.

[3] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۴۷،ح۳۹۶.

[4] سوره نساء،آیه۴۳.

نموده و نماز بخواند.[1]

۴۷۰). محمد بن مسلم می گوید: « **سمعته يقول: إذا لم تجد ماء وأردت التيمم فأخر التيمم إلى آخر الوقت فإن فاتك الماء لم تفتك الارض** » از امام عليه السلام شنیدم که می فرمود: هنگامی که آبی نیافتی و خواستی تیمم کنی، تیمم را تا آخر وقت به تاخر بینداز زیرا که اگر نتوانستی آب بیابی، زمین که در اختیار توست، (تا تیمم نمایی).[2]

۴۷۱). امام صادق عليه السلام می فرمودند: « **إذا لم يجد الرجل طهورا وكان جنبا فليمسح من الارض ويصلي، فإذا وجد ماء ا فليغتسل وقد أجزأته صلاته التي صلى** » در صورتی که کسی جنب باشد و آبی نیابد، بایستی بر زمین تیمم کند و نماز را به جای آورد، و اگر دست رسی به آب یافت، بایستی غسل نمایید، و نمازی را که قبلا به جای آورده است، برای او کفایت می کند.[3]

۴۷۲). داود رقی می گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام: أكون في السفر وتحضر الصلاة وليس معي ماء ويقال: إن الماء قريب منا أفأطلب الماء وأنا في وقت يمينا وشمالا؟ قال: لا تطلب الماء ولكن تيمم فإني أخاف عليك التخلف عن أصحابك فتضل فيأكلك السبع** » خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی در سفر هستم و وقت نماز است وآبی همراه من نیست و بعضی می گویند: آب در نزدیکی ما پیدا می شود، آیا با بودن وقت از سمت راست و چپ به دنبال آب بروم؟ حضرت فرمودند: در پی آب نباش، بلکه تیمم کن، زیرا که میترسم که از همراهان خود عقب بمانی و راه را گم کنی و درندگان تو را بدرند.[4]

۴۷۳). یعقوب بن سالم می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل لا يكون معه ماء والماء عن يمين الطريق ويساره غلوتين أو نحو ذلك؟ قال: لا آمره أن يغرر بنفسه فيعرض له لص**

---

[1] کافی، ج۳، ص۴۱، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۰۳، ح۵۵۵. الاستبصار، ص۹۱، ح۱.

[2] کافی، ج۳، ص۴۱، ح۱. الاستبصار، ص۹۵، ح۱.

[3] کافی، ج۳، ص۴۱، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۰۳، ح۵۵۶. الاستبصار، ص۹۳، ح۳.

[4] کافی، ج۳، ص۴۲، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۱۹۵، ح۵۳۶.

أو سبع » از امام صادق ﷺ پرسیدم: (در سفر) مردی که آبی همراه ندارد، ولی در فاصله پرتاب دو تیر یا مانند آن در سمت راست و چپ جاده آب یافت می شود (وظیفه او چیست؟) حضرت فرمودند: (با واجب نمودن جست و جوی آب) به او امر نمی کنم که خود را در هلاکت اندازد و گرفتار دزد یا درنده ای شود.[1]

۴۷۴). حسین بن ابی اعلاء می گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: مردی است که از کنار چاه آبی می گذرد، ولی سطلی همراه ندارد (که آب بکشد و وضو بگیرد، یا غسل نماید)؟ فرمودند: بر او واجب نیست که در چاه فرو رود، چرا که پروردگار آب، همان پروردگار زمین است، باید تیمم کند.[2]

بیان: این حدیث در حالتی حمل شده است که پایین رفتن از چاه مشقت زیادی داشته باشد، یا باعث فاسد شدن آب گردد، و مقصود از عدم وجود سطل، عدم وجود هر نوع ابزار برای آب کشی است.

۴۷۵). امام صادق ﷺ فرمودند: هرگاه در حال جنابت به چاه آبی رسیدی و سطل یا چیزی دیگری نیافتی که به وسیله آن آب برداری، بر روی زمین تیمم کن،که همانا پروردگار آب و پروردگار زمین یکی است، داخل چاه مرو و آن را برای مردمی که در حوالی آن هستند، خراب مکن.[3]

۴۷۶). سماعه می گوید: « **سألت أبا عبدالله ﷺ عن رجل معه إناء ان فيهما ماء وقع في أحدهما قذر ولا يدري أيهما هو وليس يقدر على ماء غيره؟ قال: يهريقهما جميعا ويتيمم** » از امام صادق ﷺ در مورد مردی پرسیدم که دو ظرف آب دارد، در یکی از آنها نجاستی

---

[1] کافی،ج۳،ص۴۲،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۹۳،ح۵۲۸.

[2] کافی،ج۳،ص۴۲،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۹۳،ح۵۲۷. من لاحضره الفقیه،ج۱،ص۷۱،ح۲۱۴.

[3] کافی،ج۳،ص۴۲،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۹۵،ح۵۳۵.

افتاده و نمی داند که کدام یک از آن دو نجس است، و آب دیگری هم ندارد (وظیفه چیست؟) فرمودند: هر دو آب را به زمین بریزد و بجای آن تیمم کند.[۱]

۴۷۷). ابن سنان گوید: امام صادق علیه السلام در باره مردی که در سفر جنب می شود و آب کمی همراه دارد و می ترسد که در صورت غسل با آن آب، تشنه بماند، فرمودند: اگر از تشنگی می ترسد، نباید قطره ای از آن آب را برای غسل بریزد، و باید بر روی زمین تیمم کند، که همانا تیمم بر روی زمین نزد من محبوب تر است.[۲]

۴۷۸). ابن ابی یعفور می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که جنب می شود و به اندازه ای که برای آشامیدن کافی است، آب دارد، آیا باید تیمم کند یا وضو بگیرد؟ فرمودند: تیمم بهتر است،آیا نمی بینی که در تیمم فقط نیمی از افعال وضو بر عهده او واجب شده است.[۳]

۴۷۹). « **سأل عبيد الله بن علي الحلبي أبا عبدالله عليه السلام عن الرجل إذا أجنب ولم يجد الماء، قال: تيمم بالصعيد، فإذا وجد الماء فليغتسل ولا يعيد الصلاة** » عبید الله بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام سوال کرد: مردی که جنب می شود و آبی پیدا نمی کند، وظیفه او چیست؟ فرمودند: بر زمین تیمم می کند، و هرگاه آب پیدا کرد باید غسل کند، ولی نماز را اعاده نمی کند.[٤]

۴۸۰). محمد بن مسلم می گوید: « **سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يكون به القرح والجراحة يجنب؟ قال: لا بأس بأن لا يغتسل، و يتيمم** » از امام باقر علیه السلام درباره مردی که زخم چرکین و جراحت داشته و جنب شده است، پرسیدم؟ حضرت فرمودند: اشکال ندارد که غسل

---

[۱] کافی،ج۳،ص۹،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۴۳،ح۶۶۲.
[۲] کافی،ج۳،ص۴۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۲۸،ح۱۲۲۷.
[۳] کافی،ج۳،ص۴۲،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۴۲۸،ح۱۲۲۶.
[٤] من لاحضره الفقیه،ج۱،ص۷۱،ح۲۱۴.

نکند، و به جای آن تیمم کند.[1]

۴۸۱). « **قيل لرسول** ﷺ **: يا رسول الله إن فلانا أصابته جنابة وهو مجدور فغسلوه فمات، فقال: قتلوه، ألا سألوا؟ ألا يمموه، إن شفاء العي السؤال** » به رسول خدا ﷺ عرض شد: فلانی در حالی که به بیماری آبله مبتلا بود، دچار جنابتی گردید، او را غسل دادند، و در گذشت. حضرت فرمودند: او را کشتند چرا نپرسیدند؟ چرا او را تیمم ندادند؟ همانا درمان جهل و نادانی پرسش است.[2]

۴۸۲). و همانند این از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.[3]

چیزهای که تیمم بر آن صحیح است

تیمم بر زمین چه خاک باشد و یا سنگ و اقسام خاک ها و انواع سنگ ها و هرچه که جزء اجزای زمین است صحیح می باشد.

۴۸۳). « **قال رسول الله** ﷺ **: فضلت بأربع جعلت لامتي الارض مسجدا وطهورا وأيما رجل من امتي أراد الصلاة فلم يجد ماء ووجد الارض فقد جعلت له مسجدا وطهورا ..**» رسول خدا ﷺ فرمودند: از میان پیامبران به چهار چیز فضیلت داده شده ام، اول اینکه خداوند زمین را برای امت من سجدگاه و پاک کننده قرار داده است، و هر که از امت من اراده نماز بکند، و آب نیابد و زمین پیدا کند، پس آن زمین سجدگاه اوست و پاک کننده برای اوست (که تیمم نماید)...[4]

۴۸۴). « **قال النبي** ﷺ **: أعطيت خمسا لم يعطها أحد قبلي: جعلت لي الارض مسجدا**

---

[1] کافی،ج۳،ص۴۳،ح۱.

[2] من لاحضره الفقیه،ج۱،ص۷۲،ح۲۱۹.

[3] کافی،ج۳،ص۴۴،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۹۲،ح۴۲۹.

[4] خصال، ج۱،ص۲۰۱،ح۱۴.

وطهورا ، ونصرت بالرعب، وأحل لي المغنم ، وأعطيت جوامع الكلم، وأعطيت الشفاعة »

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند متعال به من پنج چیز داده که به هیچ کسی قبل از من نداده است، اول آنکه زمین را برای من سجدگاه و پاک کننده قرار داده است، دوم آنکه به رعب و وحشت یاری و نصرت یافتم، سوم اینکه غنیمت بدست آمده از غنائم برای من حلال گشت، و چهارم اینکه برای من جوامع الکلم عطا شد، و پنجم آنکه خداوند متعال برای من اجازه شفاعت داده است.[۱]

۴۸۵). امام صادق علیه‌السلام به نقل از پدر بزرگوارشان فرمودند: کسی از امیرالمومنین از تیمم کردن بر گچ پرسید؟ فرمودند: عیب ندارد. گفت: بر آهک؟ فرمودند: عیب ندارد. گفت: برخاکستر؟ فرمودند: نمی شود، زیرا که خاکستر از زمین بیرون نمی آید، بلکه از درخت خارج می شود.[۲]

کیفت و چگونگی تیمم

آیات:

« وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاء أَحَدٌ مِّنكُم مِّن الْغَآئِطِ أَوْ لاَمَسْتُمُ النِّسَاء فَلَمْ تَجِدُواْ مَاء فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ »

و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید پس بر خاکی پاك تیمم کنید و صورت و دستهایتان را مسح نمایید.[۳]

روایات:

۴۸۶). زاراه می گوید: « **سألت أبا جعفر علیه‌السلام عن التيمم فضرب بيديه الارض ثم رفعهما فنفضهما ثم مسح بهما جبهته وكفيه مرة واحدة** »

---

[۱] من لاحضره الفقيه،ج۱،ص۱۷۰،ح۷۲۴.

[۲] تهذيب الاحكام،ج۱،ص۱۹۷،ح۵۳۹.

[۳] سوره نساء،آیه۴۳.

از امام باقر از چگونگی تیمم سوال کردم؟ حضرت دو دست را بر زمین زد، سپس دست های خود را از زمین بلند نمود و تکان داد، و آنگاه با هر دو دست پیشانی خود و پشت دست های خود را یک مرتبه مسح نمود.[1]

۴۸۷). عمار به رسول خدا ﷺ عرض کرد: تیمم چگونه انجام می شود؟

حضرت دو دست خود را بر زمین نهاد و سپس دست های خود را از زمین بلند کرد و صورت (پیشانی) و نیز (پشت) دست های خود را کمی بالاتر از کف (یعنی از مچ) مسح نمود.[2]

سایر احکام تیمم

۴۸۸). زاراه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا مرد می تواند تمامی نمازهای شبانه روز را با یک وضو به جای آورد؟

فرمودند: آری اگر آن را باطل ننماید.

گفتم: آیا با یک تیمم می تواند تمامی نمازهای شبانه روز را به جای آورد؟

فرمودند: آری تا هنگامی که آن را باطل ننموده و آبی نیافته است.

گفتم: اگر به آب برسد و امید دست رسی به آب دیگری را داشته باشد و چنین گمان کند که هرگاه بخواهد می تواند به آن دست رسی یابد، ولی امر بر او دشوار شود، تکلیف او چیست؟

فرمودند: این امر تیمم او را باطل می کند و بر عهده اوست که دوباره تیمم نماید.

گفتم: اگر در حال نماز به آب دست یابد چه حکمی دارد؟

فرمودند: تا هنگامی که به رکوع نرفته است، باید از نماز دست بکشد و وضو بگیرد، ولی اگر به رکوع رفته باید نماز خود را ادامه دهد، زیرا که تیمم یکی از دو پاک کننده است.[3]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۱۹،ح۶۰۱.

[2] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۱۸،ح۵۹۸.

[3] کافی،ج۳،ص۴۱،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۱۱،ح۵۸۰.

۴۸۹). عبدالله بن عاصم می گوید: « **سألت أبا عبدالله ﷺ عن الرجل لا يجد الماء فيتيمم ويقيم في الصلاة فجاء الغلام فقال: هوذا الماء؟ فقال: إن كان لم يركع فلينصرف وليتوضأ وإن كان قد ركع فليمض في صلاته** »

از امام صادق در باره مردی که آب نمی یابد و تیمم می کند و به نماز می ایستد، در آن حال غلامش می آید و می گوید: در آنجا آب است، پرسیدم که وظیفه اش چیست؟ حضرت فرمودند: اگر هنوز به رکوع نرفته، باید از نماز دست بکشد و وضو بگیرد، ولی اگر به رکوع رفته است باید نمازش را ادامه بدهد.[۱]

۴۹۰). ابوبصیر گوید: از امام ﷺ پرسید: مسافری آب همراه دارد، ولی فراموش کرده، تیمم می کند و نماز بجا می آورد، سپس قبل از خروج وقت به یادش می آید که آبی همراه داشته است؟

فرمودند: بر اوست که وضو بگیرد و دوباره نماز بخواند.

و از حضرتش پرسیدم: آیا تیمم حائض و جنب در نبود آب یکسان است؟

فرمودند: آری.[۲]

۴۹۱). « **سأل عمار بن موسى الساباطي أبا عبدالله ﷺ عن التيمم من الوضوء ومن الجنابة ومن الحيض للنساء سواء؟ فقال: نعم** »

عمار بن موسی ساباطی از امام صادق ﷺ سوال کرد: آیا تیمم بدل از وضو و بدل از غسل جنابت و بدل از غسل حیض برای زنان از نظر چگونگی و کیفیت یکی است؟ فرمودند: آری.[۳]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۴۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۱۵،ح۵۹۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۴۲،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۲۱۶،ح۶۲۵.

[۳] من لاحضره الفقیه،ج۱،ص۷۲،ح۲۱۶. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۱۶۹،ح۴۶۵.

« احکام نماز »

نماز های واجب یومیه

۴۹۲). زراره بن اعین می گوید: از حضرت امام باقر علیه‌السلام راجع به نمازی که خداوند عزّوجل واجب فرموده سؤال گردید؟

حضرت فرمودند: در شبانه روز پنج نماز می باشد.

زراره می گوید: عرض کردم: آیا حق تعالی اسم آنها را برده و در کتابش بیان فرموده است؟

حضرت فرمودند: بلی، خداوند تبارک و تعالی به نبی مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: « **أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى غَسَقِ اللَّيْلِ** » نماز را بپا کن از وقت زوال تا فرا رسیدن ظلمت شب.[1] دلوک شمس یعنی زوال شمس که همان وقت ظهر می باشد باری بین دلوک شمس تا غسق لیل (تاریکی شب) چهار نماز واقع است که حق تعالی از آنها اسم برده و بیانشان کرده است و غسق لیل یعنی نصف شدن شب، بنا بر این چهار نماز مزبور عبارتند از: ظهر، عصر، مغرب و عشاء.

سپس حق تعالی به دنبال آیه مذکور فرموده: « **وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ، إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً** » و بپا دارید نماز فجر و صبح را که آن مورد شهود و حضور فرشتگان شب و روز می باشد.[2] این نماز (نماز صبح) نماز پنجمی است و نیز در بیان نمازهای واجب فرموده: « **وَ أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ**

---

[1] سوره اسراء، آیه ۷۸.

[2] سوره اسراء، آیه ۷۸.

النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ » نماز را در دو طرف روز بپا دارید و نیز در ساعت تاریکی شب.[۱] دو طرف روز عبارتند از: مغرب و صبح و مقصود از «زُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ» نماز عشاء است.

و همچنین فرمود: «**حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى** » بر نمازها و نماز وسطی محافظت نمایید.[۲] نماز وسطی، نماز ظهر بوده و آن اوّلین نمازی است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلم خواند، این نماز بین دو نماز در روز فاصله شده و آن دو عبارتند از: نماز صبح و نماز عصر. و در بعضی از قراءات خوانده شده: « **حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى ـ و صلاه العصر ـ وَ قُومُوا لِلَّهِ قانِتِينَ** » بر نمازها و نماز وسطی و نماز عصر محافظت نمایید و برای خدا بایستید و در نماز عصر قنوت بخوانید.

سپس امام علیه السّلام فرمودند: این آیه در روز جمعه هنگامی که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله در سفر بودند نازل شد پس حضرت در آن نماز وسطی قنوت خوانده و بعد نماز را به حال خود واگذارده و چیزی به آن اضافه نکردند ولی برای مقیم و غیر مسافر دو رکعت اضافه نمودند و سرّ ساقط شدن این دو رکعتی که حضرت برای مقیم و نماز ظهر اضافه نمودند از جمعه، بودن دو خطبه است که همراه امام خوانده می شود، بنا بر این کسی که آن را تنها و بدون جماعت بخواند باید چهار رکعت اداء نماید همچون نماز ظهر در سایر ایّام و وقت نماز عصر روز جمعه همان وقت ظهر در سایر ایّام است.[۳]

۴۹۳). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **ان الله عزوجل فرض الصلاة ركعتين، ركعتين عشر ركعات فأضاف رسول الله صلى الله عليه وآله إلى الركعتين ركعتين وإلى المغرب ركعة فصارت عديل الفريضة لا يجوز تركهن إلا في سفر وأفرد الركعة في المغرب فتركها قائمة في السفر والحضر فأجاز الله عزوجل له ذلك فصارت الفريضة سبع عشرة ركعة** » خداوند متعال

---

[۱] سوره هود، آیه۱۱۴.

[۲] سوره بقره؛ آیه۲۳۸.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۵۲،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۴۰، ح ۶۰۰.

نماز های پنج گانه را دو رکعت دو رکعت واجب نمود، تا ده رکعت شد. سپس رسول خدا به دو رکعت (ظهر، عصر و عشا) دو رکعت و به مغرب یک رکعت افزود، و این اضافات با واجب خداوند هم دوش گشت، و چون در نماز مغرب یک رکعت افزود، آن را در سفر وحضر برجای گذاشت. خداوند تمام این اضافات پیغمبر را تجویز کرد و نماز های یومیه واجب، هفده رکعت شد.[١]

۴۹۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: ذوالنمره به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت: ای رسول خدا به من بگو خدای عزوجل بر من چه چیزی واجب کرده است؟ حضرت فرمودند: خداوند هفده رکعت نماز در شبانه روز بر تو واجب کرده است...[٢]

۴۹۵). « **قال سليمان بن خالد للصادق عليه السلام: جعلت فداك أخبرني عن الفرائض التي فرض الله عزوجل على العباد ما هي؟ قال: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمدا رسول الله، وإقام الصلوات الخمس، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصيام شهر رمضان والولاية** »

سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام عرضکرد: فدایت گردم مرا از فرائضی که خداوند بر بندگانش واجب فرموده آگاه سازید، که آنها چیست؟ فرمودند: آنها عبارتست از شهادت بر اینکه هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست، و محمد فرستاده اوست و بپا داشتن نماز های پنجگانه، و پرداخت زکات، و بجا آوردن حج خانه خدا و روزه ماه مبارک رمضان و اعتقاد به ولایت.[٣]

۴۹۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز های فریضه و نافله (در روز) پنجاه ویک رکعت است، از این نوافل دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشا می باشد، که یک رکعت ایستاده به حساب می آید، (پس) نماز های فریضه هفده رکعت، و نماز های نافله سی و چهار رکعت است.[٤]

---

[١] کافی،ج١،ص٢٠٨،ح۴.

[٢] کافی،ج٨،ص٣٣۶.

[٣] من لایحضره الفقه،ج١،ص١۴۶،ح۶١٢.

[٤] کافی،ج٣،ص٢۵٢،ح٢. تهذیب الاحکام،ج٢،ص۴،ح٢. الاستبصار، ص١٢۵،ح٢.

۴۹۷). فضل بن شاذان می گوید: امام رضا عليه السلام در نامه خود به مأمون نوشتند:

« والصلاة الفريضة الظهر أربع ركعات، والعصر أربع ركعات والمغرب ثلاث ركعات والعشاء الاخرة أربع ركعات والغداة ركعتان هذه سبع عشر ركعة.
والسنة أربع وثلاثون ركعة ثمان ركعات قبل فريضذ الظهر وثمان ركعات قبل العصر، وأربع ركعات بعد المغرب وركعتان من جلوس العتمة تعدان بركعة وثمان ركعات في السحر والشفع والوتر ثلاث ركعات يسلم بعد الركعتين وركعتا الفجر »

نماز های که واجب است عبارت اند از: ظهر چهار رکعت و عصر چهار رکعت، و مغرب سه رکعت، و عشاء آخر شب چهار رکعت، و نماز صبح دو رکعت، و اینها هفده رکعت می شود.

و نماز سنّت که در شبانه روز مستحبّ است سی و چهار رکعت است؛ هشت رکعت قبل از نماز واجب ظهر، و هشت رکعت قبل از نماز عصر، و چهار رکعت پس از نماز مغرب، و دو رکعت نشسته پس از نماز عشاء که یک رکعت محسوب می شود، و هشت رکعت در هنگام سحر (قبل از طلوع فجر)، و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر روی هم سه رکعت که پس از رکعت دوم سلام داده می شود، و دو رکعت نافله نماز صبح.[1]

فضلیت نماز

آیات:

« **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَ الَّذِينَ هُمْ عَلى صَلَواتِهِمْ يُحافِظُونَ** » به راستی که مومنان رستگار شدند* همانان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند.[2]

«**إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ**»

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را

---

[1] عیون الاخبارالرضا، ج۲، ص۱۲۳.

[2] سوره مومنون، آیه ۱ و ۹.

پرداختند، اجرشان نزدِ پروردگارشان (محفوظ) است.[1]

« **وَاسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلاَّ عَلَى الْخَاشِعِينَ** » از صبر و نماز یاری جویید و به راستی این (کار) گران است مگر بر فروتنان.[2]

« **وَالَّذِينَ يُمَسَّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ إِنَّا لاَ نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ** » و کسانی که به کتاب (آسمانی) چنگ درمی‌زنند و نماز برپا داشته‌اند (بدانند که) ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد.[3]

« **اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاء ...**» آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد.[4]

روايات :

۴۹۸). امام باقر عليه السلام فرمودند:« **قال رسول الله صلى الله عليه وآله لو كان على باب دار أحدكم نهر فاغتسل في كل يوم منه خمس مرات أكان يبقى في جسده من الدرن شئ؟ قلنا لا قال: فان مثل الصلاة كمثل النهر الجاري كلما صلي صلاة كفرت ما بينهما من الذنوب** » رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اگر بر در خانه یکی از شما، جویی بود و هر روز پنج بار خود را در آن می شست، آیا در بدن او چرکی باقی می ماند؟ گفتیم نه. فرمود: پس به راستی، نماز، مانند همان جوی روان است که هرگاه به جا آورده شود، گناهان میان دو نماز را پاک می کند.[5]

۴۹۹). معاویه بن وهب می گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: برترین چیزی که بندگان بدان

---

[1] سوره بقره، آیه۲۷۷.

[2] سوره بقره؛ آیه۴۵.

[3] سوره اعراف، آیه۱۷۰.

[4] سوره عنکبوت، آیه۴۵.

[5] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۴،ح۹۳۸.

وسیله به پروردگارشان تقرب می جویند و نیز دوست داشتنی ترین آنها نزد خداوند متعال چیست؟ فرمودند: « **ما أعلم شيئا بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة** » من چیزی را بعد از معرفت به خدا نمی شناسم که بهتر از نماز باشد.[۱]

۵۰۰). همچنین آن حضرت فرمودند: محبوترین اعمال نزد خداوند عزوجل نماز است، و آن آخرین سفارش پیامبر بود، چقدر نیکو است مرد غسل کند، یا به طور کامل وضو بگیرد، آنگاه به گوشه ای رود، چنان که هیچ کس او را نبیند، پس خداوند بر او نظر افکند، در حالی که او در رکوع و یا در سجود است. همانا بنده چون به سجده رود و آن را طولانی کند، ابلیس فریاد زند: وای بر من که او فرمانبرداری کرد و من نافرمانی کردم، او سجده نمود و من از سجده خوداری کردم.[۲]

۵۰۱). همچنین حضرت صادق عليه السلام فرمودند: چون نماز گزار به نماز ایستد، مهر و رحمت (خداوند) بر او و از اطراف آسمان به سوی اطراف زمین فرود آید، فرشتگان او را احاطه کنند، و فرشته ای او را ندا کند: اگر این نماز گزار می دانست چه ارزش و مقامی در نماز است، آن را به پایان نمی برد.[۳]

۵۰۲). حضرت رضا عليه السلام فرمودند: « **الصلاة قربان كل تقي** » نماز وسیله قرب هر پرهیزکاری است.[٤]

۵۰۳). ابوبصیر می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: یک نماز فریضه از انجام بیست حج بهتر است، و یک حج بهتر است از خانه ای که پر از طلا بوده و انسان آن را صدقه دهد تا چیزی از

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۴۹،ح۱. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۰،ح۶۳۴.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۴۹،ح۲. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۱،ح۶۳۸.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۴۹،ح۴.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۴۹،ح۶. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۱،ح۶۳۷.

آن نماند.[۱]

۵۰۴). همچنین فرمودند: « **من قبل الله عزوجل منه صلاة واحدة لم يعذبه، ومن قبل منه حسنة لم يعذبه** » هر کس که خداوند یک نماز او را بپذیرد، او را عذاب نخواهد کرد، و هر کس که خداوند یک حسنه از او قبول فرمایید، او را عذاب نخواهد کرد.[۲]

۵۰۵). امام صادق علیه‌السلام فرموده اند: هر کس که دو رکعت نماز به جای آورد و بداند که در آن دو رکعت چه می گوید، از نماز فارغ شود در حالی که میان او و خدایش گناهی نباشد.[۳]

۵۰۶). « **قال النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله: ما من صلاة يحضر وقتها إلا نادى ملك بين يدي الناس: أيها الناس قوموا إلى نيرانكم التي أوقدتموها على ظهوركم فأطفئوها بصلاتكم** »

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هیچ نمازی نیست، که وقت بجا آوردن آن فرا رسد مگر اینکه فرشته ای آمده و در برابر مردم فریاد می کند: ای مردم برخیزید و به آتشهائی که (بسبب ارتکاب گناهان) بر پشتهای خود افروخته اید، آن شعله های آتش را بیاری نماز هایتان فرو نشانید و خاموش کنید.[٤]

۵۰۷). حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند: « **إن أول ما يحاسب به العبد الصلاة فإن قبلت قبل ما سواها** » همانا اولین چیزی که بنده را به آن محاسبه می کنند، نماز است، اگر قبول شود اعمال دیگر نیز قبول می شود.[٥]

میگویم: همین مطلب با اندکی اختلافی در لفظ از امام صادق علیه‌السلام نیز روایت شده است.[٦]

۵۰۸). امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرمودند: « **إياكم والكسل فإن ربكم رحيم، يشكر القليل،**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۵۰،ح۷. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۴۹،ح۶۲۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۳،ح۹۳۵.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۵۰،ح۱۱. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۱،ح ۶۴۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۵،ح۹۴۳.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۵۰،ح۱۲.

[٤] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۴۹،ح۶۲۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۵،ح۹۴۴.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۵۱،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۵،ح۹۴۶.

[٦] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۴۹،ح۶۲۶.

إن الرجل ليصلي الركعتين يريد بهما وجه الله تعالى فيدخله الله بهما الجنة » زنهار که از تبلی و سستی بدور باشد، همانا پروردگار شما مهربان است، به پاس اندک عمل پاداش بزرگ می دهد، چه بسا که شخصی برای رضای خداوند متعال دو رکعت نماز می خواند، و خداوند بخاطر همان دو رکعت او را داخل بهشت می فرماید.[1]

۵۰۹). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **لکل شئ وجه ووجه دينكم الصلاة فلا يشينن أحدكم وجه دينه** » برای هر چیزی چهره ای است و چهره دین شما نماز است، نباید کسی از شما چهره دین خود را خراب کند.[2]

کسی که نماز را ضایع نموده یا سبک بشمارد

آیات:

« **أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا** » نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند، و به زودی که در وادی گمراهی خواهند افتاد.[3]

« **فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** » پس وای بر نمازگزاران * همان کسانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند.[4]

روایات:

۵۱۰). حضرت امام باقر ؑ در حدیثی فرمودند: « **إن الصلاة إذا ارتفعت في أول وقتها رجعت إلى صاحبها وهي بيضاء مشرقة تقول: حفظتني حفظك الله وإذا ارتفعت في غير وقتها بغير حدودها رجعت إلى صاحبها وهي سوداء مظلمة تقول: ضيعتني ضيعك الله** »

---

[1] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۰،ح۶۳۱.

[2] کافی،ج۳،ص۱۵۲،ح۱۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۴،ح۹۴۰.

[3] سوره مریم، آیه۵۹.

[4] سوره ماعون، آیه۴و۵.

براستی اگر نماز در اول وقت بالا رود، چون به صاحبش باز گردد سفید و نورانی است و می گوید: مرا حفظ کردی خدا تو را حفظ کند، و اگر در غیر وقت و بدون رعایت حدودش خوانده شود، به صاحبش در حالی که سیاه و تاریک است باز گردد و می گوید: مرا ضایع نمودی خداوند تو را ضایع نماید.[۱]

۵۱۲). محمد بن فضیل می گوید: از امام کاظم علیه السلام در باره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: « **الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** » کسانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند.[۲] سوال کردم؟

حضرت فرمودند: همان ضایع کردن نماز است.[۳]

۵۱۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و مشغول نماز گشت در حالی که رکوع و سجود آن را درست بجای نمی آورد.

آن حضرت فرمود: آن مرد همانند کلاغ منقار زد، اگر او بمیرد و نمازش این گونه باشد، بر غیر دین من مرده است.[٤]

۵۱۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: شیطان همیشه از مومن خائف و ترسناک است تا زمانی که به نماز های پنج گانه خود مواظبت داشته باشد،اگر آنها را ضایع کند، شیطان بر او دلیر شود و او را در گناهان کبیره داخل سازد.[٥]

۵۱۵). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لا تتهاون بصلاتك فإن النبي صلی الله علیه و آله قال عند موته: ليس مني من استخف بصلاته، ليس مني من شرب مسكرا لايرد علي الحوض لا والله** » نماز خود را

---

[۱] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۵،ح۹۴۶. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۴۹،ح۶۲۷.

[۲] سوره ماعون، آیه۵.

[۳] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۶،ح۹۴۷.

[٤] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۶،ح۹۴۸.

[٥] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۸.

سبک مشمار، چرا که رسول خدا ﷺ به هنگام وفات خویش فرمود: هر کس نماز خود را سبک شمارد، از من نیست و هرکس شراب مست کننده ای بنوشد، از من نیست و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد، هرگز به خدا سوگند.[۱]

۵۱۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول اکرم ﷺ فرمود: « **لاينال شفاعتي من استخف بصلاته لايرد علي الحوض لا والله، لاينال شفاعتي من شرب المسكر لايريد علي الحوض لاوالله** » از من نیست و جز امت من بحساب نمی آید، کسی که نمازش را سبک بشمارد، و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد، هرگز بخدا سوگند. از من نیست و جز امت من بحساب نمی آید، کسی که شراب مست کننده ای بنوشد، بر حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد، هرگز بخدا سوگند.[۲]

۵۱۷). عیص بن قاسم می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند بسا پنجاه سال از عمر کسی می گذرد و خداوند یک نماز او را قبول نمی کند، آیا چیزی بدتر از این است؟ به خدا سوگند شما از همسایگان و دوستان خود کسانی را می شناسید که اگر برای بعضی از شما نماز می خواند، به خاطر سبک شمردن آن، از او نمی پذیرفت. خداوند جز (عمل) خوب را قبول نمی کند، پس چگونه می پذیرد عملی را که سبک شمرده شده باشد؟ [۳]

۵۱۸). همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه بنده به نماز ایستد و نماز خود را سبک به جای آورد، خداوند عزوجل به فرشتگان می گوید: آیا به بنده من نگاه نمی کنید؟ گویی او گمان می کند که بر آوردن حاجت های او به دست غیر از من است، آیا او نمی داند که بر آوردن حاجت های او به دست من است؟.[٤]

---

[۱] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۷.

[۲] کافی، ج۶،ص۴۰۰. تهذیب الاحکام،ج۹،ص۱۰۶،ح۴۵۷. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۴۸،ح۶۱۷.

[۳] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۹.

[٤] کافی، ج۳،ص۱۵۱،ح۱۰.

۵۱۹). ابوبصیر گوید: امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **إنه لما حضر أبي الوفاة قال لي: يابني إنه لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة** » هنگامی که وفات پدرم فرا رسید به من فرمود: ای فرزندم همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.[1]

۵۲۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الصلاه و كل بها ملك ليس له عمل غيرها فاذا فرغ منها قبضها ثم صعد بها فان كانت مما تقبلل قبلت و ان كانت مما لا تقبل قيل له ردها على عبدى فينزل لها حتى يضرب بها وجهه ثم يقول له اف لك لا يزال لك عمل يعنتنى** » فرشته ای فقط مامور نماز است و کار دیگری ندارد و هنگامی که انسان نماز خواند، نماز را گرفته و بالا می برد، اگر نمازش از نمازهایی بود که قبول می شود، پذیرفته خواهد شد. و اگر از نمازهایی بود که قبول نمی شود، خداوند می فرمایند، آن را به بنده ام برگردان . او نیز نماز را برگردانده و به صورت نمازگزار می زند، و به او می گوید: آه که چقدر با اعمالت مرا به دردسر می اندازی .[2]

ترک کننده نماز

آیات:

« **مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ** » (از جهنمیان پرسیده می شود) چه چیزی شما را در آتش (دوزخ) در آورد؟* گویند: از نماز گذاران نبودیم.[3]

روایات:

۵۲۱). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يارسول الله أوصني فقال: لا تدع الصلاة متعمدا فإن من تركها متعمدا فقد برئت منه ملة الاسلام** »

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا مرا سفارشی بفرمایید. فرمود:

---

[1] کافی، ج۳،ص۱۵۲،ح۱۵. تهذیب الاحکام،ج۹،ص۱۰۷،ح۴۶۴.

[2] کافی، ج۳،ص۲۷۹،ح۱۰.

[3] سوره مدثر، آیه۴۲و ۴۳.

هیچ گاه نماز را از روی عمد ترک مکن، زیرا که هر که نماز را از روی عمد ترک نماید، از قلمرو دین اسلام بیرون می رود.[۱]

۵۲۲). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **إن تارك الصلاة كافر. يعني من غير علة** » ترک کننده نماز کافر است. یعنی بدون علت و عذر.[۲]

۵۲۳). مسعده بن صدقه می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا زانی، کافر به شمار نمی آید، اما تارک نماز کافر به حساب می آید؟ دلیل آن چیست؟

فرمودند: زیرا زناکار و امثال آن، این کار را به خاطر شهوت انجام می دهند، چرا که شهوت بر وی غلبه می کند، اما تارک نماز آن را جز به خاطر سبک شماری ترک نمی کند. هیچ زناکاری را پیدا نمی کنی جز اینکه وقتی سراغ زنی می رود از آن لذت می برد و به قصد آن سراغش می رود، اما هر تارک نمازی که آن را ترک می کند از ترکش قصد لذت ندارد، وقتی لذتی در کار نباشد فقط سبک کاری باقی می ماند و زمانی که سبک شماری انجام گیرد، کفر تحقق پیدا می کند.[۳]

وقت نماز ظهر و عصر

وقت نماز ظهر و عصر از زوال خورشید تا هنگام غروب آن است.

۵۲۴). زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: « **إذا زالت الشمس دخل الوقتان الظهر والعصر، وإذا غابت الشمس دخل الوقتان المغرب والعشاء الآخرة** » هنگامی که خورشید به حد زوال رسید، وقت نماز ظهر و عصر فرا می رسد، و آنگاه که خورشید غروب کرد، هنگام

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۷۹،ح۱۱.

[۲] کافی،ج۲،ص۲۱۲،ح۸.

[۳] کافی،ج۲،ص۲۸۴،ح۹. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۴۷،ح۶۱۶.

انجام نماز مغرب و عشاء هر دو فرا می رسد.[۱]

۵۲۵). عبیده بن زاراه می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن وقت الظهر والعصر فقال: إذا زالت الشمس دخل الظهر والعصر جميعا الا أن هذه قبل هذه، ثم أنت في وقت منهما جميعا حتى تغيب الشمس** » از امام صادق عليه السلام در مورد وقت نماز ظهر و عصر پرسیدم؟ حضرت فرمودند: هنگامی که زوال آفتاب شد، وقت نماز ظهر و عصر هر دو فرا می رسد؛ با این فرق که نماز ظهر را قبل از نماز عصر باید بجا آورد (یا وقت نماز ظهر پیش از نماز عصر است) بعد از آن تو در وقت هر دو نماز باهم هستی تا هنگامی که خورشید غروب کند.[۲]

۵۲۶). امام صادق و امام کاظم عليهما السلام فرمودند: « **وإذا زالت الشمس دخل وقت الصلاتين**» هنگامی که خورشید به حد زوال رسید، وقت نماز ظهر و عصر فرا می رسد.[۳]

بیان: مستحب است، نماز ظهر به اندازه نافله ظهر و همچنین نماز عصر به قدر نافله عصر از اول وقت که زوال خورشید است، به تاخیر انداخته شود.

۵۲۷). « **سأل مالك الجهني أبا عبدالله عليه السلام عن وقت الظهر فقال: إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الصلاتين، فإذا فرغت من سبحتك فصل الظهر متى (ما) بدالك** »

مالک جهنی از امام صادق عليه السلام در مورد وقت نماز ظهر پرسید؟ حضرت فرمودند: وقتی خورشید به حد زوال رسید، وقت هر دو نماز (ظهر و عصر) فرا می رسد، پس وقتی از نافله فارغ شدی، نماز ظهر را هر موقع که خواستی بخوان.[٤]

۵۲۸). عمر بن حنظله می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی که زوال خورشید شود، وقت نماز ظهر فرا می رسد، مگر وقت نافله که پیش از آن است، و این به اختیار تـوسـت که

---

[۱] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۵،ح۶۴۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰،ح۵۴.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹،ح۵۱. من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۵،ح۶۴۷.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹،ح۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷. الاستبصار،ص۱۴۰.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۵۴،ح۶۴۶.

خواندن نافله را طولانی یا کوتاه کنی.[1]

۵۲۹). همچنین از آن حضرت پرسیده شد، که چه زمانی وقت نماز ظهر است؟

فرمودند: به هنگام زوال، هشت رکعت (نافله ظهر) بجای آور، سپس نماز ظهر را بخوان، و پس از آن نافله (عصر) خود را بخوان، خواه طولانی و خواه کوتاه، سپس نماز عصر را بجای آور.[2]

۵۳۰). مسمع بن عبدالملک می گوید: (امام عليه السلام) فرمودند: هرگاه نماز ظهر را خواندی، وقت نماز عصر داخل شده است، جز اینکه پیش از آن وقتی است مخصوص نافله (عصر) و آن هم به اختیار توست، اگر خواستی طولانی و اگر خواستی کوتاه بخوان.[3]

۵۳۱). سماعه گوید: « **قلت لابي عليه السلام: جعلت فداك متى وقت الصلاة؟ فأقبل يلتفت يمينا وشمالا كأنه يطلب شيئا فلما رأيت ذلك تناولت عودا فقلت: هذا تطلب؟ قال: نعم فأخذ العود فنصب بحيال الشمس ثم قال: إن الشمس إذا طلعت كان الفئ طويلا ثم لا يزال ينقص حتى تزول الشمس فإذا زالت زادت فإذا استبنت الزيادة فصل الظهر** »

به امام صادق عرض کردم: وقت نماز (ظهر) چه زمانی است؟ حضرت به طرف چپ و راست نگاه نمود گویا دنبال چیزی می گشت، من هنگامی که این را دیدم چوبی را برداشتم و گفتم: آیا دنبال این می گردید؟ فرمود: بله، پس چوب را از من گرفته و در برابر خورشید به طور عمودی نصب نمود، آنگاه فرمود: خورشید وقتی طلوع می کند، سایه طولانی می باشد، سپس همواره کوتاه و ناقص می شود تا اینکه زوال شود، پس وقتی زوال ظهر شد (شروع) به زیاد شدن می کند، پس زمانی که زیاد شدن آن برایت روشن شد نماز ظهر را بخوان.[4]

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۵۵،ح۲.

[2] کافی،ج۳،ص۱۵۵،ح۳.

[3] کافی،ج۳،ص۱۵۶،ح۸.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۸،ص۷۵.

۵۳۲). و در روایت دیگر آمده است که نزد آن حضرت ؑ از زوال خورشید یاد شد، امام صادق ؑ فرمودند: چوبی که طول آن سه وجب باشد بر دارید و اگر بزرگ تر باشد بهتر است، و آن را به صورت عمودی نصب نمایید، تا وقتی که سایه آن در حال کوتاه شدن است، بدانید که هنوز زوال و موقع ظهر نشده است، پس زمانی که سایه بعد از کوتاه شدن شروع به زیاد شدن کرد، به تحقیق که زوال (ظهر) فرا رسیده است.[۱]

وقت نماز مغرب و عشاء

اول وقت نماز مغرب و عشاء غروب خورشید، و رفتن حمره مشرقیه است، یعنی آن هنگامی که سرخی که از طرف مشرق بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر انسان بگذرد، و آخر وقت آن نیمه شب است.

۵۳۳). زراره گوید: امام باقر ؑ فرمودند: « **إذا غابت الشمس دخل الوقتان المغرب والعشاء الآخرة** » هنگامی که آفتاب غروب کرد، وقت انجام نماز مغرب و عشاء هر دو فرا می رسد.[۲]

۵۳۴). امام صادق ؑ فرمودند: « **إذا غربت الشمس دخل وقت الصلاتين إلا أن هذه قبل هذه** » چون آفتاب غروب کند، وقت هر دو نماز (مغرب و عشاء) داخل شده است، جز اینکه یکی از این دو پیش از دیگری است، (یعنی نماز مغرب پیش از نماز عشاء است).[۳]

۵۳۵). عبیده بن زراره می گوید: حضرت صادق ؑ فرمودند: « **إذا غربت الشمس فقد دخل وقت الصلاتين إلى نصف الليل إلا أن هذه قبل هذه** » هنگامی که آفتاب غروب کرد،

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۸،ص۷۶.

[۲] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۱۵۵،ح۶۴۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰،ح۵۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۵۸،ح۱۲.

وقت نماز مغرب و عشاء هر دو داخل شده است، و تا نیمه شب وقت آن امتداد دارد، مگر اینکه یکی از این دو پیش از دیگری است (یعنی نماز مغرب پیش از نماز عشاء است).[1]

۵۳۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وقت سقوط القرص ووجوب الافطار أن تقوم بحذاء القبلة وتتفقد الحمرة التي ترتفع من المشرق فإذا جازت قمة الرأس إلى ناحية المغرب فقد وجب الافطار وسقط القرص** » وقت غروب آفتاب و واجب شدن افطار (روزه دار) هنگامی است که چون مقابل قبله بایستی و سرخی را که از مشرق بلند می شود، جویای شوی، سرخی از بالای سر به سوی مغرب رود. در این هنگام افطار واجب شده و آفتاب فرو رفته است.[2]

۵۳۵). « **قال أبوجعفر** علیه السلام: **وقت المغرب إذا غاب القرص** » حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: وقت نماز مغرب زمانی است که قرص خورشید کاملا غروب کند، (و علامات آن این است که سرخی پدید آمده در مشرق زایل شود).[3]

وقت نماز صبح

وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق (که به آن فجر دوم نیز گفته می شود) تا طلوع آفتاب است.

۵۳۶). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وقت الفجر حين يبدو حتى يضيئ** » وقت نماز صبح زمانی است که فجر ظاهر شود تا زمانی که خورشید طلوع کند.[4]

۵۳۷). امام باقر علیه السلام فرموده اند: « **إذا طلع الفجر فقد دخل وقت الغداة** » هنگامی که

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۹،ح۷۸.

[2] کافی،ج۳،ص۱۵۷،ح۴.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۵۶،ح۶۵۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۹،ح۷۸.

[4] کافی،ج۳،ص۱۵۹،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۷،ح۱۱۲. الاستبصار،ص۱۵۶،ح۲.

فجر طلوع کند وقت نماز صبح داخل شده است.[۱]

۵۳۸). حضرت صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **لا تفوت صلاة الفجر حتى تطلع الشمس** » نماز صبح تا هنگامی که خورشید طلوع کند قضا نمی شود.[۲]

۵۳۹). ابوبصیر لیث مرادی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کی به روزه دار خوردن و نوشیدن حرام می شود، و نماز صبح جایز می گردد؟

فرمودند: آنگاه که سفیدی صبح گسترش یابد و به صورت کتانی سفید در آید که آن موقع غذا بر روزه دار حرام می شود و نماز صبح جایز می گردد.[۳]

۵۴۰). همچنین آن حضرت فرمودند: « **الفجر هو الذى إذا رأيته معترضا كأنه بياض نهر سوراء** » فجر یا صبح صادق آن است که وقتی نگاه می کنی، عرض افق روشن شده و روشنی آن همچون سفیدی نهر سوراء باشد.[٤]

۵۴۱). « **وروي أن وقت الغداة: إذا اعترض الفجر فأضاء حسنا. و أما الفجر الذي يشبه ذنب السرحان فذاك الفجر الكاذب، والفجر الصادق هو المعترض كالقباطى** »

و روایت کرده اند که وقت نماز صبح هنگامی است که سپیده صبح در عرض افق پدیدار و خوب روشن شده باشد. و اما آن فجری که شبیه به دم گرگ است، همان فجر کاذب است، فجر صادق آنست که عرض افق مانند قباطی روشن شــده است (قباطی نوعــی پارچه نازک و سپید مصری است که از پنبه تهیه می شود).[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۵۶،ح۲۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۴۱،ح۵۰۹. الاستبصار،ص۱۶۱،ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۷۳،ح۱۰۱۵.

[۳] کافی،ج۴،ص۶۱،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۴،ح۱۹۳۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۵،ح۵۱۴.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۳۳۶،ح۱۴۳۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۵،ح۵۱۵. الاستبصار، ص۱۵۷،ح۸.

[٥] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۳۳۶،ح۱۴۳۷.

احکام وقت نماز

۵۴۲). عبد الله بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: برای هر نماز دو وقت است (یعنی اول وقت و آخر وقت) و نخستین وقت آن بهتر است، و شایسته نیست کسی آخر وقت را وقت نماز قرار دهد، مگر آنکه عذر موجهی داشته باشد.[۱]

۵۴۳). همچنین فرمودند: « **لكل صلاة وقتان وأول الوقت أفضلهما** » برای هر نماز دو وقت است، اول وقت برترین و با فضیلت ترین وقت هاست.[۲]

۵۴۴). همچنین فرمودند: « **افضل الوقت الاول على الاخير كفضل الآخرة على الدنيا** » فضیلت اول وقت بر آخر آن، به سان فضیلت جهان آخرت بر دنیا است.[۳]

۵۴۵). امام باقر علیه السلام فرمودند: بدان که اول وقت همیشه بهتر است، پس بشتاب برای نیکی به اندازه ای که بتوانی، و دوستدار ترین اعمال نزد خداوند عزوجل آن است که بنده بر آن مدامت نماید، ولو اندک باشد.[٤]

۵۴۶). امام سجاد علیه السلام فرموده اند: « **من اهتم بمواقيت الصلاة لم يستكمل لذة الدنيا** » هر کس بر اوقات نماز خود اهمیت قائل نشود، لذت دنیا را به طور کامل درک نخواهد کرد.[٥]

۵۴۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من صلى في غير وقت فلا صلاة له** » هر کس در خارج از وقت نماز گزارد، نمازش باطل است.[٦]

۵۴۸). زراره گوید: امام باقر در باره مردی که در شب مهتابی به گمان این که صبح شده

---

[۱] کافی، ج۳، ص۱۵۴، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۲ض۴۱، ح۱۲۳.

[۲] کافی، ج۳، ص۱۵۴، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۲ض۴۲، ح۱۲۵.

[۳] کافی، ج۳، ص۱۵۴، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۲ض۴۲، ح۱۲۹.

[٤] کافی، ج۳، ص۱۵۴، ح۸. تهذیب الاحکام، ج۲ض۴۲، ح۱۳۰.

[٥] کافی، ج۳، ص۱۵۴، ح۹.

[٦] کافی، ج۳، ص۱۶۰، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۲ض۱۵۰، ح۵۴۷.

نماز می خواند، سپس می خوابد و آفتاب طلوع می کند و به او خبر می دهند که نماز خود را در شب خوانده است، فرمودند: باید نماز خود را اعاده کند.[۱]

۵۴۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا صليت وأنت ترى انك في وقت ولم يدخل الوقت فدخل الوقت وأنت في الصلاة فقد أجزأت عنك** » هرگاه به گمان داخل شدن وقت نماز، نماز خواندی و وقت داخل نشده بود، اما در اثناء نمازت وقت داخل شد، آن نماز صحیح و از تو پذیرفته می شود.[۲]

۵۵۰). زراره از امام باقر علیه السلام پرسید: اگر کسی به غیر از قبله نماز کند، یا در روز ابری در غیر وقت نماز بخواند حکم اش چیست؟ فرمودند: باید آن نماز را اعاده کند.[۳]

۵۵۱). همچنین آن حضرت فرمودند: وقت نماز مغرب زمانی است که قرص خورشید (کامل) ناپدید شود، پس اگر بعد از نماز خواندن، خورشید را دیدی، باید دوباره نماز بخوانی.[٤]

وجوب ترتیب در نماز های یومیه

۵۵۲). زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه نمازی را فراموش کردی، یا بدون وضو به جای آوردی و چند نماز قضا نیز بر گردن تو بود، پس اولین آنها را شروع کن، و برایش اذان و اقامه بگو و آن را بخوان، و نماز های بعدی را با اقامه بخوان، یعنی برای هر نماز یک اقامه.

همچنین فرمودند: و اگر نماز ظهر را خوانده باشی و نماز صبح از تو فوت شده باشد و به یادت آمد که نماز صبح را نخوانده ای، هر وقت به یادت آمد اگر چه بعد از نماز عصر باشد، آن

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۶۰،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲ض۱۵۰،ح۵۴۸.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲ض۱۵۰،ح۵۵۰. من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۵۸،ح۶۶۸.

[۳] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۹۵،ح۸۵۵.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۵۷،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۲ض۲۷۹،ح۱۰۳۹. من لایحضره الفقیه، ج۲،ص۷۵،ح۱۹۰۲.

را بجای آور، و هر زمانی که به خاطرت رسید، نمازی که از تو فوت شده است، همان وقت آن را به جای آور.

همچنین فرمودند: هرگاه نماز ظهر را فراموش کردی و نماز عصر را خوانده ای یا در حین نماز عصر به خاطرت رسید، نیت خود را به ظهر برگردان و پس از آن نماز عصر را بخوان، زیرا این چهار رکعت به جای آن چهار رکعت محسوب می شود، و اگر بخاطرت رسید که نماز ظهر را بجای نیاورده ای در حالی که به نماز عصر مشغول هستی و دو رکعت از آن را خوانده ای نیت نماز ظهر کن، سپس دو رکعت نماز ظهر را بخوان و آنگاه بر خیز و نماز عصر را به جای آور.

اگر به یادت آمد که نماز عصر را نخوانده ای در حالی که وقت مغرب نیز فرا رسیده ــ البته برای نماز مغرب وقت کافی باشد و از فوت آن بیم نداشتی ــ (قضای) نماز عصر را بخوان و پس از آن نماز مغرب را بجای آور.

و اگر مغرب را خوانده بودی، بر خیز و (قضای) نماز عصر را بجای آور، و اگر از مغرب دو رکعت خوانده ای و نماز عصر به یاد تو آمد، پس به نماز عصر نیت کن و بر خیز دو رکعت دیگر نیز بخوان، سپس سلام بده آنگاه نماز مغرب را بجای آور.

و اگر نماز عشا را خوانده ای، ولی مغرب را فراموش کرده ای برخیز و نماز مغرب را بخوان، اما اگر زمانی نماز مغرب به یاد تو بیاید که از نماز عشا دو رکعت خوانده ای، یا برای رکعت سوم برخاسته ای، نیت را به نماز مغرب بر گردان و سلام بده، آنگاه برخیز و نماز عشا را به جای آور.

و هرگاه نماز عشا را فراموش کردی و نماز صبح را خوانده ای، چون از نماز صبح فارغ شدی، (قضای) نماز عشا را بخوان، اما اگر در رکعت اول یا رکعت دوم نماز صبح، نماز عشا به یاد دو آمد؛ از همان جا نیت عشا کن، سپس برخیز و نماز صبح را بجای آور و اذان و اقامه نیز بگو.

و اگر نماز مغرب و عشا هر دو از تو فوت شد، پیش از آنکه نماز را بخوانی ٠(قضای) دو نماز را شروع کن، ابتدا نماز مغرب سپس نماز عشا و اگر بیم داشتی که نماز صبح از تو فوت می

شود و نماز مغرب و عشا را شروع کرده بودی؛ ابتدا نماز مغرب را بخوان، سپس صبح و پس از آن نماز عشا را.

هرگاه بیم داشتی که اگر نماز (قضای) مغرب را شروع کنی نماز صبح از تو فوت و قضا می شود، نماز صبح را بخوان، سپس نماز مغرب و عشا را بجای آور، و نخستین آن دو را شروع کن، چون هر دو نماز قضا هستند. و هر کدام از نماز مغرب و عشا که به یاد تو آمد، آنها را مخوان مگر بعد از شعاع آفتاب.

روای گوید: پرسیدم: این تاخیر برای چیست؟

فرمودند: برای این که از فوت آنها بیمی نداری.[۱]

نماز های مستحب

از جمله نماز های مستحبی نافله های یومیه است، که سی و چهار رکعت می باشند، هشت رکعت نافله ظهر، هشت رکعت نافله عصر ، چهار رکعت نافله مغرب، دو رکعت نافله نماز عشاء که چون نشسته خوانده می شود، یک رکعت حساب خواهد شد، و یازده رکعت نافله شب، و دو رکعت نافله صبح.

۵۵۳). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **الفريضة والنافلة أحد وخمسون ركعة منها ركعتان بعد العتمة جالسا تعدان بركعة وهو قائم، الفريضة منها سبعة عشر ركعة و النافلة أربع وثلاثون ركعة** » نماز های فریضه و نافله (در روز) پنجاه ویک رکعت است، از این نوافل دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشا می باشد، که یک رکعت ایستاده به حساب می آید، (پس) نماز های فـریضه هفده رکعت، و نماز های نافله سی و چهار رکعت است.[۲]

---

[۱] کافی، ج۳، ص۱۶۳، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۳، ص۱۵۸، ح۳۴۰.

[۲] کافی، ج۳، ص۲۵۲، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۴، ح۲. الاستبصار، ص۱۲۵، ح۲.

۵۵۴). فضل بن شاذان می گوید: امام رضا ﷺ در نامه خود به مأمون نوشتند: **والسنة أربع وثلاثون ركعة ثمان ركعات قبل فريضذ الظهر وثمان ركعات قبل العصر، وأربع ركعات بعد المغرب وركعتان من جلوس العتمة تعدان بركعة وثمان ركعات في السحر والشفع والوتر ثلاث ركعات يسلم بعد الركعتين وركعتا الفجر »**

و نماز های مستحب در شبانه روز سی و چهار رکعت است؛ هشت رکعت قبل از نماز واجب ظهر، و هشت رکعت قبل از نماز عصر، و چهار رکعت پس از نماز مغرب، و دو رکعت نشسته پس از نماز عشاء که یک رکعت محسوب می شود، و هشت رکعت در هنگام سحر (قبل از طلوع فجر)، و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر روی هم سه رکعت که پس از رکعت دوم سلام داده می شود، و دو رکعت نافله نماز صبح.[1]

۵۵۵). امام صادق ﷺ در حدیث شرایع دین فرمودند: « **والسنة أربع وثلاثون ركعة ، منها أربع ركعات بعد المغرب لا تقصير فيها في السفر والحضر وركعتان من جلوس بعد العشاء الآخرة تعدان بركعة ، وثمان ركعات في السحر وهي صلاة الليل والشفع ركعتان ، والوتر ركعة ، وركعتا الفجر بعد الوتر ، وثمان ركعات قبل الظهر وثمان ركعات قبل العصر** »

و نماز های مستحب در شبانه روز سی و چهار رکعت است، چهار رکعت آن پس از مغرب است که در سفر و حضر قصر نمی شود و دو رکعت نشسته بعد از نماز عشاء است که یک به شمار می آید، هشت رکعت هنگام سحر که همان نماز شب است، نماز شفع دو رکعت، نماز وتر یک رکعت و دو رکعت نماز نافله صبح که پس از نماز وتر است، وهشت رکعت پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر.[2]

---

[1] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۲۳.

[2] خصال،ص۶۰۳.

احکام قبله

آیات :

« **فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ** » پس روی خود را (در نماز) به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن بگردانید.[١]

« **قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ** » بگو پروردگارم به عدالت فرمان داده است و (اینکه) در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید.[٢]

روایات :

۵۵۶). زراره می گوید: « **سألت أبا جعفر** عليه السلام **عن الفرض في الصلاة فقال: الوقت والطهور والقبلة والتوجه والركوع والسجود والدعاء، قلت: ما سوى ذلك؟ قال: سنة في فريضة** » از امام باقر عليه السلام در مورد واجبات نماز پرسیدم؟ فرمودند: وقت، طهارت، قبله، توجه، رکوع، سجود، و دعا از واجبات نماز می باشند. پرسیدم اعمال دیگر چه؟ فرمودند: آن اعمال مستحباتی هستند که در ضمن واجب آمده اند.[٣]

۵۵۷). ابوبصیر می گوید: از امام صادق درباره فرمایش خداوند متعال: « **وأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ** » ـ و در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید ـ پرسیدم؟ فرمودند: (منظور از آن) قبله است.[٤]

۵۵۸). امام صادق عليه السلام در مورد آیه شریفه: « **وأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ** » فرمودند: مسجد ها جدید و حادث هستند، بنابر این (بندگان) مامور شده اند که صورت های خود را به

---

[١] سوره بقره، آیه۱۴۴.

[٢] سوره اعراف، آیه۲۹.

[٣] کافی، ج۳، ص۱۵۳، ح۵. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۲۵۸، ح۹۵۵.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۴۵، ح۱۳۴.

سمت مسجد الحرام (در نماز) قرار دهند.[1]

۵۵۹). امام باقر ؈ فرمودند: هنگامی که با صورت خود رو به قبله قرار گرفتی، صورت خویش را از قبله بر مگردان وگرنه نمازت باطل می شود، زیرا خداوند عزوجل درباره نماز واجب به پیامبر اکرم ﷺ فرمود: « **فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ** » پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن بگردانید.[2]

۵۶۰). « **قال الصادق ؈ : إن الله تبارك وتعالى جعل الكعبة قبلة لاهل المسجد، وجعل المسجد قبلة لاهل الحرم، وجعل الحرم قبلة لاهل الدنيا** » همانا خداوند متعال کعبه را قبله اهل مسجد الحرام ساخته، و مسجد الحرام را قبله برای اهل حرم، و حرم را قبله جهانیان گردانیده است.[3]

۵۶۱). زراره می گوید: امام باقر ؈ فرمودند: « **لا صلاة إلا إلى القبلة** » هیچ نمازی (درست) نیست مگر آنکه رو به قبله باشد.[4]

۵۶۲). همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه کسی نمی داند قبله کدام طرف است، گوشش در جهت تحصیل آن برای او کافی است.[5]

۵۶۳). سماعه گوید: از امام درباره اوقات نماز در شب و روزی که نه خورشید دیده می شود، نه ماه و نه ستارگان پرسیدم؟ فرمودند: « **اجتهد رأيك وتعمد القبلة جهدك** » کوشش خود را بکار ببند و برای یافتن قبله نیز کوشش کن.[6]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۵،ح۱۳۶.

[2] کافی،ج۳،ص۱۶۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۱۲،ح۷۸۲. من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۹۵،ح۸۵۶. الااستبصار،ص۲۳۰.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۹۲،ح۸۴۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۷،ح۱۳۹.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۹۵،ح۸۵۵.

[5] کافی،ج۳،ص۱۶۰؛ح۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۹،ح۱۴۶. الاستبصار،ص۱۶۸،ح۳.

[6] کافی،ج۳،ص۱۵۹، تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۹،ح۱۴۸. الاستبصار،ص۱۶۸، من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۵۸،ح۶۶۸.

۵۶۴). زراره می گوید: « **سألت أبا جعفر** ﷺ **عن قبلة المتحير، فقال: يصلي حيث يشاء** » از امام باقر در باره کسی که (بعد از تلاش کوشش باز هم) نمی داند قبله کدام طرف است، پرسیدم؟ فرمودند: به هر طرف که بخواهد می تواند نماز بخواند.[۱]

۵۶۵). و در روایت دیگر آمده است که: « **أنه يصلي إلى أربع جوانب** » چنین شخصی به هر چهار جانب نماز بخواند.[۲]

بیان: روایت اول برای زمانی است که وقت کم باشد، و دومی برای هنگامی است که وقت وسعت داشته باشد. و گفته شده که: روایت اول برای جواز است و دومی بر استحباب، یا اولی برای زمانی است که ظن و گمان بر یک جهتی باشد، و دومی برای وقتی است که هیچ ظن و گمانی نباشد، اما قول اول صحیح تر و موافق با احتیاط است، والله اعلم.

۵۶۶). امام صادق ﷺ فرمودند: هرگاه بر غیر قبله نماز گذاردی و بعد برای تو روشن شد که بر غیر قبله نماز گذارده ای، اگر در وقت نماز بودی نماز را اعاده کن، ولی اگر وقت گذشته بود اعاده لازم نیست.[۳]

۵۶۷). سلیمان بن خالد می گوید: به امام صادق ﷺ گفتم: مردی در بیابان بی آب و علف در روزی که ابری است، بر غیر قبله نماز می گذارد، سپس ابر بر طرف می شود و می داند که بر خلاف قبله نماز گذارده است؛ وظیفه او چیست؟

فرمودند: اگر در وقت نماز است، آن را اعاده کند، و اگر وقت گذشته است، کوشش او برای او کفایت می کند.[٤]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۶۰،ح۱۰.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۶۰،ح۱۰. من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۹۵.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۶۰،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۵۰،ح۱۵۱.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۶۰،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۵۱،ح۱۵۲.

۵۶۸). از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد از شخص کوری که بر غیر قبله نماز خوانده است؟

فرمودند: اگر در وقت نماز است آن را اعاده کند، ولی اگر وقت گذشته بود اعاده لازم نیست.[۱]

۵۶۹). همچنین از آن حضرت علیه‌السلام پرسیده است از شخصی که نماز بگذارد و هوا ابر باشد، و بعد ابر برطرف شده و بداند که بر غیر قبله نماز خوانده است؟

فرمودند: اگر در وقت است نماز را اعاده کند، اما اگر وقت گذشته اعاده نماز لازم نیست.[۲]

۵۷۰). عبدالرحمان بن حجاج می گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند نماز های نافله را روی چهارپا در حین سفر و حرکت میان شهرهای مختلف بخواند، و به هر جانب که چهارپا رو می کند روی او به همان سمت باشد (و به سمت قبله نباشد)؟

فرمودند: بله اشکالی ندارد.[۳]

۵۷۱). ابن مسکان می گوید: حلبی از امام صادق علیه‌السلام درباره نافله بر شتر و چارپا پرسید (که می توانم بخوانم؟)

حضرت فرمودند: آری، در هر جانب که رو کنی.

روای گوید: عرض کردم: درحالی که بر شتر و چارپا باشم؟

فرمودند: آری، هر سمتی که باشی متوجه به آن سمت باش.

عرض کردم: آیا اگر بخواهم تکبیر بگویم، روی خود را به قبله بگردانم؟

فرمودند: نه، به هر جانبی که هستی تکبیر بگو و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز چنین می کرد.[٤]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۹۳،ح۸۴۶.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱ص۱۹۳،ح۸۴۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۵۱،ح۸. . تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۳۰،ح۵۹۱. من لایحضره الفقیه،ج۱ص۳۰۲،ح۱۲۹۷.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۵۱،ح۵.

پوشانیدن بدن درنماز

پوشاندن عورتین برای مردان در نماز واجب است، و زن باید در نماز تمام بدن و همچنین سر و موی خود را بپوشاند، اما برای کنیز پوشش سر لازم نیست. کسی که عریان مانده و هیچ چیزی نیست تا با آن خود را بپوشاند، اگر کسی او را می بیند، باید نشسته نماز بخواند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد؛ اما اگر کسی او را نمی بیند، ایستاده نماز بخواند.

۵۷۲). علی بن جعفر می گوید: « **سألته عن الرجل قطع عليه أو غرق متاعه فبقي عريانا وحضرت الصلاة كيف يصلي؟ قال: ان أصاب حشيشا يستر به عورته أتم صلاته بالركوع والسجود وان لم يصب شيئا يستر به عورته أومأ وهو قائم** » از برادرم امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم درباره کسی که گرفتار راهزنان گردیده یا متاع او غرق شده و عریان مانده است و هنگام نماز فرا رسیده چگونه نماز بخواند ؟ فرمودند : اگر علفی که توسط آن می تواند عورتش را بپوشاند بدست آورد، پس در این صورت نمازش را درست بخواند با رکوع و سجود و اگر چیزی که توسط آن عورتش را بپوشاند نیافت در حال ایستاده نماز بخواند و (از برای رکوع و سجود) اشاره نماید .[1]

۵۷۳). امام صادق عليه‌السلام درباره کسی که عریان است (و هیچ لباسی ندارد) و هنگام نماز فرا می رسد فرمودند: اگر کسی او را نمی بیند به صورت ایستاده نماز بخواند، اما اگر کسی او را می بیند نشسته نماز بخواند .[2]

۵۷۴). و در روایت دیگر در مورد کسی که از (دریا و امثال آن) عریان بیرون می آید، (و لباسی ندارد) آمده است که اگر کسی او را نمی بیند، ایستاده نماز بخواند، اما اگر کسی او را می بیند، باید نشسته نماز بخواند.[3]

---

[1] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۹۲،ح۱۵۱۵.

[2] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۹۳،ح۱۵۱۶.

[3] من لايحضره الفقيه، ج۱،ص۱۸۳،ح۷۹۷.

۵۷۵). زراره می گوید: « **قلت لابي جعفر** ﴿ع﴾: **رجل خرج من سفينة عريانا أو سلب ثيابه ولم يجد شيئا يصلي فيه فقال: يصلي إيماء فإن كانت امرأة جعلت يدها على فرجها وإن كان رجلا وضع يده على سؤته ثم يجلسان فيؤميان إيماء ولا يسجدان ولا يركعان فيبدو ما خلفهما تكون صلاتهما إيماء برؤوسهما** »

به امام باقر عرض ﴿ع﴾ کردم: مردی عریان و برهنه از کشتی خارج می شود؛ یا دزدان لباس او را می دزدند، و چیزی نمی یابد که در آن نماز بخواند، (چگونه نماز گذارد)؟ فرمودند: با اشاره نماز گزارد، و اگر زن باشد دست خود را بر شرمگاه خود بگذارد، و اگر مرد است دست خود را بر شرمگاه خود بگذارد، چنین افرادی باید بنشینند، و با اشاره نماز بخوانند، و نباید به رکوع و سجود بروند، که مبادا عورتشان از پشت نمایان گردد، بلکه نماز آنها اشاره با سر می باشد.[1]

۵۷۶). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر ﴿ع﴾ را دیدم، که در یک لنگ نماز می گزارد، در حالی که آن لنگ فراخ نبود و آن را به گردن خود گره زده بود، به آن حضرت عرض کردم: نظر شما درباره مردی که در یک پیراهن (یعنی یک لنگ تنها) نماز می خواند چیست؟

فرمودند: اگر ضخیم باشد، اشکالی ندارد، اما زن باید در پیراهن و مقنعه نماز بخواند، در صورتی که پیراهن ضخیم باشد و او را بپوشاند.

عرض کردم: خداوند شما را رحمت کند، آیا کنیز باید به هنگام نماز سر خود را بپوشاند؟ فرمودند: برای کنیز پوشش سر لازم نیست.[2]

۵۷۷). « **و سأل يونس بن يعقوب أبا عبدالله** ﴿ع﴾ **عن الرجل يصل في ثوب واحد؟ قال: نعم. قال: قلت: فالمرأة؟ قال: لا، ولا يصلح للحرة إذا حاضت إلا الخمار إلا أن لا تجده** »

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۲۵،ح۱۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۹۲،ح۱۵۱۲.

[2] کافی،ج۳،ص۲۲۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۱،ح۸۵۵.

یونس ین یعقوب از امام صادق علیه السلام سوال کرد: آیا مرد مـی تواند در یک جـامه (یعنی یک لنگ تنها) نماز بخواند؟ فرمودند: آری. گوید: عرض کردم: پس زن چطور (آیا می تواند)؟ فرمودند: نه، و زن آزاد را هر گاه حائض شده باشد (یعنی به سن بلوغ رسیده باشد) جایز نیست نماز بخواند جز با رو سری مگر آنکه نیابد یا نداشته باشد.[۱]

۵۷۸). فضیل میگوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: « **صلت فاطمة علیها السلام في درع وخمارها اعلى رأسها، ليس عليها أكثر مما وارت به شعرها وأذنيها** » حضرت فاطمه علیها السلام در پیراهنی که بتن می کرد نماز می خواند، و مقنعه یا روسری کوچکی بسر می فرمود، و آن نیز بیش از این نبود که موها و گوشهای آن حضرت را بپوشاند، (صلوات الله علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها).[۲]

۵۷۹). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: « **ثمانية لا يقبل الله منهم الصلاة منهم الجارية المدركة تصلي بغير خمار** » هشت کس نماز آنها قبول نمی شود، از جمله آنها دختر بالغه ای است که بدون روسری و سرپوش نماز بخواند.[۳]

۵۸۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **على الصبي إذا احتلم الصيام، وعلى الجارية إذا حاضت الصيام والخمار إلا ان تكون مملوكة فانه ليس عليها خمار إلا ان تحب ان تختمر وعليها الصيام** » وقتی پسر بچه محتلم شد، روزه بر عهد اوست، و دختر بچه وقتی حیض شد، روزه و پوشش سر (برای نماز) بر عهده اوست، مگر آنکه کنیز باشد که پوشانیدن سر بر او واجب نیست، مگر اینکه خودش دوست داشته باشد که سرش را بپوشاند، ولی روزه گرفتن بر عهده اوست.[٤]

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۵۹،ح۱۰۸۲.

[۲] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۸۲،ح۷۸۹.

[۳] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۴۷،ح۱۳۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۴۳،ح۴۳۴.

شرایط لباس نمازگزار

لباس نماز گزار شش شرط دارد:

« شرط اول »

لباس نماز گزار باید پاک باشد.

۵۸۱). محمد بن مسلم گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن الثوب يصيبه البول قال: اغسله في المركن مرتين، فان غسلته في ماء جار فمرة واحدة** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم از لباسی که به ادرار آلوده می شود؟ فرمودند: آن را در لگن دو مرتبه بشوی و اگر در آب جاری بشویی یک مرتبه کفایت می کند.[1]

۵۸۲). میسر گوید: « **قلت لابي عبدالله** عليه السلام**: آمر الجارية فتغسل ثوبي من المني فلا تبالغ غسله فاصلي فيه فإذا هو يابس؟ قال: أعد صلاتك** » به امام صادق عليه السلام عرض کردم: به کنیزم امر می کنم که لباس مرا که آلوده به منی است، بشوید، ولی آن را خوب نمی شوید. در آن نماز می خوانم، ناگاه می بینم که منی خشک شده، و باقی مانده است، حکمش چیست؟ فرمودند: نماز خود را دوباره بجای آور.[2]

بیان: اما اگر کسی بعد از نماز بفهمد که لباس یا بدنش نجس بوده است، اعاده نماز لازم نیست.

۵۸۳). عیص بن قاسم می گوید: از امام صادق پرسیدم: شخصی در لباس دیگری چند روز نماز خوانده است، سپس صاحب لباس به او خبر می دهد که در این لباس (به جهت نجس بودن)

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶۵، ح۷۱۷.

[2] کافی، ج۳، ص۳۶، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۶۲، ح۷۲۶.

نمی توان نماز خواند.

فرمودند: لازم نیست هیچ یک از نماز های خود را اعاده کند.[۱]

۵۸۴). عبد الله بن سنان می گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن الرجل يصلي وفي ثوبه عذرة من إنسان أو سنور أو كلب أيعيد صلاته؟ فقال: إن كان لم يعلم فلا يعيد** »

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی نماز می خواند و لباس او آلوده به نجاست آدمی، گربه یا سگ بود، آیا باید نماز خود را اعاده کند؟ فرمودند: اگر نمی دانسته، لازم نیست اعاده کند.[۲]

۵۸۵). امام باقر عليه السلام درباره خونی که در پیراهن می باشد فرمودند: اگر کمتر از یک درهم است پس نماز را اعاده نکند و اگر بیشتر از یک درهم است و آنرا دیده و نشسته است تا اینکه نماز خوانده پس در این صورت باید نمازش را اعاده کند و اگر آنرا قبلا ندیده بوده پس نماز خوانده لازم نیست نمازش را اعاده کند.[۳]

۵۸۶). امام صادق یا امام باقر عليهما السلام فرمودند: « **لا تعاد الصلاة من دم لم تبصره** ... » اعاده نماز برای خونی که به چشم نمی آید، لازم نیست.[٤]

۵۸۷). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **اذا أصاب ثوبك خمر أو نبيذ مسكر فاغسله ان عرفت موضعه وإن لم تعرف موضعه فاغسله كله فان صليت فيه فاعد صلاتك** » هرگاه شراب یا نبیذ مسکر به لباس تو برسد، اگر جای آن را می دانی همان جا را بشوی، و در صورتی که جای آن را نمی دانی، تمام آن را بشوی، و اگر در آن نماز خوانده ای، نمازت را اعاده کن.[۵]

۵۸۸). خیران خادم (از اصحاب امام هادی عليه السلام) گوید: « **كتبت إلى الرجل** عليه السلام **أسأله عن**

---

[۱] کافی، ج۳، ص۲۲۹، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۸۷، ح۱۴۹۰. الاستبصار، ص۱۰۴، ح۳.

[۲] کافی، ج۳، ص۲۲۹، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۸۶، ح۱۴۸۷. الاستبصار، ص۱۰۴، ح۲.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۷۱، ح۷۳۹.

[٤] کافی، ج۳، ص۲۲۳، ح۳.

[۵] کافی، ج۳، ص۲۳۰، ح۴ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۲۹۵، ح۸۱۸ . الاستبصار ، ص۱۰۹، ح۲.

الثوب يصيبه الخمر ولحم الخنزير أيصلى فيه أم لا؟ فان أصحابنا قد اختلفوا فيه، فقال بعضهم: صل فيه فإن الله إنما حرم شربها وقال بعضهم: لا تصل فيه. فكتب عليه السلام لا تصل فيه فإنه رجس » به امام عليه السلام طی نامه ای نوشتم و از آن حضرت سوال کردم: آیا در لباسی که شراب یا گوشت خوک با آن برخورد می کند، می توان نماز خواند؟ زیرا یاران ما در این مساله اختلاف نظر دارند. بعضی می گویند می توان در این لباس نماز خواند، زیرا خداوند نوشیدن آن را حرام کرده است، و بعضی دیگر می گویند: در آن نماز مگزار. امام عليه السلام نوشت: در آن لباس نماز مگذار، زیرا آن لباس نجس است.[1]

۵۸۹). عبد الله بن سنان می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **اغسل ثوبك من بول كل ما لا يؤكل لحمه** » لباس خود را (برای نماز) از بول هر حیوانی که گوشت آن خورده نمی شود، بشوی.[2]

۵۹۰). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **ان أصاب الثوب شئ من بول السنور فلا تصلح الصلاة فيه حتى تغسله** » اگر لباس به ادرار گربه آلوده شد، تا آن را نشسته ای نباید در آن نماز بخوانی.[3]

۵۹۲). قاسم بن صیقل گوید: خدمت امام رضا عليه السلام نامه نوشتم که: شغل من درست کردن غلاف شمشیر است از پوست خر های مرده پس به لباس من می رسد از رطوبت آنها آیا نماز در آنها می شود یا نه؟ حضرت در جواب نوشتند: « **اتخذ ثوبا لصلاتك** » از برای نماز لباس دیگر قرار بده.[4]

۵۹۳). حلبی گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن دم البراغيث يكون في الثوب هل يمنعه ذلك من الصلاة فيه؟ قال: لا** » از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر خون کیک در لباس

[1] کافی، ج۳، ص۲۳۰، ح۵.
[2] کافی، ج۳، ص۲۳۱،ح۱۲. تهذیب الاحکام، ج۱،ص۲۸۰،ح۷۷۰.
[3] کافی ؛ ج۳، ص۳۸، ح۸ . تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۴۵، ح۱۳۲۹.
[4] کافی، ج۳، ص۲۳۱، ح۱۶.

باشد، آیا این خون مانع از خواندن نماز در آن لباس می شود؟ فرمودند: نه.[1]

۵۹۴). علی بن جعفر از امام کاظم ﷺ درباره خواب نمودن در فراش یهودی و نصرانی (مسیحی) پرسید؟ فرمودند: عیب ندارد، و(لی) در لباس آنها نماز مگذارید و مسلمان با مجسوسی در یک ظرف غذا نخورد و او را در بالای فرش خود ننشاند و او را مس نکند و با او مصاحفه ننماید.

همچنین پرسید از کسی که از بازار لباس می خرد و نمی داند که لباس کدام شخص بوده است، آیا نماز در آن جایز است یا نه؟ فرمودند: اگر از مسلمان خریده نماز در آن جایز ولی اگر از نصرانی خریده است در آن نماز نگذارد تا آنکه آن را بشوید.[2]

« شرط دوم »

لباس نماز گزار باید مباح و از راه حلال بدست آمده باشد، و از مال غصبی نباشد.

۵۹۵). امیرالمومنین ﷺ در وصیت خود به کمیل فرمودند: « **يا كميل، أنظر في ما تصلي؟ وعلى ماتصلي؟ إن لم يكن من وجهه وحله فلا قبول** » ای کمیل نگاه کن که با چه چیزی نماز میخوانی ؟ و بر چه چیزی نماز میخوانی ؟ زیرا که اگر از وجهش نبوده باشد و از طریق حلال نبوده باشد قبول شدن در کار نیست.[3]

۵۹۶). امام صادق فرمودند: « **لو أن الناس أخذوا ما أمرهم الله به فأنفقوه فيما نهاهم عنه ما قبله منهم، ولو أخذوا ما نهاهم الله عنه فأنفقوه فيما أمرهم الله به ما قبله منهم حتى يأخذوه من حق وينفقوه في حق** »

---

[1] کافی،ج۳،ص۳۹،ح۸ . تهذیب الاحکام ،ج۱، ص۲۷۵، ح۷۵۳.

[2] تهذیب الاحکام ،ج۱،ص۲۷۹،ح۷۶۶.

[3] تحف العقول، ص۱۷۴.

اگر مردم مالی را از راهی که خداوند فرموده است کسب کنند، و در راهی که از آن نهی کرده است خرج نمایند، از ایشان قبول نمی کند، و اگر از راهی که خدا نهی کرده است بدست آوردند و در راهی که امر فرموده خرج کنند، از ایشان قبول نمی کند، مگر آنکه بحق بدست آوردند و در راه حق خرج کنند.[1]

۵۹۷). رسول خدا ﷺ در خطبه ای در حجه الوداع فرمودند: « **ومن كانت عنده امانة فليؤدها إلى من ائتمنه عليها فانه لايحل له دم امرء مسلم ولا ماله الا بطيبة نفسه فلاتظلموا انفسكم ولا ترجعوا بعدى كفارا** »

و هر کس امامنتی نزدش هست،آن را به کسی که او را امین داشته باز گرداند، زیرا حلال نیست ریختن خون مرد مسلمان و از بین بردن مال او مگر به طیب خاطرش، پس به خودتان ستم نکنید، و پس از من به کفر باز نگردید.[2]

« شرط سوم »

لباس نماز گزار باید از پوست حیوان مرده نباشد، ولو دباغی شده باشد، اما اگر مو،کرک و یا پشم، حیوان مرده همراه نمازگزار باشد، یا با لباسی که از آن تهیه کرده اند، نماز بخواند نمازش صحیح است.

۵۹۸). محمد بن مسلم می گوید: « **سألته عليه السلام عن الجلد الميت ايلبس في الصلاة إذا دبغ فقال: لا ولو دبغ سبعين مرة** » از امام (باقر) عليه السلام پرسیدم : درباره پوست حیوان مرده که آیا وقتی که دباغی شده باشد در نماز پوشیده می شود ؟ فرمودند : نه، هر چند هفتاد مرتبه دباغی شده باشد.[3]

---

[1] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۳۶،ح۱۶۹۴.

[2] من لايحضره الفقيه،ج۴،ص۷۳،ح۵۱۵۱.

[3] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۲۱۶،ح۷۹۴. من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۱۴۵،ح۷۴۹.

۵۹۹). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا بأس بالصلاة فيما كان من صوف الميتة إن الصوف ليس فيه روح** » نماز خواندن همراه چیزی که از پشم میتة (حیوان مرده) بوده باشد اشکالی ندارد زیرا که در آن روح نیست.[1]

۶۰۰). همچنین آن حضرت فرمودند: « **الشعر و الصوف والوبر والريش وكل نابت لا يكون ميتا** » مو، پشم، کرک، پر و هر چیزی که از بدن حیوان بروید، مردار نیست.[2]

« شرط چهارم »

لباس نماز گزار نباید، از پوست حیوان حرام گوشت باشد، گرچه تذکیه و دباغی شده باشد، و همین حکم را پشم، مو و یا کرک حیوان حرام گوشت دارد، اما پوشیدن خز خالص در نماز اشکالی ندارد.

۶۰۱). ابن بکیر می گوید: زراره از امام صادق در مورد نماز در پوست روباه، دّلّه (حیوانی است کوچک تر از روبا) سنجاب و غیر آن که پوست پشمی دارند، سوال کرد؟

آن حضرت نوشته ای بیرون آورد که زراره فهیمد که به املای رسول خدا صلى الله عليه وآله است. در آن نوشته شده بود: همانا نماز در پشم، مو، پوست حیوان حرام گوشت و در لباسی که به ادرار و سرگین و شیر آن حیوان آلوده است، و هر چیز دیگر از حیوان حرام گوشت، باطل است و چنین نمازی قبول نمی شود، تا زمانی که در غیر آن از حیوان حلال گوشت، نماز بخواند.

سپس حضرت فرمودند: ای زراره این سخن از رسول خدا عليه السلام است، آن را حفظ کن.

ای زراراه اگر لباس نماز گزار از حیوان حلال گوشت باشد، پس نماز در پشم و موی آن و لباسی که به ادرار و سرگین و شیر آن حیوان آلوده است و هر چیزی از آن، جایز است، در صورتی

[1] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۹۶،ح۱۵۳۰.

[2] کافی،ج۶،ص۱۶۱،ح۳.

که ذبح شرعی شده باشد، اما اگر لباس نمازگزار از حیوان حرام گوشت باشد، نماز در هر چیزی از آن باطل است، خواه ذبح شرعی شده باشد و خواه نشده باشد.[۱]

۶۰۲). علی بن مهزیار می گوید: « **قال كتب إليه إبراهيم بن عقبة عندنا جوارب وتكك تعمل من وبر الارانب فهل تجوز الصلاة في وبر الارانب من غير ضرورة ولا تقية؟ فكتب** عليه السلام: **لا تجوز الصلاة فيها** » ابراهیم بن عقبه طی نامه ای به امام جواد عليه السلام نوشت: نزد ما، جوراب ها و بندهای شلواری است که از پشم خرگوش بافته می شود، آیا نماز در پشم خرگوش بدون ضرورت و بدون تقیه جایز است؟ حضرت در پاسخ نوشت: نماز در آن جایز نیست.[۲]

۶۰۳). اسماعیل بن سعد احوص می گوید: « **سألت أبا الحسن الرضا** عليه السلام: **عن الصلاة في جلود السباع فقال: لا تصل فيها** » از امام رضا عليه السلام در مورد نماز در پوست درندگان پرسیدم؟ فرمودند: در آنها نماز مگزار.[۳]

۶۰۴). سماعه می گوید: « **سألته** عليه السلام **عن لحوم السباع وجلودها فقال: أما لحوم السباع من الطير والدواب فانا نكرهه، وأما الجلود فاركبوا عليها و لا تلبسوا منها شيئا تصلون فيه** » از امام عليه السلام درباره گوشت و پوست درندگان پرسیدند؟ فرمودند: اما گوشت درندگان از قبیل پرنده ها و چهار پایان پس ما از آن کراهت داریم، و اما پوست آنها پس بر آنها سوار شوید ولی در نماز آنها را نپوشید.[٤]

۶۰۵). سلیمان بن جعفر جعفری می گوید: « **رأيت أبا الحسن الرضا** عليه السلام **يصلي في جبة خز** » امام رضا عليه السلام را دیدم که بر جبه ای از خز نماز می خواند.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۲۵،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۲،ح۸۱۸.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۲۷،ح۹.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۲۷،ح۱۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۱۸،ح۸۰۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۱۸،ح۸۰۲.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۸۵،ح۸۰۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۳۶،ح۸۳۲.

۶۰۶). حضرت صادق ﵇ درباره نماز با خز خالص فرمودند: اشکالی ندارد، اما در خزی که مخلوط با پشم خرگوش یا چیزی مانند آن باشد، نمی توان نماز خواند.[1]

۶۰۷). علی بن مهزیار می گوید: « **رأيت أبا جعفر الثاني ﵇ يصلي الفريضة وغيرها في جبة خز طاروني وكساني جبة خز وذكر أنه لبسها على بدنه وصلى فيها وأمرني بالصلاة فيها** » امام جواد ﵇ را دیدم، که نماز واجب و مستحب را در جبه خز طارونی بجا می آورد، و به من نیز جبه ای از خز بخشید و فرمود که آن را بتن خویش کرده و در آن نماز گزارده است، و به من هم فرمود که در آن نماز بخوانم.[2]

۶۰۸). معمر بن خلاد می گوید: از امام رضا ﵇ در مورد نماز در خز پرسیدم؟ فرمودند: در آن نماز بخوان.[3]

۶۰۹). ابراهیم بن محمد گوید: « **كتبت إليه يسقط على ثوبي الوبر والشعر مما لا يؤكل لحمه من غير تقية ولا ضرورة فكتب: لا تجوز الصلاة فيه** » به امام ﵇ نامه نوشتم که بر لباس من از کرک و موی آنچه که گوشت آن خورده نمی شود می ریزد و تقیه و ضرورتی نیز در بین نیست؟ حضرت در جواب نوشت: نماز خواندن در آن جایز نیست.[4]

« شرط پنجم »

پوشیدن لباس ابریشم برای مردان حرام است، و نباید لباس مرد نمازگذار از ابریشم خالص باشد، اما پوشیدن آن در جنگ و مواقع ضرورت جایز است.

۶۱۰). اسماعیل بن سعد احوص می گوید: « **سألت أبا الحسن الرضا ﵇: هل يصلي الرجل**

[1] کافی،ج۳،ص۲۲۹،ح۲۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۳۶،ح۸۳۰.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۸۵،ح۸۰۷.

[3] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۵،ح۸۲۹.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۳،ح۸۱۹.

في ثوب ابريسم؟ قال: لا » از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا مرد می تواند در لباس ابریشم نماز بخواند؟ فرمودند: نه.[1]

۶۱۱). محمد بن عبدالجبار گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام طی نامه ای نوشتم و پرسیدم: آیا با کلاهی که از ابریشم خالص، یا از دیبا است، می توان نماز خواند؟

آن حضرت در پاسخ نوشت: نماز در ابریشم خالص جایز نیست.[2]

۶۱۲). ابی حارث می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا مرد در لباس ابریشم نماز بخواند؟ فرمودند: نه.[3]

۶۱۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **النساء يلبسن الحرير والديباج إلا في الاحرام** » زنها می توانند لباس ابریشم و دیبا بپوشند مگر در احرام.[4]

۶۱۴). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا يصلح للرجل أن يلبس الحرير إلا في الحرب** » برای مرد شایسته نیست لباس حریر (ابریشم) بپوشد؛ مگر در جنگ.[5]

۶۱۵). امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **ليس شئ مما حرم الله إلا وقد أحله لمن اضطر اليه** » هیچ حرامی نیست مگر اینکه خداوند در صورت اضطرار آن را حلال کرده است.[6]

« شرط ششم»

پوشیدن طلا برای مردان چه در نماز و چه در غیر نماز حرام است و نماز با آن باطل است ، اما پوشیدن طلا برای زنان مانعی ندارد.

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۲۷،ح۱۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۱۸،ح۸۰۱.

[2] کافی،ج۳،ص۲۲۷،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۰،ح۸۱۲.

[3] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۱،ح۸۱۴.

[4] کافی،ج۶،ص۴۵۴،ح۸.

[5] کافی،ج۶،ص۴۵۳؛ح۴.

[6] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۳۸،ح۹۳۵.

۶۱۶). رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **لا ختم بالذهب فإنه زینتك في الآخرة** » انگشتر طلا در دست مکن، که آن زینت تو در آخرت است.[۱]

۶۱۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا تجعل في يدك خاتما من ذهب** » در دست خود انگشتر طلا قرار مده.[۲]

۶۱۸). عمار بن موسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا يلبس الرجل الذهب ولا يصلي فيه لانه من لباس أهل الجنة** » مرد نباید طلا بپوشد، و در آن نماز نخواند، زیرا طلا پوشش اهل بهشت است.[۳]

۶۱۹). همچنین آن حضرت فرمودند: « **الحديد أنه حلية أهل النار والذهب حلية أهل الجنة، وجعل الله الذهب في الدنيا زينة النساء فحرم على الرجال لبسه والصلاة فيه** » آهن زینت اهل جهنم و طلا زینت اهل بهشت است، و خداوند طلا را زینت زنان در دنیا قرار داده است، پس برای مردان حرام است پوشیدن آن و نماز خواندن با آن.[٤]

چیزهای که در لباس نمازگرار مستحب است

لباس نماز گزار شایسته است که نضیف و سفید باشد، و عطر زدن و انگشتر عقیق بدست کردن و همچنین عمامه گذاشتن در نماز مستحب است.

۶۲۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الثوب النقي يكبت العدو** » لباس تمیز، دشمن را خوار می کند.[۵]

---

[۱] کافی،ج۶،ص۴۶۸،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۵۷،ح۷۷۵.

[۲] کافی،ج۶،ص۴۶۹،ح۷.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۰۰،ح۱۵۴۸.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۴۳،ح۸۹۴.

[۵] کافی،ج۶،ص۲۷۷،ح۱.

۶۲۱). همچنین آن حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **من اتخذ ثوبا فلينظفه** » هرکس لباسی دارد، باید آن را تمیز نگهدارد.[1]

۶۲۲).). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **ليس من لباسكم شئ احسن من البياض فالبسوه** » هیچ لباسی از لباس های شما بهتر از سفید نیست، پس آن را پوشانید.[2]

۶۲۳). همچنین آن حضرت فرمودند: « **البسوا البياض فإنه أطيب وأطهر وكفنوا فيه موتاكم** » لباس سفید بپوشید، زیرا که تمیز و پاکیزه تر است، و مردگان خود را با پارچه و لباس سفید کفن کنید.[3]

۶۲۴). حضرت رضا علیه السلام فرمودند: « **الطيب من أخلاق الانبياء** » عطر زدن از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.[4]

۶۲۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **صلاة متطيب أفضل من سبعين صلاة بغير طيب** » نماز کسی که عطر زده از هفتاد نماز کسی که بدون عطر نماز می خواند برتر است.[5]

۶۲۶). امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **كان يعرف موضع سجود أبي عبدالله عليه السلام بطيب ريحه** » محل سجده امام صادق علیه السلام با بوی خوش عطر آن حضرت شناخته می شد.[6]

۶۲۷). عبد الله بن حارث می گوید: امام سجاد علیه السلام مشک دانی در سجاده و جانماز خود داشت، هنگامی که می خواست نماز بخواند، از آن بر می داشت و به خود می مالید.[7]

۶۲۸). کثیر خزاز می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم، پیراهنی ضخیم و خش زیرا لباس های

---

[1] کافی،ج۶،ص۲۷۷،ح۳.

[2] کافی،ج۳،ص۸۵،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۲۲،ح۸۸۵.

[3] کافی،ج۶،ص۴۴۵،ح۱.

[4] کافی،ج۶،ص۳۲۱،ح۱.

[5] کافی،ج۶،ص۳۲۱،ح۷.

[6] کافی،ج۶،ص۳۲۲،ح۱۱.

[7] کافی،ج۶،ص۳۲۴،ح۶.

خود پوشیده بود، و روی آن روپوشی پشمی و باز روی آن، پیراهینی ضخیم پوشیده بود، پس آن را لمس کردم و گفتم: فدایت گردم مخالفان لباس پشمی را مکروه می دانند.

فرمودند: پدرم امام باقر علیه السلام و امام سجاد علیه السلام همواره چنین لباسی می پوشیدند. و ائمه علیهم السلام هنگامی که به نماز بر می خاستند، ضخیم ترین لباس خود را می پوشیدند و ما نیز چنین می کنیم.[1]

۶۲۹). رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: دو رکعت نماز با عمامه با فضیلت تر از چهار رکعت نماز خواندن بدون عمامه است.[2]

۶۳۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **کان خاتم صلی الله علیه وآله من ورق** » انگشتر رسول خدا صلی الله علیه وآله از نقره بود.[3]

۶۳۱). همچنین فرمودند: « **من السنة لبس الخاتم** » پوشیدن انگشتر از سنت است.[4]

۶۳۲). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: « **أن النبي صلى الله عليه وآله كان يتختم في يمينه** » همواره پیامبر صلی الله علیه وآله به دست راست خود انگشتر می پوشید.[5]

۶۳۳). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **كان أمير المؤمنين علیه السلام يتختم في يمينه** » امیرالمومنین همواره در دست راست خود انگشتر می پوشید.[6]

۶۳۴). همچنین فرمودند: « **أن علي بن الحسين علیهما السلام كان يتختم في يمينه** » امام سجاد علیه السلام همواره در دست راست انگشتر می نمود.[7]

---

[1] کافی،ج۶،ص۲۸۴،ح۴.
[2] مکارم الاخلاق،ص۲۲۰،ح۶.
[3] کافی،ج۶،ص۲۹۳،ح۱.
[4] کافی،ج۶،ص۲۹۳،ح۳.
[5] کافی،ج۶،ص۲۹۴،ح۱۱.
[6] کافی،ج۶،ص۲۹۴،ح۱۶.
[7] کافی،ج۶،ص۲۹۴،ح۱۵.

۶۳۵). حضرت رضا عليه السلام فرمودند: انگشتر عقیق فقر را دور مـی کند، و پوشیدن عقیق، نقاق را می برد.[1]

۶۳۶). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: « **تختموا بالعقيق فإنه مبارك ومن تختم بالعقيق يوشك أن يقضى له بالحسنى** » انگشتر عقیق بپوشید، زیرا مبارک است، هرکس انگشتر عقیق به دست کند نزدیک است که حاجت هایش به بهترین وجه بر آورده شود.[2]

۶۳۵). امام صادق فرمودند: هر کس با انگشتر عقیق نماز بخواند، پاداش وی چهل برابر کسیست که انگشتر، به غیر آن به دست کند.[3]

چیزهای که در لباس نمازگرار مکروه است

نماز خواندن در لباس سیاه، و لباسی که نقش و تصویر دارد، و با انگشتر آهنی مکروه است.

۶۳۵). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **كان رسول الله صلى الله عليه وآله يكره السواد إلا في ثلاث: الخف والعمامة والكساء** » رسول خدا صلى الله عليه وآله لباس سیاه را مکروه می دانست مگر در سه چیز: کفش، عمامه و عبا.[4]

۶۳۶). و در روایتی آمده است که: « **لا تصل في ثوب أسود فأما الخف أو الكساء أو العمامة فلا بأس** » در لباس سیاه نماز مگزار، اما خواندن نماز با کفش، یا کساء یا عمامه سیاه اشکالی ندارد.[5]

۶۳۷). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: « **لا يصل الرجل وفي يده خاتم حديد** » انسان نبایــد در

---

[1] کافی،ج۶،ص۲۹۵،ح۱.

[2] کافی،ج۶،ص۲۹۵،ح۳.

[3] مکارم الاخلاق،ص۱۶۱،ح۵.

[4] کافی،ج۶،ص۲۸۱،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۷۸،ح۷۶۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۲۷،ح۸۳۵.

[5] کافی،ج۳،ص۲۲۸.

حالی که انگشتر آهنی به دست دارد، نماز بخواند.[1]

۶۳۸). عمار ساباطی از امام صادق عليه السلام درباره کسی نماز می خواند در حالی که انگشتر آهنی به دست دارد، پرسید.

فرمودند: نه، با آن نماز مخوان، و در غیر نماز هم بر انگشت نداشته باشد، زیرا که آهن لباس اهل دوزخ است.[2]

۶۳۹). عبد الله بن سنان می گوید: حضرت صادق عليه السلام مکروه می داشت، که در لباسی نماز بخواند که در آن تصویری نقش بسته است.[3]

مکان نمازگزار

۶۴۰). « **قال النبي صلى الله عليه وآله : أعطيت خمسا لم يعطها أحد قبلي: جعلت لي الارض مسجدا وطهورا ، ونصرت بالرعب، وأحل لي المغنم ، وأعطيت جوامع الكلم، وأعطيت الشفاعة** » رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: خداوند متعال به من پنج چیز داده که به هیچ کسی قبل از من نداده است، اول آنکه زمین را برای من سجدگاه و پاک کننده قرار داده است، دوم آنکه به رعب و وحشت یاری و نصرت یافتم، سوم اینکه غنیمت بدست آمده از غنائم برای من حلال گشت، و چهارم اینکه برای من جوامع الکلم عطا شد، و پنجم آنکه خداوند متعال برای من اجازه شفاعت داده است.[4]

۶۴۱). امیرالمومنین عليه السلام در وصیت خود به کمیل فرمودند: « **يا كميل، أنظر في ما تصلي؟ وعلى ماتصلي؟ إن لم يكن من وجهه وحله فلا قبول** » ای کمیل نگاه کن که با چـه چیزی

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۲۹،ح۳۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۴۳،ح۸۹۵.

[2] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۰۰،ح۱۵۴۸. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۷۸،ح۷۷۴.

[3] کافی،ج۳،ص۲۲۸،ح۱۷.

[4] من لاحضره الفقیه،ج۱،ص۱۷۰،ح۷۲۴.

نماز میخوانی ؟ و بر چه چیزی نماز میخوانی ؟ زیرا که اگر از وجهش نبوده باشد و از طریق حلال نبوده باشد قبول شدن در کار نیست.[1]

۶۴۴). ابن ابی یعفور می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الرجل هل يقطع صلاته شئ مما يمر بين يديه؟ فقال: لا يقطع صلاة المؤمن شئ ولكن ادرؤوا ما استطعتم** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا موجودی که از برابر نمازگزار می گذرت، نماز او قطع می کند؟ فرمودند: هیچ چیزی نماز مومن را قطع نمی کند، ولی تا می تواند پیش روی خود را با فاصله انداختن چیزی حایل کند.[2]

۶۴۵). امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمودند: « **لا يقطع الصلاة شئ لا كلب ولا حمار ولا امرأة** » اگر سگ یا الاغی در بیش نماز گزار بگذرد، نمازش باطل نمی شود، و نیز اگر زنی از پیش نمازگزار بگذرد، نماز صحیح است و قطع نمی شود.[3]

۶۴۸). از امام صادق عليه السلام پرسیده شد در باره مردی که نماز می خواند و زنی در برابر و در سمت راست و یا چپ اوست. فرمودند: « **لا بأس به إذا كانت لا تصلي** » اگر زن در حال نماز خواندن نمی باشد، اشکالی ندارد.[4]

۶۴۹). امام صادق عليه السلام درباره این که آیا مرد و زن می توانند با هم نماز بخوانند، به گونه ای که زن در سمت راست مرد و موازی او باشد؟ فرمودند: « **لا إلا أن يكون بينهما شبر أو ذراع** » نه، مگر آنکه میان آنها به اندازه یک وجب، یا یک ذراع فاصله باشد.[5]

۶۵۰). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر یا امام صادق عليهما السلام پرسیدم: مـــردی در گوشه اتاق

---

[1] تحف العقول، ص۱۷۴.

[2] کافی،ج۳،ص۱۶۶،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۷،ح۱۳۱۸.

[3] کافی،ج۳،ص۱۶۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۷،ح۱۳۱۹.

[4] کافی،ج۳،ص۱۶۷،ح۲.

[5] کافی،ج۳،ص۱۶۷،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۴۷،ح۹۰۶.

نماز می خواند و همسر یا دختر او نیز در گوشه دیگر اتاق، موازی او نماز می خواند، (چگونه است ؟). فرمودند: این کار برای او شایسته نیست، پس اگر میان آنها به اندازه یک وجب فاصله باشد، او را کفایت می کند.[۱]

بیان: اما اگر پرده یا چیزی دیگری بین مرد و زن حایل باشد، نیازی به مراعات فاصله ذکر شده نیست.

۶۵۱). محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام در مورد زنی که نزد مردی نماز می خواند فرمودند: اگر بین شان (پرده یا دیواری) حایل باشد اشکالی ندارد.[۲]

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

۶۵۲). امام صادق فرمودند: « **لا تصل في بيت فيه مجوسي ولا بأس بأن تصلي وفيه يهودي أو نصراني** » در خانه ای که در آن مجوسی باشد، نماز نخوان، ولی نماز خواندن در خانه ای که در آن یهودی، یا نصرانی است، اشکالی ندارد.[۳]

۶۵۳). حلبی می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره نماز خواندن در آغل گوسفندان پرسیدم؟ فرمودند: در آنجا نماز بگزار، ولی در آغل شتران نماز مگزار، مگر آنکه بترسی که کالایت از بین برود که در این صورت، آنجا را بروب و آبی بر آن جا بریز و نماز بگزار.

و از آن حضرت در باره نماز خواندن بر روی بلندی هایی که در راه است پرسیدم؟ فرمودند: ایرادی ندارد که بر روی بلندی های راه های اصلی نماز بخوانی، ولی در خود راه اصلی نمی توان نماز گزارد.

همچنین فرمودند: نماز در زمین شـوره زار کراهت دارد، مگر در جای نـرمـی که جایگاه

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۶۷،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۴۶،ح۹۰۵.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۰۹،ح۱۵۸۰.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۲۱،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۰۷،ح۱۵۷۱.

پیشانی است هموار باشد.

راوی می گوید: همچنین از آن حضرت درباره نماز در معابد یهود و نصارا پرسیدم؟

فرمودند: اگر رو به قبله باشی، اشکالی ندارد.[1]

۶۵۳). سماعه گوید: امام عليه السلام فرمودند: در جای بستن اسب، قاطر و الاغ نماز مگذار.[2]

۶۵۴). امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمودند: « **لا بأس بأن يصلي بين الظواهر وهي الجواد جواد الطرق ويكره أن يصلي في الجواد** » نماز در بلندی هایی که در میان راههای اصلی است، اشکالی ندارد، ولی نماز گزاردن در میان راهای اصلی مکروه است.[3]

۶۵۵). حضرت رضا عليه السلام فرمودند: هر راهی که مردم در آن رفت وآمد می کنند، خواه جاده اصلی باشد، یا نباشد، نماز خواندن در آن شایسته نیست.[4]

۶۵۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا يصلى في بيت فيه خمر ولا مسكر** » در خانه ای که در آن شراب یا مواد مست کننده باشد، نماز خوانده نمی شود.[5]

۶۵۷). و در حدیث مناهی رسول خدا صلى الله عليه وآله نهی فرمودند از نماز خواندن در قبرستان ها.[6]

۶۵۸). امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمودند: کسی که در جهت قبله و روبروی او آتش و یا آهن است، نباید نماز بخواند.[7]

۶۵۹). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسدم: شخصی نماز می خواند، در حالی که چراغی در برابر او در جهت قبله روشن است؟

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۲۱،ح۵.

[2] کافی،ج۳،ص۲۲۰،ح۳.

[3] کافی،ج۳،ص۲۲۱،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۰۵،ح۱۵۶۰.

[4] کافی،ج۳،ص۲۲۱،ح۹.

[5] کافی،ج۳،ص۲۲۳،ح۲۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۰۶،ح۱۵۶۸.

[6] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۸،ح۴۹۶۸.

[7] کافی،ج۳،ص۲۲۲،ح۱۵.

فرمودند: روا نیست رو به سوی آتش نماز بخواند.[۱]

۶۶۰). محمد بن مسلم می گوید: از یکی از دو امام علیهما السلام درباره عکس ها و تمثال هایی که در خانه است (در هنگام نماز) پرسیدم؟

فرمودند: در صورتی که در سمت راست، یا چپ، یا پشت سر و یا زیر پایت باشد، اشکالی ندارد، اما اگر در سمت قبله باشد، روی آن پارچه ای بینداز.[۲]

۶۶۱). محمد بن مسلم گوید: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: نماز می خوانم و عکس ها و تمثال های مقابل من می باشد، و به آنها نگاه می کنم، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اینگونه نماز مخوان، و بر روی آنها پارچه ای بینداز، اما اگر در سمت راست، یا چپ، یا پشت سر، یا زیر پا و بالای سر تو است، اشکالی ندارد، ولی اگر در سمت قبله و رو بروی تو می باشد، پارچه ای بر آنها بینداز و بعد نماز بخوان.[۳]

۶۶۲) امام صادق علیه السلام فرمودند: « **قال رسول الله صلی الله علیه و آله : أن جبرئیل علیه السلام اتاني فقال: إنا معاشر الملائكة لا ندخل بيتا فيه كلب ولا تمثال جسد ولا اناء يبال فيه** » رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ما گروه فرشتگان، در خانه ای که در آن سگ، یا صورت و تمثال انسان و ظرف بول باشد، وارد نمی شویم.[٤]

۶۶۳). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **لا تصل في دار فيها كلب إلا أن يكون كلب صيد وأغلقت دونه بابا فلا بأس وإن الملائكة لا تدخل بيتا فيه كلب ولا بيتا فيه تماثيل ولا بيتا فيه بول مجموع في آنية** »

در خانه ای که در آن سگ است، نماز مگذار، مگر آنکه سگ شکاری باشد، و اگر درب

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۲۲،ح۱۶.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۲۲،ح۲۰.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۴۲،ح۸۹۱.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۲۳،ح۲۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۴۷۰؛ح۱۵۷۰.

اتاقی را که در آن نماز میخوانی ببندی، (تا سگ) وارد نشود، اشکالی ندارد، زیرا که ملائکه در خانه ای که در آن سگ باشد، یا آنکه صورت و تمثال باشد، و یا ظرف بول باشد، قدم نمی گذارند.[۱]

۶۶۴). امام صادق در حدیثی علیه السلام فرمودند: در ده موضع و مکان نماز نمی توان نماز خواند، از جمله آنها حمام است.[۲]

احکام مساجد

۶۶۵). « **قال النبي صلی الله علیه و آله : لا صلاة لجار المسجد إلا في مسجده** » رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: برای همسایه مسجد نمازی (با ثواب کامل) نیست، مگر در مسجد.[۳]

۶۶۶). امیرالمومنین علیه السلام می فرمودند: « **من اختلف الی المساجد اصاب احدی الثمان اخا مستفادا فی الله و علما مستطرفا او آیه محکمه او رحمه منتظره او کلمه ترده عن ردی او یسمع کلمه تدله علی هدی اویترك ذنبا خشیه او حیاء** » کسی که به مساجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را بدست می آورد: برادری که در راه خدا از او استفاده کند، دانشی برگزیده ، نشانه ای محکم ، رحمتی که منتظر او بوده، سخنی که او را از نابودی حفظ کند، سخنی که او را به هدایت راهنمایی کند یا بخاطر ترس یا شرم گناهی را ترك کند.[٤]

۶۶۷). « **قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من کان القرآن حدیثه و المسجد بیته بنی الله له بیتا فی الجنه** » رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که قرآن سخن او و مسجد خانه او باشد، خـــداوند در

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۴۶،ح۷۴۳.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۲۱،ح۱۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۳۳،ح۸۶۳. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۷۱،ح۷۲۵.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۹۲،ح۲۴۴.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۷۲،ح۶۸۱. من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۶۸،ح۷۱۳.

بهشت برای او خانه ای می سازد.[۱]

۶۶۸). امیرمومنین علیه السلام فرمودند: « **وإن الله تبارك وعالى ليريد عذاب أهل الارض جميعا حتى لا يحاشي منهم أحدا فإذا نظر إلى الشيب ناقلي أقدامهم إلى الصلوات والولدان يتعلمون القرآن رحمهم الله فأخر ذلك عنهم** » همانا خداوند تصمیم می گیرد که بدون استثنا همه اهل زمین را عذاب نماید، چنانکه هیچ کس از آنها را فرو نگذارد، ولی هنگامی که می بیند پیر آن بطرف مسجد قدم برداشته و کودکان قرآن می آموزند، به آنان رحم نموده و عذاب را بتاخیر می اندازد.[۲]

۶۶۹). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من مشى الى المسجد لم يضع رجله على رطب و لا يا بس الا سجت له الارض الى الارضين السابعه** » کسی که پیاده به مسجد برود، پاهایش را روی هیچ خشك وتری نمی گذارد، مگر این که آن زمین تا زمین هفتم برای او خداوند را تسبیح می کنند.[۳]

۶۷۰). همچنین آن حضرت فرمودند: « **ثلاثة يشكون إلى الله عزوجل: مسجد خراب لا يصلي فيه أهله، وعالم بين جهال، ومصحف معلق قد وقع عليه الغبار لا يقرأ فيه** » سه چیز است که به درگاه خداوند عزوجل شکایت می کند: مسجد خرابی که اهلش در آن نماز نخوانند، و عالمی که میان نادان ها و جهال باشد، و قرانی که گرد و غبار بر آن نشسته و کسی آن را نخواند.[٤]

۶۷۱). جابر گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: « **يجئ يوم القيامة ثلاثة يشكون إلى الله عزوجل: المصحف، والمسجد، والعترة. يقول المصحف: يا رب حرقوني**

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۱،ح۷۰۷.

[۲] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۷۰،ح۷۲۳.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۱،ح۷۰۶. من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۶۱،ح۷۰۱.

[٤] کافی،ج۲،ص۴۴۹،ح۳.

ومزقوني، ويقول المسجد: يا رب عطلوني وضيعوني، وتقول العترة: يا رب قتلونا وطردونا وشردونا فأجثوا للركبتين للخصومة، فيقول الله جل جلاله لي: أنا أولى بذلك » در قیامت سه چیز به خدا شکایت می کنند: قرآن و مسجد و خانواده من. قرآن می گوید: مرا دگرگون کردند و پاره ساختند. مسجد می گوید: مرا بی کار گزاردند و حرمت مرا تباه کردند. خانواده پیامبر می گویند: ما را کشتند و راندند و آواره کردند. پیامبر برای دست آوردن آنها می کوشد تا این گناهکاران را داوری کنند. خدای به ایشان گوید: من به این کار شایسته ترم از تو.[۱]

۶۷۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **بنى مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة** » کسی مسجدی بسازد،، خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد.[۲]

۶۷۳). ابوالجارود می گوید: از امام باقر علیه السلام سوال کردم: مسجدی در خانه وقع است، اهل خانه می خواهند با اضافه بخشی از خانه به مسجد، آن را توسعه دهند یا محل آن مسجد را از آنجا تغییر داده، به جای دیگر ببرند، آیا می توانند؟

فرمودند: اشکالی ندارد.[۳]

۶۷۴). عیص گوید: از امام باقر درباره عبادت خانه های یهودیان و مسحیان پرسیدم که می توان آنها را خراب کرد و در جایشان مسجد ساخت؟

فرمودند: آری.[٤]

کارهای که در مسجد مستحب است

تمیز کردن و جارو نمودن مسجد، خصوصا در شب جمعه مستحب اســت، و همچنین روشن

---

[۱] خصال،ص۱۷۴،ح۲۳۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۰۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹۱،ح۷۴۸.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۰۹،ح۲. من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۶۸،ح۷۱۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۰۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۶،ح۷۳۲.

کردن چراغ در آن، و کسی که می خواهد مسجد برود، مستحب است وضو بگیرد و خود را خشبو کند، و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد، و هنگام ورد و خروج از مسجد صلوات بگوید، و مستحب است که با پای راست داخل شود و هنگام خروج با پای چپ خارج شود، و از همه زود تر به مسجد آید و از همه دیر تر از آن بیرون رود.

۶۷۴). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **من كنس المسجد يوم الخميس ليله الجمعه فاخرج منه التراب قدر ما يذرى فى العين غفر الله له** » کسی که در روز پنج شنبه (شب جمعه) مسجد را جارو کرده و باندازه سرمه چشمی خاك از آن خارج کند، خداوند او را می آمرزد.[1]

۶۷۵). همچنین فرمودند: « **من اسرج فى مسجد من مساجد الله عزوجل سراجا لم تزل الملائكه و حمله العرش يستغفرون له مادام فى ذلك المسجد ضوء من السراج** » کسی که در یکی از مساجد خداوند عزوجل چراغی روشن کند، فرشتگان و حمل کنندگان عرش خداوند تا زمانی که نوری از این دو چراغ در آن مسجد باشد، پیوسته برای او استغفار می کنند.[2]

۶۷۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: یکی از شیعیان امام سجاد عليه السلام در یک شب سرد دید آن حضرت جبه و عبایی از خز بر تن دارد و عمامه ای از خز بر سر نهاده و محاسن خود را عطر غالیه زده است. آن شخص به ایشان عرض کرد: فدایت شوم در چنین ساعتی، بر این شکل و شمایل به کجا می روید؟ فرمودند: به مسجد جدم پیامبر خدا ﷺ می روم، تا حوالعین را از خداوند خواستگاری کنم.[3]

۶۷۸). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: « **مكتوب فى التوراه ان بيوتى فى الارض المساجد فطوبى لمن تطهر فى بيته ثم زارنى و حق على المزور ان يكرم الزائر** » در تورات

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۶۷،ح۷۰۰. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۰،ح۷۰۳.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۶۹،ح۷۱۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۷،ح۷۳۳.

[3] کافی،ج۶،ص۵۱۷،ح۵.

نوشته است : خانه های من در زمین مساجد است . خوشا به حال کسی که در خانه خود وضو بگیرد، آنگاه به دیدن من بیاید. و به عده دیدار شونده است که دیدار کننده را گرامی بدارد.[١]

٦٧٩). روایت شده است که: بهتر است به هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شوی و برای خارج شدن با پای چپ شروع کنی.[٢]

٦٨٠). امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه وارد مسجد شدی، بر پیامبر صلى الله عليه وآله صلوات بفرست، و به هنگام خروج نیز چنین کن.[٣]

٦٨١). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: هرگاه یکی از شما نماز واجب می خواند و از مسجد خارج می شود، خوب است بر در مسجد بایستد و بگوید: « **اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَکَ وَ صَلَّيْتُ مَکْتُوبَتَکَ وَ انْتَشَرْتُ فِي أَرْضِکَ کَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِکَ وَ اجْتِنَابَ سَخَطِکَ وَ الْکَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِکَ** ».[٤]

٦٨٢). حضرت امام باقر عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله به جبرئيل فرمود: ای جبرئیل کدام مکان ها نزد خداوند عزوجل محبوب تر است؟

عرض کرد: مساجد و محبوب ترین اهل مساجد در پیش گاه خداوند، کسانی هستند که پیش از همه وارد مسجد می شوند، و آخرین افرادی هستند که از آن خارج می شوند.[٥]

٦٨٣). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: « **خير البقاع المساجد، وأحبهم إلى الله عزوجل أولهم دخولا وآخرهم خروجا منها** » بهترین مکان مساجد است، و محبوب ترین اهل مسجد نزد خداوند متعال کسی است که جلوتر از همه وارد مسجد شود، و آخرین کسی

---

[١] من لایحضره الفقیه، ج١،ص١٦٩،ح٧٢٠

[٢] کافی،ج٣،ص ١٧٣،ح١.

[٣] کافی،ج٣،ص ١٧٣،ح٢.

[٤] کافی،ج٣،ص ١٧٣،ح۴.

[٥] کافی،ج٣،ص ٢٨٠،ح١۴.

باشد که از آن خارج می شود.[۱]

کارهای که در مسجد مکروه است

شعر خواندن در مساجد مکرو است، و همچنین مکروه است نماز خواندن در مسجدی که عکس و تصویر دارد، و صحبت کردن به زبانی که کسی دیگری متوجه آن نمی شود در مسجد مکروه است، و نیز مکروه است کسی آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد. کسی که سیر یا پیاز و مانند اینها که بوی نامطبوع و اذیت کننده ای دارند، تناول نموده مکروه است به مسجد برود، و راه دادن اطفال و دیوانگان در مسجد مکروه است، و همچنین صدای خود را بجز از اذان در مسجد بلند کردن، و خرید و فروش نمودن، و گمشده خود یا صاحبش را در مسجد جستند، و اقامه حدود و احکام در مساجد نمودن، مکروه است، و مکروه است کسی که صدای اذان را شنیده از مسجد بدون علت قبل از آنکه نماز خوانده خارج شود.

۶۸۴). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **من سمعتموه ينشد الشعر في المساجد فقولوا: فض الله فاك إنما نصبت المساجد للقرآن** » هرگاه شنیدند که کسی در مسجد شعر می خواند، بگویید: خداوند دهانت را بشکند، مساجد تنها برای خواندن قرآن ساخته شده است.[۲]

۶۸۵). و درحدیث مناهی آمده است که: رسول اکرم ﷺ نهی نموده اند از شعر خواندن در مسجد.[۳]

۶۸۵). عمرو بن جمیع گوید: از امام باقر علیه‌السلام در مورد نماز خواندن در مساجدی که عکس و تصویر دارند، سوال کردم؟

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۳،ص۱۲۸،ح۳۷۵۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۱۰،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۷،ح۷۳۳.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۸،ح۴۹۶۸.

فرمودند: من آن را مکروه می دانم، ولی امروز ضرری به حال شما ندارد، ولی آن روزی که عدالت برپا شود، خواهید دید که با آنها چه خواهد شد.[1]

۶۸۶). امام صادق ﷺ فرمودند: رسول الله ﷺ نهی فرموده است که درمسجد به زبانی سخن گفته شود که دیگران متوجه نشوند.[2]

۶۸۷). حضرت صادق ﷺ فرمودند: « **من تنخع فی مسجد ثم ردها فی جوفه تمر بداء الا ابراته** » که خلط خود را فرو برد و آن را به احترام مسجد در آن نریزد، به دردی نمی رسد، مگر این که آن را درمان می کند.[3]

۶۸۸). و روایت شده است که: رسول خدا نهی نموده اتد، از انداختن خلط سینه در مسجد.[4]

۶۸۹). « **قال رسول الله ﷺ :من رد ریقه تعظیما لحق المسجد جعل الله ریقه صحه فی بدنه و عوفی من بلوی فی جسده** »

رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که با احترام مسجد آب دهان خود را فرو برد، خداوند آب دهانش را عامل سلامتی بدنش گردانیده و به بدن او اسیبی نخواهد رسید.[5]

۶۹۰). محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر ﷺ در باره سیر پرسیدم؟

فرمودند: « **إنما نهی رسول الله ﷺ عنه لریحه فقال: من أکل هذه البقلة الخبیثة فلا یقرب مسجدنا فأما من أکله ولم یأت المسجد فلا بأس** » رسول خدا ﷺ به خاطر بویش از آن نهی نموده و فرمود: کسی که این گیاه بدبوی را تناول کند به مسجد ما نزدیک نشود ولی اگر کسی آن را خورد و به مسجد نیامد اشکالی ندارد.[6]

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۱۰،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۵،ح۷۲۶.

[2] کافی،ج۳،ص۲۱۰،ح۷.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۶۷،ح۶۹۹. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۲،ح۷۱۴.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۸،ح۴۹۶۸.

[5] ثواب الاعمال،ص۳۴.

[6] کافی،ج۶،ص۲۳۳،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۳۴،ح۴۲۶۹. تهذیب الاحکام،ج۹،ص۱۱۲. الاستبصار،ص۷۲۴.

۶۹۱). ابوبصیر می گوید: از امام صادق درباره خوردن سیر، پیاز و تره پرسیدم؟

فرمودند: اگر به صورت پخته باشند، ایرادی ندارد، و درمان به وسیله سیر خام نیز ایرادی ندارد، ولی اگر یکی از شما سیر خام بخورد، نباید به مسجد وارد شود.[۱]

۶۹۲). امیرالمومنین فرمودند: « **من أكل شيئا من المؤذيات ريحها فلا يقربن المسجد** » چنانچه شخصی خوراکیهائی که بوی نامطبوع و اذیت کننده ای دارند، تناول کند. بر او لازم است که در مسجد حاضر نشود.[۲]

۶۹۳). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **جنبوا مساجدكم صبيانكم، ومجانينكم، ورفع أصواتكم وشراء كم، وبيعكم، والضالة، والحدود، والاحكام** » از ورد اطفال خود (که بی تمیزند) به مساجد اجتناب کنید، و دیوانگان را به مسجد راه ندهید، و پرهیز کنید از اینکه صدای خود را (بجز از اذان) در مسجد بلند کنید یا آواز بردارید، و در آنجا خرید و فروش نکنید، و گمشده خود یا صاحبش را در مسجد مجوئید، و در مساجد اقامه حدود و احکام مکنید.[۳]

۶۹۴). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: «**جنبوا مساجدكم صبيانكم ومجانينكم وشراء كم وبيعكم**» از ورود اطفال در مساجد اجتناب کنید، و دیوانگان را به مسجد راه ندهید، و از خرید و فروش در مساجد پرهیز کنید.[٤]

۶۹۵). همچنین فرمودند: « **من سمع النداء في المسجد فخرج من غير علة فهو منافق الا ان يريد الرجوع اليه** » هرکس صدای اذان را در مسجد بشنود، و بی دلیل از آن بیرون بیاید، منافق خواهد بود، مگر اینکه قصد داشته باشد، دوباره به آنجا باز گردد.[٥]

---

[۱] کافی،ج۶،ص۲۳۳،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۳۴،ح۴۲۶۸. تهذیب الاحکام،ج۹،ص۱۱۲. الاستبصار،ص۷۲۴.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۱،ح۷۰۸.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۶۹،ح۷۱۵.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۰،ح۷۰۲.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸۹،ح۷۴۰.

اذان و اقامه

۶۹۶). حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: « **من اذن فی مصر من امصار المسلمین سنه وجبت له الجنه** »کسی که یك سال در شهری از شهرهای مسلمان اذان بگوید بهشت بر او واجب می شود.[۱]

۶۹۷). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: «**من اذن سبع سنین محتسبا جاء یوم القیامه و لا ذنب له**» کسی که هفت سال به نیت پاداش خداوند اذان بگوید، در روز قیامت در حالی می آید که هیچ گناهی ندارد.[۲]

۶۹۸). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: « **للموذن فیما بین الاذان و الاقامه مثال اجر الشهید المتشحط بدمه فی سبیل الله تعالی قال فقلت یا رسول الله انهم یختارون علی الاذان و الاقامه قال کلا انه یاتی علی الناس زمان یطرحون الاذآن و الاقامه الی ضعفائهم فتلك لحوم حرمها الله علی النار** » موذن بین اذان و اقامه پاداش در خون خود غلتیده در راه خدا را خواهد داشت . امیرالمومنین عليه‌السلام می گویند: گفتم ای رسول خدا! در این صورت هر کسی می خواهد اذان و اقامه بگوید. فرمودند: هرگز زمانی خواهد آمد که اذان و اقامه را به ضعیفان خود و اگذار می کنند. و در این صورت این گوشت ضعیفان است که خداوند آن را بر آتش حرام کرده است .[۳]

۶۹۸). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: کسی که ده سال برای پاداش خداوند اذان بگوید، خداوند باندازه ای که چشمانش می بیند و باندازه ای که صدایش به آسمان می رود او را می آمرزد، و هر خشك و تری صدای او را بشنود، او را تصدیق می کند، و در مقابل هر کسی که با او در

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۵،ح۱۱۲۶. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۰۰،ح۸۸۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۵،ح۱۱۲۸. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۰۰،ح۸۸۲.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۶،ح۱۱۳۰. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۸،ح۸۶۹.

مسجدش نماز می خواند، سهمی دارد، و در برابر هر کسی که با صدای او نماز می خواند، حسنه ای خواهد داشت .[۱]

۶۹۹). حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **أطول الناس أعناقا يوم القيامة المؤذنين** » گردنفرازترین مردم در روز قیامت اذان گویان هستند.[۲]

۷۰۰). همچنین فرمودند: موذن آمرزیده میشود، به همان مقدار که صدایش به اطراف می رود، و هر چیزی که صدای او را می شنود به نفع او گواهی می دهد.[۳]

۷۰۱). عبدالله بن علی می گوید: کالائی از بصره به مصر مي بردم در راه به پیره مردی بلند قد و گندم گون اصلع که سر و ریشش سفید بود و دو جامه یکی سیاه و دیگری سفید در برداشت برخوردم و گفتم این کیست ؟ گفتند بلال مؤ ذن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله است. دفترهای خود را برداشتم و نزدش آمدم و گفتم السلام علیك ای شیخ. جواب داد. گفتم خداوند تو را رحمت کند بدان چه از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدی مرا بازگو. گفت چه می دانی من کیم ؟ گفتم تو بلال مؤذن رسول خدائی. آنگاه گریست و نیز گریستم تا مردم دور ما جمع شدند و گریه مي کردیم سپس بمن گفت ای پسرک اهل کجائی ؟ گفتم عراق گفت به به لختی بیاسود و گفت بنویس ای برادر عراقی بسم الله الرحمن الرحیم من از رسول خدا شنیدم مي فرمود: مؤذنها امین مردمند بر نمازشان و روزه شان و گوشتشان و خونشان از خدا چیزی نخواهند جز به آنها عطا شود و شفاعتی نکنند جز آنکه پذیرفته باشد.

گفتم بیفزا برایم خداوند تو را رحمت کند.

گفت بنویس بسم الله الرحمن الرحیم از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شنیدم مي فرمود: هر که چهل سال

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۶،ح۱۱۳۱. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۸،ح۸۶۹.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۷،ح۱۱۳۲.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۲۷،ح۲۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۵۶،ح۱۷۵.

اذان گوید برای خدا روز قیامت با کردار چهل صدیق خوش کردار پذیرفته کار محشور گردد.

گفتم: خداوند تو را رحمت کند بیفزا.

گفت بنویس بسم الله الرحمن الرحیم از رسول خدا ﷺ شنیدم مي فرمود: هر که بیست سال اذان گوید خدای عز و جل او را روز قیامت محشور کند و نوری دارد چون نور آسمان دنیا.

گفتم بیفزا خداوند تو را رحمت کند.

گفت بنویس بسم الله الرحمن الرحیم شنیدم رسول خدا ﷺ مي فرمود: هر که ده سال اذان گوید خدا او را در بهشت با ابراهیم در گنبد و درجه او سکنی دهد.

گفتم بیفزا خداوند تو را رحمت کند.

گفت بنویس بسم الله الرحمن الرحیم رسول خدا ﷺ مي فرمود: هر که یك سال اذان گوید خدا روز قیامت هر چه هم گناه داشته باشد او را آمرزیده محشور کند اگر چه گناهانش به وزن کوه احد باشد.

گفتم بیفزا خداوند تو را رحمت کند.

فرمود آری حفظ کن و عمل کن و بحساب آور شنیدم رسول خدا ﷺ مي فرمود: هر که در راه خدا برای یك نماز از روی ایمان و خدا خواهی و تقرب بحق اذان گوید خدا گناهان گذشته اش را بیامرزد و نسبت به آینده عمرش او را نگهداری کند و میان او و شهیدان در بهشت جمع کند.

گفتم خدایت رحمت کند بهترین آنچه شنیدی برایم بازگو.

گفت وای بر تو ای پسرک بند دلم را بریدی و گریست و من هم گریستم سپس گفت بنویس بسم الله الرحمن الرحیم از رسول خدا ﷺ شنیدم مي فرمود: چون روز قیامت شود و خدا مردم را در یك سرزمین جمع کند خدا فرشتگانی از نور با پرچم و علمهای نور نزد مؤذنها بفرستد که با آنها اسبهائیست که مهارشان از زبرجد سبز و خورجین ترك آنها از مشك ازفر است مؤذنها بر آنها

سوار شوند و بر سر پا ایستند و فرشته ها مهارشان را بکشند و آنان به آواز بسیار بلند اذان گویند سپس سخت گریست تا بناله افتادم و گریستم و چون آرام شد گفتم برای چه گریه مکنی ؟

گفت وای بر تو بیادم آوردی آنچه را از صفی و حبیب خود شنیدم که مي فرمود: به آن که مرا به راستی مبعوث به نبوت کرده براستی آنها سر پا روی اسب بر مردم بگذرند و گویند اللّه اکبر اللّه اکبر و چون چنین گویند امتم غوغا کنند.

اسامة بن زید پرسید آن غوغا چیست ؟ فرمود تسبیح ، حمد و لا اله الا اللّه است چون گویند اشهد ان لا اله الا اللّه امتم گویند، بس او را در دنیا پرستیدیم گفته شود راست گویند چون گویند اشهد ان محمد رسول اللّه امتم گویند اینست که از طرف پروردگار ما به رسالت آمده ما ندیده باو معتقد بودیم گویند راست گفتید هم او است که بشما ادای رسالت کرد از پروردگار شما و شما باو مؤمن بودید و حق است بر خدا که شما را با پیغمبرتان جمع کند و آنها را بمنزلهایشان رسانند که در آنست آنچه نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر دل بشری گذشته سپس بمن نگاه کرد و گفت اگر توانی و توانی جز بخدا نیست که نمیری جز مؤذن بدان عمل کن.[۱]

۷۰۲). حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **وإن الملائكة أذا سمعوا الاذان من أهل الارض قالوا: هذه أصوات أمة محمد** صلى‌الله‌عليه‌وآله **بتوحيد الله عزوجل ويستغفرون لامة محمد** صلى‌الله‌عليه‌وآله **حتى يفرغوا من تلك الصلاة** » هرگاه که فرشتگان صدای اذان را از اهل زمین می شنوند، می گویند: این آواز امت محمد است که به توحید و یگانگی خداوند عزوجل بلند شده است، پس برای امت محمد طلب آمرزش می کنند تا از ان نماز فارغ شوند.[۲]

۷۰۳). به چندین سند از امیرالمومنین عليه‌السلام و امام صادق عليه‌السلام و امام رضا عليه‌السلام روایت شده است که فرمودند: کسی که با اذان و اقامه نماز بخواند، دو صف از فرشتگان پشت سر او نماز می

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۰۴،ح۶۰۵.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۷۲،ح۳۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۰۰،ح۸۸۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۶۲،ح۲۰۶.

خوانند و کسی که با اقامه و بدون اذان نماز بخواند پشت سر او يك صف نماز می خوانند، و در روایتی آمده که اندازه یک صف آن از مشرق تا مغرب است.[١]

٧٠٤). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: اشکالی ندارد کسی بدون وضو اذان بگوید، ولی اقامه را جز با وضو نگوید.[٢]

٧٠٥). همچنین از آن حضرت عليه السلام پرسیده شد: آیا می تواند شخصی بصورت نشسته اذان بگوید؟ فرمودند: آری، ولی اقامه نگوید مگر ایستاده.[٣]

٧٠٦). امام کاظم یا امام رضا عليهما السلام فرمودند: « **أذن في بيتك فإنه يطرد الشيطان** » در خانه خود اذان بگو، زیرا که شیطان را می راند.[٤]

٧٠٧). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **إذا قمت إلى صلاة فريضة فاذن وأقم** » هرگاه برای نماز واجب (یومیه) برخواستی، اذان و اقامه بگو.[٥]

بیان: اذان و اقامه در نماز های واجب یومیه مستحب است، اما سایر نمازها چه واجب باشند و یا مستحب اذان و اقامه ندارند، ولی در نماز عید فطر وقربان، مستحب است، قبل از نماز سه مرتبه ندای « **الصلاة** » داده شود.

٧٠٨). اسماعیل بن جابر می گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا نماز عید فطر و قربان اذان و اقامه دارد؟

فرمودند: « **ليس فيهما أذان ولا إقامة، ولكن ينادي الصلاة ثلاث مرات** » در این دو اذان و اقامه نیست، ولکن سه بار نداده می شود: « **الصلاة** ».[٦]

---

[١] من لایحضره الفقيه،ج١،ص٢٠١،ح٨٨٧ و ٨٨٨ و ٨٨٩. کافی،ج٣،ص١٧٠. تهذیب الاحکام،ج٢،ص٥٦،ح١٧٣ و ١٧٤.

[٢] کافی،ج٣،ص١٧٠،ح١١. تهذیب الاحکام،ج٢،ص٥٨،ح١٨٠.

[٣] تهذیب الاحکام،ج٢،ص٦٠،ح١٩٤.

[٤] کافی،ج٣،ص١٧٣،ح٣٦.

[٥] تهذیب الاحکام،ج٢،ص٥٣،ح١٦٢.

[٦] من لایحضره الفقيه،ج١،ص٣٤١،ح١٤٦٩.

۷۰۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **المولود إذا ولد يؤذن في أذنه اليمنى ويقام في اليسرى** » هنگامی که نوزاد به دنیا می آید، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.[1]

۷۱۰). ابوبصیر می گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: کسی که در نماز جماعت به هنگام سلام دادن امام می رسد، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: بر او لازم نیست که اذان را اعاده کند، بلکه همان اذان آنها بر او نیز محسوب است، ولی اگر دید که آنها متفرق شده اند، باید اذان را اعاده کند.[2]

۷۱۱). ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی وارد مسجد می شود، در حالی که نماز جماعت تمام شده است، آیا اذان و اقامه بگوید؟

فرمودند: اگر هنوز صف نماز جماعت بهم نریخته است، به اذان و اقامه آنها نماز بخواند، ولی اگر صف بهم ریخته، اذان و اقامه بگوید.[3]

۷۱۲). امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : اشکالی ندارد اینکه طفل قبل از بلوغش اذان بگوید.[4]

۷۱۳). امام باقر در علیه السلام حدیثی فرمودند: هر گاه که نام پیامبر صلی الله علیه وآله را در اذان و غیر آن ذکر کردی، یا کسی نزد تو نام آن حضرت را ذکر کرد، بر ایشان صلوات بفرست.[5]

۷۱۴). عمرو بن ابی نصیر می گوید: « **قلت: لابي عبدالله** علیه السلام **:أيتكلم الرجل في الاذان؟ قال: لا بأس، قلت: في الاقامة؟ قال: لا** » به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا انسان می تواند به هنگام اذان گفتن با دیگری سخن بگوید؟ فرمودند: اشکالی ندارد. گفتم: در اقامه چطور؟

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۰،ح۹۱۱.

[2] کافی،ج۳،ص۱۷۰،ح۱۲.

[3] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۳،ح۱۱۲۰.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۰۲،ح۱۱۱۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۰۲،ح۸۹۶.

[5] کافی،ج۳،ص۱۷۰،ح۷. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۹،ح۸۷۵.

فرمودند: نه.[1]

کیفیت اذان و اقامه

اذان هیجده جمله است: « **الله أكبر** » چهار مرتبه « **أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمدا رسول الله، حي على الصلاة، حي على الفلاح ، حي على خير العمل، الله أكبر ، لا إله إلا الله** » هر یک دو مرتبه.

و اقامه هفده جمله است: یعنی دو مرتبه « **الله أكبر** » از اول اذان، و یک مرتبه « **لا إله إلا الله** » از آخر آن کم می شود، و بعد از گفتن «**حي على خير العمل** » باید دو مرتبه « **قد قامت الصلاة** » اضافه نمود.

۷۱۵). اسماعیل جعفی میگوید: « **سمعت: أبا جعفر** عليه‌السلام **يقول: الاذان والاقامة خمسة و ثلاثون حرفا فعد ذلك بيده واحدا واحدا الاذان ثمانية عشر حرفا والاقامة سبعة عشر حرفا**» از امام باقر عليه‌السلام شنیدم که می فرمودند: اذان و اقامه سی و پنج حرف است، حضرتش آن را با دست مبارک خود یک یک بر شمرد، اذان هیجده حرف و اقامه هفده حرف است.[2]

۷۱۶). ابوبکر حضرمی و کلیب اسدی گویند: امام صادق عليه‌السلام اذان را برای ایشان حکایت کرده و چنین فرمودند: « **الله اكبر الله اكبر الله اكبر الله اكبر، اشهد ان لا إله إلا الله اشهد أن لا إله إلا الله، اشهد ان محمدا رسول الله** صلى‌الله‌عليه‌وآله **اشهد ان محمدا رسول الله** صلى‌الله‌عليه‌وآله **،حي على الصلاة حي الصلاة، حي على الفلاح حي على الفلاح، حي على خير العمل حي على خير العمل، الله اكبر الله اكبر، لا إله إلا الله لا إله إلا الله** ».[3]

۷۱۷). معلی بن خنیس می گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که از ذان می گفت، و فرمود:

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۷۰،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۵۸،ح۱۸۲.

[2] کافی،ج۳،ص۱۷۰،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۶۴،ح۲۰۸. الاستبصار،ص۱۷۴،ح۱.

[3] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۶۵،ح۲۱۱. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۰۲،ح۸۹۷. الاستبصار،ص۱۷۴،ح۴.

« الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر، اشهد ان لا إله إلا الله اشهد أن لا إله إلا الله، اشهد ان محمدا رسول الله ﷺ اشهد ان محمدا رسول الله ﷺ ،حي على الصلاة حي الصلاة، حي على الفلاح حي على الفلاح، حي على خير العمل حي على خير العمل، الله اکبر الله اکبر، لا إله إلا الله لا إله إلا الله ».[1]

۷۱۸). در حدیث زراره و فضیل آمده است که: امام باقر علیه السلام اذان را ذکر نموده و در آخر آن فرمودند: « **والاقامة مثلها إلا أن فيها قد قامت الصلاة قد قامت الصلاة بين حي على خير العمل حي على خير العمل، و بين الله أكبر الله أكبر** » و اقامه هم مثل این است مگر اینکه «**قد قامت الصلاة قد قامت الصلاة** » بین « **حي على خير العمل حي على خير العمل**» ، و بین «**الله أكبر الله أكبر**» می باشد.[2]

بیان: اما شهادت ثالثه یعنی « **اشهد ان عليا ولی الله** » بعد از شهادتین جز اذان و اقامه نیست، ولی گفتن آن چه در اذان و اقامه و غیر آن مستحب موکد است.

۷۱۹). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن الله عز وجل لما خلق العرش كتب عليه لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل الماء كتب في مجراه: لا إله إلا الله محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل الكرسي كتب على قوائمه: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل اللوح كتب فيه: لا إله إلا الله محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله إسرافيل كتب على جبهته: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين ولما خلق الله جبرئيل كتب على جناحيه: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل السماوات كتب في أكتافها: لا إله إلا الله محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل الأرضين كتب في أطباقها: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل الجبال كتب في رؤسها: لا إله إلا الله،**

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۶۵،ح۲۱۲. الاستبصار،ص۱۷۵،ح۵.

[2] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۶۴،ح۲۱۰. الاستبصار،ص۱۷۴،ح۳.

محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، ولما خلق الله عز وجل الشمس كتب عليها: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين ولما خلق الله عز وجل القمر كتب عليه: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي أمير المؤمنين، وهو السواد الذي ترونه في القمر فإذا قال أحدكم لا إله إلا الله، محمد رسول الله فليقل علي أمير المؤمنين عليه السلام ».

بدرستی که خداوند عزّ و جلّ وقتی عرش را آفرید بر آن مکتوب داشت که: « لا إله إلّا اللَّه محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین » و هنگامی که آب را آفرید در مجرای آن مکتوب داشت که: « لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که کرسی را آفرید در ستونهای آن مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که لوح را آفرید در آن مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که اسرافیل را آفرید بر پیشانی او مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین» و هنگامی که جبرئیل را آفرید بر بالهای او مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که آسمانها را آفرید در اکناف و نواحی آن مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که زمینها را آفرید در طبقات آن نگاشت: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که کوهها را آفرید در رأس هر کدام مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که خورشید را آفرید بر آن مکتوب داشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین». و هنگامی که ماه را آفرید بر آن نگاشت که: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علیّ أمیر المؤمنین» و آن همان سیاهی و لکّه ای است که در ماه می بینید. پس هر کدام از شما که می گوید: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه» بلافاصله بگوید: «علیّ أمیر المؤمنین علیه السلام».[1]

[1] الاحتجاج،ج١،ص٢٣٠.

واجبات نماز

افعال واجب نماز هشت چیز است: (اول) نیت، (دوم) قیام یعنی ایستادن، (سوم) تکبیرة الاحرام یعنی گفتن الله اکبر در اول نماز ، (چهارم) قرائت، (پنجم) رکوع، (ششم) سجود، (هفتم) تشهد، (هشتم) سلام.

نیت

۷۲۰). ابی حمزه می گوید: امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: « **لا عمل إلا بنية** » هیچ عملی (صحیح و مورد قبول) نیست مگر با نیت.[۱]

۷۲۱). امام رضا علیه‌السلام فرمودند: « **لا قول إلا بعمل ولا عمل إلا بنية ولا نية إلا باصابة السنة** » هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد، و هیچ عملی جز با نیت ارزش ندارد و هیچ نیتی جز با موافقت با سنت ارزش ندارد.[۲]

۷۲۲). رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: « **لا قول إلا بعمل، ولا قول ولا عمل إلا بنية ..** » هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد و هیچ گفتار و عملی جز با نیت ارزش ندارد.[۳]

۷۲۳). همچنین فرمودند: « **انما الاعمال بالنيات** » بدرستی که اعمال وابسته به نیت ها است.[٤]

۷۲۴). و در حدیثی دیگر فرمودند: « **انما الاعمال بالنيات ولكل امرى، ما نوى** » همانا که اعمال به نیت ها وابستگی دارند، و با هرکس طبق نیتش رفتار خواهد شد.[٥]

---

[۱] کافی، ج۲، ص۶۹، ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۳.

[۳] کافی، ج۱، ص۴۱، ح۹.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۱.

[٥] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۲.

۷۲۵). عبد الله بن مغیره می گوید: حریز در کتاب خود گفته است: من فراموش کردم که در نماز واجب هستم، تا اینکه به رکوع رفتم و همان طور به نیت نافله بودم، تکلیف چیست؟

امام علیه السلام فرمودند: آن نماز همان نماز واجب است، زیرا از اول نیت تو بر فریضه بوده و پس از آن شک بر تو عارض شده است. پس تو در نماز فریضه بوده ای، و هرگاه در نماز نافله باشی و در اثنای آن، نیت نماز واجب کنی، تو در همان نماز نافله ای، و همین طور اگر مشغول نماز واجب باشی و در اثنای آن، نیت نافله کنی، این همان نماز واجب است، و به عنوان همان نماز واجب آن را تمام کن.[۱]

۷۲۶). معاویه می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی پرسیدم که به نماز واجب ایستاده است، و بعد فراموش کرده و فکر می کند نماز نافله است، یا کسی که در نماز نافله ایستاده و فراموش کرده و فکر می کند که در نماز واجب است؟ حضرت فرمودند: نماز همان نمازی است که اول به آن نیت کرده و نماز را با آن شروع نموده است.[۲]

۷۲۷). ابن ابی یعفور می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که به نماز واجب ایستاده و یک رکعت از آن را خوانده است، و بعد نیت نافله می کند، پرسیدم؟

فرمودند: نماز همان است که از اول نیت کرده است. بعد فرمودند: اگر به نماز ایستادی و نیت نماز فریضه نمودی، و بعد شک بر تو عارض شد، تو در همان نماز فریضه هستی، و اگر شک در نمازی که نیت نافله نموده بودی بر تو وارد شد، و نیت نماز فریضه کردی، تو در همان نماز نافله هستی، زیرا که برای بنده همان نمازی حساب می شود، که از اول به آن ابتداء و نیت کرده است.[۳]

---

[۱] کافی، ج۳، ص۲۰۶، ح۵. تهذیب الاحکام، ج۲؛ ص۳۶۸، ح۱۴۱۸.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۲؛ ص۳۶۸، ح۱۴۱۹.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۲؛ ص۳۶۸، ح۱۴۲۰.

تکبیرة الاحرام

۷۲۸). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **ان مفتاح الصلاة التکبیر** » بدرستی که کلید نماز تکبیره الاحرام است.[۱]

۷۲۹). ابوبصیر می گوید: از امام علیه السلام در مورد کمترین مقدری که از تکبیر در نماز کافی و مجزی است پرسیدم؟ فرمودند: گفتن یک تکبیر.[۲]

۷۳۰). زراره گوید: امام علیه السلام فرمودند: یک تکبیر برای شروع نماز کافی است، و سه تکبیر نیکو تر و هفت تکبیر بهتر است.[۳]

میگویم: همانند این از محمد مسلم از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است.[٤]

۷۳۱). زرارة می گوید: « **سألت أبا جعفر علیه السلام عن الرجل ینسی تکبیرة الافتتاح. قال: یعید**» از امام باقر در مورد شخصی که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده پرسیدم. فرمودند: باید نماز را اعاده کند.[٥]

۷۳۲). همچنین زراره از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که نماز را شروع کرده است، ولی تکبیرة الاحرام فراموش نموده پرسید؟ فرمودند: نماز را باید اعاده کند.[٦]

۷۳۳). علی بن یقطین می گوید: از ابالحسن (امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام) در مورد کسی پرسیدم که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده است، و شروع به خواندن نماز نموده تا اینکه به رکوع می رود؟

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۳، ص۲۹۷،ح۷۷۵.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۰،ح۲۳۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۷۴،ح۳.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۱،ح۲۴۲.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۹۷،ح۱. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۵۲،ح۵۵۷. الاستبصار،ص۲۰۰،ح۲.

[٦] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۵۲،ح۵۵۶. الاستبصار،ص۲۰۰،ح۱.

فرمودند: باید نماز را اعاده کند.[1]

۷۳۴). عمار بن موسی ساباطی می گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن رجل سها خلف الامام فلم يفتتح الصلاة قال: يعيد الصلاة ولا صلاة بغير افتتاح** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم درباره کسی که در نماز جماعت، تکبیرة الاحرام را فراموش می کند، و نمی گوید؟ فرمودند : نمازش را اعاده کند و نماز نیست، مگر با تکبیرة الاحرام.[2]

۷۳۵). فضل یا ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام درباره کسی نماز می خواند و بعد متوجه می شود که تکبیره الاحرام را نگفته است، پرسیدند که آیا تکبیری که با آن به رکوع می رود، او را کفایت می کند؟ فرمودند: نه، بلکه در صورتی که بداند تکبیر الاحرام را نگفته است، باید نماز خود را اعاده کند.[3]

۷۳۶). امام صادق فرمودند: « **رفعك يديك في الصلاة زينتها** » بالا آوردن دستهایت در نماز (هنگام گفتن تکبیر)، زینت نماز است.[4]

۷۳۷). صفوان بن مهران جمال می گوید: « **رأيت أبا عبدالله** عليه السلام **إذا كبر في الصلاة يرفع يديه حتى تكاد تبلغ أذنيه** » امام صادق عليه السلام را دیدم وقتی در نماز تکبیر می گفتند، دستهایشان را بالا می آوردند تا جایی که نزدیک بود به گوششان برسد.[5]

۷۳۸). عبد الله بن سنان می گوید: « **رأيت أبا عبدالله** عليه السلام **يصلي يرفع يديه حيال وجهه حين استفتح** » دیدم امام صادق عليه السلام نماز می خواند و در هنگام گفتن تکبیرة الاحرام دو دست خود را مقابل صورت خود بالا می آورد.[6]

---

[1] تهذيب الاحكام، ج۲،ص۱۵۲،ح۵۶۰. الاستبصار،ص۲۰۱،ح۵.

[2] تهذيب الاحكام، ج۲،ص۳۸۰،ح۱۴۶۶.

[3] کافی،ج۳،ص۱۹۷،ح۲. تهذيب الاحكام، ج۲،ص۱۵۲،ح۵۶۲. الاستبصار،ص۲۰۱،ح۱.

[4] تهذيب الاحكام، ج۲،ص۸۰،ح۲۸۱.

[5] تهذيب الاحكام، ج۲،ص۷۰،ح۲۳۵.

[6] تهذيب الاحكام، ج۲،ص۷۰،ح۲۳۶.

۷۳۹). حضرت امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **إذا أفتتحت الصلاة فكبرت فلا تجاوز أذنيك ولا ترفع يديك بالدعاء في المكتوبة تجاوز بهما رأسك** » هرگاه نماز را شروع کردی و تکبیر گفتی، دستهایت را از دو گوشت فراتر مبر و برای دعا در نماز واجب، دستهایت را از سرت بالاتر نبر.[۱]

۷۴۰). منصور بن حازم گوید: حضرت امام صادق علیه السلام را دیدم که هنگام گفتن تکبیرة الاحرام دو دست خود را مقابل صورتشان بالا آوردند، به نوعی که کف دوست حضرت رو به قبله بود.[۲]

قیام

۷۴۱). ابی حمزه می گوید: امام باقر درباره فرمایش خدای عزوجل که می فرماید: «**الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم** » کسانی که خداوند را در حال ایستاده، نشسته و بر پهلوهایشان یاد می کنند.[۳] فرمودند: شخص سالم باید ایستاده و نشسته نماز بخواند، و شخص بیمار، باید نشسته نماز بخواند، و کسانی که خداوند درباره آنان فرموده « **وعلى جنوبهم** » و بر پهلوهایشان. کسی است که از بیماری که نشسته نماز می گزارد ناتوان تر است، (و بر پهلو نماز می خواند).[٤]

۷۴۲). سماعه گوید: « **سألته عن المريض لا يستطيع الجلوس قال: فليصل وهو مضطجع وليضع على جبهته شيئا إذا سجد فانه يجزي عنه ولن يكلف الله ما لا طاقة له به** » از امام علیه السلام درباره مریضی که نشسته نمی تواند نماز بخواند پرسیدم ؟ فرمودند: باید در حالی که به پهلویش خوابیده است نماز بخواند و بر پیشانیش هنگام سجده چیزی بگذارد زیرا که اینکار از

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۶۹،ح۲۳۳.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۱،ح۲۴۰.

[۳] سوره سجده،آیه۱۵.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۳۴،ح۱۱. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۷۹،ح۶۷۲.

جانب او مجزی است و خداوند عزوجل هرگز چیزی را بر کسی واجب نمی گرداند که در توانش نیست.[١]

٧٤٣). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **يصلي المريض قائما، فان لم يقدر على ذلك صلى جالسا** » مریض باید ایستاده نماز می خواند، پس اگر بر این کار قدرت نداشت نشسته نماز بخواند.[٢]

٧٤۴). همچنین از آن حضرت عليه‌السلام پرسیده شد که: مریض چه وقت می تواند نمازش را نشسته بخواند؟ فرمودند: گاهی انسان اندکی تب می کند و احساس ناراحتی می نماید، ولی بیمار به حال خود داناتر است، (اگر توان ایستادن را ندارد نشسته نماز بخواند) و اگر در اثنای نماز نیرویی پیدا کرد، باید برخیزد.[٣]

٧۴۵). حلبی گوید: از امام صادق در مورد بیماری که توانایی ایستادن و سجده کردن را ندارد، سوال کردم؟ فرمودند: باید با سر خود اشاره کند و اگر پیشانی خود را بر زمین بگذارد، نزد من بهتر است.[٤]

٧۴۶). از امام صادق عليه‌السلام پرسیده شد در موردی مریضی که نشسته نمی تواند نماز بخواند، که آیا می شود، چنین کسی بر پهلوی بخواند و در سجده پیشانی بر آن چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد؟ فرمودند: آری، خداوند او را تکلیف نفرموده مگر به اندازه طاقت و توانش.[٥]

٧۴٧). « **قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله: المريض يصلي قائما، فإن لم يستطع صلى جالسا، فإن لم**

---

[١] تهذیب الاحکام، ج٣،ص٣٣٨،ح٩۴۴.

[٢] تهذیب الاحکام، ج٣،ص١٩٢،ح٣٩٣. من لایحضره الفقیه،ج١،ص٢٥١،ح١٠٣٣.

[٣] کافی،ج٣،ص٢٢٢،ح٣. تهذیب الاحکام، ج٢،ص١٨٠،ح٦٧٣.

[٤] کافی،ج٣،ص٢٢٢،ح٥.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج١،ص٢٥١،ح١٠٣۴.

يستطع صلى على جنبه الايمن، فإن لم يستطع صلى على جنبه الايسر فإن لم يستطع استلقى وأومأ إيماء وجعل وجهه نحو القبلة، وجعل سجوده أخفض من ركوعه » رسول خدا ﷺ فرمودند: شخص مریض ایستاده نماز می خواند، و اگر نتواند ایستاده بخواند نشسته نماز می کند، و اگر باز هم نتواند بر پهلوی راست دراز کشیده و نماز می خواند، و اگر بازهم نتواند بر پهلوی چپ نماز می گزارد، و اگر با این نحو هم نتوانست، و پشت روی زمین میخوابد، (و برای رکوع و سجده) اشاره می کند، و روی خود را بسوی قبله می گرداند، و سجودش را پائین تر و پست تر از رکوع خود می کند.[1]

۷۴۸). رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس پشت خود را در نماز راست نکند، او را نمازی نیست.[2]

۷۴۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام فرمود: « **من لم يقم صلبه في الصلاة فلا صلاة له** » هرکس در نماز پشت خود را راست نکند برای او نمازی نیست.[3]

قرائت

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، واجب است حمد و بعد از آن یک سورهٔ کامل خوانده شود، اما آنچه که روایت شده است از جواز خواندن سورهٔ بصورت ناقص، از باب تقیه است، و سوره الضّحی والم نشرح، یک سوره اند، و همچنین سوره فیل و لإیلاف، پس اگر کسی در نماز یکی از این دو را خواند باید دیگری را نیز بخواند، و بسم الله الرحمن الرحیم جز سوره حمد است. اگر کسی عجله به انجام کاری دارد، یا از چیزی بر جان و مال خود می ترسد، یا آنکه مریض است، میتواند تنها به خواندن سوره حمد اکتفا کند، اگر کسی قرائت حمد یا سوره

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۵۱،ح۱۰۳۷.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۵،ح۸۵۶.

[3] کافی،ج۳،ص۱۸۰،ح۴.

و یا هر دو را فراموش کرده است، اگر قبل از رکوع به خاطر می آورد، باید آن را بخواند، اما اگر بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است و چیزی بر عهده او نیست.

۷۵۰). محمد بن مسلم می گوید: یکی از دو امام علیهما السلام فرمودند: « **من ترك القراءة متعمدا أعاد الصلاة ومن نسي القراة فقد تمت صلاته ولا شئ عليه** » هرکسی که قرائت را از روی عمد ترک نماید، باید نمازش را اعاده کند، و هرکس قرائت را فراموش کند، (و بعد از رکوع بفهمد) نمازش تمام است، و چیزی بر او واجب نیست.[۱]

۷۵۱). ابو بصیر می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل نسي ام القرآن قال: إن كان لم يركع فليعد ام القرآن** » از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که سوره حمد را فراموش می کند، پرسیدم؟ فرمودند: اگر هنوز به رکوع نرفته است، باید آن را بخواند.[۲]

۷۵۲). « **وقال الرضا عليه السلام: إنما جعل القراء ة في الركعتين الاولتين والتسبيح في الاخيرتين للفرق بين ما مافرضه الله عزوجل من عنده، وبين ما فرضه الله تعالى من عند رسول الله صلى الله عليه وآله** » و حضرت رضا علیه السلام فرمودند: خداوند متعال در دو رکعت اول نماز قرائت (خواندن حمد و سوره) و در دو رکعت آخر تسبیح قرار داده است، برای اینکه فرق باشد، بین آن چیزی که خداوند عزوجل از جانب خود واجب قرار داده است، و آنچه که از جانب رسول الله صلی الله علیه وآله واجب گشته است.[۳]

۷۵۳). همچنین امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند متعال مردم به قرائت در نماز دستور داده است، تا مبادا قرآن متروک و به دست فراموشی سپرده شود، و در نتیجه ضایع و نابود گردد، لکن (چون واجب شده که در نماز ها بخوانند) حفظ گردیده و مورد آموزش و آموختن قرار گرفته است، و در این صورت فراموشی و نا بودی و نداشتن باقی ماندن از او بر کنار شده است. و بدان

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۹۷،ح۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۹۷،ح۲.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۸،ح۹۲۳.

جهت بخواندن سوره حمد آغاز گشته نه سوره های دیگر قرآن، زیرا که در قرآن یا سخنان خیر دیگر یافت نمی شود آنچه که از خیر و حکمت در سوره حمد یک جا فراهم آمده است.[1]

۷۵۴). محمد بن مسلم می گوید: از آن حضرت (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: کسی که در نماز خود سوره حمد را نمی خواند (چه حکمی دارد؟). فرمودند: نمازی برای او نیست، مگر اینکه در نمازهای جهری یا اخفائی نماز را با سوره حمد شروع کند.

عرض کردم: به نظر شما اگر از چیزی بترسد، یا عجله داشته باشد، بهتر است کدام یک را بخواند حمد یا سوره ای دیگر را؟ فرمودند: سوره حمد را بخواند.[2]

۷۵۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد اگر کسی در رکعت اول و دوم نماز تنها سوره حمد را بخواند، اگر به انجام کاری عجله دارد، یا از چیزی (بر جان و مال خود) می ترسد.[3]

۷۵۶). حسن صیقل می گوید: « **قلت: لابي عبدالله علیه السلام أيجزي عني أن أقول في الفريضة فاتحة الكتاب وحدها إذا كنت مستعجلا أو أعجلني شئ؟ فقال: لا بأس** » به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کافی است که در نماز واجب در صورتی که عجله دارم، یا کاری فوری برایم پیش آمده، فقط سوره حمد را بخوانم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[4]

۷۵۷). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: بیمار می تواند در نماز واجب، فقط سوره حمد را بخواند، و برای غیر بیمار نیز جایز است که در قضای نمازهای نافله شبانه روز خود فقط سوره حمد را بخواند.[5]

۷۵۸). و روایت شده است که: « **أن الضحى و ألم نشرح سورة واحدة و كذا سورة ألم**

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۹،ح۹۲۶.

[2] کافی،ج۳،ص۱۷۸،ح۲۸.

[3] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۶،ح۲۶۱.

[4] کافی،ج۳،ص۱۷۶،ح۷. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۵،ح۲۵۵. الاستبصار،ص۱۷۹،ح۴.

[5] کافی،ج۳،ص۱۷۶،ح۹. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۵،ح۲۵۶. الاستبصار،ص۱۷۹،ح۵.

تر كيف و لإيلاف قريش » سوره الضّحی و الم نشرح یک سوره اند، و همچنین سوره فیل و لإيلاف قريش.[۱]

۷۵۹). امام باقر ﷺ یا امام صادق ﷺ فرمودند: « **أ لم تر كيف فعل ربك و لإيلاف قريش سورة واحدة** » أ لم تر کیف (یعنی سوره فیل) و لإيلاف قریش یک سوره اند.[۲]

۷۶۰). زید شحام میگوید: ما با امام صادق ﷺ نماز صبح را با جماعت خواندیم، حضرت سوره الضحی و الم نشرح را در یک رکعت قرائت نمودند.[۳]

۷۶۱). محمد مسلم می گوید: از امام صادق ﷺ در باره « **وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ** » و به راستی به تو سبع المثانی و قرآن بزرگ را عطا کردیم.[٤] پرسیدم، که آیا سبع المثانی سوره فاتحه الکتاب (حمد) است؟ فرمودند: بلی. گفتم: آیا بسم الله الرحمن الرحیم جز آن است؟ فرمودند: بلی، و با فضیلت ترین آنها می باشد.[٥]

۷۶۲). همچنین آن حضرت فرمودند: « **بسم الله الرحمن الرحيم اقرب إلى اسم الله الاعظم من ناظر العين إلى بياضها** » بسم الله الرحمن الرحیم نزدیک ترین کلمات به اسم اعظم خداوند متعال می باشد، نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن.[٦]

۷۶۳). معاویه بن عمار می گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: هرگاه برای نماز برخواستم « بسم الله الرحمن الرحیم » را در سوره حمد بخوانم؟ فرمودند: آری. عرض کردم: هنگامی که سوره حمد را قرائت کردم، « بسم الله الرحمن الرحیم » با سوره بخوانم؟ فرمودند: آری.[۷]

---

[۱] مجمع البیان،ج۵،ص۵۰۷.

[۲] مجمع البیان،ج۵،ص۵۴۴.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۷،ح۲۶۶.

[٤] سوره حجر،آیه۸۷.

[٥] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۳۱۲،ح۱۱۵۷.

[٦] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۳۱۲،ح۱۱۵۹.

[۷] کافی،ج۳،ص۱۷۵،ح۱. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۴،ح۲۵۱. الاستبصار، ص۱۷۷،ح۲.

۷۶۴). منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمودند:« **لا تقرأ في المكتوبة بأقل من سورة ولا بأكثر** » در نماز واجب (به غیر از حمد) از یک سوره کمتر یا بیشتر مخوان.[۱]

۷۶۵). صفوان جمال گوید: مدتی به امامت امام صادق عليه‌السلام نماز گزاردم، حضرتش در نمازهایی که قرائت در آنها آهسته است، (یعنی نماز ظهر و عصر) در هر دو سوره « بسم الله الرحمن الرحیم » را بلند می خواند.[۲]

۷۶۶). ابوعلی بن راشد می گوید: به امام هادی عرض کردم: فدایت گردم شما به محمد بن فرج نوشته اید و به او تعلیم داده اید که بهترین سوره ای که در نماز های واجب خوانده می شود، « **إنا أنزلناه** » و « **قل هو الله أحد** » است، و سینه من به هنگام خواندن این دو سوره در نماز صبح تنگ می شود. فرمودند: سینه تو برای خواندن این دو سوره تنگ نشود، زیرا که به خدا سوگند که فضیلت در این دو سوره است.[۳]

۷۶۷). یکی از اصحاب حضرت رضا عليه‌السلام می گوید: چندن ماه پشت سر حضرت نماز خواندیم، و آن حضرت در نماز های واجب در رکعت اول بعد از حمد سوره « **إنا أنزلناه** » و در رکعت دوم بعد از حمد سوره « **قل هو الله أحد** » را قرائت می کردند.[٤]

۷۶۸). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **من مضى به يوم واحد فصلى فيه خمس صلوات و لم يقرا فيها بقل هو الله احد قيل له يا عبدالله لست من المصلين** » کسی که در یک روز پنج نماز بخواند و سوره « **قل هو الله أحد** » را در (یکی از) آنها قرائت نکند، به او می گویند: ای بنده خدا تو از نمازگزاران نیستی.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۷۶،ح۱۲. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۷۴،ح۲۵۳. الاستبصار، ص۱۷۹،ح۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۷۷،ح۲۰.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۷۷،ح۱۹. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۳۱۳،ح۱۱۶۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۷. عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۸۲،ح۵،باب۴۷.

[٥] کافی،ج۲،ص۴۵۵،ح۱۰.

می گویم: مردان واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند، و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، اگر کسی نمازی را که باید آهسته بخواند بلند خواند یا نمازی را که باید بلند بخواند، آهسته خواند، اگر از روی عمد چنین کند، نمازش باطل است و باید دوباره آن را اعاده کند، ولی اگر از روی سهو و فراموشی باشد، نمازش صحیح است، و نباید در نماز های واجب، سوره های که سجده واجب دارند را خواند. و انسان می تواند در رکعت سوم و چهارم نماز فقط یک حمد بخواند، یا اینکه یک مرتبه بگوید: « **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** » و مستحب است، سه بار بگوید، و همچنین مستحب است که بعد از آن استغفار نماید، و در رکعت سوم و چهارم گفتن تسبیح از خواندن حمد افضل و برتر است.

۷۶۹). رجاء ابن ابی ضحاک در حدیثی می گوید: « **كان يجهر بالقراءة في المغرب والعشاء وصلاة الليل والشفع والوتر والغداة ويخفي القراءة في الظهر والعصر** » حضرت رضا عليه‌السلام قرائت نماز مغرب و عشاء و نماز شب و شفع و وتر و صبح را بلند می خواند، و نماز ظهر و عصر را آهسته.[1]

۷۷۰). از محضر امام صادق عليه‌السلام پرسیده شد: برای چه در نماز فجر و مغرب و عشاء قرائت بلند خوانده می شود و سایر نمازها مثل ظهر و عصر را بلند نمی خوانند؟

حضرت فرمودند: به خاطر آنکه وقتی نبی اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را به آسمان بردند اوّلین نمازی که حق تعالی بر آن سرور واجب نمود نماز ظهر روز جمعه بود پس از آن حق تبارک و تعالی فرشتگان را به آن جناب افزود و آنها پشت سر حضرتش به نماز ایستادند، پس حق تعالی به نبی گرامیش امر فرمود که قرائت نماز (جمعه) را بلند بخواند تا بر فرشتگان فضل و برتریش نسبت به آنها معلوم و آشکار گردد و پس از نماز ظهر، نماز عصر را بر پیامبر فرض و واجب گردانید، در هنگام خواندن

---

[1] عیون الاخبار الرضا،ج۲،ص۱۸۲،ح۵،باب۴۴.

آن احدی از فرشتگان را خداوند عزّ اسمه به پیامبرش نیفزود و به او امر نمود که قرائت را مخفی و آهسته بخواند زیرا پشت سر آن جناب کسی نبود و پس از آن نماز مغرب را بر او واجب کرد و سپس فرشتگان را به آن حضرت افزود پس امر کرد که قرائت این نماز را نیز بلند بخواند و همچنین در نماز عشاء، و وقتی نزدیک طلوع فجر رسید نماز صبح را حق تبارک و تعالی بر حضرتش فرض نمود و امر کرد که آن را نیز بلند بخواند تا فضل او بر دیگران معلوم گردد همان طوری که بر فرشتگان معلوم گردید و به همین خاطر نماز صبح را باید بلند خواند.[۱]

۷۷۱). زراره گوید: امام باقر علیه السلام در مورد شخصی که نمازی را که باید آهسته بخواند بلند خوانده است، و نمازی را که باید بلند بخواند، آهسته خوانده است فرمودند: اگر از روی عمد چنین کند، نمازش باطل است و باید دوباره آن را اعاده کند، ولی اگر از روی فراموشی و سهو بوده است اشکالی ندارد.[۲]

۷۷۲). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا بلند خواندن حمد و سوره در نمازهای فریضه برای زنان واجب است؟ فرمودند: نه.[۳]

۷۷۳). حضرت امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا تقرأ في المكتوبة بشئ من العزائم فإن السجود زيادة في المكتوبة** » در نماز های واجب، هیچ یک از سوره های که سجده واجب دارند، مخوان زیرا که سجده در نمازهای واجب باعث زیاد شدن می شود.[٤]

بیان: سوره های که سجده واجب دارند، چهار سوره اند: (**حم سجده**) یعنی فصلت، و (**الم تنزیل**) یعنی سجده، و (**نجم**) و (**اقرأ**) که بیان آنها خواهد آمد.

۷۷۴). علی بن حنظله می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره دو رکعت آخر نماز پرسیدم که

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۸،ح۹۲۴.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۴۳،ح۱۰۰۳.

[۳] قرب الاسناد،ص۱۰۰.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۷۹،ح۶. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۲،ح۳۶۱.

در آنها چکار کنم؟ فرمودند : اگر خواستی سوره حمد را بخوان و اگر خواستی ذکر و تسبیح خدا بگو هر دو مساوی است.[1]

۷۷۵). زراره می گوید: از امام صادق علیه‌السلام در باره دو رکعت آخر نماز ظهر پرسیدم، که در آنها چه باید گفت؟ فرمودند: تسبیح و حمد خدا بگو (یعنی اینکه بگویی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ**) و برای گناهان خود استغفار کن، و اگر خواستی سوره حمد را بخواند، که او نیز ستایش و دعا می باشد.[2]

۷۷۶). زراره گوید: به امام باقر علیه‌السلام گفتم: در دو رکعت آخر نماز چه ذکری کفایت می کند؟ فرمودند: این که بگویی: « **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** » سپس تکبیر می گویی و به رکوع می روی.[3]

۷۷۷). رجاء ابن ابی ضحاک در حدیثی می گوید: حضرت رضا علیه‌السلام در دو رکعت آخر نماز سه مرتبه می گفت: « **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** ».[4]

۷۷۸). شخصی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: برای چه تسبیح در دو رکعت آخر نماز افضل و برتر از قرائت (حمد) می باشد؟ فرمودند: زیرا (در شب معراج) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در دو رکعت اخیر متذکر عظمت حق عزّ وجلّ شد وحشت و هراس او را گرفت و فرمود: « **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** » و به همین خاطر تسبیح از قرائت افضل و برتر گشت.[5]

رکوع

[1] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۴،ح۳۶۹.

[2] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۴،ح۳۶۸.

[3] کافی،ج۳،ص۱۷۹،ح۲. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۲،ح۳۶۷.

[4] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۸۲،ح۵،باب۴۴.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۸،ح۹۲۴.

۷۷۹). زراره گوید: حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: چون خواستی به رکوع بروی، در حالی که راست استاده ای بگو: « **الله أكبر** » سپس به رکوع برو و بگو: « **اللَّهُمَّ لَکَ رَكَعْتُ وَ لَکَ أَسْلَمْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ عَلَيْکَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَکَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** »

سپس سه مرتبه شمرده و با تأمل می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** »

و میان دو قدم خود را در رکوع برابر کن و فاصله میان آنها را به اندازه یک وجب قرار ده و دو کف خود را بر زانوان خویش بگذار و دست راست پیش از دست چپ بر آن بگذار و اطراف انگشتان خود را به اطراف زانو برسان، و چون انگشتان خود را بر زانوان خود گذاردی، آنها را باز کن و پشت خود را راست و گردن خویش را بکش و باید نگاه و نظر تو در میان دو قدم تو باشد، سپس (از رکوع بر می خیزی) در حالی که راست استاده ای می گویی: «**سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**» و می گویی: « **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ * أَهْلَ الْجَبَرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَهُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» سپس دست های خود را به تکبیر بلند می کنی و به سجده می افتی.[1]

۷۸۰). همچنین امام علیه السلام باقر فرمودند: « **إذا أردت أن تركع وتسجد فارفع يديك وكبر ثم أركع واسجد** » هرگاه خواستی به رکوع و یا به سجده بروی، دست های خود را بلند کن و تکبیر بگو، سپس رکوع و سجده کن.[2]

۷۸۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **رفعك يديك في الصلاة زينتها** » بالا آوردن دستهایت در نماز (هنگام گفتن تکبیر)، زینت نماز است.[3]

۷۸۲). امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد

---

[1] کافی، ج۳، ص۱۷۹، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۸۳، ح۲۸۹.

[2] کافی، ج۳، ص۱۷۹، ح۳.

[3] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۸۰، ح۲۸۱.

و مشغول نماز گشت در حالی که رکوع و سجود آن را درست بجای نمی آورد. آن حضرت فرمود: آن مرد همانند کلاغ منقار زد، اگر او بمیرد و نمازش این گونه باشد، بر غیر دین من مرده است.[١]

میگویم: در رکوع گفتن یک تسبیح تام و کامل یعنی اینکه بگویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** » یا آنکه سه مرتبه بگویی: « **سُبْحَانَ اللَّهِ** » کافی است، و مسحتب است « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** » سه یا هفت مرتبه گفته شود.

٧٨٣). زراره می گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: چه گفتاری در رکوع و سجده کفایت می کند؟ فرمودند: سه تسبیح به تأنی و آرامش، و یا یک تسبیح تام و کامل.[٢]

٧٨٤). معاویه بن عمار می گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام: أخف ما يكون من التسبيح في الصلاة؟ قال: ثلاث تسبيحات مترسلا تقول: سبحان الله سبحان الله سبحان الله** » به امام صادق عليه السلام عرض کردم، سبک ترین تسبیح در نماز چیست؟ فرمودند: اینکه سه تسبیح به تأنی و آرامش بگویی یعنی: « **سبحان الله سبحان الله سبحان الله** ».[٣]

٧٨٥). هشام بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد تسبیح در رکوع و سجده سوال کردم؟ فرمودند: در رکوع می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ (وَ بِحَمْدِهِ)** » و در سجده می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى (وَ بِحَمْدِهِ)** » گفتن یک بار تسبیح واجب، سه بار مستحب، و هفت بار بهتر است.[٤]

٧٨٦). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **الصلاة ثلاثة أثلاث ثلث طهور وثلث ركوع وثلث سجود** » نماز سه ثلث است: یک ثلث آن طهارت، یک ثلث آن رکوع و یک ثلث آن سجده

---

[١] کافی، ج٣،ص١٥١،ح۶. تهذیب الاحکام،ج٢،ص٢۵۶،ح٩۴٨.

[٢] تهذیب الاحکام،ج٢،ص٨١،ح٢٨٣.

[٣] تهذیب الاحکام،ج٢،ص٨٣،ح٢٨٨.

[٤] تهذیب الاحکام،ج٢،ص٨١،ح٢٨٢.

است.[1]

۷۸۷). همچنین فرمودند: « **ان الله عزوجل فرض الرکوع والسجود** » خداوند عزوجل رکوع و سجده را واجب گردانیده است.[2]

۷۸۸). رفاعه می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که رکوع را فراموش می کند و به سجده می رود و بر می خیزد، (چه حکمی دارد)؟ فرمودند: باید: نماز را از سر گیرد.[3]

۷۸۹). ابی بصیر می گوید: از امام باقر علیه السلام در موردی کسی که رکوع را فراموش کرده است، پرسیدم؟ فرمودند: باید نماز را اعاده کند.[4]

۷۹۰). عمران حلبی گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: کسی درحالی که ایستاده است، شک می کند که آیا رکوع کرده است یا نه (حکمش چیست؟) فرمودند: باید به رکوع برود.[5]

بیان: این برای زمانی است که هنوز به سجده نرفته و سجده را انجام نداده است.

۷۹۱). ابی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که در حال قیام و ایستاده است، شک می کند که آیا رکوع را بجا آورده یا نه (چه حکمی دارد؟)

فرمودند: باید به رکوع برود، سپس سجده کند.[6]

۷۹۲). از امیرالمومنین علیه السلام پرسیده شد در مورد کسی که در رکوع تسبیح نگفته و آن را فراموش کرده است؟

فرمودند: نماز او صحیح است.[7]

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۵۴،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۴۹،ح۵۴۴.

[2] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۵۶،ح۵۵۷.

[3] کافی،ج۳،ص۱۹۷،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۵۷،ح۵۸۷ و ۵۸۸.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۵۸،ح۵۸۴.

[5] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۵۹،ح۵۸۹.

[6] کافی،ج۳،ص۱۹۷،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۰،ح۵۹۰.

[7] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۷،ح۶۱۲.

٧٩٣). علی بن یقطین می گوید: از امام کاظم در مورد کسی که در رکوع و سجده فراموش کرده است تسبیح بگوید، پرسیدم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[1]

٧٩٤). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا رفعت رأسك من الركوع فأقم صلبك فإنه لا صلاة لمن لا يقيم صلبه** » چون سر از رکوع بر داشتی، پشت خود را راست گردان، (آنگاه به سجده برو) زیرا کسی که در این حال پشت خود را راست نکند، برای او را نمازی نیست.[2]

٧٩٥). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **من لم يقم صلبه في الصلاة فلا صلاة له** » هرکس در نماز پشت خود را راست نکند برای او نمازی نیست.[3]

٧٩٦). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا رفعت رأسك من الركوع فأقم صلبك حتى ترجع مفاصلك** » هنگامی که سرت را از رکوع بلند کردی، پشت و کمر خود را راست کن، تا اینکه مفصل های تو (بجای خود) برگردد (آنگاه به سجده برو).[4]

٧٩٧). جمیل بن دراج می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وقتی امام جماعت (بعد از رکوع) می گوید: « **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** » مأمون چه بگوید؟

فرودند: آهسته می گوید: « **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ** ».[5]

٧٩٨). عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که در رکوع یا سجده پیامبر صلی الله علیه وآله را یاد می کند و در همان حال بر حضرت صلوات می فرستد، پرسیدم؟

فرمودند: آری، صلوات گفتن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله همانند گفتن تکبیر و تسبیح می باشد، و برای آن ده حسنه است که هیجده فرشته بسوی آن شتاب مـی گیرند، که کدام یـک از آنها آن

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۷،ح۶۱۴.

[2] کافی،ج۳،ص۱۸۰،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۸۴،ح۲۹۱.

[3] کافی،ج۳،ص۱۸۰،ح۴.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۰،ح۱۳۳۲.

[5] کافی،ج۳،ص۱۸۰،ح۲.

صلوات را به حضرتش ابلاغ نمایند.[1]

۷۹۹). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: « **من قال في ركوعه وسجوده وقيامه: " صلى الله على محمد و آل محمد " كتب الله له بمثل الركوع والسجود والقيام** » هرکس در رکوع، سجود و قیامش بگوید: « **صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** » خداوند پاداشی مانند پاداش همان رکوع، سجود و قیام برای او می نویسد.[2]

۸۰۰). علی بن جعفر می گوید: از امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم: آیا در تشهد یا ذکر و تسبیح رکوع، سجده و قنوت باید انسان آن را بلند بخواند؟

فرمودند: اگر خواست بلند بگوید، و اگر خواست آهسته بگوید.[3]

سجود

۸۰۱). حلبی گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هرگاه سجده کردی، تکبیر بگو و این دعا را بخوان: « **اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ * تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ** » سپس سه بار بگو: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** » و چون سر از سجده بر داشتی بین دو سجده بگو: « **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي وَ ادْفَعْ عَنِّي إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ** ».[4]

۸۰۲). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سجده به هفت موضع است: گذاشتن پیشانی، (کف) دو دست، دو زانو و دو انگشت بزرگ پا (بر زمین)، واجب گذاشتن این هفت

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۲۳۲، ح۱۲۰۶. کافی، ج۳، ص۱۸۱، ح۵.

[2] کافی، ج۳، ص۱۸۲، ح۱۳.

[3] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۲۷، ح۱۲۷۲.

[4] کافی، ج۳، ص۱۸۰، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۸۴، ح۲۹۵.

موضع است، اما گذاشتن بینی بر زمین آن سنت رسول الله ﷺ می باشد.[١]

٨٠٣). امام صادق عليه السلام به نقل از پدرش بزرگوارشان فرمودند: « **اذا سجد احدکم فلیبا شر بکفیه الارض لعل یدفع عنه الغل یوم القیامه** » هنگامی که سجده کردید، کف دستهایتان را بر زمین بگذارید؛ بدان امید که در روز قیامت زنجیر نشوید.[٢]

٨٠۴). زراره گوید: به یکی از دو امام عليهما السلام گفتم: کسی سجده میکند در حالی که کلاه یا عمامه بر سر دارد، چگونه است؟ فرمودند: اگر پیشانی او که از ابرو ها تا رستنگاه موی سر اوست، اندکی به زمین برسد، همین مقدار برای او کافی است.[٣]

٨٠۵). زراره می گوید: از امام باقر عليه السلام از حد و اندازه سجده سوال کردم؟

حضرت فرمودند: « **ما بين قصاص الشعر إلى موضع الحاجب ما وضعت منه اجزأك** » ما بین محل رستنگاه موی سر تا مکان ابرو است، هر مقداری از آن را که بر زمین بگذاری، تو را کفایت می کند.[٤]

٨٠۶). همچنین زراره گوید: حضرت امام باقر عليه السلام فرمودند: تمامی پیشانی از رستنگاه موی سر تا دو ابرو، جای سجده است. پس هر قسمت از آن که با زمین برخورد کند، اگر به اندازه یک درهم یا به اندازه یک بند انگشت باشد، کافی است.[٥]

میگویم: در سجده گفتن یک تسبیح تام و کامل یعنی اینکه بگویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** » یا آنکه سه مرتبه بگویی: « **سُبْحَانَ اللَّهِ** » کافی است، و مسحتب است « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** » در سجده سه یا هفت مرتبه گفته شود.

---

[١] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۳،ح۱۲۰۴. الاستبصار،ص۱۸۷،ح۵.

[٢] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۲۰،ح۹۲۹.

[٣] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۱،ح۸۳۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۹۱،ح۳۱۴.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۹۱،ح۳۱۳.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۸۸،ح۱.

۸۰۷). زراره می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: چه گفتاری در رکوع و سجده کفایت می کند؟ فرمودند: سه تسبیح به تأنی و آرامش، و یا یک تسبیح تام و کامل.[۱]

۸۰۸). معاویه بن عمار می گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام: أخف ما يكون من التسبيح في الصلاة؟ قال: ثلاث تسبيحات مترسلا تقول: سبحان الله سبحان الله سبحان الله** » به امام صادق علیه السلام عرض کردم، سبک ترین تسبیح در نماز چیست؟ فرمودند: اینکه سه تسبیح به تأنی و آرامش بگویی یعنی: « **سبحان الله سبحان الله سبحان الله** ».[۲]

۸۰۹). هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد تسبیح در رکوع و سجده سوال کردم؟ فرمودند: در رکوع می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ (وَ بِحَمْدِهِ)** » و در سجده می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى (وَ بِحَمْدِهِ)** » گفتن یک بار تسبیح واجب، سه بار مستحب، و هفت بار بهتر است.[۳]

۸۱۰). ابی بکر حضرمی می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: حد و اندازه رکوع و سجده چیست؟ فرمودند: در رکوع سه بار می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** » و سه بار در سجده می گویی: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** ».[٤]

۸۱۱). علی بن جعفر می گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا در تشهد یا ذکر و تسبیح رکوع، سجده و قنوت باید انسان آن را بلند بخواند؟

فرمودند: اگر خواست بلند بگوید، و اگر خواست آهسته بگوید.[٥]

۸۱۲). عبد الله بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مکان پیشانی سجـده کننده

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۸۱، ح۲۸۳.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۸۳، ح۲۸۸.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۸۱، ح۲۸۲.

[٤] کافی، ج۳، ص۱۸۵، ح۱.

[٥] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۲۷، ح۱۲۷۲.

سوال کردم، آیا از محل ایستادن او بلند تر باشد؟

فرمودند: فرمودند: نه، باید برابر و مساوی باشد.[۱]

۸۱۳). همچنین عبد الله بن سنان گوید: از آن حضرت ﷺ در مورد سجده کردن بر زمینی که مرتفع است سوال کردم؟

فرمودند: اگر جای پیشانی تو به اندازه یک خشت از جای بدن تو بلندتر باشد، اشکالی ندارد.[۲]

۸۱۴). مصدق بن صدقه گوید: از امام صادق ﷺ سوال کردم: آیا بیمار می تواند که بر روی فراش خود بایستد و بر روی زمین سجده نماید؟

فرمودند: چناچه که ضخامت فراش به اندازه یک آجر (خشت) یا کمتر باشد، ایرادی ندارد که بر روی آن بایستد و بر روی زمین سجده کند، ولی اگر بیشتر از آن باشد، جایز نیست.[۳]

۸۱۵). مصادف گوید: « **خرج بي دمل فكنت أسجد على جانب فرأي أبوعبدالله ﷺ أثره فقال: ما هذا؟ فقلت: لا أستطيع أن أسجد من أجل الدمل فإنما أسجد منحرفا فقال لي: لا تفعل ولكن احفر حفيرة فاجعل الدمل في الحفرة حتى تقع جبهتك على الارض**» بر پیشانی من دملی پدید آمد، از این رو بر یک سمت پیشانی سجده می کردم. امام صادق ﷺ مرا دیدند و فرمودند: این چیست؟ گفتم: به خاطر دمل نمی توانم سجده کنم، ناچار چنین سجده می کنم. به من فرمودند: چنین نکن، بلکه گودال کوچکی کفر کن و دمل را هنگام سجده در آن قرار ده تا پیشانی است به زمین برسد.[٤]

۸۱۶). اسماعیل بن جابر می گوید: امام صادق ﷺ در مـــوردی کسی که سجـــده دوم را

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۹۱،ح۳۱۵. کافی،ج۳،ص۱۸۸،ح۴.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۳۷،ح۱۲۷۱. کافی،ج۳،ص۱۸۸،ح۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۳۴،ح۱۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۳۹،ح۹۴۹.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۸۸،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۹۲،ح۳۱۷.

فراموش می کند، و ایستاده می شود، آنگاه بیادش می آید که سجده نکرده است، فرمودند: مادامی که هنوز به رکوع نرفته است، باید برگردد و سجده کند، اما اگر بعد از رکوع بیادش آمده که سجده ننموده است، باید نمازش را ادامه داده تا آنکه سلام دهد، سپس آن سجده را قضاء می کند.[۱]

۸۱۷). عمار گوید: از امام صادق عليه السلام در موردی کسی که سجده را فراموش کرده است، و بعد از آنکه ایستاده و رکوع را انجام داده به یادش می آید، پرسیدم؟

فرمودند: نمازش را ادامه می دهد و سجده نمی کند، تا آنکه سلام دهد، پس زمانی که سلام داد سجده را قضاء می کند.

می گوید: گفتم: اگر بعد از نماز بیاد آورد (که سجده را فراموش کرده است)؟

فرمودند: هرگاه بیاد آورد قضا کند.[۲]

بیان: این برای زمانی است که یک سجده را فراموش نماید، چنانچه در حدیث اول ذکر شد، اما کسی که در یک رکعت هر دو سجده را فراموش کرده، نمازش باطل است.

۸۱۸). امام صادق عليه السلام فرمودند: نماز سه ثلث است: یک ثلث آن طهارت، یک ثلث آن رکوع و یک ثلث آن سجده است.[۳]

۸۱۹). همچنین فرمودند: « **ان الله عزوجل فرض الركوع والسجود** » خداوند عزوجل رکوع و سجده را واجب گردانیده است.[٤]

۸۲۰). حلبی می گوید: « **سئل أبو عبدالله عليه السلام عن رجل سهى فلم يدر سجدة سجد أم**

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۲،ح۶۰۲.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۲،ح۶۰۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۵۴،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۴۹،ح۵۴۴.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۵۶،ح۵۵۷.

ثنتين؟ قال: يسجد اخرى وليس عليه بعد انقضاء الصلاة سجدتا السهو » از امام صادق عليه السلام درباره کسی که سجده را فراموش می کند و نمی داند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدند؟ حضرت فرمودند: باید سجده دیگری بجا آورد و پس از اتمام شدن نماز، سجده سهو نیز بر او لازم نیست.[1]

بیان: این برای زمانی است که هنوز درحال سجده بوده و قیام نکرده باشد.

۸۲۱). زید شحام گوید: امام صادق عليه السلام در مورد شخصی که بر او مشتبه می شود و نمی داند که آیا یک سجده بجا آورده و یا دو سجده، فرمودند: بایستی یک سجده دیگر نیز بجا آورد.[2]

۸۲۲). ابوبصیر گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل شك فلم يدر سجدة سجد أم سجدتين قال: يسجد حتى يستيقن أنهما سجدتان** » از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که شک کند و نداند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدم؟ فرمودند: باید به سجده رود، تا یقین نماید که دو سجده به جا آورده است.[3]

۸۲۳). محمد بن اسماعیل می گوید: امام رضا عليه السلام را دیدم که هرگاه به سجده می رفت، سه انگشت از انگشتان خویش را یکی پس از دیگری، آهسته تکان می داد، گویی تسبیح را می شمرد، سپس سر از سجده بر می داشت.[4]

چیزهای که سجده بر آنها صحیح است

۸۲۴). هشام بن حکم می گوید: محضر امام صادق عليه السلام عرض کردم: بفرمایید سجده بر چه چیز جائز و بر چه چیز جائز نیست؟

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۱،ح۵۹۹. الاستبصار،ص۲۰۶،ح۱.
[2] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۲،ح۶۰۱. الاستبصار،ص۲۰۶،ح۳.
[3] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۶۱،ح۶۰۰. الاستبصار،ص۲۰۶،ح۲.
[4] کافی،ج۳،ص۱۸۱،ح۳.

حضرت فرمودند: جایز نیست سجده مگر بر زمین یا بر آنچه از زمین می روید به شرط آنکه خوردنی یا پوشیدنی نباشد.

عرض کردم: فدایت شوم، علّت آن چیست؟

فرمودند: زیرا سجود و خضوع و فروتنی برای خدای عزّوجل است، لذا سزاوار نیست که آن را بر خوردنی یا پوشیدنی قرار دهند چه آنکه فرزندان دنیا بندگان خوردنی ها و پوشیدنی ها هستند و حال آنکه سجده کننده در سجودش مشغول عبادت حق تبارک و تعالی است از این رو شایسته نیست این که پیشانی خود را در حال سجود بر معبود فرزندان دنیا که فریفته او هستند بگذارد.[۱]

۸۲۵). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **السجود علی ما أنبتت الارض إلا ما أکل أو لبس** » سجده باید بر (زمین، یا) چیزی باشد که از زمین می روید به شرطی که خوردنی و پوشیدنی نباشد.[۲]

۸۲۶). فضیل بن یسار، و برید بن معاوية می گویند: یکی از دو امام عليهما‌السلام فرمودند: « **لا بأس بالقیام علی المصلی من الشعر و الصوف إذا کان یسجد علی الارض فإن کان من نبات الارض فلا بأس بالقیام علیه و السجود علیه** » ایستادن بر سجاده ای که از مو و از پشم باشد، اشکالی ندارد، در صورتی که بر زمین سجده کند، و اگر سجاده از گیاهان زمین باشد، ایستادن و سجده کردن بر آن ایرادی ندارد.[۳]

۸۲۷). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **لا تسجد إلا علی الارض أو ما أنبتت الارض إلا القطن والکتان** » سجده نکن جز بر زمین یا آنچه که از زمین روییده است، مگر پنبه و کتان.[٤]

۸۲۹). محمد بن مسلم گوید: حضرت امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **لا بأس بالصلاة علی البوریا**

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۲،ح۸۴۳.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۸۹،ح۸۳۰. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۵۱،ح۹۵۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۸۷،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۹،ح۱۲۳۶. الاستبصار،ص۱۹۱،ح۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۸۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۷،ح۱۲۲۵. الاستبصار،ص۱۸۹،ح۱.

والخصفة وكل نبات إلا الثمرة » نماز خواندن بر بوريا و حصير (كه معمولا آن را از برگ درخت خرما می بافتند) و نيز هر چيزى كه از زمين مى رويد اشكالى ندارد، مگر ميوه ها (اگر خوردنى باشند).[۱]

۸۳۰). « **سأل داود بن أبي زيد أبا الحسن الثالث عليه السلام عن القراطيس والكواغذ المكتوبة عليها هل يجوز عليها السجود؟ فكتب: يجوز** »

داود بن ابى زيد از امام هادى عليه السلام در نامه اى پرسيد: آيا سجده نمودن بر كاغذى هاى كه بر آن چيزى نوشته شده باشد، جايز است؟ حضرت در پاسخ نوشتند: جايز است.[۲]

۸۳۱). امام صادق عليه السلام سجده كردن بر كاغذى كه بر آن چيزى نوشته باشد، را مكروه مى دانست.[۳]

بيان: اختلافتى بين اين دو حديث نيست، اولى دال بر جواز است، و دومى بر كراهت.

۸۳۲). همچنين آن حضرت فرمودند: « **لا تسجد على الذهب ولا على الفضة** » بر طلا و نقره سجده مكن.[٤]

۸۳۴). اسحاق بن فضيل مى گويد: از امام صادق عليه السلام درباره سجده بر حصير و بوريا سوال كردم؟ حضرت فرمودند: اشكالى ندارد، اما اگر بر زمين سجده شود براى من خوشاينتر است، زيرا رسول خدا صلى الله عليه وآله دوست داشت چنين كند و پيشانى خود را بر زمين نهد. من نيز همان را براى تو دوست دارم كه پيامبر صلى الله عليه وآله براى خود دوست مى داشت.[٥]

۸۳۵). امام صـادق عليه السلام فـرمـودند: « **السجود على الارض أفضل لانه أبلغ في التواضع**

---

[۱] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۳۵،ح۱۲۶۲. من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۱۸۴،ح۸۰۴.

[۲] من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۱۹۰،ح۸۳۴. تهذيب الاحكام،ج۲،ص۲۵۲،ح۹۲۹. الاستبصار،ص۱۹۱،ح۲.

[۳] كافى،ج۳،ص۱۸۷،ح۱۲. تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۲۸،ح۱۲۳۲. الاستبصار،ص۱۹۱،ح۱.

[٤] كافى،ج۳،ص۱۸۷،ح۹. تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۲۸،ح۱۲۲۹.

[٥] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۳۵،ح۱۲۶۳.

والخضوع لله عزوجل » سجده بر زمین افضل است زیرا نسبت به تواضع و خضوع در مقابل حق عزّ و جل رساننده تر می باشد.[1]

۸۳۶). حضرت صادق عليه‌السلام فرمودند: « **السجود على طين قبر الحسين عليه‌السلام ينور إلى الارض السابعة، ومن كان معه سبحة من طين قبر الحسين عليه‌السلام كتب مسبحا وإن لم يسبح بها** » سجده بر خاک قبر امام حسین عليه‌السلام (سجده کننده را) تا زمین هفتم نورانی می سازد، یا نوری به او می بخشد که فروغ آن تا به زمین هفتم میرسد، و هرکس تسبیحی از خاک قبر امام حسین با خود داشته باشد، او را در شمار تسبیح کنندگان می نویسند، ولو با آن تسبیح ذکری نگوید.[2]

مستحبات و مکروهات سجده

۸۳۷). محمد بن مسلم می گوید: امام صادق عليه‌السلام را دیدم هنگام سجده کردن، دستانش را پیش از زانوانش بر زمین می نهاد و هنگام برخاستن، زانوانش را پیش از دستانش بلند می کرد.[3]

۸۳۸). امام باقر عليه‌السلام ضمن حدیثی فرمودند: هنگامی که زن می خواهد به سجده برود، زانوهایش را پیش از دستها بر زمین بگذارد.[4]

۸۳۹). امام صادق عليه‌السلام به اسحاق بن عمار فرمودند: بستر پدر بزرگوارم را می گسترانیدم و منتظر می شدم تا (از مسجد) باز گردد، و چون آن حضرت باز می گشت و در بستر خود می آرمید، من نیز به بستر خویش می رفتم تا اینکه شبی آمدنش دیر شد، به دنبالش به سوی مسجد شتافتم و این در زمانی بود که همه مردم در منزل خود استراحت می کردند. آن حضرت را دیدم

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۹۲،ح۸۴۳.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۸۹،ح۸۲۹.

[3] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۸۴،ح۲۹۱.

[4] کافی،ج۳،ص۱۸۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۰۰،ح۳۵۰.

در مسجد به سجده افتاده و جز او کسی در مسجد نبود و ناله اش را شنیدم در حالی که می گفت: « **سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَکَ یَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی اللَّهُمَّ قِنِی عَذَابَکَ یَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ وَ تُبْ عَلَیَ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ** ».[۱]

۸۴۰). ابو حریر رواسی می گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که (در سجده) می فرمود: « **اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ** ». و این دعا را تکرار می نمود.[۲]

۸۴۱). امام باقر علیه السلام فرمودند: شبی رسول خدا نزد عایشه بود، حضرتش برای نافله برخاست و عایشه از خواب بیدار شد به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله دست زد و آن حضرت را نیافت، گمان کرد که آن حضرت نزد کنیز او رفته است، پس برخواست و دنبالش گشت که پایش به گردن مبارک آن حضرت اصابت کرد، حضرتش در سجده گریان بود و می فرمود:

« **سَجَدَ لَکَ سَوَادِی وَ خَیَالِی وَ آمَنَ بِکَ فُؤَادِی أَبُوءُ إِلَیْکَ بِالنِّعَمِ وَ أَعْتَرِفُ لَکَ بِالذَّنْبِ الْعَظِیمِ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِکَ مِنْ نَقِمَتِکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لَا أَبْلُغُ مَدْحَکَ وَ الثَّنَاءَ عَلَیْکَ أَنْتَ کَمَا أَثْنَیْتَ عَلَى نَفْسِکَ أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتُوبُ إِلَیْکَ** ».

و چون فارغ شد، فرمود: ای عایشه گردن مرا به درد آوردی از چه چیزی ترسیدی؟ آیا از اینکه نزد کنیز تو بروم؟ [۳]

۸۴۲). گذشت در حدیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمودند: گذاشتن بینی بر زمین هنگام سجده سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.[٤]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۸۲،ح۹.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۸۲،ح۱۰.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۸۲،ح۱۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۳،ح۱۲۰۴. الاستبصار،ص۱۸۷،ح۵.

۸۴۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: چون خواستی سجده کنی دست های خود را به تکبیر بلند کن و سجده کنان بر زمین برو، و به دو دست خود شروع کن و آنها را با هم پیش از زانو ها بر زمین بگذار و بازوان خود را مانند درندگان بر زمین نگستران، و دو بازوی خود را بر دو ران خود مگذار. و لکن دو آرنج خود را گشاده دار و دو کف دست خود را (هنگام سجده) به دو زانو نچسبان و آنها را نزدیک صورت نیز مگزار، بلکه در جنب شانه هایت بگذار و آنها را در جلوی زانو مگذار، ولی آنها را اندکی از این عقب تر بیاور و کف دستان را بر زمین پهن کن و در حال سجده آنها را اندکی به خود نزدیک گردان.[۱]

۸۴۴). در حدیث مناهی رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از فوت کردن در غذا و نوشیدنی و نهی نمودند از اینکه کسی جای سجده خود را (برای برطرف کردن گرد و غبار) فوت کند.[۲]

۸۴۵). محمد بن مسلم می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کسی می تواند در نماز جای پیشانی (و سجده) خود را فوت کند؟ فرمودند: نه.[۳]

۸۴۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه از سجده (یا تشهد) بر خاستی بگو: « **اللَّهُمَّ رَبِّی بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ** » و اگر خواستی بگو: « **وَ أَرْکَعُ وَ أَسْجُدُ** ».[٤]

۸۴۷). همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه کسی از سجده (یا تشهد) بلند شد بگوید: «**بِحَوْلِ اللَّهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ** ».[٥]

۸۴۸). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه از رکعتی که تمام شده برخاستی به دو کف

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۸۸،ح۱.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۵،ح۴۹۶۸.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۸۸،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۷،ح۱۲۲۲. الاستبصار،ص۱۸۸،ح۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۹۲،ح۳۲۰.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۹۲،ح۳۲۱.

دست خود تکیه کن و برخیز و بگو: « **بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ** » زیرا که امیرالمومنین علیه‌السلام این چنین می کرد.[1]

۸۴۹). عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد کسی که در رکوع یا سجده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را یاد می کند و در همان حال بر حضرت صلوات می فرستد، پرسیدم؟

فرمودند: آری، صلوات گفتن بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله همانند گفتن تکبیر و تسبیح می باشد، و برای آن ده حسنه است که هیجده فرشته بسوی آن شتاب می گیرند، که کدام یک از آنها آن صلوات را به حضرتش ابلاغ نمایند.[2]

۸۵۰). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: هرکس در رکوع، سجود و قیامش بگوید: « **صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** » خداوند پاداشی مانند پاداش همان رکوع، سجود و قیام برای او می نویسد.[3]

۸۵۱). عبدالرحمان بن سیابه می گوید: « **قلت: لابي عبدالله علیه‌السلام ادعو الله وأنا ساجد؟ فقال: نعم فادع للدنيا والآخرة فانه رب الدنيا والآخرة** » به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا می توانم در سجده دعا بخوانم؟ فرمودند: آری، برای دنیا و آخرت دعا کن، زیرا که خداوند، پروردگار دنیا و آخرت است.[4]

۸۵۲). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **أقرب ما يكون العبد من ربه إذا دعا ربه وهو ساجد** » نزدیک ترین حالت بنده به پروردگار، هنگامی است که در سجده باشد و پروردگار خویش را بخواند.[5]

۸۵۳). عبد الله بن هلال می گوید: به امام صادق علیه‌السلام از پراکنده شدن و از بین رفتن اموالمان

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۹۱،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۰،ح۱۳۳۲.

[2] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۳،ح۱۲۰۶. کافی،ج۳،ص۱۸۱،ح۵.

[3] کافی،ج۳،ص۱۸۲،ح۱۳.

[4] کافی،ج۳،ص۱۸۱،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۴،ح۱۲۰۷.

[5] کافی،ج۳،ص۱۸۱،ح۷. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۴۹،ح۶۲۸.

و سختی و شدتی که بر ما وارد شده بود، شکایت کردم؟

فرمودند: بر تو باد به دعا کردن در حالی که در سجده ای، زیرا نزدیکترین حالات بنده به خداوند سجده است.

عرض کردم: آیا در نماز واجب می توانم دعا کنم و حاجت خود را نام ببرم؟

فرمودند: آری، رسول خدا ﷺ چنین کرد و گروهی را نفرین نمود و آنها و پدرانشان را نام برد، و امیرالمومنین علیه السلام نیز پس از آن حضرت چنین کرد.[۱]

سجده واجب قرآن

۸۵۴). عبد الله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه آیه ای را که سجده (واجب) دارد؛ خواندی پیش از سجده تکبیر نگو، ولی هنگامی که سر از سجده برداشتی تکبیر بگو، و سورهایی که آیه سجده دارند، چهار سوره هستند: (**حم سجده**) یعنی فصلت، و (**الم تنزیل**) یعنی سجده، و (**نجم**) و (**اقرأ**).[۲]

۸۵۵). ابوبصیر گوید: امام علیه السلام فرمودند: هرگاه آیه سجده داری از سورهای چهارگانه خوانده شود و آن را بشنوی، سجده کن گرچه وضو نداشته باشی، اگر چه جنب باشی و هم چنین است زنی (به علت حیض یا نفاس) نماز نمی خواند، ولی آن آیه را بشنود، و در سورهای دیگر قرآن اختیار داری، اگر خواستی سجده کن و اگر نخواستی سجده نکن.[۳]

۸۵۶). عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق علیه السلام در مورد کسی که آیه سجده را می شنود پرسیدم؟ فرمودند: سجده لازم نیست، مگر این که در حال سکوت قرائت قاری را بشنود، یا اینکه با او (به جماعت) نماز می گزارد، اما اگر قاری در گوشه ای نماز می خواند و تو در

[۱] کافی، ج۳، ص۱۸۲، ح۱۱.

[۲] کافی، ج۳، ص۱۷۸، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۱۵، ح۱۱۷۰.

[۳] کافی، ج۳، ص۱۷۸، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۱۵، ح۱۱۷۱.

گوشه ای دیگر، برای آنچه که شنیده ای، سجده لازم نیست.[1]

۸۵۷). و روایت شده است (شخصی که آیه سجده دار خوانده یا آنکه شنیده در سجده) می گوید: « **سَجَدْتُ لَکَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً لَا مُسْتَکْبِراً عَنْ عِبَادَتِکَ وَ لَا مُسْتَنْکِفاً وَ لَا مُتَعَظِّماً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِیلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِیرٌ** » آنگاه سر از سجده بر می دارد و تکبیر می گوید.[2]

تشهّد

در رکعت دوم تمام نمازهای واجب ومستحب، و رکعت سوم نماز مغرب، و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء باید انسان بعد از سجده دوم تشهد بخواند، اقل آنچه که در تشهد واجب است، گفتن شهادتین و فرستادن صلوات می باشد.

۸۵۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: تشهد در دو رکعت اول اینگونه است: « **الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِی أُمَّتِهِ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ** ».[3]

۸۵۷). سوره بن کلیب می گوید: « **سألت أبا جعفر علیه السلام عن ادنی ما یجزي من التشهد؟ قال: الشهادتان** » از امام باقر علیه السلام پرسیدم: کمترین چیزی که در تشهد باید گفت، چیست؟ فرمودند: شهادتین.[4]

۸۵۸). ابوبصیر و زراره گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: « **الصلاة علی النبي صلی الله علیه وآله من تمام الصلاة، ومن صلی ولم یصل علی النبي صلی الله علیه وآله وترك ذلك متعمدا فلا صلاة له** » کمال نماز صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وآله می باشد، و هر کسی نماز بخواند، و عمدا بر پیامبر صلی الله علیه وآله صلوات

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۷۸،ح۳. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۳۱۵،ح۱۱۶۹.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۱۶،ح۹۲۲.

[3] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۹۸،ح۳۴۴. الاستبصار،ص۱۹۵،ح۱.

[4] کافی،ج۳،ص۱۹۰،ح۳. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۶،ح۳۷۴. الاستبصار،ص۱۹۵،ح۲.

نفرستند، برای او نمازی نیست.[۱]

۸۵۹). امام صادق ؑ فرمودند: « **اذا صلی احدکم و لم یصل علی النبی ؐ فی صلاته یسلك بصلاته غیر سبیل الجنه** » کسی که نماز بخواند و در نماز بر پیامبر ؐ صلوات نفرستد، با نماز خود راه غیر بهشت را پیموده است.[۲]

۸۶۰). رسول خدا ؐ فرمودند: « **من ذکرت عنده فلم یصل علی فدخل النار فابعده الله** » کسی که نام مرا پیش او ببرند و بر من صلوات نفرستد به جهنم برود، و خداوند او را از رحمت خود دور گرداند.[۳]

۸۶۱). همچنین آن حضرت ؐ فرمودند: « **من ذکرت عنده فنسی الصلاه علی خطی به طریق الجنه** » کسی که نام مرا پیش او ببرند و او صلوات بر من را فراموش کند، در راه بهشت به اشتباه می افتد.[٤]

۸۶۲). محمد بن ابی نصر می گوید: « **قلت: لابي الحسن ؑ جعلت فداك التشهد الذي في الثانية يجزي أن اقوله في الرابعة؟ قال: نعم** » خدمت امام رضا ؑ عرض کردم: فدایتان شوم آیا تشهدی که در رکعت دو می خوانم، میتوانم آن را در رکعت (سوم و یا) چهار نیز بخوانم؟ فرمودند: آری.[٥]

۸۶۳). عبدالرحمان بن ابی عبدالله می گوید: از امام ؑ در مورد چگونگی نشستن زن در (تشهد) نماز پرسیدم؟ فرمودند: (مستحب است که) دو ران خود را به یکدیگر بچسباند.[٦]

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۲،ص ۱۲۲،ح۲۰۸۵. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۶۹،ح۶۲۵.

[۲] کافی،ج۲،ص۳۵۹،ح۱۹.

[۳] کافی،ج۲،ص۳۵۹،ح۱۹.

[٤] کافی،ج۲،ص۳۵۹،ح۱۹.

[٥] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۷،ح۳۷۷. الاستبصار،ص۱۹۵،ح۴.

[٦] کافی،ج۳،ص۱۹۰،ح۷. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۱،ح۳۵۲.

٨٦٤). امام صادق عليه السلام فرمودند: برای امام جماعت شایسته است که تشهد را به گوش مأمومین برساند، و مأمومین نباید چیزی را به گوش او برسانند.[١]

٨٦٥). سلیمان بن خالد می گوید: از امام صادق عليه السلام در موردی کسی که فراموش می کند در دو رکعت اول (برای تشهد) بنشیند سوال کردم؟

فرمودند: اگر قبل از اینکه به رکوع رکعت (سوم) برود به یاد آورد، باید بنشیند (وتشهد بخواند) و اگر به یاد نیاورد تا اینکه به رکوع رفت، نماز را تمام کند، وقتی فارغ شد، و سلام نماز را داد، دو سجده سهو بجا آورد.[٢]

٨٦٦). ابن ابی یعفور می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شخصی که دو رکعت از نماز فریضه را می خواند و بر سر دو رکعت (برای تشهد) نمی نشیند تا اینکه به رکوع (رکعت سوم) می رود سوال کردم؟ فرمودند: نمازش را تمام می کند و قبل از اینکه سخن بگوید، در حال نشسته دو سجده سهو به جا آورد.[٣]

٨٦٧). امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه در دو رکعت نخست نماز برخاستی و تشهد نخواندی و پیش از رکوع به یادت آمد، پس بنشین و تشهد را بخوان، و اگر به یادت نیامد، تا اینکه به رکوع (رکعت سوم) رفتی، همان طوری که هستی نمازت را ادامه بد، و چون فارغ شدی، دو سجده سهو به جا آور که رکوع در میان آنها نباشد، و سپس تشهدی را که از تو فوت شده است بخوان.[٤]

٨٦٨). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **إذا جلست في الركعتين الاولیین فتشهدت ثم قمت فقل: بحول الله وقوته أقوم وأقعد** » هرگاه برای رکعت دوم نشستی، تشهد بخوان، سپس برخیز

---

[١] کافی،ج٣،ص١٩٠،ح٥. من لایحضره الفقیه،ج١،ص٢٧٧،ح١١٩٠. تهذیب الاحکام، ج٢،ص١٠٩،ح٣٨٤.

[٢] تهذیب الاحکام، ج٢،ص١٦٨،ح٦١٨.

[٣] تهذیب الاحکام، ج٢،ص١٦٨،ح٦١٩.

[٤] کافی،ج٣،ص٢٠٢،ح٧. تهذیب الاحکام، ج٢،ص٣٧١،ح١٤٣٠.

و بگو: « **بِحَوْلِ اللّهِ وَ قُوتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ** ».[۱]

سلام نماز

بعد از تشهد رکعت آخر نماز باید سلام گفت، و اگر کسی بگوید: « **السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُهُ** » و بعد از آن بگوید: « **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّهِ الصَّالِحِينَ** » کافي است، و با آن نماز تمام می شود، آنگاه همچنان که رو به قبله است می گوید: « **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ** » و مستحب است « **وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُهُ** » را نیز به آن اضافه نماید.

۸٦۹). ابوبصیر می گوید: حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **إذا كنت اماما فانما التسليم أن تسلم على النبي صلى‌الله‌عليه‌وآله وتقول: " السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين " فاذا قلت ذلك فقد انقطعت الصلاة ثم تؤذن القوم فتقول وأنت مستقبل القبلة " السلام عليكم " وكذلك إذا كنت وحدك** ». هنگامی که امام جماعت باشی تسلیم و سلام دادن آن است که: بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سلام دهی (یعنی بگویی: **السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُهُ**) و (سپس) بگویی « **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّهِ الصَّالِحِينَ** » پس وقتی اینها را گفتی نماز تو قطع شده و به پایان رسیده است، سپس مأمومین را اجازه میدهی و همچنان که رو به قبله ای میگویی: « **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ** » و همچنین است وقتی که تنها باشی و نماز فرادا می خوانی.[۲]

۸۷۰). حلبی می گوید: امام صادق عليه‌السلام به من فرمودند: « **كلما ذكرت الله به والنبي صلى‌الله‌عليه‌وآله فهو من الصلاة وإن قلت: السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين فقد انصرفت** » هرچه (پس از تشهد) خداوند و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله را یاد کنی جزو نماز محسوب می شود، و چون گفتی: « **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّهِ الصَّالِحِينَ** » از نماز خارج می شوی.[۳]

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۹۴،ح۳۲۶.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۹۹،ح۳۴۹.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۹۰،ح۶. تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۷۰،ح۶۲۶.

٨٧١). ابو کهمس (ظاهرا هیثم بن عبدالله کوفی است) می گوید: از امام صادق پرسیدم: اگر در دو رکعت اول برای تشهد نشستم و در حال جلوس گفتم: « **السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ** » آیا این از نماز خارج شدن است؟ فرمودند: نه، ولکن اگر بگویی: « **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ** » آن انصراف و خروج از نماز است.[1]

٨٧٢). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **افتتاح الصلاة الوضوء وتحريمها التكبير وتحليلها التسليم** » افتتاح و شروع نماز وضو، و تحریم آن تکبیر است و تحلیل آن سلام گفتن است.[2]

٨٧٣). همانند این از امیرالمومنین عليه السلام نیز روایت شده است.[3]

تشهد و سلام جامع

٨٧۴). ابو بصیر می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی که در رکعت دوم برای تشهد نشستی بگو: « **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ نِعْمَ الرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّداً نِعْمَ الرَّسُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ** » سپس دو یا سه بار « **الحمدلله** » بگو و (برای رکعت سوم) بلند شو.

وقتی در رکعت چهارم (یا سوم برای تشهد دوم) نشستی بگو: « **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ نِعْمَ الرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّداً نِعْمَ الرَّسُولُ التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَ الصَّلَوَاتُ الطَّاهِرَاتُ الطَّيِّبَاتُ الزَّاكِيَاتُ الْغَادِيَاتُ الرَّائِحَاتُ السَّابِغَاتُ النَّاعِمَاتُ لِلَّهِ مَا طَابَ وَ زَكَا وَ طَهُرَ وَ خَلَصَ وَ صَفَا فَلِلَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا**

[1] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۴۴، ح۱۰۱۴. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۲۴۱، ح۱۲۹۲.
[2] کافی، ج۳، ص۴۴، ح۲.
[3] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۳۲، ح۶۸.

شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَ نَذِیراً بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَهِ أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّی نِعْمَ الرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّداً نِعْمَ الرَّسُولُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَهَ آتِیَهٌ لا رَیْبَ فِیها وَ أَنَّ اللّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللّهُ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْجَنَّهِ وَ عَافِنِی مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ- وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ لا تَزِدِ الظَّالِمِینَ إِلَّا تَباراً »

آنگاه برای سلام نماز بگو: « **السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَی جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ لَا نَبِیَّ بَعْدَهُ وَ السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ** ». سپس سلام بده (یعنی بگو: **السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ**).[1]

قنوت

در تمام نماز های واجب و مستحب، بعد از قرائت رکعت دوم و قبل از رکوع، مستحب موکد است که قنوت خوانده شود، و ترک آن بدون علت مکروه است، و خواندن قنوت در نماز وتر که یک رکعت است پیش از رکوع نیز مستحب می باشد.

۸۷۵). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: « **القنوت في كل الصلوات** » قنوت در همه نماز ها می باشد.[2]

۸۷٦). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: « **القنوت في كل ركعتين في**

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۰۵،ح۳۷۳.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۲۳،ح۹۳۵.

التطوع والفريضة » قنوت در هر نماز دو ركعتى مطلوبست خواه نافله باشد، و خواه فريضه.[١]

٨٧٧). صفوان جمال مى گويد: مدتى پشت سر امام صادق عليه السلام نماز مى خواندم، آن حضرت در هر نمازى قنوت مى خواند، هم در نمازهايى كه بلند مى خواند و هم در نماز هايى كه آهسته مى خواند.[٢]

٨٧٨). محمد بن مسلم مى گويد: از امام باقر عليه السلام در مورد قنوت نمازهاى پنجگانه پرسيدم؟ فرمودند: در همه آنها قنوت بخوان.[٣]

٨٧٩). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **اقنت في كل ركعتين فريضة أو نافلة قبل الركوع** » در هر نماز دو ركعتى چه در نماز واجب و چه در نماز نافله (پيش از ركوع) قنوت بخوان.[٤]

٨٨٠). همچنين آن حضرت فرمودند: « **من ترك القنوت رغبة عنه فلا صلاة له** » هركس قنوت را به خاطر بى رغبتى ترك كند، نماز براى او نيست.[٥]

٨٨١). زاراره گويد: امام باقر عليه السلام فرمودند: « **القنوت في كل صلاة في الركعة الثانية قبل الركوع** » قنوت در هر نماز در ركعت دوم پيش از ركوع است.[٦]

٨٨٢).يعقوب يقطين مى گويد: از امام كاظم عليه السلام در مورد قنوت در نماز وتر، نماز صبح و هر نماز جهرى پرسيدم كه پيش از ركوع است، يا بعد از آن؟

فرمودند: پيش از ركوع است هنگامى كه از قرات فارغ مى شوى.[٧]

٨٨٣). اسماعيل بن فضل گـويـد: از امام صادق عليه السلام در مورد قنوت وآن چـه بايستى در آن

---

[١] من لايحضره الفقيه،ج١،ص٢٢٣،ح٩٣٤.

[٢] كافى،ج٣،ص١٩١،ح٢. من لايحضره الفقيه،ج١،ص٢٢٤،ح٩٤٣.

[٣] كافى،ج٣،ص١٩١،ح١. تهذيب الاحكام،ج٢،ص٩٥،ح٣٣١.

[٤] كافى،ج٣،ص١٩١،ح۴.

[٥] كافى،ج٣،ص١٩٢،ح۶.

[٦] كافى،ج٣،ص١٩٢،ح٧. تهذيب الاحكام،ج٢،ص٩٥،ح٣٣٠. الاستبصار،ص١٩٣،ح٢.

[٧] كافى،ج٣،ص١٩٢،ح١۴.

خواند، پرسیدم؟ فرمودند: هر چه که خداوند بر زبانت جاری کرد، بگو و برای آن چیز معین (و واجبی) سراغ ندارم.[1]

۸۸۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: در قنوت کافی است که بخوانی: « **اللّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** ».[2]

۸۸۵). امام باقر علیه السلام فرمودند: آنچه در قنوت تمام نماز های فریضه غیر از نماز جمعه می خوانند این دعا است: « **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِوُلْدِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ إِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ فِيكَ الْيَقِينَ وَ الْعَفْوَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الْمَغْفِرَةَ وَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ** ».[3]

۸۸۶). ابی بکر بن ابی سمال گوید: من پشت سر امام صادق علیه السلام نماز صبح گذارم، هنگامی که آن حضرت از قرائت رکعت دوم نماز صبح فارغ شد، (در قنوت) به آواز بلند وجهر همان گونه که قرائت را می خواند، این دعا را خواند: « **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** ».[4]

۸۸۷). علی بن جعفر می گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا در تشهد یا ذکر و تسبیح رکوع، سجده و قنوت باید انسان آن را بلند بخواند؟

فرمودند: اگر خواست بلند بگوید، و اگر خواست آهسته بگوید.[5]

۸۸۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: در نماز جمعه بعد از قرائت در رکعت اول در قنوت آن می گویی: « **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ**

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۹۲،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۳۹،ح۱۲۸۱.

[2] کافی،ج۳،ص۱۹۲،ح۱۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۹۳،ح۳۳۲.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۲۴،ح۹۴۴.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۶،ح۱۱۸۸.

[5] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۲۷،ح۱۲۷۲.

مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنِ اخْتَرْتَهُ لِدِينِکَ وَ خَلَقْتَهُ لِجَنَّتِکَ اللَّهُمَّ لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ».[1]

چگونگی خواندن نماز از آغاز تا پایان آن

۸۸۹). حماد بن عیسی گوید: روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حماد نماز را خوب بلدی؟

گفتم: ای سروم من کتاب حریز را که درباره نماز است، حفظ نموده ام.

امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد، ای حماد برخیز و نماز بخوان.

حماد گوید: من در برابر آن حضرت برخاستم و رو به قبله نمودم و آغاز به نماز کردم، و رکوع و سجود به جای آوردم.

پس از آن حضرت نماز مرا ملاحظه کرد، فرمود: ای حماد تو نماز خوب نخواندی، چقدر زشت است برای شیعه ای شصت یا هفتاد سال از عمر او بگذرد و یک نماز را با رعایت همه حدود آن به جا نیاورده باشد.

حماد گوید: از این سخن امام، احساس شرمندگی کردم و گفتم: فدایت گردم نماز را به من بیاموز.

امام صادق علیه السلام برخاست و رو به قبله ایستاد و قامت خود را راست گرفت و دست ها خود را بصورت کامل بینداخت تا بر ران هایش قرار گرفت، و بعد انگشتان دست را به هم چشبانید، و دو پای خود را نزدیک به هم گذاشت، تا به اندازه سه انگشت باز میان دو پا فاصله ماند. آنگاه انگشتان پای را به طور کامل متوجه قبله ساخت و پای را از قبله به چپ و راست منحرف نکرد و با حال خشوع گفت: « **اللَّهُ أَكْبَرُ** » سپس سوره حمد را به ترتیل قرائت فرمود، و به همین ترتیب

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۴۳،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۰،ح۶۴.

سوره « **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** » را خواند.

سپس به اندازه یک نفس کشیدن صبر کرد و در حالی که ایستاده بود، دست های خود را تا رو به روی صورت بلند کرد و گفت: « **اللَّهُ أَكْبَرُ** » و همچنان ایستاده بود. سپس به رکوع رفت و دست ها را چنان بر زانو گذاشت که گودی دو کف دست را برجستگی زانوها پر کرد، و انگشتانش گشوده بود، و زانوان را با فشاری به عقب زد تا پشت مبارک صاف و مسطح شد، چنان که اگر قطره ای آب، یا روغنی بر پشت آن حضرت می ریختند، از جای خود حرکت نمی کرد.

حضرتش گردنش را کشید و چشمانش را بست. سپس سه بار به ترتیل و آرامی و شمرده تسبیح فرمود و گفت: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** ».

و بعد حضرتش راست ایستاد، و چون به طور کامل به حالت ایستاده و مستقیم قرار گرفت فرمود: « **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** ».

آن گاه در حالی که ایستاده بود، دست های خود را تا نزدیک صورت خویش بلند کرد و همزمان با این حرکت، فرمود: « **اللَّهُ أَكْبَرُ** ».

و بعد به سجده رفت و دو کف دست خود را در حالی که انگشتان مبارک به هم چسبیده بود، مقابل زانوان، نزدیک صورت خویش بلند کرد و سه بار فرمود: « **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** » و سجده را چنان به جا آورد که هیچ عضوی از اعضای خود را بر عضو دیگری تکیه نداد و هنگام سجده هشت موضع را بر زمین نهاده بود: دو کف دست، دو زانو، دو شست پا، پیشانی و بینی، و فرمود: هفت موضع از این اعضا، واجب است که با آنها سجده شود و این اعضا همان است که خدا در کتاب خود ذکر کرده و فرموده: « **وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا** » و به راستی سجده گاه از آن خداوند است، پس هرگز با وجود خدا کسی را فرا نخوانید.[۱]

---

[۱] سوره جن، آیه۱۸.

سجده گاه ها عبارتند از: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، دو شست پا. و بینی بر خاک نهادن سنت است.

سپس سر از سجده بر داشت و وقتی نشست فرمود: « **اللَّهُ أَكْبَرُ** ».

آنگاه بر ران چپ خود نشست بدین شکل که پشت پای راست را درون پای چپ یا کف پای چپ قرار داد، و در این حال فرمود: « **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** » و در همان حال که نشسته بود، فرمود: « **اللَّهُ أَكْبَرُ** » و به سجده دوم رفت، و همان افعال و اقوالی که در سجده اول انجام داده بود به جای آورد و در رکوع و سجود هر عضوی از بدنش را بر عضوی دیگر نگذارد، بلکه به صورت بال وار بود بازوان خود را از دو طرف شانه گشوده و بالاتر از زمین نگه داشته و بر زمین نگذاشته بود.

به این ترتیب آن حضرت دو رکعت نماز خواند و انگشتان دستش به هم چسبیده بود و در حال تشهد نیز نشسته بود، و چون از تشهد فارغ شد، سلام داد و بعد فرمود: ای حماد این چنین نماز بخوان.[1]

تعقیبات نماز

٨٩٠). حسین بن ثویر و ابو سلمه سراج گویند: « **سمعنا أبا عبدالله** علیه السلام **و هو يلعن في دبر كل مكتوبة أربعة من الرجال وأربعا من النساء فلان وفلان وفلان ومعاوية ويسميهم وفلانة وفلانة وهند وام الحكم أخت معاوية** » از امام صادق علیه السلام شنیدیم که حضرت پس از هر نماز واجب، چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان را لعن می فرمود: فلان (ابوبکر) فلان (عمر) فلان (عثمان) و معاویه و آنها را نام می برد، و فلانه (عایشه) و فلانه (حفصه) هند (مادر معاویه) و ام

[1] کافی، ج٣، ص١٧٤، ح٨. من لایحضره الفقیه، ج١، ص٢١١، ح٩١٥. تهذیب الاحکام، ج٢، ص٨٦، ح٣٠١.

الحکم خواهر معاویه.[۱]

۸۹۱). امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: « **قال الله عزوجل: يابن آدم اذكرني بعد الفجر ساعة واذكرني بعد العصر ساعة اكفك ما أهمك** » خدای متعال می فرماید: ای پسر آدم ! بعد از (نماز) فجر و پس از (نماز) عصر ساعتی ذکر مرا بگو تا حاجتهای مهم تو را بر آورده سازم .[۲]

۸۹۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **يستجاب الدعاء في أربعة مواطن في الوتر وبعد الفجر وبعد الظهر وبعد المغرب** » دعا در چهار موضع به اجابت می رسد: نماز وتر، بعد از فجر، بعد از ظهر و بعد از مغرب.[۳]

۸۹۳). همچنین آن حضرت فرمودند: « **من صلى صلاة فريضة وعقب إلى اخرى فهو ضيف الله وحق على الله أن يكرم ضيفه** » هرکس نماز واجبی بخواند و تا وقت نماز بعدی تعقیب بخواند، مهمان خداست و بر خداوند لازم است که مهمان خود را گرامی بدارد.[٤]

۸۹۴). همچنین فرمودند: « **إنّ الله فرض عليكم الصلوات الخمس في أفضل الساعات ، فعليكم بالدعاء في أدبار الصلوات** » خداوند متعال نمازهای پنج گانه را در بهترین ساعادت واجب گردانیده است، پس بر شما است دعا نمودند در تعقیب نمازها.[٥]

۸۹۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إنّ الله فرض الصلوات في أحبّ الأوقات فاسألوا حوائجكم عقيب فرائضكم** » خداوند عزوجل نماز ها در بهترین وقت ها واجب نموده است، پس حوائج خود را در تعقیب نماز های واجب درخواست کنید.[٦]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۹۴،ح۱۰.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۴۸،ح۵۳۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۹۴،ح۱۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۲۳،ح۴۲۳.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۹۳،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۰۹،ح۳۸۸.

[٥] خصال، ص۲۷۸،ح۲۳.

[٦] عده الداعی،ص۵۸.

۸۹۶). یکی از دو امام علیهما السلام فرمودند: دعا بعد از نماز واجب، افضل است از دعا بعد از نماز نافله، همان طوری که خود نماز واجب از نافله افضل و برتر است.[۱]

۸۹۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من سبح تسبیح فاطمه علیها السلام قبل ان یثنی رجلیه من صلاه الفریضه غفر الله له و یبدا بالتکبیر** » کسی که پس از نماز واجب پیش از آن که برخیزد با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام تسبیح بگوید، خداوند او رامی آمرزد ، و باید این تسبیح را با « **الله اکبر** » شروع کند.[۲]

۸۹۸). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس پس از نماز واجب خدا را با تسبیح حضرت فاطمه زهرا که صد مرتبه است، تسبیح گوید، سپس « **لا إله إلا الله** » بگوید، خداوند او را بیامرزد.[۳]

۸۹۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام همان ذکر کثیری است که خدای عزوجل فرموده است: « **اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا** » خدا را یاد کنید یادی بسیار.[٤].[٥]

۹۰۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إنا نأمر صبياننا بتسبيح فاطمة علیها السلام كما نأمرهم بالصلاة فألزمه فإنه لم يلزمه عبد فشقي** » ما فرزندان خود را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام فرمان می دهیم، همانگونه که آنان را به نماز فرمان می دهیم، پس بر آن مداومت کن، زیرا که بنده ای که به آن مداومت کند، شقی و بدبخت نخواهد شد.[٦]

۹۰۱). امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند متعال با هیچ تسبیحی از حمد و ستایش عبادت نشده که از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بهتر باشد، زیرا اگر چیزی بهتر از آن بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۰۱،ح۳۹۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۹۳،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۲۶،ح۹۴۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۱،ح۳۹۵.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۹۳،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۱،ح۳۹۶.

[٤] سوره احزاب،آیه۴۰.

[٥] کافی،ج۲،ح۳۲۶،ح۴.

[٦] کافی،ج۳،ص۱۹۴،ح۱۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۱،ح۳۹۷.

به فاطمه علیها السلام عطا می کرد.[۱]

۹۰۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **تسبيح فاطمة عليها السلام في كل يوم في دبر كل صلاة أحب إلي من صلاة ألف ركعة في كل يوم** » تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در هر روز پس از نماز، نزد من بهتر از هزار رکعت نماز در هر روز است.[۲]

۹۰۳). ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: تسبیحات حضرت زهرا با سی و چهار تکبیر (یعنی) « **الله اکبر** » شروع می شود، سپس سی و سه بار « **الحمدلله** » و پس از آن سی و سه بار « **سبحان الله** ».[۳]

۹۰۴). محمد بن عذافر گوید: همراه پدرم خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شدم، پدرم از آن حضرت در مورد تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام پرسید؟

حضرت « **الله اکبر** » گفت تا آنکه سی و چهار مرتبه شد، آنگاه « **الحمد لله** » گفت تا آنکه به شصت و هفت رسید، پس از آن « **سبحان الله** » گفت تا به صد رسید، (یعنی **الحمد لله** و **سبحان الله** را هر کدام سی و سه مرتبه گفت، که با سی و چهار مرتبه **الله اکبر** جمله صد مرتبه می شوند) و همه را به دست مبارک خود می شمرد.[٤]

۹۰۵). صفوان می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که هرگاه نماز می خواند و از نماز خود فارغ می شد، دستهایش را (برای دعا نمودن) بالای سرش بلند می کرد.[٥]

۹۰۶). مفضّل بن عمر گوید: محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای چه نمازگزار بعد از سلام سه مرتبه تکبیر گفته و دستهایش را بلند می کند؟

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۹۴،ح۱۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۲،ح۳۹۸.
[۲] کافی،ج۳،ص۱۹۴،ح۱۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۲،ح۳۹۹.
[۳] کافی،ج۳،ص۱۹۳،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۲،ح۴۰۱.
[٤] کافی،ج۳،ص۱۹۳،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۱۲،ح۴۰۰.
[٥] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۲۸،ح۹۵۲.

حضرت فرمودند: زیرا نبی اکرم ﷺ وقتی مکّه را فتح نمودند، با اصحابشان نزدیک حجر الاسود نماز ظهر را خواندند و وقتی سلام دادند دو دست را بلند کرده و سه مرتبه تکبیر گفتند، بعد از آن فرمودند: « **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ** » سپس رو کردند به اصحابشان و فرمودند: این تکبیر را ترک نکنید و این دعاء را دنبال هر نماز واجبی بخوانید زیرا کسی که بعد از سلام چنین کند و این دعاء را بخواند در مقابل این که خداوند متعال اسلام و جنود مسلمین را تقویت کرده، شکرش را که واجب است اداء نموده.[۱]

۹۰۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کدام از شما بعد از نماز واجبش می تواند سی بار بگوید: « **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** » این ذکرها از زیرا آوار ماندن ، با آتش سوختن ، غرق شدن ، افتادن در چاه ، طعمه درندگان شدن ، مرگ بد و حادثه ناگواری که در آن روز از آسمان فرود می آید، جلوگیری می کند.[۲]

۹۰۸). رسول خدا ﷺ فرمودند: هر مسلمانی که در جایی که نماز صبح را خوانده است ، بنشیند و ذکر خدای متعال را بگوید، تا آنکه خورشید طول کند، پاداشی مانند پاداش کسی که پیامبر ﷺ را زیارت کرده باشد، و آمرزیده می شود و اگر تا رسیدن وقت نماز (دیگری) در آن جا بنشیند و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند، خداوند گناهان گذشته او را آمرزیده می شود؛ و پاداشی مانند پاداش کسی که حج خانه خدا را انجام داده باشد، خواهد داشت .[۳]

۹۱۰). رسول اکرم ﷺ فرمودند: « **من جلس في مصلاه من صلاة الفجر إلى طلوع الشمس ستره الله من النار** » هرکس از نماز صبح تا طلوع خورشید در مصلــی خــود بنشیند،

---

[۱] علل الشرايع،ج۲،ص۸۰۹،ح۱،باب۷۸.

[۲] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۱۱۴،ح۴۰۶.

[۳] تهذيب الاحكام،ج۲،ص۱۴۷،ح۵۳۵. الاستبصار،ص۲۰۰،ح۱.

خداوند او را از آتش جهنم حفظ خواهد نمود.[۱]

۹۱۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: در تعقیب هر نماز واجبی این دعا را بخوان: « **رَضِیتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِیناً وَ بِالْقُرْآنِ کِتَاباً وَ بِالْکَعْبَهِ قِبْلَهً وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّاً وَ إِمَاماً وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ الْأَئِمَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّی رَضِیتُ بِهِمْ أَئِمَّهً فَارْضَنِی لَهُمْ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ** ».[۲]

۹۱۲). امام باقر علیه السلام فرمودند: کمترین و کوتاه ترین دعایی که مجزی است پس از نماز واجب بخوانی این است که بگویی: « **اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عَافِیَتَکَ فِی أُمُورِی کُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الْآخِرَهِ** ».[۳]

صلوات بر پیامبر

۹۱۳). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: هر گاه که نام پیامبر صلی الله علیه و آله را در اذان و غیر آن ذکر کردی، یا کسی نزد تو نام آن حضرت را ذکر کرد، بر ایشان صلوات بفرست.[۴]

۹۱۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **من ذکرت عنده فلم یصل علی فدخل النار فابعده الله** » کسی که نام مرا پیش او ببرند و بر من صلوات نفرستد به جهنم برود، و خداوند او را از رحمت خود دور گرداند.[۵]

۹۱۵). همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: « **من ذکرت عنده فنسی الصلاه علی خطی به طریق الجنه** » کسی که نام مرا پیش او ببرند و او صلوات بر من را فراموش کند، در راه بهشت

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۱۴۸، ح۵۲۴.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۲، ص۱۱۶، ح۴۱۲.

[۳] کافی، ج۳، ص۱۹۶، ح۱۶. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۱۱۴، ح۴۰۷. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۲۷، ح۹۴۸.

[۴] کافی، ج۳، ص۱۷۰، ح۷. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۹۹، ح۸۷۵.

[۵] کافی، ج۲، ص۳۵۹، ح۱۹.

به اشتباه می افتد.[1]

مبطلات نماز

۹۱۶). ابی بکر حضرمی می گوید: امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمودند: « **لا يقطع الصلاة إلا أربعة: الخلاء والبول والريح والصوت** » نماز را قطع و باطل نمی کند مگر چهار چیز: مستراح رفتن، ادرار کردن ، خروج باد و صدا.[2]

۹۱۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ليس يرخص في النوم في شئ من الصلاة** » اینگونه نیست به کسی که خوابیده در نمازش رخصی داده شود.[3]

۹۱۸). محمد بن مسلم گوید: امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره شخصی که در نماز، بینی خود را می مالد و خونی می بیند، در این که چه باید کند؟ آیا نماز را رها کند؟

فرمودند: اگر خون خشک باشد، آن را بیندازد و نمازش ایرادی ندارد.[4]

۹۱۹). حلبی گوید: از امام صادق پرسیدم: شخصی که مشغول نماز است و خون دماغ می شود، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اگر از سمت راست یا چپ یا در مقابلش که روی او به قبله باشد، می تواند آب تهیه دارد، باید آن را بشوید و بقیه نمازش را بخواند، اما اگر نمی تواند آب تهیه کند مگر آن که روی از قبله بر گرداند یا سخن بگوید، نمازش باطل شده است.[5]

۹۲۰). سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: فردی در حال نماز است، در این حال به هنگام

---

[1] کافی،ج۲،ص۳۵۹،ح۱۹.

[2] کافی،ج۳،ص۲۰۷،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۵،ح۱۳۶۲. الاستبصار،ص۲۲۸،ح۱.

[3] کافی،ج۳،ص۲۱۱،ح۱۶.

[4] کافی،ج۳،ص۲۱۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۸،ح۱۳۲۷.

[5] کافی،ج۳،ص۲۱۱،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۱۲،ح۷۸۳.

آروغ زدن چیزی از معده اش بالا می آید بی آنکه قی کند چه حکی دارد؟

فرمودند: این عمل نه وضوی او را باطل می کند، نه نمازش را و نه روزه اش را.[۱]

۹۲۱). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا اگر کسی از پیش روی نمازگزار عبور کند، نماز باطل می شود؟

فرمودند: هیچ چیزی نماز مسلمانان را باطل نمی کند، ولی به اندازه ای که می توانی پیش روی خویش حایلی قرار بده.[۲]

۹۲۲). ابن ابی بعفور می گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الرجل هل يقطع صلاته شئ مما يمر بين يديه؟ فقال: لا يقطع صلاة المؤمن شئ ولكن ادرؤوا ما استطعتم** » از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا موجودی که از برابر نمازگزار می گذرت، نماز او را باطل می کند؟ فرمودند: هیچ چیزی نماز مومن را باطل و قطع نمی کند، ولی تا می تواند پیش روی خود را با فاصله انداختن چیزی حایل کند.[۳]

۹۲۳). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **لا يقطع الصلاة شئ لا كلب ولا حمار ولا امرأة** » اگر سگ یا الاغی از بیش نماز گزار بگذرد، نمازش باطل نمی شود، و نیز اگر زنی از پیش نمازگزار بگذرد، نماز صحیح است و قطع نمی شود.[٤]

۹۲۴). حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر پیش از تمام شدن نماز روی خود را از قبله برگردانی، در صورتی که زیاده از حد باشد، باید نماز را اعاده کنی، اما اگر تشهد را خوانده بودی، نماز را اعاده مکن.[٥]

---

[۱] کافی، ج۴، ص۱۰۸، ح۶.

[۲] کافی، ج۳، ص۲۰۸، ح۱۰. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۴۷، ح۱۳۲۲.

[۳] کافی، ج۳، ص۱۶۶، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۴۷، ح۱۳۱۸.

[٤] کافی، ج۳، ص۱۶۶. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۴۷، ح۱۳۱۹.

[٥] کافی، ج۳، ص۲۰۸، ح۱۰. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۳۴۷، ح۱۳۲۲.

۹۲۵). زراره گوید: از امام باقر ؈ شنیدم که می فرمودند: « **الالتفات يقطع الصلاة إذا كان بكله** » روی گرداندن بصورت کامل از قبله، نماز را باطل می کند.[1]

۹۲۶). امام صادق ؈ فرمودند: « **إن تكلمت أو صرفت وجهك عن القبلة فأعد الصلاة** » اگر در نماز سخن گفتی، یا رویت را بصورت (کامل) از قبله برگردانیدی، نماز را اعاده کن.[2]

۹۲۷). از معصومین ؊ روایت شده است که:« **أن البكاء على الميت يقطع الصلاة، والبكاء لذكر الجنة والنار من أفضل الاعمال في الصلاة** » گریه نمودن برای میت در نماز، نماز را باطل می کند، اما گریه کردن برای (شوق) بهشت و (خوف از عذاب) جهنم در نماز از افضل اعمال است.[3]

۹۲۸). ابو حنیفه می گوید: از امام صادق ؈ پرسیدم: آیا گریه نمودن نماز را باطل می کند؟ حضرت فرمودند: اگر گریه در نماز برای یاد آوردن بهشت یا (خوف از عذاب) جهنم باشد، این از افضل اعمال است، اما اگر کسی برای مرده اش گریه کند، نمازش باطل خواهد بود.[4]

۹۲۹). رسول خدا ﷺ فرمودند: هیچ چیزی نیست مگر آنکه برای آن پیمانه و میزانی وجود دارد، مگر گریستن از خوف خداوند عزوجل که هر قطره از آن دریا های از آتش را خاموش می کند، و اگر از میان امت فقط یک نفر بگرید، (در حالی که همه آنان سزاوار عذاب باشند) خداوند متعال همه ایشان را مورد رحمت و بخشایش قرار می دهد، و در روز قیامت هر چشمی گریان است مگر سه چشم: چشمی که از خوف خدا گریسته باشد، چشمی که از محرمات الهی پوشیده شده باشد، و چمشی که در راه خدا بیداری و شب زنده داری کشیده باشد.[5]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۱۱،ح۷۸۰. الاستبصار،۲۳۰،ح۱.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۵۵،ح۱۰۵۷.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۴۴،ح۹۴۱.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۵،ح۱۲۹۵. الاستبصار،۲۳۲،ح۲.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۴۴،ح۹۴۲.

۹۳۰). سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: آن خنده نماز را باطل می کند؟

فرمودند: « **أما التبسم فلا يقطع الصلاة وأما القهقهة فهي تقطع الصلاة** » تبسم (لبخند زدن) نماز را باطل نمی کند، اما قهقهه نماز را باطل می کند.[۱]

۹۳۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **القهقهة لا تنقض الوضوء وتنقض الصلاة** » قهقهه (خنده صدا دار) وضو را باطل نمی کند، ولی نماز را باطل می کند.[۲]

۹۳۲). « **قال الصادق عليه السلام: لا يقطع التبسم الصلاة ويقطعها القهقهة ولا تنقض الوضوء** »

امام صادق عليه السلام فرمودند: تبسم نماز را باطل نمی کند، اما قهقهه باطل می کند، ولی وضو باطل نمی شود.[۳]

۹۳۳). حلبی گوید: امام صادق عليه السلام در باره کسی که مشغول نماز باشد و کاری برایش پیش آید و بخواهد دیگری را آگاه کند، فرمودند: با سر و دست اشاره کند و تسبیح بگوید (مثلا بگوید: « **الله اکبر** ») و اگر زن در نماز کاری دارد، دست هایش را بهم بزند.[٤]

۹۳۴). عمار بن موسی گوید: اگر کسی در نماز باشد و صدای در خانه شود، آیا می تواند تنحنح کند تا کنیزک او یا خانواده اش این صدا را شنیده و نزد او آیند و او با دست خود اشاره کند و به او بفهماند که ببین چه کسی بر در خاه است یا در را می زند، آیا این کار جایز است؟ فرمودند: اشکالی ندارد. و باز از آن حضرت پرسید:مرد یا زن که مشغول نماز باشند و چیزی بخواهند آیا جایز است که بگویند: « **سبحان الله** » ؟ آن حضرت فرمودند: آری، و به هرچه بخواهند می توانند اشاره کنند، ولی زن هرگاه در نماز باشد و چیزی بخواهد با دست بر رانهای

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۷،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۸،ح ۱۳۲۵.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۰۷،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۸،ح ۱۳۲۴.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۵۶،ح۱۰۶۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۰۷،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۴۹،ح۱۳۲۸. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۵۷،ح۱۰۷۵.

خود میزند تا متوجه او شوند.[1]

بیان: یعنی زن صدایش را به « **سبحان الله** » یا تسبیح دیگری بلند نمی کند، تا مبادا اینکه صدایش را نامحرمی بشنود.

٩٣٥). محمد بن مسلم گوید: به یکی از دو امام عليهما السلام گفتم: « **الرجل يضع يده في الصلاة وحكى اليمنى على اليسرى؟ فقال: ذلك التكفير فلا تفعل** » شخصی در نماز دست راست را روی دست چپ (مانند مخالفین) می گذارد؟ حضرت فرمودند: این تکفیر است، آن را انجام نده.[2]

٩٣٦). زراره گوید: حضرت امام باقر عليه السلام فرمودند: « **ولا تكفر فإنما يفعل ذلك المجوس** » و در نماز تکفیر نکن که تکفیر کار مجوس است.[3]

٩٣٧). همچنین امام باقر عليه السلام فرمودند: « **لا تكفر فإنما يصنع ذلك المجوس** » تکفیر نکن که تکفیر کار مجوس است.[4]

٩٣٨). محمد بن مسلم می گوید: بر امام باقر عليه السلام وارد شدم در حالی که حضرت نماز می خواند، گفتم: « **السلام عليک** » حضرت در جواب فرمود: « **السلام عليک** » گفتم: حال شما چطور است؟ حضرت جوابی نداد. وقتی از نماز فارغ شدند گفتم: آیا در حال نماز پاسخ سلام داده می شود؟ فرمودند: آری، همان گونه ای که به او سلام داده شده است.[5]

بیان: یعنی اگر کسی در نماز به او سلام کرد ، باید همان طوری که او سلام کرده است جواب دهد، مثلا اگر گفته: « **السلام عليک** » او هم در جواب بگوید: « **السلام**

---

[1] من لایحضره الفقيه،ج١،ص٢٥٨،ح١٠٧٧.

[2] تهذيب الاحكام،ج٢،ص٩٠؛ح٣١٠.

[3] كافی،ج٣،ص١٦٨،ح١.

[4] كافی،ج٣،ص١٩٠،ح٩.

[5] تهذيب الاحكام،ج٢،ص٣٥٣،ح١٣٤٩.

علیک » یا اگر گفته: « **سلام علیکم** » او نیز بگوید: « **سلام علیکم** » و نگوید: «**علیک السلام** » یا « **علیکم السلام** ».

۹۳۹). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که در حال نماز است و بر او سلام می کنند، سوال کردم؟ حضرت فرمودند: باید در پاسخ آن (همان گونه که سلام داده است)، بگوید: « **سلام علیکم** »، و نباید بگوید: « **و علیکم السلام** »، زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال نماز بود که عمار یاسر از کنار آن حضرت می گذشت و سلام کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله اینگونه پاسخ داد.[۱]

۹۴۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **اذا عطس الرجل في الصلاة فليقل الحمد لله** » اگر کسی در نماز خود عطسه کرد، بگوید: « **الحمد لله** ».[۲]

۹۴۱). حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا عطس الرجل في صلاته فليحمد الله** » هر گاه کسی در نماز خود عسطه می کند، بایستی خداوند را حمد و سپاس گوید.[۳]

۹۴۲). ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی در نماز می شنوم که کسی دیگر عطسه می کند و من خداوند را حمد و سپاس می گویم و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستم. آن حضرت فرمودند: آری، خوب است و هرگاه برادر (دینی) تو عطسه کرد و تو در حال نماز بودی بگو: « **الحمد لله** » و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرست.[٤]

۹۴۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد اگر زنی فرزندن خود را درحال نماز حمل کند، و بغل بگیرد، و می تواند در حال تشهد او را شیر بدهد.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۳،ح۱۳۴۸.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۶،ح۱۳۶۷.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۰۸،ح۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۰۸،ح۲.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۴،ح۱۳۵۵.

۹۴۴). و روایت شده است که: « **من تکلم في صلاته متعمدا فعليه إعادة الصلاة** » هر کسی در نماز سخنی خارج از نماز بگوید، باید نمازش را اعاده کند، (یعنی نمازش باطل است).[۱]

۹۴۵). امام صادق علیه السلام در حدیث شرایع دین فرمودند: در تشهد اول نماز گفته نمی شود: « **السلام علينا و على عباد الله الصالحين** » زیرا که تحلیل و اتمام نماز سلام است، و اگر این جمله را گفتی قطعا که سلام داده ای (و نمازت قطع شده است).[۲]

چیزهای که در نماز مکروه است

۹۴۶). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **أن النبي صلی الله علیه و آله نهى أن يغمض الرجل عينيه في الصلاة**» رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از اینکه کسی در نماز چشمهای خود را ببندد.[۳]

۹۴۷). رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **ثمانية لا يقبل الله منهم الصلاة منهم الزبين وهو الذي يدافع البول والغائط**» هشت کس نماز آنها قبول نمی شود، از جمله آنها، الزبین یعنی کسی که او را قبل از نماز بول یا غائط بوده و دفع نکرده، و در هنگام نماز با ناراحتی مدافعه و از آن خود داری می کند.[٤]

۹۴۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « **لا تصل وأنت تجد شيئا من الاخبثين** » در حالیکه چیزی از بول یا غائط را احساس می کنی نماز نخوان.[٥]

۹۴۹). امام صادق علیه السلام در آخر حدیث حماد فرمودند: « **يا حماد هكذا صل ولا تلتف ولا تعبث بيديك وأصابعك، ولا تبزق عن يمينك ولا يسارك ولا بين يديك** » ای حماد این چنین

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۴۷،ح۱۰۲۹.

[۲] خصال،ص۶۰۴.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۳۹،ح۱۲۸۰.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۴۷،ح۱۳۱.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۰،ح۱۳۳۳.

نماز بخوان، و هنگام نماز به این طرف و آن طرف نگاه نکن و روی نگردان و با انگشتانت دست های خود بازی مکن و آنها را بی جهت حرکت مده و آب دهان به راست و چپ و یا روبروی خود مینداز.[۱]

۹۵۰). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى كره لي ست خصال و كرهتهن للاوصياء من ولدي وأتباعهم من بعدي: العبث في الصلاة ...**» خداوند متعال شش چیز را بر من نخواست و آنها را مکروه دانست، و من نیز آنها را بر اوصیا و جانشینان خود از فرزندانم و همچنین بر اتباع و شیعیان آنها مکروه می دارم: اولین آنها کار عبث و بیهوده نمودن در نماز (مانند بازی کردن با محاسن و دستها و امثال آن)...[۲]

۹۵۱). همچنین رسول الله ﷺ فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى كره لكم العبث في الصلاة، وكره المن في الصدقة، وكره الضحك بين القبور ...** » خدواند تبارک و تعالی مکروه دانسته است برای شما انجام دادن کارهای بیهوده در نماز، و منت گذاشتن هنگام صدقه دادن، و خندیدن بین قبور و قبرستان ها.[۳]

۹۵۲). رسول خدا ﷺ در وصیت خود به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **يا علي: كره الله عزوجل لامتي العبث في الصلاة، والمن في الصدقة ...** » ای علی خداوند عزوجل برای امت من مکروه دانسته است، انجام دادن کارهای بیهوده در نماز، و منت گذاشتن در صدقه دادن را.[٤]

۹۵۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **إذا قمت في الصلاة فعليك بالاقبال على صلاتك فإنما يحسب لك منها ما أقبلت عليه ولا تعبث فيها بيدك ولا برأسك ولا بلحيتك ولا تحدث نفسك ولا تتثاءب** » هرگاه به نماز می ایستی بر تو باد که با حضور قلب متوجه آن باشی، زیرا

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۱۱،ح۹۱۵.

[۲] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۱۳۴،ح۵۷۵.

[۳] من لایحضره الفقیه، ج۳،ص۳۶۹،ح۴۹۱۴.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۴،ص۲۵۸،ح۵۷۶۲.

همان مقدار که متوجه آن باشی، برای تو منظور می گردد، و در هنگام نماز با دست و سر و محاسن خود بازی نکن، و با خود گفتگو مکن، و خمیازه نکش.[1]

۹۵۴). همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: «**ولا تفرقع أصابعك** » و انگشتانت را در نماز مشکن.[2]

۹۵۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز بود، که پشت سر خود صدای شکستن انگشتان کسی را شنید، که مردی در حال نماز انگشتان خود را می شکند، وقتی آن مرد رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهره او از نمازش همان اندازه بود.[3]

۹۵۶). همچنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: هنگامی که وارد مسجد شدی و مردم نماز می خواندند، بر آنها سلام مکن.[4]

مواردی که میشود نماز واجب را شکست

۹۵۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه در نماز واجب هستی و می بینی که غلامت گریخت، یا بدهکاری را می بینی که مالی از او طلب داری، و یا ماری را می بینی که می ترسی به تو آسیب برساند، در این صورت نماز را قطع کن و به دنبال غلامت یا از پی طلب کارت برو و ما را بکش.[5]

۹۵۸). سماعه می گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: هرگاه شخصی که به نماز واجب ایستاده و به خاطرش برسد که کیسه خود را جایی گذاشته، یا کالایش را فراموش کرده است، و می ترسد از

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۶۸،ح۱.

[2] کافی،ج۳،ص۱۶۸،ح۱.

[3] کافی،ج۳،ص۲۰۷،ح۸.

[4] قرب الاسناد،ص۴۵.

[5] کافی،ج۳،ص۲۰۹،ح۷. من لایحضره الفقیه، ج۱،ح۲۵۳،ح۱۰۷۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۵۵،ح۱۳۶۱.

بین برود، چه باید کند.؟

فرمودند: نمازش را قطع کرده و کالایش را بردارد و نمازش را از سر گیرد.

راوی گوید: انسان در حال خواندن نماز واجب است که چهارپای او رم می کنند، یا خود چهار پا رم می کند و می ترسد که حیوان برود و نتواند پس از نماز به آن برسد، یا در گرفتنش دچار زحمت بسیار شود، باید چه کند؟

فرمودند: اشکالی ندارد که نمازش را قطع کند.[1]

شکّیات نماز

شک در دو رکعت اول نمازهای واجب

شک در شماره رکعات اول و دوم نمازهای واجب، نماز را باطل می کند.

۹۵۹). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **ليس في الركعتين الاولتين من كل صلاة سهو** » شک در دو رکعت اول هر نمازی موجب بطلان نماز است.[2]

۹۶۰). زراره گوید: به یکی از دو امام عرض عليهما‌السلام کردم: « **رجل لا يدري واحدة صلى أم ثنتين؟ قال: يعيد** » کسی که نمی داند که آیا یک رکعت نماز خوانده است یا دو رکعت (چه حکمی دارد) ؟ فرمودند: باید نماز را اعاده کند.[3]

۹۶۱). محمد بن مسلم گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه‌السلام: عن الرجل يصلي ولا يدري أواحدة صلى ام اثنتين قال: يستقبل حتى يستيقن انه قد اتم، وفي الجمعة وفي المغرب وفي الصلاة في السفر** » از امام صادق عليه‌السلام در مورد شخصی که نماز می خواند و نمی داند که یک رکعت

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۰۹،ح۳. من لايحضره الفقيه، ج۱،ح۲۵۳،ح۱۰۷۱. تهذيب الاحكام،ج۲،ص۳۵۵،ح۱۳۶۰.

[2] من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۲۴۷،ح۱۰۲۷.

[3] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۳.

خوانده یا دو رکعت پرسیدم؟ فرمودند: باید نماز خود را از سر گیرد تا یقین کند که آن را کامل خوانده است، و در نماز جمعه، نماز مغرب و نماز در سفر نیز در چنین حالتی نماز را از سر گیرد.[1]

۹۶۲). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **ان الذي فرض الله على العباد من الصلاة عشر ركعات وفيهن القراءة وليس فيهن وهم يعني سهوا فزاد رسول الله صلى الله عليه وآله سبعا وفيهن الوهم وليس فيهن قراءة** » خداوند متعال بر بندگان ده رکعت نماز (در روز) واجب فرموده است، که در آنها حمد خوانده می شود، و وهم یعنی سهو در آنها راه ندارد، پس رسول خدا صلى الله عليه وآله هفت رکعت دیگر بر آنها افزود (که جمله هفده رکعت شدند) و در این هفت رکعت سهو است (و سهو در آنها مبطل نماز نیست) و همچنین در آنها قرائت (واجب) نیست.[2]

۹۶۳). امام باقر عليه السلام فرمودند: دو رکعت نماز ظهر، دو رکعت نماز عصر، دو رکعت نماز صبح، دو رکعت نماز مغرب و دو رکعت از عشاء است که شکی در آنها روا نیست، و هر کس در آنها شک نمود، باید نمازش را از سر گیرد، این رکعاتی هستند که خداوند در قرآن آنها را بر مومنان واجب فرموده است.

آنگاه خداوند متعال حکم آنها را بر پیامبر صلى الله عليه وآله واگذارد، و حضرتش هفت رکعت بر آنها افزوده که سنت است و در آنها قرائت (واجب) نیست، بلکه تسبیح، تهلیل، تکبیر و دعاست و شک در آنها راه دارد، (و مبطل نماز نیست). پس رسول خدا برای مقیم (یعنی غیر مسافر) دو رکعت در ظهر، عصر و عشا، و یک رکعت در مغرب برای مقیم و مسافر افزود.[3]

۹۶۴). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **لما عرج برسول الله صلى الله عليه وآله نزل بالصلاة عشر ركعات، ركعتين ركعتين فلما ولد الحسن والحسين عليهما السلام زاد رسول الله صلى الله عليه وآله سبع ركعات شكرا لله ... وإنما يجب السهو فيما زاد رسول الله صلى الله عليه وآله فمن شك في أصل الفرض في الركعتين الاولتين**

---

[1] کافی،ج۳،ص۱۹۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۹،ح۷۱۵. الاستبصار،ص۲۰۸،ح۲.

[2] کافی،ج۳،ص۱۵۲،ح۳.

[3] کافی،ج۳،ص۱۵۳،ح۷.

استقبل صلاته » وقتی که رسول خدا به معراج برده شد، ده رکعت نماز با خود آورد، که هر نمازی دو رکعت بود، و چون امام حسن و امام حسین علیهما السلام متولد شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به شکرانه و سپاس خداوند هفت رکعت بر آنها افزود... شک و سهو در آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله افزوده است، پس کسی که در اصل فرض نماز که دو رکعت اول هر نماز است، شک کند، باید نماز خود را از سر گیرد.[۱]

۹۶۵). امام رضا علیه السلام فرمودند: « **الاعادة في الركعتين الاولتين والسهو في الركعتين الاخيرتين** » اعاده نماز در دو رکعت اول است، و شک در دو رکعت پایانی.[۲]

۹۶۶). عنبیه بن مصعب می گوید: امام صادق به من فرمودند: هرگاه در دو رکعت او شک نمودی، نماز را اعاده کن.[۳]

شک در نماز صبح و مغرب

شک در شماره رکعات نماز صبح و مغرب ، نماز را باطل می کند.

۹۶۷). امام صادق فرمودند: « **إذا شككت في المغرب فأعد وإذا شككت في الفجر فأعد** » هرگاه در نماز مغرب شک کردی، آن را اعاده کن، و هرگاه در نماز صبح شک کردی؛ آن را اعاده کن.[٤]

۹۶۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ليس في المغرب والفجر سهو** » در نماز مغرب و صبح سهو و شک وجود ندارد.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۷۸،ح۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۸،ح۷۰۹. الاستبصار،ص۲۰۸،ح۱۰.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۶،ح۷۰۱. الاستبصار،ص۲۰۷،ح۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۱۹۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۹،ح۷۱۴. الاستبصار،ص۲۰۸،ح۱.

[٥] کافی،ج۳،ص۱۹۹،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۹،ح۷۱۶. الاستبصار،ص۲۰۸،ح۳.

۹۶۹). همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه در مغرب شک کردی، نماز را اعاده کن.[۱]

۹۷۰). فضیل می گوید: از امام علیه السلام در مورد سهو پرسیدم؟ فرمودند: اگر در نماز مغرب شک کردی که سه رکعت خوانده ای یا چهار رکعت، نماز را اعاده کن.[۲]

شک در نماز جمعه و مسافر

شک در شماره رکعات نماز جمعه که دو رکعت است و همچنین نماز مسافر، نماز را باطل می کند.

۹۷۱). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که نماز می خواند و نمی داند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت پرسیدم؟

فرمودند: باید نماز خود را از سر گیرد تا یقین کند که آن را کامل خوانده است، و در نماز جمعه، نماز مغرب و نماز در سفر نیز در چنین حالتی نماز را از سر گیرد.[۳]

۹۷۲). سماعه گوید: از امام علیه السلام در مورد شک در نماز صبح پرسیدم؟ فرمودند: اگر نمی داند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، نماز را از اول اعاده کند، و نماز جمعه نیز این چنین است، اگر امام در آن شک کرد باید آن را اعاده کند، و نماز مغرب نیز اگر کسی شک کرد و ندانست چند رکعت خوانده است، باید آن را اعاده کند.[٤]

شک کسی که نمی داند چند رکعت خوانده

کسی که در رکعتهای نماز شک کند و نداند چند رکعت خوانده است، نمازش باطل است.

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۰،ح۷۲۱. الاستبصار،ص۲۱۱،ح۳.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۰،ح۷۱۹.

[۳] کافی،ج۳،ص۱۹۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۹،ح۷۱۵. الاستبصار،ص۲۰۸،ح۲.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۰،ح۷۲۰.

۹۷۳). صفوان گوید: امام علیه السلام فرمودند: « **إن كنت لا تدري كم صليت ولم يقع وهمك على شئ فأعد الصلاة** » هرگاه ندانستی که چند رکعت نماز خوانده ای و ذهن تو نیز بر هیچ طرفی مایل نشد، نماز خود را اعاده کن.[1]

۹۷۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه شک کردی و ندانستی که آیا در رکعت اول هستی، یا دوم و یا در رکعت اول و یا رکعت چهارم، نماز را اعاده کن و با شک، نماز را ادامه نده.[2]

۹۷۵). زراره و ابوبصیر می گویند: به امام (صادق) علیه السلام عرض کردیم: شخصی در نماز خود بسیار شک می کند تا جایی که نمی داند چند رکعت نماز خوانده و چند رکعت مانده است؟

حضرت فرمودند: باید نماز خود را اعاده کند.[3]

۹۷۶). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: کسی که نمی داند چند رکعت خوانده است، نماز خود را اعاده می کند.[4]

شک بین رکعت دوم و سوم

اگر کسی بعد از تمام شدن سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، بنا را بر سه بگذارد و یک رکعت دیگر بخواند، و نماز را تمام کند، و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

۹۷۷). زراره گوید: به یکی از دو امام علیهما السلام گفتم: شخصی که نمی داند دو رکعت به جا آورده یا سه رکعت (چه کند)؟

فرمودند: اگر پس از آنکه وارد رکعت سوم می شود شک بر او عارض شود، باید سه رکعت

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۰۳،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۹،ح۷۴۴.

[2] کافی،ج۳،ص۲۰۳،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۹،ح۷۴۳.

[3] کافی،ج۳،ص۲۰۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۰،ح۷۴۷.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۲،ح۷۲۶.

را تمام کند، سپس یک رکعت دیگر (یعنی یک رکعت نماز احتیاط) بخواند، و چیزی بر او لازم نیست و سلام دهد.[۱]

۹۷۸). علاء گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کسی دو رکعت نماز را می خواند، و در رکعت سوم شک می کند؟ فرمودند: بنا را بر یقین بگذارد، هنگامی که از تشهد فارغ شد، (و نماز را سلام داد) بایستند و یک رکعت نماز (احتیاط) همراه با سوره حمد بخواند.[۲]

شک بین رکعت سوم و چهارم

کسی که بین رکعت سوم و چهارم شک می کند، بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و بعد از آن دو رکعت نماز احتیاط بصورت نشسته بجا آورد، و می تواند یک رکعت بصورت ایستاده بخواند.

۹۷۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه ندانستی که سه رکعت نماز خوانده ای یا چهار رکعت... و نظرت نسبت به هر دو طرف مساوی باشد، (بنا را بر چهار بگذار) و نماز را تمام کن، و دو رکعت نماز (احتیاط) در حال نشسته بخوان.[۳]

۹۸۰). امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمودند: شک بین سه رکعت و چهار رکعت همانند شک بین رکعت دوم و چهارم است، و هرکه شک کند و نداند که آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکعت و شک او نسبت به هر طرف مساوی باشد، باید بر خیزد نماز خود را تمام کند، سپس بنشیند و تشهد را بخواند و سلام دهد، (آنگاه) دو رکعت نماز (احتیاط) نشسته با چهار سجده به جا آورد.[٤]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۱۹۸،ح۳.

[۲] قرب الاسناد،ص۱۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۰۰،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۶،ح۷۳۳.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۰۰،ح۵.

۹۸۱). حلبی گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هرگاه شک کردی که سه رکعت نماز خوانده ای یا چهار رکعت و گمانت به جایی نرفت، سلام بده، سپس دو رکعت نماز (احتیاط) در حال نشسته به جای آور و در آنها سوره حمد (تنها) بخوان، و اگر گمانت به سه رکعت مایل بود، برخیز و رکعت چهارم را به جای آور و دیگر سجده سهو لازم نیست، ولی اگر گمان به چهار رکعت دادی، تشهد بگو و سلام بده، سپس دو سجده سهو به جای آور.[1]

۹۸۲). حسین بن ابی العلاء گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **إن استوى وهمه في الثلاث والاربع سلم وصلى ركعتين وأربع سجدات بفاتحة الكتاب** » هرگاه احتمال نمازگزار در میان رکعت سوم و چهارم مساوی باشد، باید سلام دهد و دو رکعت نماز (احتیاط) با چهار سجده و سوره حمد در حال نشسته بخواند.[2]

شک بین رکعت چهارم و پنجم

کسی که بین رکعت چهار و پنجم شک می کند، بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۹۸۳). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هرگاه یکی از شما در نماز خود شک کرد و ندانست که بیشتر خوانده یا کمتر، باید دو سجده سهو در حال نشسته به جا آورد، و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این دو سجده را خوار کننده شیطان نامیده است.[3]

۹۸۴). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **إذا كنت لا تدري أربعا صليت أو خمسا فاسجد سجدتي السهو بعد تسليمك ثم سلم بعدهما** » هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده ای یا

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۰۰،ح۸.

[2] کافی،ج۳،ص۱۹۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۷،ح۷۳۶.

[3] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۱.

پنج رکعت بعد از سلام دو سجده سهو به جای آور و پس از آن سلام گوی.[۱]

۹۸۵). ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه ندانستی که چهار رکعت نماز خوانده ای یا پنج رکعت بعد از سلام، دو سجده سهو در حالی که نشسته ای بجای آور و پس از آن سلام گوی.[۲]

۹۸۶). حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده ای یا پنج رکعت و نیز ندانستی آیا زیاد کرده ای یا کم پس تشهد بخوان و سلام بده و آنگاه دو سجده سهو بجای آور بدون رکوع و قرائت، و تشهد خفیفی پس از انجام دو سجده بجای آور و سلام ده.[۳]

شک بین رکعت دوم و چهارم

کسی که بین رکعت دوم و چهارم بعد از تمام شدن دو سجده شک می کند، بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و بعد از آن دو رکعت نماز احتیاط بصورت ایستاده بخواند.

۹۸۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه شک کردی که دو رکعت نماز خوانده ای یا چهار رکعت و گمانت به جایی نرفت، تشهد بخوان و سلام بده، سپس دو رکعت نماز (احتیاط) به جای آور و در آنها (تنها) سوره حمد بخوان، سپس تشهد بجای آور و سلام بده، اگر سابقا دو رکعت نمازخوانده بودی با این دو رکعت چهار رکعت می شود، و اگر چهار رکعت خوانده بودی، این دو رکعت نافله محسوب خواهد شد.[٤]

۹۸۸). ابن ابی یفور می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی در نماز است و نمی داند

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۶،ح۷۶۷.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۶.

[۳] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۴۵،ح۱۰۱۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۸،ح۷۷۲.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۴۵،ح۱۰۱۵. کافی،ج۳،ص۲۰۰،ح۸.

که آیا دو رکعت نماز خوانده یا چهار رکعت؟

حضرت فرمودند: تشهد می خواند و نماز را سلام می دهد، آنگاه بلند می شود و دو رکعت نماز با چهار سجده بجا می آورد، و در این دو رکعت سوره حمد را تلاوت می کند، سپس تشهد می خواند و سلام می دهد، اگر قبلا چهار رکعت خوانده بود، این دو رکعت نافله محسوب می شود، و اگر دو رکعت خوانده بود، با این چهار رکعت می شود.[۱]

۹۸۹). زراره گوید: به یکی از دو امام علیهما السلام گفتم: « **من لم يدر في أربع هو أم في ثنتين وقد احرز الثنتين؟ قال: يركع ركعتين وأربع سجدات وهو قائم بفاتحة الكتاب ويتشهد ولا شئ عليه** » کسی که نمی داند در رکعت چهارم است یا دوم، اما گمان او به رکعت دوم است، حکمش چیست؟ فرمودند: (بعد از تمام نمودن نماز) دو رکعت نماز ایستاده با سوره حمد تنها با دو رکوع و چهار سجده به جا آورد، سپس تشهد می خواند و دیگر چیزی بر عهده او نیست.[۲]

۹۹۰). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق در مورد کسی که دو رکعت نماز می خواند، و شک می کند که در رکعت دوم است یا چهارم، پرسیدم؟

حضرت فرمودند: نماز را سلام می دهد و پس از تمام شدن آن بلند می شود و دو رکعت نماز (احتیاط) همراه با سوره حمد می خواند، سپس تشهد بجا می آورد، و دیگر چیزی بر عهده او نیست.[۳]

شک بین رکعت دوم، سوم و چهارم

کسی که بین رکعت دوم، سوم و یا چهارم بعد از تمام شدن دو سجده شک می کند، بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و بعد از آن دو رکعت نماز احتیاط بصورت ایستاده و دو رکعت

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۰،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۷،ح۷۳۹.

[۲] کافی،ج۳،ص۱۹۹،ح۳.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۹۷،ح۷۳۷.

نشسته بخواند.

۹۹۱). حضرت امام صادق علیه السلام درباره شخصی که نماز می خواند و نمی داند که دو رکعت نماز خوانده است، یا سه رکعت و یا چهار رکعت. فرمودند: باید برخیزد و دو رکعت نماز (احتیاط) ایستاده بجا آورد و سلام دهد، سپس دو رکعت در حال نشسته بخواند، پس در این صورت اگر در واقع نماز خود را چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت به عنوان نافله محسوب می شود، و گرنه چهار رکعت تمام می شود.[1]

کیفیت سجده سهو

کسی که وظیفه او انجام دادن سجده سهو است، بعد از سلام نماز و قبل از آنکه سخن بگوید، به سجده می رود و در سجد می گوید: « **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ** » و بعد می نشیند و دوباره به سجده می رود، و ذکری را که گذشت می گوید، آنگاه نشسته و تشهد می خواند و سلام می دهد.

۹۹۲). عبد الرحمان بن حجاج می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: « **سجدتا السهو قبل التسليم هما أو بعد؟ قال: بعد** » آیا دو سجده سهو پیش از سلام نماز است یا پس از آن؟ فرمودند: پس از سلام.[2]

۹۹۳). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **سجدتا السهو بعد التسليم وقبل الكلام** » دو سجده سهو بعد از سلام نماز و قبل از سخن گفتن است.[3]

۹۹۴). حلبی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: در دو سجده سهو می گوئی: « **بِسْمِ اللَّهِ**

[1] کافی، ج۳، ص۲۰۰، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۱۹۹، ح۷۴۲.

[2] کافی، ج۳، ص۲۰۲، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۲۰۳، ح۷۷۵.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۴۱، ح۹۹۴. تهذیب الاحکام، ج۲، ص۲۰۷، ح۷۶۸.

وَ بِاللّهِ وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکَاتُهُ »[۱]

۹۹۵). حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا لم تدر أربعا صليت أو خمسا أم زدت أم نقصت فتشهد وسلم واسجد سجدتي السهو بغير ركوع ولا قراء ة، تتشهد فيهما تشهدا خفيفا** » هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده ای یا پنج رکعت و نیز ندانستی آیا زیاد کرده ای یا کم پس تشهد بخوان و سلام بده و آنگاه دو سجده سهو بجای آور بدون رکوع و قرائت، و تشهد خفیفی پس از انجام دو سجده بجای آور و سلام ده.[۲]

موارد سجده سهو

۹۹۶). سلیمان بن خالد می گوید: از امام صادق علیه السلام در موردی کسی که فراموش می کند در دو رکعت اول (برای تشهد) بنشیند سوال کردم؟

فرمودند: اگر قبل از اینکه به رکوع رکعت (سوم) برود به یاد آورد، باید بنشیند (وتشهد بخواند) و اگر به یاد نیاورد تا اینکه به رکوع رفت، نماز را تمام کند، وقتی فارغ شد، و سلام نماز را داد، دو سجده سهو بجا آورد.[۳]

۹۹۷). ابن ابی یعفور می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که دو رکعت از نماز فریضه را می خواند و بر سر دو رکعت (برای تشهد) نمی نشیند تا اینکه به رکوع (رکعت سوم) می رود سوال کردم؟ فرمودند: نمازش را تمام می کند و قبل از اینکه سخن بگوید، در حال نشسته دو سجده سهو به جا آورد.[٤]

۹۹۸). حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه شک کردی که سه رکعت نماز خوانده

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۴۱،ح۹۹۷. کافی،ج۳،ص۲۰۲،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۹،ح۷۷۳.
[۲] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۴۵،ح۱۰۱۹. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۸،ح۷۷۲.
[۳] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۶۸،ح۶۱۸.
[٤] تهذیب الاحکام، ج۲،ص۱۶۸،ح۶۱۹.

ای یا چهار رکعت و گمانت به جایی نرفت، سلام بده، سپس دو رکعت نماز (احتیاط) در حال نشسته به جای آور و در آنها سوره حمد (تنها) بخوان، و اگر گمانت به سه رکعت مایل بود، برخیز و رکعت چهارم را به جای آور و دیگر سجده سهو لازم نیست، ولی اگر گمان به چهار رکعت دادی، تشهد بگو و سلام بده، سپس دو سجده سهو به جای آور.[۱]

۹۹۹). امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده ای یا پنج رکعت بعد از سلام دو سجده سهو به جای آور و پس از آن سلام گوی.[۲]

۱۰۰۰). ابوبصیر می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه ندانستی که چهار رکعت نماز خوانده ای یا پنج رکعت بعد از سلام، دو سجده سهو در حالی که نشسته ای بجای آور و پس از آن سلام گوی.[۳]

۱۰۰۱). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرگاه یکی از شما در نماز خود شک کرد و ندانست که بیشتر خوانده یا کمتر، باید دو سجده سهو در حال نشسته به جا آورد، و رسول خدا صلى الله عليه وآله این دو سجده را خوار کننده شیطان نامیده است.[٤]

۱۰۰۲). معاویه بن عمار می گوید: از امام عليه السلام درباره کسی که فراموش می کند و در حالی که باید بنشیند، می ایستند و در جایی که باید بایستد، می نشیدند پرسیدم؟

فرمودند: پس از سلام، دو سجده سهو به جا آورد که آن دو سجده بینی شیطان را به خاک می مالد و او را ذلیل می کند.[٥]

۱۰۰۳). عبد الرحمان بن حجاج می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسی که از روی

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۰،ح۸.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۶،ح۷۶۷.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۶.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۱.

[٥] کافی،ج۳،ص۲۰۳،ح۹.

فراموشی در نماز سخن گوید، (مثلا) می گوید: صف های خود را مرتب کنید، (چه حکمی دارد) ؟ فرمودند: نماز خود را تمام کند، سپس دو سجده سهو به جا آورد.[۱]

۱۰۰۴). عمار گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد شخصی که سه رکعت نماز می خواند و گمان می کند که چهار رکعت است، وقتی سلام می دهد به یاد می آورد که سه رکعت بوده است، سوال کردم؟

حضرت فرمودند: هر موقع به یاد آورد، بر نماز خود بنا می کند و ادامه نماز را می خواند، و یک رکعت دیگر نیز می خواند (تا چهار رکعت شود) و سپس تشهد خوانده و سلام می دهد، آنگاه دو سجده سهو انجام می دهد، و نماز او درست است.[۲]

۱۰۰۵). عیص می گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد کسی که یک رکعت از نمازش را فراموش می کند تا اینکه از آن فارغ می شود و سلام می دهد، سپس به یاد می آورد که یک رکعت را نخوانده است، سوال کردم؟

فرمودند: بر می خیزد و یک رکعت دیگر را می خواند و (بعد از نماز) دو سجده (سهو) انجام می دهد.[۳]

نماز احتیاط

کسی که وظیفه او خواندن نماز احتیاط است، بعد از سلام نماز به نیت نماز احتیاط تکبیر می بگوید، و حمد را بصورت تنها بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید، پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر عهده او بود، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر عهده او بود، بعد از دو سجده یک رکعت دیگر مثل رکعت اول به جا آورد، و بعد از

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۲،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۳،ح۷۷۵.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۸۰،ح۱۴۶۶.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۷۶،ح۱۴۵۱.

تشهد سلام دهد، و فرقی بین نماز احتیاط چه ایستاده و چه بصورت نشسته باشد نیست، و قنوت در روایات برای نماز احتیاط ذکر نشده است. موارد نماز احتیاط و همچنین کیفیت آن در روایات، شک بین رکعات نماز ذکر شد.

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

۱۰۰۶). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: هرگاه کسی یقین کند که در نماز واجب یک رکوع زیاد انجام داده است، نباید بدان اعتنا کند، ولی در صورتی که یقین کامل کند، باید نماز را از سر گیرد.[۱]

۱۰۰۷). ابوبصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **من زاد في صلاته فعليه الاعادة** » هر کسی (عمدا) در نماز خود چیزی را زیاد کند، اعاده نماز بر او لازم است.[۲]

۱۰۰۸). زید شحام گوید: از امام عليه‌السلام در مورد کسی که نماز عصر را شش رکعت، یا پنج رکعت می خواند، پرسیدم؟ حضرت فرمودند: اگر یقین دارد که پنج یا شش رکعت خوانده است، باید نماز را اعاده کند.[۳]

۱۰۰۹). محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه‌السلام در مورد کسی که بعد از تمام شدن نماز شک می کند، فرمودند: نماز را اعاده نکند، و چیزی بر عهده او نیست.[٤]

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشاء را با هشت شرط شکسته بجا آورد، یعنی دو رکعت بخواند.

۱۰۱۰). امام رضا عليه‌السلام فرمودند: نماز در سفر شکسته مـی شود، برای آن که نماز واجـب در

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۶،ح۷۶۳.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۰۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۰۶،ح۷۶۴.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۲۷۸،ح۱۴۵۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۳۷۴،ح۱۴۴۳.

اصل ده رکعت بود و هفت رکعت بعدا به آن افزوده شد سپس حقّ تعالی در حقّ مسافر به خاطر سفر در رنجی که وی متحمّل می شود و به جهت پرداختنش به امور مربوط به خود از باب رحمت و مهربانی رکعاتی را که به نمازها اضافه شده ساقط فرمود مگر از نماز مغرب زیرا این نماز در اصل مقصوره می باشد.[۱]

« شرط اول »

آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ نباشد، و اگر رفت و برگشت او هشت فرسخ است، یعنی رفت و همچنین برگشت هر کدام چهار فرسخ است و کمتر از آن نیست، باید نماز را شکسته بخواند.

۱۰۱۱). حضرت رضا عليه‌السلام فرمودند: « **وإنما وجب التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر** » همانا شکستن نماز در هشت فرسخ نه کمتر و نه بیشتر از آن واجب می شود.[۲]

۱۰۱۲). همچنین آن حضرت فرمودند: « **والتقصير في ثمانية فراسخ وما زاد ، وإذا قصرت أفطرت** » شکسته شدن نماز در هشت فرسخ به بالا است، و وقتی که نماز را تقصیر کنی روزه را نیز افطار می کنی.[۳]

۱۰۱۳). سماعه گوید: از امام (صادق) عليه‌السلام در مورد مسافر سوال کردم که در چقدر از مسافت نماز را شکسته می خواند؟ فرمودند: در مسیر یک روز (با شتر و امثال آن) و آن دو برید است، و دو برید هشت فرسخ می باشد.[٤]

۱۰۱۴). عبد الله بن یحیی کاهلی میگوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که در مورد شکسته شدن

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۳۰۶،ح۱۳۱۸.

[۲] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۳۰۶،ح۱۳۱۸.

[۳] عیون اخبار الرضا، ج۲،ص ۱۲۳.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۲۸،ح۴۴۲.

نماز مسافر فرمودند: یک برید (یعنی چهار فرسخ رفت) در یک برید (چهار فرسخ برگشت) که بیست و چهار میل می باشد.[1]

« شرط دوم »

آنکه از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد.

۱۰۱۵). صفوان گوید: از امام رضا عليه‌السلام در مورد کسی که به قصد ملحق شدن به مردی که در یک میلی او بوده از بغداد خارج می شود، پس پیوسته به دنبال او می رود تا اینکه به نهروان که در چهار فرسخی بغداد است می رسد، آیا زمانی که قصد رجوع دارد، روزه را افطار کند و نماز را شکسته بخواند؟

فرمودند: نماز را شکسته نمی خواند و روزه را افطار نمی کند، زیرا او در حالی از منزلش خارج شده است که قصد سفر هشت فرسخی را نداشته است، بلکه فقط به قصد ملحق شدن به دوستش در راهی خارج شده است و سپس مسیر تا محلی که به او رسیده است، برای او طولانی شده است.[2]

« شرط سوم»

آنکه در بین راه از قصد خود بر نگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود بر گردد، باید نماز را تمام بخواند.

۱۰۱۶). ابی ولاد می گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: من از کوفه با کشتی بسوی قصر ابن هبیره خارج می شوم، که مسافت آن حدودا بیست فرسخ از کوفه در آب (فرات) می باشد ، پس در روز مسافرت نماز خود را شکسته می خوانم، سپس در شب برای من کاری پیش می آید

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۱،ص۲۹۶،ح۱۲۶۸.

[2] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵۵،ح۶۶۲.

که باید به کوفه برگردم، و نمی دانم هنگام رجوع نماز خود را شکسته بخوانم یا تمام، پس در چنین شراطی چه کنم و وظیفه من چیست؟

حضرت فرمودند: اگر در روزی که خارج شده ای یک برید (یعنی چهار فرسخ) راه پیموده ای، هنگام رجوع نماز خود را شکسته بخوان، زیرا که تو مسافر هستی تا هنگامی که به منزل خود باز گردی، و اگر از روزی که خارج شده ای یک برید (چهار فرسخ) راه نپیموده ای باید نماز های را که شکسته خوانده ای قضا نمایی.[۱]

« شرط چهارم»

آنکه به حد ترخّص برسد.

۱۰۱۷). محمد بن مسلم گوید: « **قلت: لابي عبدالله** عليه السلام **رجل يريد السفر متى يقصر؟ فقال: إذا توارى من البيوت** » به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که می خواهد مسافرت کند، از چه زمانی باید نماز را شکسته بخواند؟ فرمودند: آنگاه که خانه های (شهر) پنهان شوند.[۲]

۱۰۱۸). عبدالله بن سنان گوید : از امام صادق عليه السلام درباره شکسته شدن (نماز مسافر) پرسیدم؟ حضرت فرمودند: هرگاه در جایی بودی که (هنوز) صدای اذان (شهر) را می شنیدی، نماز را تمام بخوان، و اگر در جایی بودی که اذان شهر را نمی شنیدی، نماز را شکسته بخوان، و هنگام برگشت از سفر نیز چنین است، (یعنی اگر صدای اذان شهر خود را شنیدی باید نماز را کامل بخوانی).[۳]

« شرط پنجم»

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۳۰،ح۹۰۹.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۴۷،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۹،ح۱۲۶۶. تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۳،ح۲۷.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۲۴،ح۶۵۹.

آنکه سفر او مباح باشد، و برای کار حرام و معصیت سفر نکند.

1019). امام صادق عليه السلام فرمودند: هر کسی مسافرت می کند باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند، مگر آنکه کسی باشد که سفرش به قصد شکار (لهو و بیهوده)، یا در معصیت خدای عزوجل باشد، یا فرستاده کسی باشد که خداوند را معصیت می کند، یا برای طب و یافتن دشمن و یا دشمنی با دیگران، و یا گزارش دادن بد از کسی به والي و حاکم و یا بخاطر ضرر رساندن به قومی از مسلمانان باشد.[۱]

« شرط ششم»

آنکه شغل او مسافرت نباشد.

1020). هشام بن حکم می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **المكاري والجمال الذي يختلف وليس له مقام يتم الصلاة ويصوم شهر رمضان** » چهارپا دار و شتربانی که در حال رفت و آمد هستند، و در یک جا اقامت ندارند، بایستی نماز را تمام خوانده و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرند.[۲]

1021). زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمودند: « **أربعة قد يجب عليهم التمام في السفر كانوا أو الحضر: المكاري والكري والراعي والاشتقان لانه عملهم** » چهار گروه هستند، که بر آنان واجب است در سفر و حضر نماز را تمام بخوانند که عبارتند از: کسی که چهارپایان خود را به کرایه می دهد، کسی که خود را اجیر دیگری می سازد که پیامی به جایی ببرد، چوپان و پیک، زیرا که سفر کار و حرفه آنان است.[۳]

1022). محمد بن مسلم گوید: یکی از دو امام عليهما السلام فرمودند: « **ليس على الملاحين في**

---

[۱] کافی،ج۴،ص۱۲۹،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ح۹۵،ح۱۹۷۹. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱۹،ح۶۴۰.

[۲] کافی،ج۴،ص۱۲۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱۸،ح۶۳۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۴۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۳۶. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۹۸،ح۱۲۷۵. الاستبصار،ص۱۳۳.

سفينتهم تقصير ولا على المكاري والجمال » ناخدا و خدمه کشتی که در کشتی خود در حال حرکت هستند، نباید نماز را شکسته بخوانند، و همچنین است حکم چهارپا دار و شتربان.[۱]

« شرط هفتم»

آنکه بیابانگرد و صحرانشین نباشد.

1023). اسحاق بن عمار می گوید: « **سألته عن الملاحين والاعراب هل عليهم تقصير؟ قال: لا، بيوتهم معهم** » از امام علیه‌السلام در مورد ناخدایان و بادیه نشینان پرسیدم، که آیا باید نمازشان شکسته باشد؟ فرمودند: نه، برای اینکه خانه های آنها همراه آنان است.[۲]

1024). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **الاعراب لا يقصرون وذلك أن منازلهم معهم** » بادیه نشینان نباید، نماز را شکسته بخوانند، برای اینکه خانه هایشان با آنان است.[۳]

« شرط هشتم»

آنکه قصد اقامت ده روز نکند.

1025). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم: کسی که ماه رمضان را در سفر درک می کند، و چند روز در مکانی می ماند، آیا می تواند روزه بگیرد؟ حضرت فرمودند: نه تا در آن مکان ده روز بماند، و هرگاه ده روز اقامت کرد، روزه می گیرد و نماز را تمام می خواند.[٤]

1025). ابوبصیر گوید: (امام علیه‌السلام فرمودند) هرگاه وارد سر زمینی شـدی و خواستی ده روز

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۴۹،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۹۸،ح۱۲۷۶.
[۲] کافی،ج۳،ص۲۵۰،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۳۶،ح۵۲۷. الاستبصار،ص۱۳۳،ح۴.
[۳] کافی،ج۳،ص۲۴۹،ح۵.
[٤] کافی،ج۴،ص۱۳۳،ح۲.

در آن بمانی، روزه بگیر و نماز را تمام بخوان و اگر مردد بودی و خواستی کمتر از ده روز اقامت کنی، تا یک ماه افطار کن، وقتی اقامت تو (در جایی) یک ماه شد، نماز و روزه تمام به جا آور، گرچه بگویی: فردا کوچ می کنم.[۱]

۱۰۲۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: اگر در شهری وارد شدی، و قصد ده روز اقامت در آنجا را نمودی، پس نماز را تمام بجای آور.[۲]

۱۰۲۷). همچنین آن حضرت در حدیثی فرمودند: اگر خواستی نیت اقامت ده روز کنی، نماز را تمام بخوان، و اگر نیت و قصد اقامت نکردی، و تا یک ماه آنجا ماندی نماز را شکسته بخوان، و هنگامی که یک ماه بر تو گذشت، باید نماز را تمام بخوانی.[۳]

۱۰۲۸). زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: بفرمائید کسی که به شهری وارد می شود، تا چه زمانی شایسته است که نماز خود را شکسته و تا چه زمانی تمام بخواند؟

فرمودند: هرگاه وارد سر زمینی شدی و یقین داشتی که ده روز می مانی، نماز خود را تمام بخوان، اگر نمی دانی که چند روز می مانی و می گویی فردا می روم یا پس فردا، در چنین حالی تا یک ماه که چنین وضعی داری، نماز خود را شکسته بخوان، و چون یک ماه سپری شد، اگر چه یک ساعت دیگر خارج شوی، باید نماز را تمام بخوانی.[٤]

مسائل متفرقه

۱۰۲۹). حماد بن عیسی می گوید: حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: « **من مخزون علم الله الاتمام في اربع مواطن: حرم الله وحرم رسوله وحرم أمير المؤمنين وحرم الحسين**

---

[۱] کافی،ج۴،ص۱۳۳،ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۴۲،ح۵۵۲.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۴۲،ح۵۵۳.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۴۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۴۰،ح۵۴۶.

بن علي ﷺ » از علوم نهانی حق تعالی و اسرار مخفیه است که در چهار مکان نماز را تمام می‌خوانند: حرم خدا (مسجد الحرام) حرم رسول خدا (مسجد النبی ﷺ) و حرم امیر المومنین ﷺ و حرم حضرت امام حسین ﷺ.[۱]

۱۰۳۰). امام صادق ﷺ فرمودند: هرگاه وارد مکه شدی، همان روز ورود، نماز را تمام بخوان.[۲]

۱۰۳۱). علی بن یقطین می گوید: امام کاظم ﷺ در مورد نماز در مکه فرمودند: هرکس دوست داشت نماز را تمام بخواند، و هر که خواست شکسته بجا آورد.[۳]

۱۰۳۲). ابی شبل می گوید: « **قلت لابي عبدالله ﷺ أزور قبرالحسين ﷺ؟ قال: زر قبر الطيب وأتم الصلاة عنده قلت: أتم الصلاة؟ قال: أتم قلت: بعض أصحابنا يرى التقصير قال إنما يفعل ذلك الضعفة** » محضر مبارک امام صادق ﷺ عرض کردم: آیا به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین ﷺ بروم؟ حضرت فرمودند: زیارت کن قبر پاک و طیّب را و نمازت را آنجا تمام بخوان. وی عرض کرد: آیا نمازم را آنجا تمام بخوانم؟ فرمودند: تمام بخوان. گوید: عرضه داشتم: برخی از اصحاب ما روایت کرده‌اند که نماز را باید شکسته خواند؟ حضرت فرمودند: ضعفاء نمازشان را شکسته می‌خوانند.[٤]

۱۰۳۳). زیاد قندی می گوید: امام کاظم ﷺ فرمودند: « **يا زياد أحب لك ما أحبه لنفسي وأكره لك ما أكره لنفسي أتم الصلاة في الحرمين وبالكوفة وعند قبر الحسين بن علي** » ای زیاد دوست دارم برای تو آنچه را که برای خودم دوست دارم و کراهت دارم برای تو آنچه را که برای خودم کراهت دارم نمازت را در حرمین (حرم خدا و حرم رسول خدا ﷺ) و کوفه و کنار

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴۳۰،ح۱۴۹۳. الاستبصار،ص۴۶۰،ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴۲۶،ح۱۴۸۰.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴۳۰،ح۱۴۹۲.

[٤] کافی،ج۴،ص۵۷۸،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴۳۱،ح۱۴۶۹. الاستبصار،ص۴۶۰،ح۳.

قبر امام حسین علیه‌السلام تمام بخوان.[1]

١٠٣۴). اسماعیل بن جعفر گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **تتم الصلاة في أربعة مواطن: في المسجد الحرام ومسجد الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله ومسجد الكوفة وحرم الحسين عليه‌السلام** » در چهار مکان نماز تمام خوانده می‌شود: مسجد الحرام، مسجد الرسول صلى‌الله‌عليه‌وآله ، مسجد الکوفه و حرم حضرت امام حسین علیه‌السلام .[2]

١٠٣۵). همچنین آن حضرت فرمودند: در سه مکان نماز تمام خوانده می‌شود: مسجد الحرام، مسجد الرّسول صلى‌الله‌عليه‌وآله و کنار قبر حضرت امام حسین علیه‌السلام .[3]

١٠٣۶). « **قال الصادق عليه‌السلام: من الامر المذخور إتمام الصلاة في أربعة مواطن: بمكة، والمدينة، ومسجد الكوفة، وحائر الحسين عليه‌السلام** » حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: این امر از اسرار و امور نهانی است (یا آنکه از امور بسیار مطلوب است) که، نماز را در چهار مکان تمام بخوانند: در مکه، مدینه، مسجد کوفه، و کنار مرقد مطهر امام حسین علیه‌السلام .[4]

١٠٣٧). علی بن یقطین گوید: از امام کاظم علیه‌السلام در مورد کسی که که برادر مومن خود را که به سفر می رود بدرقه می کند، تا مسافتی که باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند، پرسیدم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[5]

١٠٣٨). عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد مسافری که نماز را (سهوا) تمام می خواند پرسیدم؟ فرمودند: اگر وقت باقی است، نماز را اعاده کند، اما اگر وقت گذشته اعاده نماز لازم نیست.[6]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴۳۰،ح۱۴۹۵. الاستبصار،ص۴۶۰،ح۲.

[2] کافی،ج۴،ص۵۷۸،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴۳۱،ح۱۴۷۹. الاستبصار،ص۴۶۰،ح۴.

[3] کافی،ج۴،ص۵۷۸،ح۴.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۹۹،ح۱۲۸۳.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۰۲،ح۱۲۹۸.

[6] کافی؛ج۳،ص۲۴۸،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۸۵،ح۳۷۲.

۱۰۳۹). حلبی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نماز ظهر را در حالی که مسافر بودم، چهار رکعت خواندم؟ فرمودند: نماز را اعاده کن.[۱]

بیان: پس اگر کسی که می داند، باید مسافر نمازش را شکسته بخواند، ولی عمدا کامل می خواند، باید نماز را اعاده کند، چه در وقت باشد یا خارج از وقت، اما اگر مسافری از روی سهو نماز را تمام می خواند، اگر وقت باقی بود، اعاده می کند، و اگر وقت گذشته بود، اعاده بر او لازم نیست.

۱۰۴۰). رسول خدا علیه السلام فرمودند: « **إن الله تصدق على مرضى أمتي ومسافريها بالتقصير والافطار، أيسر احدكم إذا تصدق بصدقة ان ترد عليه؟** » خداوند متعال افطار و شکسته خواندن نماز را برای بیماران و مسافران امت صدقه داده است، آیا کسی از شما خوشحال می شود، آنگاه که به او صدقه ای داده شد، آن را رد کند؟.[۲]

۱۰۴۱). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من صلى في سفره اربع ركعات فانا إلى الله منه برئ** » هر کسی در سفر (نماز چهار رکعتی را) چهار رکعت بخواند، ما در پیشگاه خداوند از او بیزاریم.[۳]

می گویم: همانند این با اندک اختلافی در لفظ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است.[٤]

۱۰۴۲). سیمان بن حفص می گوید: « **قال الفقيه العسكري** علیه السلام**: يجب على المسافر ان يقول في دبر كل صلاة يقصر فيها " سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله اكبر " ثلاثين مرة لتمام الصلاة** » امام حسن عسکری علیه السلام (یا امام هادی علیه السلام) فرمودند: بر مسافر واجب است، که در پی هر نمازی که شکسته می خواند، سی مرتبه بگوید: " **سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ**

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۴،ح۳۳.

[۲] کافی؛ج۴،ص۱۲۷،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱۷،ح۶۲۸.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱۸،ح۶۳۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۹۷،ح۱۲۷۲.

وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ " تا نمازش تمام باشد، (یا ثواب نماز کامل را ببرد). [1]

بیان: مراد از وجوب در این حدیث بنابر مشهور تاکید در استحباب است، و الله اعلم.

۱۰۴۳). رجاء ابن ابی ضحاک گوید: حضرت امام رضا ﷺ در سفر هرگاه نمازی را شکسته بجا می آورد، بعد از اتمام نماز سی مرتبه می گفت: « **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** » . [2]

۱۰۴۴). اسماعیل بن جابر گوید: خدمت امام صادق ﷺ عرض کردم: وقت نماز داخل می گردد درحالی که من در سفر هستم، پس نماز نمی خوانم تا اینکه بر خانه وخانواده خویش داخل می شوم؟ فرمودند: نمازت را کامل بخوان.

گوید: عرض کردم: من در خانه خویش می باشم، و اراده سفر دارم و وقت نماز داخل می شود، و نماز نمی خوانم تا آنکه خارج می شوم؟ فرمودند: (در سفر) نماز را شکسته بخوان، و اگر چنین نکنی، بخدا قسم که مخالفت با رسول خدا ﷺ نموده ای. [3]

نماز قضا

۱۰۴۵). زراره گوید: به امام باقر ﷺ عرض کردم: کسی که بدون طهارت نماز می خواند، و یا چند نماز را فراموش می کند و آنها را بجا نمی آورد، و یا خواب اش می برد و آنها را نمی خواند،(حکمش چیست)؟

حضرت فرمودند: « **یصلیها إذا ذکرها في أیة ساعة ذکرها لیلا أو نهارا** » هر زمانی که به خاطرش برسد، باید آنها را بجا آورد، چه روز باشد و چه شب. [4]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۵۳،ح۵۹۳.

[2] عیون الاخبار الرضا،ج۲،ص۱۸۲،ح۵،باب۴۴.

[3] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۴،ح۲۹.

[4] تهذیب الاحکام،ج۲،ص۱۸۲،ح۶۸۱.

۱۰۴۶). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق ؑ در مورد کسی پرسیدم که سه روز نماز می خواند، آنگاه به یاد اش می آید که جنب بوده است؟

حضرت فرمودند: خود را تطهیر کند، و در اولین نمازی که از او قضا شده است اذان و اقامه بگوید و بعد از آن نماز بخواند، و برای سایر نمازها تنها اقامه گفته و بدون اذان آنها را بخواند، تا آنکه نماز های که از او قضا شده است را بجا آورد.[1]

۱۰۴۷). زراره گوید: حضرت امام باقر ؑ فرمودند: « **إذا نسيت صلاة أو صليتها بغير وضوء وكان عليك قضاء صلوات فابدأ بأولهن فأذن لها وأقم ثم صلها ثم صل ما بعدها بإقامة، إقامة لكل صلاة** » هرگاه نمازی را فراموش کردی، و یا بدون وضو بجای آوردی و چند نماز قضا نیز بر گردن تو بود، پس اولین آنها را شروع کن، و برایش اذان و اقامه بگو و آن را بخوان، و نماز های بعدی را با اقامه بخوان، یعنی برای هر نماز یک اقامه.[2]

۱۰۴۸). حضرت صادق ؑ در حدیثی فرمودند: « **إن الله أمر بالصلاة والصيام فنام رسول الله ﷺ عن الصلاة فقال: أنا انيمك أنا اوقظك فاذا قمت فصل ليعلموا إذا أصابهم ذلك كيف يصنعون، ليس كما يقولون: إذا نام عنها هلك وكذلك الصيام أنا امرضك وأنا اصحك فإذا شفيتك فاقضه** » خداوند متعال به نماز و روزه فرمان داد. (یک روز) پیامبر ﷺ را از انجام نماز خواب ربود، پس خدا فرمود: من تو را به خواب می برم و من بیدارت می کنم. هر وقت بیدار شدی، نماز بخوان تا مردم بدانند وقتی از نماز خوابشان ربود چه باید بکنند. چنان نیست که ایشان گویند: چون پیامبر از نماز خوابش برد، هلاک گشت و روزه نیز چنین است. من تو را مریض می کنم و من تو را بهبود می بخشم؛ پس وقتی شفایت دادم روزه را قضا کن.[3]

۱۰۴۹). حلبی می گوید: خدمت امام صادق ؑ عرض کردم: بیماری که بیهوش بوده آیا

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۳، ص۱۷۶، ح۳۴۲.

[2] کافی، ج۳، ص۱۶۳، ح۱.

[3] کافی، ج۱، ص۱۲۶، ح۴.

نمازهایش را که در حالت اغماء کرده یا از او فوت شده قضا می کند؟

فرمودند: خیر قضا نمی کند، مگر آن نمازی را که در وقت آن بهوش آمده است.[1]

۱۰۵۰). ایوب بن نوح به امام هادی عليه‌السلام نامه نوشت و از آن حضرت در باره کسی که یک روز یا بیشتر در حالت بیهوشی بسر برده سوال کرد، آیا نمازهائی که از او فوت شده قضا می کند یا نه؟ حضرت در جواب او نوشتند: قضا نمی کند نه روزه اش را و نه نمازهایش را.[2]

۱۰۵۱). علی بن مهزیار در همین مساله از آن حضرت سوال کرد، حضرت در جواب فرمودند: چنین شخصی نه روزه را قضا می کند و نه نماز خود را، و نیز در تمام مواردی که خداوند عارضه ای را بر بنده مسلط ساخته و او را بی اراده و بی اختیار گردانیده است، خود به پذیرفتن عذر از هر کسی سزاوارتر است.[3]

۱۰۵۲). محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه‌السلام در مورد کسی که چند روز بیهوش بوده است، فرمودند: هیچ یک از نمازهایش را قضا نمی کند.[4]

۱۰۵۳). معمر بن عمر میگوید: « **سألت ابا جعفر** عليه‌السلام **عن المريض يقضي الصلاة إذا أغمي عليه؟ قال: لا** » از امام باقر عليه‌السلام پرسیدم: آیا بیمار بیهوش باید نمازهایش را قضا کند؟ فرمودند: نه.[5]

۱۰۵۴). ابراهیم خزاز گوید: از امام صادق پرسیدم: کسی که چند روز است بیهوش شده، اینک بهوش آمده باید نمازهایش را قضا کند؟ فرمودند: نه چیزی بر عهده او نیست.[6]

---

[1] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۲۵۲،ح۱۰۴۰.

[2] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۲۵۲،ح۱۰۴۱.

[3] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۲۵۲،ح۱۰۴۲.

[4] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۳،ح۷۱۳.

[5] کافی،ج۳،ص۲۳۴،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۳۵،ح۹۲۶.

[6] کافی،ج۳،ص۲۳۴،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۳۵،ح۹۲۴.

۱۰۵۵). زراره گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: شخصی در سفر نماز دو رکعتی از او فوت می شود، و در حضر یادش می آید (وظیفه اوچیست)؟ فرمودند: باید آنچه از او فوت شده، همان طوری که فوت شده قضا نماید، یعنی در حضر نماز شکسته سفر را شکسته ادا کند، و در سفر نماز فوت شده در حضر را تمام بجا آورد.[۱]

۱۰۵۶). زراره گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیده شد در مورد کسی که در سفر است و وقت نماز بر او وارد می شود، و او نماز را به تاخیر می اندازد تا به خانه و اهلش برسد و نماز را آنجا بخواند، وقتی به خانه اش می رسد فراموش می کند که نماز را بجا آورد تا آنکه وقتش می گذرد، (وظیفه اش چیست)؟ حضرت فرمودند: دو رکعت نماز (شکسته) مسافر می خواند، زیرا که وقت نماز هنگامی بر او وارد شده که او مسافر بوده است، پس نماز را همان گونه که قضا شده باید بجا آورد.[۲]

۱۰۵۷). همچنین آن حضرت فرمودند: هرگاه کسی نمازی را فراموش کرد، یا آن را بدون طهارت بجا آورده بود، خواه مقیم باشد و خواه مسافر و بعد آن را بیاد آورد، باید همان نمازی که بر او واجب بوده و تکلیف او در وقتی که فراموش کرده بود بجا آورد، نه بر آن بیفزاید و نه از آن کم کند، کسی که چهار رکعت نماز را فراموش کرده است باید چهار رکعت قضا کند، چه در آن حال مسافر باشد و چه مقیم، و اگر کسی دو رکعت را فراموش کرده است، باید دو رکعت قضا نماید، چه در آن حال مسافر و یا مقیم باشد.[۳]

نماز جماعت

۱۰۵۸). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ان الصلاه فی الجماعه تفضل**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۴۸،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۷۸،ح۳۵۰.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۷۸،ح۳۵۰.

[۳] من لایحضره الفقه،ج۱،ص۲۹۹،ح۱۲۸۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۴۶،ح۵۶۸.

على صلاه الفرد ثلاث و عشرين درجه تكون خمسا و عشرين صلاه » همانا نماز جماعت بیست و سه درجه بالاتر از نماز فرادی است و بیست و پنج نماز می باشد.[١]

١٠٥٩). زراره و فضیل گویند: به امام عليه السلام عرض کردیم: « **الصلوات في جماعة فريضة هي؟ فقال: الصلوات فريضة وليس الاجتماع بمفروض في الصلاة كلها ولكنها سنة ومن تركها رغبة عنها وعن جماعة المؤمنين من غير علة فلا صلاة له** » آیا نماز ها را به جماعت خواندن واجب است؟ فرمودند: نماز ها واجب هستند؛ ولی اجتماع در همه آنها واجب نیست، لکن سنت است و هرکس آن را به سبب روی گرداندن از آن، یا از روی بی علاقگی به جماعت مومنان بدون علت ترک کند، نماز (کامل یا پذیرفته شده ای) برای او نیست.[٢]

١٠٦٠). زراره گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام ما يروي الناس أن الصلاة في جماعة أفضل من صلاة الرجل وحده بخمس وعشرين صلاة؟ فقال: صدقوا** » به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا آنچه را که مردم روایت می کنند، که نماز انسان در حال جماعت، از بیست و پنج نمازی که به تنهایی بخواند بهتر است، درست است؟ فرمودند: راست گفته اند.[٣]

١٠٦١). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: « **من صلى الخمس في جماعة فظنوا به خيرا** » هر کس نماز های پنج گانه اش را به جماعت بجا آورد، به او گمان خوب داشته باشید.[٤]

١٠٦٢). و در روایت دیگر آمده است که: « **من صلى الصلوات الخمس جماعة فظنوا به كل خير** » هر کس نماز های پنج گانه را به جماعت بخواند، همه خوبی ها را در باره اش گمان برید.[٥]

---

[١] تهذيب الاحكام،ج٣،ص٢٨،ح٨٥.

[٢] كافى،ج٣،ص٢١٢،ح۶. تهذيب الاحكام،ج٣،ص٢٧،ح٨٣.

[٣] كافى،ج٣،ص٢١١،ح١. تهذيب الاحكام،ج٣،ص٢٧،ح٨٢.

[٤] كافى،ج٣،ص٢١١،ح٣.

[٥] من لايحضره الفقيه،ج١،ص٢۶١،ح١٠٩٣.

۱۰۶۳). امام باقر ؈ در حدیثی فرمودند: فضیلت و برتری نماز جماعت از نماز فردی به میزان بیست و پنج درجه در بهشت است.[۱]

۱۰۶۴). رسول الله ﷺ فرمودند: « **من مشی إلی مسجد یطلب فیه الجماعة کان له بکل خطوة سبعون الف حسنة، ویرفع له من الدرجات مثل ذلك، فان مات وهو علی ذلك وکل الله عزوجل به سبعین الف ملك یعودونه في قبره، ویبشرونه ویؤنسونه في وحدته، ویستغفرون له حتی یبعث** » هر کس برای درک نماز جماعت بسوی مسجدی برود، برای او بهر هر گامی هفتاد هزار حسنه باشد، و به همین قدر درجات او بالا رود، و چنانچه در این حال از دنیا برود، خداوند بزرگ هفتاد هزار فرشته را مأمور سازد تا او را در قبرش عیادت کنند، و به او مژده دهند و با او در تنهایی اش انس گیرند، و برای او طلب آمرزش کنند، تا روزی که در محشر دوباره مبعوث و زنده می شود.[۲]

۱۰۶۵). امیرالمومنین ؈ فرمودند: « **من سمع النداء فلم یجبه من غیر علة فلا صلاة له** » هرکس صدای اذان را بشنود و بدون علت به نماز حاضر نشود، نمازی (کامل) برای او نیست.[۳]

۱۰۶۶). امام باقر فرمودند: « **لا صلاة لمن لا یشهد الصلاة من جیران المسجد إلا مریض أو مشغول** » نماز کسی که از همسایگان مسجد است و در نماز جماعت حاضر نمی شود، نماز نیست، یا نمازش درست نیست، مگر کسی که بیمار یا گرفتار کار ضروری باشد.[٤]

۱۰۶۷). امام صادق ؈ فرمودند: رسول خدا ﷺ همت گماشتند به آتش زدن خانه های گروهی از مردم که در خانه های خود نماز می خواندند، و به نماز جماعت حاضر نمی شدند، پس مردی نابینا خدمت حضرت رسید و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ من چشمانم نابینا است،

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۱۲،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹۲،ح۷۵۱.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۱۰،ح۴۹۶۸.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۱۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۷،ح۸۴.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۱،ح۱۰۹۱.

و چه بسا که صدای اذان را می شنونم اما کسی را نمی یابم تا مرا به مسجد آورد تا با شما نماز جماعت بخوانم. حضرت به او فرمودند: از خانه ات تا مسجد ریسمانی بکش، و در نماز جماعت حاضر شو.[۱]

۱۰۶۸). امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله نماز صبح را خواندند. آنگاه رو به اصحاب نموده و نام چند نفر را برده و پرسیدند: اینان به نماز آمدند؟ عرض کردند: خیر، ای رسول خدا! فرمودند: آیا در غایب اند و شهر حضور ندارند؟ فرمودند: نه، ای رسول خدا ! فرمودند: بدانید هیچ نمازی برای منافقین سخت تر از این نماز (صبح) و نماز عشا نیست، اگر مردم می دانستند که چه فضیلتی در این دو نماز است، حتمی در این دو شرکت می کردند هرچند با کشیدن خود بر روی زمین (مانند کودکان) می بود.[۲]

احکام جماعت

۱۰۶۹). زراره گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام الرجلان يكونان في جماعة؟ فقال: نعم ويقوم الرجل عن يمين الامام** » خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا میشود که دو مرد با هم نماز جماعت بخوانند؟ فرمودند: بله، و یکی از آن دو طرف راست امام بایستند.[۳]

۱۰۷۰). امام باقر عليه السلام فرمودند: جهنی خدمت پیامبر صلى الله عليه وآله شرف یاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا من صحرا نشینم و با همسر، فرزندان و غلامان خود به سر می برم. اذان و اقامه می گویم و با آنها نماز می گذارم، آیا ما جماعت محسوب می شویم؟

فرمودند: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا غلامان از پی آب باران می روند و من با زن و فرزندانم می مانم.

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹۳،ح۷۵۳.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۸،ح۸۶. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۲،ح۱۰۹۷.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۱۱،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۷،ح۸۲.

اذان و اقامه می گویم و با آنان نماز می خوانم، آیا ما جماعت هستیم؟

فرمودند: آری.

گفت: یا رسول الله فرزندانم به چراندن گوسفندان می روند، و من با همسرم تنها می مانم. اذان و اقامه می گویم و با او نماز می خوانم، آیا (نماز) ماهم جماعت محسوب می شود؟

فرمودند: آری.[1]

۱۰۷۱). محمد بن مسلم گوید: از امام علیه السلام سوال کردن در مورد مردی که دو نفر را امامت می کند؟ فرمودند: جلو می ایستند و آن دو نفر پشت سر او قرار می گیرند، و میان آن دو نمی ایستند. همچنین از آن حضرت پرسیدند که آیا دو نفر می توانند به جماعت نماز کنند؟ فرمودند: بلی، یکی از آن دو امام باشد و دیگر را سمت راست خود قرار می دهد.[2]

۱۰۷۲). و در روایتی آمده است که: « **الاثنان جماعة** » دو تن جماعت هستند، (یعنی با دو تن جماعت حاصل می شود که یکی امام و دیگر مأمون باشد).[3]

۱۰۷۳). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: کسانی که در نماز جماعت نزدیک امام می ایستند، باید عاقل و خردمند باشند. تا اگر امام دچار سهوی شد، یا در موردی درماند، یا نتوانست آنچه را که فراموش کرده است بیاد آورد، او را یاری کنند و با فضیلت ترین صف ها، صف اول است و با فضیلت ترین مکان ها در صف اول، جایی است که به امام نزدیک تر است.[4]

۱۰۷۴). در حدیثی دیگر وارد شده است که: فضیلت و برتری های صف راست جماعت، بر صف های چپ، مانند فضیلت و برتری نماز جماعت بر فردی است.[5]

---

[1] کافی، ج۳، ص۲۱۱، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۳، ص۲۹۱، ح۷۴۹.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۶۸، ح۱۱۳۸.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۲۶۱، ح۱۰۹۴.

[4] کافی، ج۳، ص۲۱۲، ح۷. تهذیب الاحکام، ج۳، ص۲۹۲، ح۷۵۱.

[5] کافی، ج۳، ص۲۱۲، ح۸.

١٠٧٥). امام کاظم عليه السلام فرمودند:« **إن الصلاة في الصف الاول كالجهاد في سبيل الله عزوجل** » همانا نماز گزاردن در صف اول جماعت، (از نظر ارزش و ثواب) همانند جهاد در راه خداوند عزوجل است.[١]

١٠٧٥). امام باقر عليه السلام فرمودند: هرگاه مسافر با جمعی که در حضر هستند نماز کند، باید نمازش را بعد از دو رکعت که خواند سلام دهد، و اگر به نماز ظهر آنها اقتدا کرده است در این صورت دو رکعت اول آنها را نماز ظهر خود قرار دهد و دو رکعت دوم را نماز عصر خود قرار دهد.[٢]

١٠٧٦). امام صادق عليه السلام در مورد مسافری که پشت سر مقیم نماز می خواند فرمودند: دو رکعت نماز می خواند، سپس می تواند به هر جا که خواست برود.[٣]

١٠٧٧). عمربن یزید می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مسافری در نماز جماعت شرکت می کند، آیا وقتی امام به دو رکعت نماز می رسد برای او کفایت می کند؟ فرمودند: آری.[٤]

١٠٧٨). قاسم بن ولید می گوید: از امام عليه السلام پرسیدم در مورد یک مردی که می خواهد به مردی دیگر اقدا کند و همراه آنان یک زن نیز هست (یعنی دو مرد و یک زن هستند، چگونه نماز جماعت بخواند)؟ فرمودند: مرد کنار (راست مرد دیگر که امام است) می ایستند و زن پشت سر آن دو می ایستند.[٥]

١٠٧٩). از امام صادق عليه السلام پرسیده شد: آیا مردی میتواند امام جماعت زن شود؟ فـرمــودند:

---

[١] من لایحضره الفقیه،ج١،ص٢٦٨،ح١١۴٠.

[٢] من لایحضره الفقیه،ج١،ص٣٠۴،ح١٣٠۶.

[٣] کافی،ج٣،ص٢٥٠،ح١. تهذیب الاحکام،ج٣،ص٢۴٩،ح٥٧۶.

[٤] کافی،ج٣،ص٢٥٠،ح٢.

[٥] تهذیب الاحکام،ج٣،ص٢٩۴،ح٧۶٣.

آری، زن پشت سر او می ایستند. و گفته شد: آیا زن می تواند امام جماعت برای زنها دیگر شود؟ فرمودند: آری، وسط آنها می ایستند و جلوتر از آن نمی ایستند.[۱]

۱۰۸۰). ابن مهران میگوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن المرأة تؤم النساء؟ فقال: لا بأس به** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم در مورد زنی که امام جماعت برای زنان دیگر می شود؟ فرمودند: اشکالی در آن نیست.[۲]

۱۰۸۱). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام در مورد زنی که امام جماعت برای زنان دیگر می شود، پرسیدم که چقدر صدایش را برای قرائت و تکبیر بلند کند؟ فرمودند: همان اندازه ای که خودش می شنود.[۳]

۱۰۸۲). یکی از دو امام عليهما السلام فرمودند: اگر دو مرد هستند ویکی امام جماعت می شود دیگری باید سمت راست امام بایستند، اما اگر بیشتر از دو نفر بودند، پشت سر امام می ایستند.[٤]

۱۰۸۳). محمد بن مسلم گوید: از امام عليه السلام پرسیده شد درباره مردی که دو نفر را امامت می کند؟ حضرت فرمودند: جلو می ایستد و آن دو نفر پشت سر او قرار میگیرند و میان آن دو نمی ایستند. همچنین از آن حضرت در مورد اینکه آیا دو نفر می توانند جماعت کنند پرسیده شد؟ فرمودند: بلی، یکی از آن دو که امام باشد دیگری را سمت راست خود قرار می دهد.[٥]

۱۰۸۳). حسین بن کثیر می گوید: شخصی از امام صادق عليه السلام پرسید: آیا کسی می تواند یا برای او جایز است که پشت سر امام (در نماز جماعت) قرائت کند؟ فرمودند: نه، زیرا که امام خود ضامن قرائت است، ولی امام ضامن صحیح بودن نماز کسی که پشت سر او است نیست،

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۵،ح۱۱۲.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۵،ح۱۱۱.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۰۷،ح۸۱۵. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۹،ح۱۲۰۲.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹،ح۸۹.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲٦۸،ح۱۱۳۸.

فقط ضامن قرائت است.[1]

۱۰۸۴). امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه پشت سر امامی که به او اقتدا کرده ای نماز می خوانی، خود قرائت مکن، خواه قرائت امام را میشنوی (یعنی نماز جهریه باشد) و یا نمیشنوی (یعنی نماز اخفاتیه باشد) پس اگر قرائت را شندیدی ساکت باشد، و اگر نماز جهریه باشد و صدای قرائت امام را نشنیدی خودت قرائت کن.[2]

بیان: قرائت در چنین حالتی یعنی نماز جهریه ای که صدای قرائت امام شنیده نمی شود مستحب است نه واجب، زیرا که در روایات قبلی ذکر شد که امام ضامن قرائت است، اما در نماز های که امام قرائت را آهسته می خواند مثل ظهر و عصر، مستحب است مأمون تسبح بگوید و یا آنکه صلوات بفرست، و مکروه است که ساکت باشد و چیزی نگوید، همچنان که بیان خواهد شد.

۱۰۸۵). همچنین امام صادق عليه السلام فرمودند: « **أنه إن سمع الهمهمة فلا يقرأ** » در نماز جماعت اگر مأموم همهمه (صدای نامفهوم امام) را بشنوید، نباید حمد و سوره را قرائت کند.[3]

۱۰۸۶). همچنین فرمودند: هرگاه پشت سر امامی بودی که به امامت آن راضی هستی و در نمازی است که باید بلند خوانده شود، اگر قرائت او را نمی شنوی تو برای خود قرائت کن، اما اگر همهمه امام را میشنوی قرائت مکن.[4]

۱۰۸۷). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: من دوست نمی دارم که شخص (مومنی) در نمازی که قرائت آن را بلند نمی خوانند، پشت سر امام نماز کند و مانند دراز گوش خاموش و بی صدا

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۳،ح۱۱۰۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۰۸،ح۸۲۰.

[2] کافی،ج۳،ص۲۱۴،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۱،ح۱۱۵۷. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۶،ح۱۱۵.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۱،ح۱۱۵۸.

[4] کافی،ج۳،ص۲۱۵،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۶،ح۱۱۷.

ایستاده باشد. راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم پس چه کند؟ فرمودند: تسبیح بگویید.[۱]

۱۰۸۸). علی بن جعفر گوید: از برادر امام کاظم علیه السلام پرسیدم در مورد کسی که در نماز ظهر و عصر به امام جماعتی اقتدا کرده است، آیا حمد و سوره را قرائت کند؟ فرمودند: نه، ولی تسبیح و حمد پروردگارش را بگوید، و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد.[۲]

۱۰۸۹). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: اگر کسی برای گروهی امام جماعت شده است، در حالی که جنب بوده یا آنکه وضو نداشته (و بعد از نماز می داند) اعاده نماز بر خودش واجب است، ولی بر مأمومین لازم نیست اعاده کنند، و بر خود امام نیز لازم نیست تا به آنها بگوید.[۳]

۱۰۹۰). محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی که برای گروهی بدون طهار امامت نماید، و بعد از نماز به آنها باز گوید (چه حکمی دار)؟ فرمودند: امام جماعت باید نمازش را اعاده کند ولی مأمومین لازم نیست اعاده کنند.[٤]

۱۰۹۱). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد کسی که گروهی را بدون طهارت امامت می کند، و خودش نمی داند تا آنکه نماز آنها تمام می شود، پرسیدم؟ فرمودند: خودش نماز را اعاده کند، ولی لازم نیست کسانی که به او اقتدا کرده بودند، نماز خود را اعاده کنند ولو اینکه برای آنها بگوید که طهارت نداشته است.[٥]

۱۰۹۲). عبد الله بن ابی یعفور گوید: « **سئل أبوعبدالله علیه السلام عن رجل أم قوما وهو علی غیر وضوء فقال: لیس علیهم اعادة وعلیه هو أن یعید** » از امام صادق در مورد کسی که گروهی را بدون وضو امامت می کند، پرسیده شد؟ حضرت فرمودند: بر مأمومین اعـاده نمـاز

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۲،ح۱۱۶۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۰۵،ح۸۰۶.

[۲] قرب الاسناد،ص۹۷.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۸،ح۱۱۹۸.

[٤] کافی،ج۳،ص۲۱۵،ح۱.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۳،ح۱۳۷.

لازم نیست، و امام باید نماز را اعاده کند.[1]

۱۰۹۳). عبد الله بن بکیر گوید: « **سأل حمزة بن حمران أبا عبدالله** عليه السلام **عن رجل أمنا في السفر وهو جنب وقد علم ونحن لا نعلم قال: لا بأس**» حمزه بن حمران از امام صادق عليه السلام در مورد مردی پرسید که در سفر درحال جنابت ما را امامت داد خودش می دانست ولی ما نمی دانستیم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[2]

۱۰۹۴). امام صادق عليه السلام در مورد گروهی که از خراسان یا برخی از مناطق کوهستانی خارج شده بودند و مردی بر آنان امامت می کرد، وقتی به کوفه رسیدند متوجه شدند که آن شخص یهودی بوده است، فرمودند: لازم نیست نماز را اعاده کنند.[3]

۱۰۹۵). همچنین آن حضرت عليه السلام در مورد شخصی که برای گروهی امامت می کند و بعد می داند که نماز را بر غیر قبله خوانده است فرمودند: بر مأمومین اعاده چیزی لازم نیست.[4]

۱۰۹۶). همچنین در مورد شخصی کوری که بر گروهی امامت و پیشنمازی می کند، در حالی که بر غیر قبله است، فرمودند: خود آن شخص باید نماز را اعاده کند، ولی مأمومنین اعاده نمی کنند، زیرا آنها وظیفه خود را انجام داده اند.[5]

۱۰۹۷). حلبی گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن رجل أم قوما فصلى بهم ركعة ثم مات؟ قال: يقدمون رجلا آخر ويعتدون بالركعة ويطرحون الميت خلفهم ويغتسل من مسه** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که گروهی را امامت می کند و یک رکعت را نیز با ایشان خوانده است، آنگاه می میرد، (وظیفه چیست)؟ فرمودند: باید شخصی از مأمومین را پیش

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۳،ح۱۳۸.

[2] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۳،ح۱۳۶.

[3] کافی،ج۳،ص۲۱۵،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۴،ح۱۴۱.

[4] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۴،ح۱۴۲.

[5] کافی،ج۳،ص۲۱۵،ح۲.

اندازند و بنا را بر آن رکعت خوانده شده می گذارند، و جنازه امام متوفی را پشت سرشان قرار می دهند، و هر که به جسد (هنگامی که سرد شده) دست بزند، باید غسل مس میت کند.[۱]

۱۰۹۸). سلیمان بن خالد گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: شخصی که به نماز جماعت می رسد و امام در رکوع است، پس تکبیره الاحرام را بگوید در حالی که ایستاده است، آنگاه پیش از آنکه امام سر از رکوع بردارد به رکوع برود، به آن رکعت از نماز رسیده است.[۲]

۱۰۹۹). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا أدركت الامام وقد ركع فكبرت قبل أن يرفع الامام رأسه فقد أدركت الركعة، وإن رفع رأسه قبل أن تركع فقد فاتتك الركعة** » هرگاه به امام برسی و او را در حالی که به رکوع رفته است بیابی و پیش از آنکه سر از رکوع بردارد تکبیرالاحرام بگویی، آن رکعت را به جماعت در یافته ای، ولی اگر پیش از آنکه به رکوع بروی امام سر از رکوع بردارد، آن رکعت از دست تو رفته و فوت شده است.[۳]

۱۱۰۰). ابو اسامه از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی پرسید که به امام می رسید و امام در رکوع است ، تکلیف او چیست؟ فرمودند: اگر وقتی که در حال قیام باشد، تکبیر بگوید و به رکوع برود، به آن رکعت از نماز رسیده و آن را درک کرده است.[٤]

۱۱۰۱). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا جاء الرجل مبادرا والامام راكع أجزاته تكبيرة واحدة لدخوله في الصلاة والركوع** » هرگاه شخصی شتابان از راه رسید و خواست خود را به امام برساند در حالی که امام در رکوع است، برای وارد شدن به نماز جماعت و رکوع کافی است برای هر دو یک تکبیر بگوید.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۱۷،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۷،ح۱۴۸. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۸،ح۱۱۹۸.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۱۷،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۸،ح۱۵۲. الاستبصار،ص۲۴۷،ح۴.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۰،ح۱۱۵۰. کافی،ج۳،ص۲۱۷،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۴۸. الاستبصار،ص۲۴۷.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۰،ح۱۱۵۱.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۸۱، ح۱۲۱۶.

۱۱۰۲). عبد الرحمان بن حجاج می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی به رکعت دوم امام جماعت می رسد، درحالی که برای او رکعت اول است، وقتی امام برای تشهد می نشیند وظیفه او چیست؟

فرمودند: تجافی می کند (یعنی بصورت نیم خیز می نشیند) و سنگینی خود را بر دو پاشنه کم می کند، چون رکعت سوم امام جماعت شود، رکعت دوم اوست. چون امام بر می خیزید، به اندازه تشهد اندکی درنگ می کند و تشهد را می خواند، سپس به امام ملحق می شود.[1]

بیان: تجافی یعنی اینکه انگشتان دو دست و پاها را بر روی زمین بگذارد و زانوها را از زمین بلند کند.

۱۱۰۳). عبد الرحمان بن حجاج گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی دو رکعت آخر نماز جماعت را درک می کند، او با قرائت باید چه کند؟

فرمودند: در آن دو رکعت قرائت مکن، زیرا آن دو برای تو، دو رکعت اول محسوب می شود و اول نماز خود را آخر آن قرار نده.[2]

۱۱۰۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه امام، یک رکعت از تو جلو تر باشد و قرائت رکعت دوم را در می یابی، در رکعت سوم او که رکعت دوم توست قرائت کن (حمد و سوره را بخوان) و اگر جماعت را جز یک رکعت درک نکردی، در آن رکعت و رکعت بعد از آن قرائت کن، و اگر امام یک رکعت از تو جلوتر بود، در رکعت دوم خود که رکعت سوم اوست، بنشین تا صف ها راست شوند. (و تو تشهد بخوان و زود به امام ملحق شو).[3]

۱۱۰۵). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه کسی به بعضی از نماز جماعت برسد، و بخشی

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۱۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۰،ح۱۵۹. الاستبصار،ص۲۴۸،ح۲.

[2] کافی،ج۳،ص۲۱۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۰،ح۱۵۹. الاستبصار،ص۲۴۸،ح۲.

[3] کافی،ج۳،ص۲۱۷،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹۸،ح۷۸۰.

از آن را از دست بدهد، و امام عادل باشد و بتوان بر او اعتماد کرد، آنچه را از نماز جماعت که در می یابد اول نماز خود حساب می کند، اگر دو رکعت از نماز ظهر یا عصر و یا عشاء را دریابد، و دو رکعت دیگر از او فوت شود، در آن دو رکعتی که پشت سر امام دریافته نزد خود و برای خویش حمد و سوره را می خواند، اگر فرصت نیست تا سوره کاملی را بخواند تنها سوره حمد برای او کافی است، و چون امام سلام داد او بر می خیزد و دو رکعت باقی مانده را بجا می آورد، و در آن قرائت نمی کند، چرا که قرائت حمد و سوره در دو رکعت اول نماز است؛ و در دو رکعت آخر قرائت نمی شود و در آن تسبیح و تکبیر و تهلیل (یعنی تسبیحات اربعه) و دعا خوانده می شود، و اگر یک رکعت را با امام دریابد، در آن یک رکعت پشت سر امام قرائت می کند، و چون امام سلام داد او بر می خیزید و حمد و سوره را قرائت می کند، سپس می نشیند و تشهد می خواند، آنگاه بلند می شود و دو رکعت آخری را که در آنها قرائت نیست بجا می آورد.[۱]

۱۱۰۶). فضیل بن یسار از امام صادق علیه‌السلام پرسید: هرگاه شخصی با امامی که می توان به او اقتدا کرد نماز بخواند، و قبل از اینکه امام سر از سجده بر دارد او سر خود را از سجده بلند کند تکلیف اش چیست؟ فرمودند: باید دوباره به سجده رود، (و با امام سر از سجده بردارد).[۲]

۱۱۰۷). محمد بن سهل اشعری می گوید: پدرم گفت: « **سألت الرضا علیه‌السلام عمن ركع مع إمام قوم يقتدى به، ثم رفع رأسه قبل الامام قال: يعيد ركوعه معه** » از امام رضا سوال کردم در مورد کسی که با امام گروهی که با او می توان نماز کرد به رکوع می رود، آنگاه پیش از امام سر از رکوع بر دارد، چه باید کرد؟ فرمودند: دوباره به رکوع می رود و با امام سر از رکوع بر می دارد.[۳]

۱۱۰۸). ابن فضال می گوید: به امام رضا علیه‌السلام نامه نوشتم و از حضرت پرسیدم در مورد کسی

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۰،ح۱۵۸. الاستبصار،ص۲۴۸،ح۱.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۴،ح۱۱۶۴. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۳،ح۱۶۵.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۴،ح۱۱۶۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۲،ح۱۶۳.

که پشت سر امامی که می توان به او اقتدا کرد نماز می خواند، و قبل از آنکه امام به رکوع رود او به رکوع می رود، به گمان آنکه امام به رکوع رفته است، و بعد متوجه می شود و می بیند که امام هنوز به رکوع نرفته است، لذا سر از رکوع بر می دارد، و با امام دوباره به رکوع می رود، آیا انجام این کار نماز او را باطل می کند، یا اینکه این یک رکعت حساب می شود؟

حضرت در جواب نوشتند: نماز او کامل و تمام است، و این کار نمازش را باطل نمی کند.[1]

۱۱۰۹). زراره گوید: حضرت امام باقر عليه‌السلام فرمودند: هرگاه گروهی نماز بخوانند و میان آنها و امام بیش از یک گام فاصله باشد، آن امام برای آنها امام جماعت نیست، و هر صف گروهی که با پیشنمازی نماز می خوانند و فاصله میان آنان و نماز گزاران صف جلو بیش از یک گام باشد، آن نماز برای آنها نماز حساب نمی شود، و اگر در میان آنها پرده یا دیواری (فاصله) باشد، آن نماز برای آنها حساب نمی آید مگر نماز کسی که محاذی در باشد.

بعد حضرت فرمودند: این محراب های موجود (که امام در آن قرار گرفته و از نظر مأمومین دور و غیر قابل رویت می شود) در هیچ زمانی نبوده و آن را ستمگران احداث نموده اند و هر کسی که به امامی اقتدا کند که در چنین محراب هایی باشد، نمازش صحیح نیست.[2]

۱۱۱۱). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **لا أرى بالصفوف بين الاساطين بأسا** » در مورد صف های که میان ستون های قرار دارند، اشکالی نمی بینم.[3]

۱۱۱۲). عمار گوید: « **سألت ابا عبدالله عليه‌السلام عن الرجل يصلي بالقوم وخلفه دار فيها نساء هل يجوز لهن أن يصلين خلفه؟ قال: نعم ان كان الامام اسفل منهن قلت: فان بينهن وبينه حائطا أو طريقا؟ ! فقال: لابأس** » از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی به گروهی نماز جماعت می دهد و پشت سر او خانه ای است که در آن زنها حضور دارند ، آیا برای آنها جایز است که از

---

[1] تهذيب الاحكام،ج۳،ص۳۰۶،ح۸۱۱.

[2] كافی،ج۳،ص۲۱۹،ح۴. من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۲۶۹،ح۱۱۴۴. تهذيب الاحكام،ج۳،ص۵۸،ح۱۸۲.

[3] كافی،ج۳،ص۲۱۹،ح۶. من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۲۶۹،ح۱۱۴۱. تهذيب الاحكام،ج۳،ص۵۷،ح۱۸۰

پشت دیوار خانه به امام اقتدا کنند؟ فرمودند: آری، اگر امام پائین تر از آنهاست.

راوی گوید: گفتم: اگر بین زنها و امام پرده یا چیزی دیگری حائل و یا آنکه راه باشد؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[۱]

۱۱۱۳). عمار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی با گروهی نماز می خواند، و جایگاه مأمومین از امام پیائین تر است، (آیا نماز آنها صحیح است)؟

فرمودند: اگر امام جماعت در جایگاهی همانند دکان یا جایی بلندتر باشد، نماز مأمومین کفایت نمی کند، و هرگاه به اندازه یک انگشت یا بیشتر یا کمتر بلند تر باشد و این اختلاف ارتفاع از جهت سیل (یا همانند آن) باشد، اشکالی ندارد.

راوی پرسید: و اگر در زمین نا هموار امام جماعت در جایی بلندی آن بایستد و مأمومین در سطح پائین تر (چه حکمی دارد) ؟

فرمودند: اشکالی ندارد.

روای پرسید: اگر امام در جایگاه پائین تر از مأمومین بایستد، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اشکالی ندارد، و اگر انسان بالا خانه و یا جایی دیگر مانند دکان و غیر آن باشد، و امام در جایگاه پائین تر از او نماز بخواند، جایز است انسان پشت سر او نماز بخواند، و به او اقتدا کند گرچه در جایگاه بلندتر از امام باشد.[۲]

بیان: پس باید جای ایستادن امام بالاتر از مأمومین نباشد، و اگر زمین ناهموار بود، و امام در مکان بلندی زمین ایستاد به نوعی که بلندی آن زیاد نیست اشکالی ندارد، و اگر جای ایستادن مأمومین بلند تر از امام جماعت است در آن اشکالی نیست، ولی مستحب است که جای ایستادن امام و مأمومین مساوی باشد.

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۹،ح۱۸۳.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۱۹،ح۹. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۹،ح۱۱۴۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۵۹،ح۱۸۵.

١١١۴). محمد بن عبدالله می گوید: از امام رضا عليه السلام در مورد امام جماعتی که در جایی نماز می خواند که مأمومین از او پائین تر و یا آنکه بالاتر اند، پرسیدم؟

حضرت فرمودند: جایی نماز آنها مساوی باشد.[١]

١١١۵). از امام عليه السلام پرسیده شد در مورد مردی که به امام جماعتی اقتدا می کند، امام به رکوع می رود و او فراموش می کند که به رکوع برود، تا اینکه امام سر از رکوع برداشته و به سجده می رود، آیا به رکوع برود و بعد به امام ملحق شود درحالی که مردم در سجده اند، چه باید کند؟

حضرت فرمودند: رکوع را انجام دهد و بعد به امام ملحق شود و چیزی بر عهده او نیست.[٢]

١١١۶). علی بن جعفر گوید: « **سألته عن الرجل يكون خلف الامام فيطول الامام التشهد فيأخذ الرجل البول أو يتخوف على شئ يفوت أو يعرض له وجع كيف يصنع؟ قال: يتشهد هو وينصرف ويدع الامام** » از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسیدم: شخصی پشت سر امام جماعت نماز می خواند، و امام تشهد را طولانی می کند و او را بول می گیرید و یا آنکه می ترسد چیزی از دستش برود، یا دردی برای او عارض می شود؟ فرمودند: تشهد می خواند و (سلام می دهد) و امام را بحال خود میگذارد.[٣]

١١١٧). « **الحلبي عن أبي عبدالله عليه السلام في الرجل يكون خلف الامام فيطيل الامام التشهد قال: يسلم من خلفه ويمضي في حاجته إن أحب** » حلبی از حضرت امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی پشت سر امام نماز می خواند، و امام تشهد را طولانی می کند؟ فرمودند: اگر دوست دارد می تواند سلام دهد و دنبال کار و حاجت خود برود.[٤]

١١١٨). امام صادق عليه السلام در مورد کسی که پشت سر امام نماز می خواند و قبل از او سلام می

---

[١] تهذیب الاحکام،ج٣،ص٣١١،ح٨٣۵.

[٢] تهذیب الاحکام،ج٣،ص۶٢،ح١٨٨.

[٣] تهذیب الاحکام،ج٣،ص٣١٣،ح٨۴٢.

[٤] تهذیب الاحکام،ج٢،ص٣۴٩،ح١٣۴۵.

دهد. فرمودند: در این اشکالی نیست.[1]

شرایط امام جماعت

۱۱۱۹). زراره می گوید: « **سألت أبا جعفر** عليه السلام **عن الصلاة خلف المخالفين فقال ما هم عندي إلا بمنزلة الجدر** » از امام باقر عليه السلام در مورد نماز خواندن پشت سر مخالفان پرسیدم؟ حضرت فرمودند: آنها در نظر من همانند دیوار هستند (و نمی شود به آنها اقتدا کرد).[2]

۱۱۲۰). ابو علی بن راشد می گوید: « **قلت لابي جعفر** عليه السلام **إن مواليك قد اختلفوا فاصلي خلفهم جميعا؟ فال: لا تصل إلا خلف من تثق بدينه** » به امام جواد عليه السلام عرض کردم: براستی که دوستان شما با هم اختلاف نظر دارند، آیا در پشت سر همه آنها می توانم نماز بخوانم؟ نماز مخوان مگر پشت سر کسی که به دین او اعتماد داری.[3]

۱۱۲۱). اسماعیل جعفی گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: « **رجل يحب أمير المؤمنين** عليه السلام **ولا يتبرأ من عدوه ويقول هو أحب إلي ممن خالفه؟ قال: هذا مخلط وهو عدو فلا تصل وراء ه ولا كرامة إلا أن تتقيه** » شخصی امیرالمومنین عليه السلام را دوست دارد، ولی از دشمنان حضرت تبری و بیزای نمی جوید و می گوید: امیرالمومنین عليه السلام نزد من محبوب تر از کسانی است که با او مخالفت کردند؟ حضرت فرمودند: چنین شخصی مخلط و دشمن آن حضرت است، پشت سر او نماز مخوان و هیچ کرامتی ندارد مگر آنکه تقیه کنی.[4]

۱۱۲۲). ابی عبدالله برقی گوید: به امام جواد عليه السلام نامه نوشتم و عرض کردم: آیا جایز است پشت سر کسی که به پدر یا جد بزرگوار شما توقف کرده است (یعنی شیعه هشت امامی یا هفت

[1] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۶۲،ح۱۸۹.

[2] کافی،ج۳،ص۲۱۲،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹۳،ح۷۵۴.

[3] کافی،ج۳،ص۲۱۳،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹۳،ح۷۵۵.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۵،ح۱۱۱۷. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۲،ح۹۷.

امامی است) نماز بخوانم؟ حضرت در جواب نوشتند: پشت سر او نماز مخوان.[1]

۱۱۲۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ثلاثة لا يصلى خلفهم: المجهول والغالي وإن كان يقول بقولك، والمجاهر فالسق وإن كان مقتصدا** » سه کسی هستند که پشت سر آنها نمی توان نماز خواند: اول آنکه مجهول الحال باشد (یعنی مذهب و اعتقادش معلوم نباشد)، دوم آنکه غالی مذهب باشد گرچه در ظاهر اظهار تشیع کند و خود را شیعه بداند، سوم کسی که فسق او نمایان باشد گرچه زیاد روی هم نکند.[2]

۱۱۲۴). امام جواد و امام هادی علیهما السلام فرمودند: « **من قال بالجسم فلاتعطوه شيئا من الزكاة، ولا تصلوا خلفه** » کسی که قائل به جسمانیت خداوند متعال باشد، برای او چیزی از زکات ندهید و پشت سر او نماز میخوانید.[3]

۱۱۲۵). ابی ذر رضی الله عنه گوید: « **إن إمامك شفيعك إلى الله عزوجل فلا تجعل شفيعك سفيها و لا فاسقا** » همانا امام تو شفیع تو نزد خداوند عزوجل است، پس شفیع خود را شخص نادان و فاسق قرا مده.[4]

۱۱۲۶). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: مرد ختنه نشده امام جماعت برای دیگران نشود اگر چه قرائتش از همه بهتر باشد زیرا وی بزرگترین سنّت را ضایع نموده و شهادتش به همین خاطر مقبول نبوده و وقتی از دنیا برود بر جنازه اش نماز نباید خواند مگر آنکه ترک ختان به خاطر این باشد که بر نفس خود خوف از آن داشته مثلا احتمال قوی می داد در صورت اقدام به ختان تلف شود.[5]

۱۱۲۷). امام صادق علیه السلام در حدیث فرمودند: پنج کسی نمی توانند در هیچ حالی امام جماعت

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۴،ح۱۱۱۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۲،ح۹۸.
[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۴،ح۱۱۱۰. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۴،ح۱۰۹.
[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۴،ح۱۱۱۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۱۳،ح۸۴۰.
[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۳،ح۱۱۰۲. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۴،ح۱۰۷.
[5] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۳،ح۱۱۰۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۴،ح۱۰۸.

شوند از جمله آنها دیوانه و یا کسی است که از زنا متولد شده باشد.[۱]

۱۱۲۸). امیرالمومنین علیه‌السلام فرمودند: « **لا يصلين أحدكم خلف المجنون وولد الزنا** » هیچ یک از شما پشت سر دیوانه و کسی که از زنا متولد شده است نماز نگذارد.[۲]

۱۱۲۹). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **ان عليا عليه‌السلام كان يقول: لابأس أن يؤذن الغلام قبل ان يحتلم، ولا يؤم حتى يحتلم فان أم جازت صلاته وفسدت صلاة من خلفه** » امیرالمومنین علیه‌السلام می فرمودند: اشکالی ندارد که پسر بچه پیش از آنکه محتلم شود اذان بگوید، ولی امام جماعت نشود مگر آنکه محتلم شده و به سن بلوغ برسد،اما اگر قبل از آن که محتلم شده امامت کند نماز خود او درست و نماز کسانی که به او اقتدا کرده اند باطل است.[۳]

نماز آیات

۱۱۳۰). امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: هنگامی که ابراهیم فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وفات یافت، سه سنت در او جاری شد آن که با وفات یافت او خورشید گرفت.

مردم گفتند: خورشید برای وفات فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گرفته است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بالای منبر رفت و حمد و ثنای خداوند گفت، آنگاه فرمود: « **يأيهاالناس إن الشمس والقمر آيتان من آيات الله تجريان بأمره مطيعان له لا تنكسفان لموت أحد ولا لحياته فإذا انكسفتا أو واحدة منهما فصلوا** » ای مردم خورشید و ماه دو نشانه از نشانه های خداوند هستند که به فرمان او در رفت وآمد اند و فرمان بردار او هستند که به مرگ و زندگی کسی گرفته نمی شوند و هر گاه هر دو یا یکی از آنها گرفته شود، نماز (آیات) بخوانید.

---

[۱] کافی،ج۳،ص۲۱۳،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۲۹،ح۹۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۱۳،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۶۳،ح۱۱۰۵.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۲۷۴،ح۱۱۷۰. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۳،ح۱۰۴.

سپس حضرت از منبر فرود آمده و با مردم نماز کسوف خواند.[1]

۱۱۳۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **صلاة العيدين فريضة وصلاة الكسوف فريضة** » نماز عید فطر و قربان واجب است، و نماز خورشید گرفتی واجب است.[2]

۱۱۳۲). حضرت رضا عليه السلام در حدیثی فرمودند: خواندن نماز برای کسوف (خورشید گرفتگی) واجب شده است زیرا کسوف آیه ای است از آیات خدا که نمی دانیم به نشانه رحمت حقّ تعالی ظاهر شده یا به منظور عذاب الهی پدید آمده، رسول خدا صلى الله عليه وآله دوست دارند که امّتشان هنگام ظهور کسوف در مقابل خالق و راحم فزع و جزع و تضرّع نموده تا شرّ آن از ایشان دفع گشته و بدین وسیله از امر مکروه مترتّب بر آن مصون بمانند چنانچه قوم یونس عليه السلام وقتی در مقابل حقّ تعالی تضرّع و جزع و فزع نمودند خداوند عذاب را از آنها برگرداند.[3]

۱۱۳۴). زراره و محمد بن مسلم گویند: « **قلنا لابي جعفر عليه السلام هذه الرياح والظلم التي تكون هل يصلى لها؟ فقال: كل أخاويف السماء من ظلمة أو ريح أو فزع فصل له صلاة الكسوف حتى يسكن** » به امام باقر عليه السلام گفتم: آیا برای این تن بادهایی که می وزند و تاریکی های که پیش می آیند، باید برای آنها نماز (آیات) خواند؟ فرمودند: هر واقعه ترسناک آسمانی که از تاریکی ها و تند باد ها باشد، برای آن باید نماز کسوف (آیات) خواند، تا آرام گیرد.[4]

۱۱۳۵). عبد الرحمن بن ابی عبدالله از امام صادق عليه السلام سوال کرد در باره تند بادها و تاریکی های که در آسمان پدید می آیند و نیز کسوف که واقع می شود، (نماز شان چگونه است).؟

حضرت فرمودند: نماز هر دو یکی است (یعنی از حیث وجوب و کیفیت).[5]

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۶۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۶۹،ح۳۲۹.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۳۹،ح۴۵۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۳۹،ح۲۶۹.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۶۳،ح۱۵۱۰.

[4] کافی،ج۳،ص۲۶۵،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۶۷،ح۱۵۲۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۷۰،ح۳۳۰.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۶۳،ح۱۵۰۹.

۱۱۳۶). سلیمان دیلمی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: زلزله چیست؟ فرمودند: آیت و نشانه ای از خداوند متعال است. بعد گفت: وقتی زلزله آمد چه باید بکنم؟ فرمودند: نماز کسوف (آیات) بخوان.[۱]

۱۱۳۷). جمیل بن دراج گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: وقت نماز کسوف از ساعتی است که خورشید گرفته می شود؛ خواه هنگام طلوع آفتاب باشد خواه هنگام غروب آن.

راوی گوید: همچنین آن حضرت فرمودند: نماز کسوف، واجب است.[۲]

۱۱۳۸). محمد بن مسلم گوید: از یکی از دو امام علیهماالسلام در مورد نماز کسوف (آیات) در وقت فریضه پرسیدم؟ حضرت فرمودند: ابتداء فریضه را بجای آور. به آن حضرت گفته شد: اگر در وقت نماز شب باشد چه؟ فرمودند: نماز کسوف را پیش از نماز شب بخوان.[۳]

۱۱۳۹). فضیل بن یسار و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر علیه‌السلام عرض کردیم: کسی وقتی که صبح می شود از خسوف باخبر می شود و یا وقتی که شب می شود بداند که در طول روز کسوف واقع شده است و او بعد از واقعه مطلع شود، آیا باید قضای نماز آیات را بخواند؟

فرمودند: اگر قرض ماه یا خورشید به کلی گرفته باشد قضا میکنی و اگر بخشی از آن گرفته باشد (و بعدا با خبر شوی) قضاء آن بر تو نیست.[٤]

۱۱۴۰). زراره و محمد بن مسلم گویند: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اگر تمام قرص خورشید گرفته باشد و از این موضوع خبر نداشتی و پس از آن با خبر شوی، قضای نماز آیات بر عهده توست و اگر تمام قرص نگرفته باشد (و بعدا با خبر شوی) قضای آن لازم نیست.[٥]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۶۵،ح۱۵۱۴.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۶۵،ح۴.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۶۵،ح۵.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۶۸،ح۱۵۲۹.

[٥] کافی،ج۳،ص۲۶۵،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۷۳،ح۳۳۶.

۱۱۴۱). در روایتی دیگر آمده است که: اگر کسی از کسوف آگاه باشد، ولی نماز را فراموش کند باید قضای آن را بجا آورد، ولی اگر از کسوف آگاهی نداشته قضای آن لازم نیست بشرطی که تمام قرص خورشید نگرفته باشد.[1]

۱۱۴۲). علی بن فضل واسطی گوید: به امام رضا نامه عليه السلام نوشتم و از حضرت پرسیدم: هرگاه خورشید، یا ماه بگیرد و من بر مرکب سواره باشم و نتوانم پیاده شوم، چه باید بکنم؟

حضرت در پاسخ من نوشتند: در همان مرکبی که هستی نماز بخوان.[2]

۱۱۴۳). روح بن عبدالرحیم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا نماز کسوف (آیات) به جماعت خوانده می شود؟ فرمودند: با جماعت و غیر جماعت (بجا آورده می شود).[3]

۱۱۴۴). محمد بن یحیی ساباطی می گوید: از حضرت رضا عليه السلام پرسیدم: آیا نماز کسوف با جماعت خوانده می شود، یا فرادی؟ فرمودند: هر طوری که می خواهی بخوان.[4]

کیفیت نماز آیات

۱۱۴۵). فضیل، زراره، برید و محمد بن مسلم روایت کرده اند که امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام فرمودند: بدرستی که نماز خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی و لرزش شدید و زلزله، ده رکوع و چهار سجده دارد که رسول خدا عليه السلام در حالیکه مردم پشت سر آن حضرت بودند آن را برای خورشید گرفتی خواند و وقتی از نماز فارغ شدند گرفتگی خورشید برطرف شده بود.

و همچنین روایت کرده اند که: نماز در مورد همه این آیات برابر است و شدیدترین و طولانی ترین آن، نماز خورشید گرفتگی است که ابتدا برای افتتاح نماز تکبیر می گویی و سپس حمد و

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۶۵،ح۶.

[2] کافی،ج۳،ص۲۶۵،ح۷. من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۶۸،ح۱۵۲۸.

[3] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۲۳،ح۸۸۲.

[4] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۲۵،ح۸۸۹.

یک سوره قرائت می کنی و سپس به رکوع می روی و بعد سر از رکوع بر می داری و حمد و سوره دیگری می خوانی و به رکوع دوم می روی سپس سر از رکوع بر می داری و حمد و سوره می خوانی و به رکوع سوم می روی و بعد سر از رکوع بلند می کنی و دوباره حمد و سوره می خوانی و به رکوع چهارم می روی و بعد از سر برداشتن از رکوع حمد و سوره می خوانی و به رکوع پنجم می روی و سپس سر از رکوع بلند می کنی و می گوئی : « سمع الله لمن حمده » و سپس به سجده می روی و دو سجده انجام می دهی و بعد از جا بلند می شوی و هر آنچه در رکعت اول انجام دادی، در رکعت دوم هم انجام می دهی (آنگاه تشهد خوانده و نماز را سلام میدهی).

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: اگر یک سوره را بین پنج رکوع تقسیم کند چطور است؟

حضرت فرمودند : در این صورت یک سوره حمد در مرتبه اول برای آن کفایت می کند ولی اگر یک سوره کامل می خواند باید همراه هر سوره یک حمد نیز بخواند. و قنوت آن قبل از رکوع دوم و بعد از قرائت است و همچنین قبل از رکوع چهارم و ششم و هشتم و دهم، قنوت انجام داده می شود.[1]

نماز عید فطر و قربان

۱۱۴۶). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **صلاة العیدین فریضة وصلاة الکسوف فریضة** » نماز عید فطر و قربان واجب است، و نماز خورشید گرفتی واجب است.[2]

۱۱۴۷). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **لا صلاه یوم الفطر و الاضحی الا مع الامام** » در روز فطر و قربان نمازی نیست ، مگر با امام .[3]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۷۱،ح۳۳۳.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۳۹،ح۱۴۵۳. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۳۹،ح۲۶۹.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۳۹،ح۱۴۵۶. الاستبصار،ص۲۵۲،ح۱.

۱۱۴۸). همچنین فرمودند: « **من لم یصل الامام فی جماعه یوم العید فلا صلاه له و لا قضاء علیه** »کسی که در روز عید با امام ، در جماعت نماز نخواند، نمازی ندارد و قضایی هم ندارد.[۱]

۱۱۴۹). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در مورد نماز عید فطر و قربان پرسیدم؟ فرمودند: نماز عید نیست مگر با امام.[۲]

۱۱۵۰). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لیس في یوم الفطر والاضحی أذان ولا إقامة ... ومن لم یصل مع إمام في جماعة فلا صلاة له ولا قضاء علیه** » نماز عید فطر و قربان اذان و اقامه ندارد، و هر کس آنها را همراه امام با جماعت بجا نیاورد، برای او نماز (کاملی) نیست، و این دو نماز قضاء هم ندارد.[۳]

۱۱۵۱). یکی از دو امام علیهما السلام فرمودند: نماز عید فطر و قربان بر مقیم واجب است (نه شخص مسافر) و نماز نیست مگر با امام.[٤]

بیان: از این احادیث دانسته می شود که نماز عیدین واجب است و وجوب آنها مختص به زمان حضور امام معصوم نیست، و مراد از امام، امام جماعت است، یعنی نماز عید فطر و قربان نیست مگر با جماعت و همراه با امام جماعت چنانچه مرحوم علامه قدس سره در بحار[٥] و غیر آن فرموده[٦] و جمعی از اعلام به آن اشاره نموده اند[٧] اما قائل شدن به اینکه نماز عیدین در زمان غیبت مستحب است اولا که کلامی است بدون نص و همچنین خلافت نص چرا اگر قائل به آن باشیم که مراد از امام، امام معصوم است پس در زمان

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۴۰،ح۲۷۳. الاستبصار،ص۲۵۲،ح۲.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۴۰،ح۲۷۵. الاستبصار،ص۲۵۲،ح۳.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۶۲،ح۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۱۸،ح۸۶۲.

[٥] بحارالانوار،ج۷۸،ص۳۵۵.

[٦] مرآت العقول،ج۱۵،ص۴۳۰. ملاذ الاخبار،ج۵،ص۵۴۸.

[٧] حدائق الناظره،ج۱۰،ص۱۹۹.

غیبت نمازی نیست چنانچه که در روایات بیان شد، و ثانیا قائل شدن به نفی وجوب آن کاری خلاف احتیاط است.

۱۱۵۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا صلاه فی العیدین الا مع الامام فان صلیت وحدك فلا باس** » در عید فطر و قربان نمازی نیست ، مگر با امام و اگر فرادی نماز خواندی ، اشکالی ندارد.[۱]

۱۱۵۳). همچنین آن حضرت فرمودند: « **لا بأس بأن تصلي وحدك ولا صلاة إلا مع إمام** » اشکالی ندارد نماز (عید فطر و قربان را) فرادی بخوانی، ولی نماز نیست مگر با امام.[۲]

بیان: این دوحدیث محمول بر استحباب است، یعنی نماز عید فطر و قربان با امام جماعت واجب و بصورت فرادی مستحب است، و همچنین مستحب است کسی که نماز عیدین با جماعت از او فوت شده آن را بصورت فرادی بجا آورد.

۱۱۵۴). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: کسی که جماعت را در عید فطر و قربان درک نمی کند و از او فوت می شود، غسل کرده و خود را خشبو کند و عطر بزند، و به تنهایی در خانه خود نماز بخواند، به همان ترتیبی که در جماعت می خواند.[۳]

۱۱۵۵). اسماعیل بن جابر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا نماز عید فطر و قربان اذان و اقامه دارد؟ فرمودند: « **ليس فيهما أذان ولا إقامة، ولكن ينادي الصلاة ثلاث مرات** » در این دو اذان و اقامه نیست، ولکن سه بار نداده می شود: « **الصلاة** ».[٤]

۱۱۵۶). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **صلاة العيدين ركعتان بلا اذان ولا اقامة ليس قبلهما ولا بعدهما شئ** » نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، در این دو اذان و اقامه نیست و

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۳۹،ح۱۴۵۵. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۴۰،ح۲۷۴. الاستبصار،ص۲۵۳،ح۷.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۱۸،ح۸۶۱.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۳۹،ح۱۴۵۹. تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۴۷،ح۲۹۷.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۴۱،ح۱۴۶۹.

بعد از دو رکعت یا قبل از آن هم نمازی نیست .[1]

۱۱۵۷). سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسید: چه هنگامی از صبح باید بسوی مصلی برای نماز عید فطر و قربان رفت؟ فرمودند: بعد از طلوع خورشید.[2]

۱۱۵۸). حضرت امام باقر عليه السلام فرمودند: « **ليس في يوم الفطر والاضحى أذان ولا إقامة ، أذانهما طلوع الشمس اذا طلعت خرجوا** » نماز عید فطر و قربان اذان و اقامه ندارد، اذان آنها طلوع خورشید است که هرگاه طلوع کند مردم بسوی نماز عید خارج می شوند.[3]

۱۱۵۹). حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: در نماز عید فطر و قربان هرگاه پنج نفر یا هفت نفر باشند برای (خواندن) نماز جمع می شوند همچنان که در نماز جمعه رفتار می کنند، و نیز فرمودند: در رکعت دوم قنوت می خوانند. روای گوید: عرض کردم: آیا می شود بدون عمامه نماز خواند؟ فرمودند: بله، ولی عمامه نزد من محبوب تر است.[4]

کیفیت نماز عیدین

۱۱۶۰). علی بن ابی حمزه گوید: حضرت امام صادق عليه السلام درباره نماز عید فطر وقربان فرمودند: نماز گزار تکبیر می گوید و (حمد و سوره ای) قرائت می کند، سپس پنج تکبیر می گوید و میان هر دو تکبیر قنوت می خواند (که پنج قنوت می شود) آنگاه تکبیر هفتم را می گوید و به رکوع می رود و پس از آن سجده می کند، سپس برای رکعت دوم بر می خیزید قرائت می کند و چهار تکبیر می گوید و بین هر دو تکبیر قنوت می خواند (که چهار قنوت می شود) و آنگاه تکبیر (پنجم را) گفته و به رکوع می رود، (و سجده انجام می دهد و تشهد می خواند و

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۱۳۹،ح۲۷۱. الاستبصار،ص۲۵۳،ح۱.

[2] تهذیب الاحکام،ج۳،ص۳۱۷،ح۸۵۹.

[3] کافی،ج۳،ص۲۶۲،ح۱.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۵۱،ح۱۴۸۴.

نماز را سلام می دهد).[۱]

۱۱۶۱). معاویه بن عمار گوید: از امام ؑ در باره نماز عید فطر وقربان پرسیدم"؟ فرمودند: دو رکعت است و پیش از آن دو رکعت و بعد از آن (نمازی واجب و یا نافله ای) نیست، این دو نماز اذان و اقامه ندارد و نماز گزار در آن دو رکعت دوازده تکبیر می گوید، با تکبیر (اول) نماز را شروع می کند، سپس سوره حمد و پس از آن سوره « **وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا** » را قرائت می کند، سپس پنج تکبیر می گوید (که بین هر دو تکبیر قنوت می خواند) آنگاه تکبیر هفتم را گفته و به رکوع می رود و پس از آن دو سجده بجا می آورد. آنگاه بر می خیزد و سوره حمد و « **هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ** » را می خواند، سپس چهار تکبیر میگوید (که میان هر دو تکبیر قنوت می خواند و تکبیر پنجم را گفته و به رکوع می رود) و دو سجده انجام می دهد و تشهد را می گوید و سلام می دهد.

و بعد فرمودند: رسول خدا ﷺ چنین انجام داد، خطبه این نماز بعد از نماز است و خطبه پیش از نماز را عثمان بدعت نهاد. هنگامی که امام خطبه (اول) را خواند باید میان دو خطبه اندکی بنشیند. شایسته است امام در روز عید فطر و قربان رداء بپوشد، عمامه بر سر نهد چه زمستان باشد و یا تابستان و برای خواندن نماز به صحرا رود و کران تا کران آسمان را بنگرد و بر روی حصیر نماز نخواند و بر آن سجده نکند. سنت رسول الله ﷺ چنین بود که بسوی بقیع می رفت و در آنجا با مردم نماز می خواند.[۲]

۱۱۶۲). امام صادق ؑ فرمودند: میان هر دو تکبیر (یعنی در قنوت) نماز عید فطر و قربان می گویی: « **اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَهِ وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَهِ وَ أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَهِ أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِى جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ ذُخْراً وَ**

---

[۱] کافی، ج۳، ص۲۶۲، ح۵. تهذیب الاحکام، ج۳، ص۱۴۱، ح۲۷۹. الاستبصار، ص۲۵۴، ح۲.

[۲] کافی، ج۳، ص۲۶۲، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۳، ص۱۴۰، ح۲۷۸.

مَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِکَ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِکَ الْمُقَرَّبِينَ وَ رُسُلِکَ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُکَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَکَ عِبَادُکَ الْمُرْسَلُونَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ بِکَ مِنْهُ عِبَادُکَ الْمُرْسَلُونَ »[1]

۱۱۶۳). و همچنین آن حضرت عليه السلام در حديثى فرمودند: بعد از تكبير (در قنوت) نماز عيد فطر و قربان چنين مى گويى: « أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَهِ وَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ الْقُدْرَهِ وَ السُّلْطَانِ وَ الْعِزَّهِ أَسْأَلُکَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ ص ذُخْراً وَ مَزِيداً أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مَلَائِكَتِکَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِکَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُکَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَکَ عِبَادُکَ الْمُرْسَلُونَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ بِهِ عِبَادُکَ الْمُخْلَصُونَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ آخِرُهُ وَ بَدِيعُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُنْتَهَاهُ وَ عَالِمُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مَعَادُهُ وَ مَصِيرُ كُلِّ شَيْ ءٍ إِلَيْهِ وَ مَرَدُّهُ وَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ قَابِلُ الْأَعْمَالِ مُبْدِئُ الْخَفِيَّاتِ مُعْلِنُ السَّرَائِرِ اللَّهُ أَكْبَرُ عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ شَدِيدُ الْجَبَرُوتِ حَيٌّ لَا يَمُوتُ دَائِمٌ لَا يَزُولُ إِذا قَضى أَمْراً فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ اللَّهُ أَكْبَرُ خَشَعَتْ لَکَ الْأَصْوَاتُ وَ عَنَتْ لَکَ الْوُجُوهُ وَ حَارَتْ دُونَکَ الْأَبْصَارُ وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ عَظَمَتِکَ وَ النَّوَاصِي كُلُّهَا بِيَدِکَ وَ مَقَادِيرُ الْأُمُورِ كُلِّهَا إِلَيْکَ لَا يَقْضِي فِيهَا غَيْرُکَ وَ لَا يَتِمُّ مِنْهَا شَيْ ءٌ دُونَکَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ حِفْظُکَ وَ قَهَرَ كُلَّ شَيْ ءٍ عِزُّکَ وَ نَفَذَ كُلَّ شَيْ ءٍ أَمْرُکَ وَ قَامَ كُلُّ شَيْ ءٍ بِکَ وَ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعَظَمَتِکَ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعِزَّتِکَ وَ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِقُدْرَتِکَ وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِمُلْكِکَ اللَّهُ أَكْبَرُ ».[2]

پايان جلد اول از كتاب **عمدة الكلام** در تاريخ بيستم صفر هزار و چهارصد و چهل دو قمرى شروع جلد دوم با احكام روزه خواهد بود، ان شاء الله. والحمدللّه ربّ العالمين و صَلَّـــى اللّهُ على

[1] تهذيب الاحكام،ج۳،ص۱۵۱،ح۳۱۴.

[2] تهذيب الاحكام،ج۳،ص۱۴۳،ح۲۹۰. من لايحضره الفقيه،ج۱،ص۳۴۳،ح۱۴۸۱.

سیّد المرسلینَ مُحمّد النّبی و عترته الطّاهرین.